

شعر و شخصیت شیخ شرف‌الدین بوعلی قلندر

نگارنده: پوهندوی دکتر احمدغنی خسروی*

چکیده

شیخ شرف‌الدین بوعلی قلندر پانی‌پتی، از صوفیان مجذوب و مشهور سده‌های هفتم و هشتم هجری، در شبه‌قاره (هندوپاکستان) بود. او شاعری توانا و آگاه به عرفان اسلامی بوده است. از شیخ شرف‌الدین اشعاری با محتوای عرفانی در قالب‌های غزل و قصیده در دست است، که بحث و بررسی هر کدام دارای اهمیت می‌باشد.

در این جستار برآن بودیم تا با روش توصیفی - تحلیلی، با داده‌های کیفی و با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌یی، ضمن شناساندن شخصیت این شاعر بزرگ، در بُعد شعر و شخصیت او، با قالب‌های مختلف شعری وی، به‌ویژه غزل و رباعی آشنا شده، رابطه آن را با تصوف و اهل قلم برجسته سازیم.

نتیجه این‌که: حضرت شرف‌الدین بوعلی قلندر پانی‌پتی، از شاعران و عارفان شهیر قرن هفتم و هشتم هجری بوده است، که از وی اشعاری در قالب‌های باقی مانده که بیان‌گر تبحر او در شعر عارفانه و در کنار آن نشان از پخته‌گی و صلاحیت شعری می‌باشد.

واژه‌گان کلیدی: شعر، عرفان، بوعلی قلندر، ارادت سلاطین و قالب‌های

شعری.

Ghalib

ISSN

Printed: 2788-4155

Online: 2788-6441

Received Date: 01 / 05 / 2021

Accepted Date: 13 / 10 / 2021

Poetry and personality of Sheikh Sharafuddin Bu'ali Qalandar

Author: Dr. Ahmad Ghani Khosrawi (PhD) *

Abstract

Sheikh Sharaf al-Din Bu'ali Qalandar Panipati was one of the fascinated and famous Sufis of the seventh and eighth centuries AH in the subcontinent (India and Pakistan). He was a powerful poet and aware of Islamic mysticism. There are poems by Sheikh Sharafuddin with mystical content in the form of lyric poems and ode, each of which is important to discuss.

In this article, we try to get acquainted with different forms of his poetry, especially sonnets and quatrains, using an analytical-descriptive method with a qualitative approach, while introducing the personality of this great poet in the field of literature and mysticism, and highlight its relationship with Sufism and writers. That Hazrat Sharaf al-Din Bu'ali Qalandar Pani Peti was one of the famous poets and mystics of the seventh and eighth centuries AH, whose poems in the remaining forms show his mastery of mystical poetry and show the maturity and strength of poetry.

Key words: poetry, mysticism, Bu Ali Qalandar, the devotion of kings and poetic forms.

* Academic Cadre of Herat University (ahmadghanikh@gmail.com)

مقدمه

تذکره‌های بعد از عصر بوعلی قلندر، چیزهایی را که راجع به او نوشته‌اند، اغلب عقیده شخصی افراد و گاه با مبالغه همراه است؛ اگر به حالات زنده‌گی او بخواهیم روشنایی بیندازیم، معتبرترین منبع، تصنیف خود او همان «حکمت‌نامه» است، که می‌شود چیزهایی را از آن استخراج کرد. شرف‌الدین بوعلی قلندر، یک‌تن از شاعران و متصوفان نام‌دار قرن هفتم و هشتم در شبه‌قاره هند است. تاکنون پیرامون این شاعر بزرگ پژوهش‌چندانی در جامعه ادبی - فرهنگی فارسی‌زبانان صورت نگرفته است و شخصیت این بزرگ‌مرد تاریخ، در حاله‌یی از ابهام باقی مانده است؛ لذا برای شناخت این شاعر، نیاز به پژوهشی از این دست است؛ این نوشتار بر اساس نیاز مذکور ترتیب شده است. در مورد شرح حال، زنده‌گی و آثار شیخ شرف‌الدین بوعلی قلندر پژوهش‌های اندک شده؛ اما در ارتباط به شعر و محتوای شعر این شخص، کاری صورت نگرفته است.

هدف اصلی این پژوهش، شناخت شعر و شخصیت شیخ شرف‌الدین بوعلی قلندر است؛ هم‌چنان اهدافی چون: بیان رابطه و ارادت شاهان روزگار او به وی؛ و شناخت قالب‌های شعری بوعلی قلندر را دنبال می‌کنیم.

در همین راستا، پاسخ این پرسش اصلی: شعر و شخصیت شرف‌الدین بوعلی قلندر چه‌گونه است؟ و پرسش‌هایی چون: رابطه این شاعر با شاهان روزگار او چه‌گونه است؟ و قالب‌های شعری وی کدام‌ها‌یند؟ را درخواهیم یافت.

داده‌های کیفی این پژوهش، به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار کتاب‌خانه‌یی شکل گرفته و نتایج بیان‌گر این است که: حضرت شرف‌الدین بوعلی قلندر پانی‌پتی، از شاعران و عارفان شهیر قرن هفتم و هشتم هجری بوده است، که از وی اشعاری در قالب‌های شعری باقی مانده که بیان‌گر تبحر او در شعر عارفانه و در کنار آن نشان از پخته‌گی و صلابت شعری وی می‌باشد؛ نیز می‌گویند که وی با مولانا رابطه معنوی قوی و محکم داشته؛ هرچند بعضاً بر این باور اند که وی با مولانا جلال‌الدین محمد بلخی دیدار نیز داشته است.

زنده‌گی شیخ شرف‌الدین بوعلی قلندر

پدر شیخ شرف‌الدین بوعلی قلندر، فخرالدین سالار در سال ۶۰۰ هجری از عراق به هندوستان رفته و چهار سال بعد، تولد بوعلی قلندر در سال ۶۰۴ اتفاق افتاده است؛ ولی تذکره اولیای کرام و بزم صوفیه ولادت بوعلی را سال ۶۰۵ در پانی‌پت نوشته‌اند (اعظمی؛ ۱۹۸۵: ۱۳۳).

مادر بوعلی قلندر، ماجده، خواهر مولانا سیدنعمت‌الله همدانی بود و فارسی، زبان مادری‌اش بود. بوعلی در اوایل عمر خود غرض آموختن علوم مروج در حلقه درس علمای عصر خود اشتراک نموده

است. از نوشته کتاب *شرف المناقب* چنین برمی آید که استاد بوعلی مولانا سراج الدین مکی بوده است (ماندوی؛ بی تا: ۱۰۰).

مولانا سیدمحمد میان می نویسد: «مولانا سراج الدین مکی، استاد این عاشق الهی بوده و صدویست سال عمر شان بود» (۱۹۶۳: ۳۶-۳۷).

شیخ شرف الدین بوعلی، بعد از چهل سال زنده گی در پانی پت، روانه دهلی گردیده، در جوار قطب منار مشغول درس و تدریس شد. در حکم نامه آمده است: «آن روز عمر این درویش چهل سال بود در قطب منار دهلی سکونت می کردم و آن چه مطلوب بود، از خدای تعالی می خواستم» (همان: ۱۲). نظر به بصیرت علمی شیخ بوعلی قلندر، تمام حلقه های سیاسی و علمی از او پستی بانی نموده، ارباب حکومت، منصب قضا را به او سپردند. او بیست سال در این منصب کار نمود. در این دوران گروهی از علما مخالف او شده، که در رأس آنها مولانا سراج الدین و مولانا امیرعلی بودند؛ لیکن مشاهیر علما و فضلاء نام دار عصر، به شیخ شرف الدین بوعلی، احترام و ارادت خاصی داشتند. مولانا صدرالدین، مولانا ناصرالدین، مولانا قطب الدین مکی، مولانا وجیه الدین پایلی، قاضی ظهورالدین بجواری، قاضی حمیدالدین، مولانا فخرالدین ناقله، مولانا احمد بخاری، مولانا نجیب الدین سمرقندی و مولانا معین الدین دولت آبادی، که همه علمای جلیل القدری بودند، که به شخصیت، معرفت و تجربه علمی وی معترف بوده اند.

عمر شیخ شرف الدین بوعلی قلندر، ۱۲۰ سال گفته شده؛ و در ۱۳ رمضان ۷۴۲ وفات نموده است. مقبره ایشان در منطقه مردمان پائین کرنال پانی پت واقع است. تاریخ وفات او در قطعات مختلف ذکر شده، که به حساب حروف ابجد؛ «شرف الدین ابدال» الهدیة چشتی، یعنی ۷۴۲ هجری قمری می باشد (سیرالاقطاب؛ ۱۹۱۳: ۱۹۱).

بوعلی اشرف و نجیب و شریف	وصل شد چون به وصل رب ودود
ارتحالش شرف ولی زمان	نیز فرما شرف ولی زمان
باز شد سن رحلتش پیدا	زیب عالم قلندر مسعود

(همان: ۱۹۱)

غلام سرور لاهوری، تاریخ وفات بوعلی قلندر را مطابق به این اشعار می داند:

چون شرف از جهان به جنت رفت	متصل شد به وصل رب ودود
سال وصلش شرف ولی زمان	نیز فرما شرف ولی محمود
بار دیگر شرف سعید بگو	سال ترحیل آن شه باوجود
نیز شد سال رحلتش پیدا	زیب عالم قلندر مسعود

(همان: ۷۴۲)

بعد از وفات بوعلی شاه قلندر، خضرخان و شادی‌خان، فرزندان علاء‌الدین خلجی در کنار مقبره او درگاهی شان‌دار و مدرسه‌یی را اعمار نمودند، که تا امروز همان درگاه، زیارت‌گاه خاص و عام بوده است، که همه‌روزه مردمان جهت زیارت و تولا به درگاه شیخ بوعلی می‌روند و همه‌ساله عرس شیخ نیز در همان درگاه برگزار می‌گردد. در شب عرس بوعلی شاه قلندر، ده‌ها هزار تن از مخلصان وی، اعم از هندو و مسلمان آن‌جا جمع می‌شوند (قطب‌الدین احمد؛ ۱۳۱۳: ۱۴۸).

راه‌یابی بوعلی قلندر به مسیر تصوف

باوجود همه این‌ها به خاطر نکته‌چینی و بدگویی تنی چند از رقبای خویش، شیخ شرف‌الدین بوعلی از درس و فتوانویسی دست‌بردار شده، راه تصوف را اختیار کرد. شیخ شرف‌الدین نظر به شوق و جذبه‌یی که بر وی غالب شد، بر تمام علوم (علم شریعت، طریقت، حقیقت و معرفت)، غلبه حاصل نمود. وقتی مشغول ریاضت و مجاهده شد، از شهر و از سوی آبادی روی به صحرا نمود و کتاب‌های علمی و فنون خود را به دریا انداخت. صاحب‌*اخبار/الاخیار* در این زمینه می‌نویسد: «شرف‌الدین پانی‌پتی که او را قلندر نیز می‌گویند، از مشاهیر مجاذیب اولیاست. می‌گویند که در اوایل حال تحصیل علم کرد و در طریقت مجاهده و سلوک و ریاضت نمود. در آخر مجذوب شد و کتاب‌ها را در آب انداخت» (به نقل از: دهلوی؛ ۱۲۸۰: ۱۲۴).

مؤلف خزینة‌الاصفیا در مورد بوعلی قلندر، این‌طور می‌گوید: «از اولیای نام‌دار و از مجاذیب باوقار و مشایخ صاحب‌الاسرار چشت اهل بهشت است. در اوایل حال تحصیل علم کرد و طریق مجاهده پیش گرفت، چون جذب و سکر به نهایت رسید، کتاب‌ها را در دریا انداخت و ارادت به خاندان چشت آورد» (به نقل از: لاهوری؛ ۱۲۸۰: ۱ / ۳۲۶).

در روایتی آمده که شیخ شرف‌الدین قلندر، با خواجه بختیارالدین کاکای، خلیفه و جانشین حضرت شیخ معین‌الدین چشتی _ علیه‌الرحمه _ و حضرت شیخ نظام‌الدین اولیا ارتباط و ارادتی خاص داشت؛ ولی شیخ عبدالحق محدث دهلی در کتاب *اخبار/الاخیار* این ارادت را تصدیق نمی‌کند: «نسبت ارادت او به یکی از این مشایخ مشهور نیست، بعضی گویند به خواجه قطب‌الدین بختیار کاکای ارادت داشت و بعضی گویند شیخ نظام‌الدین اولیا و هیچ‌یک از این دو به صحت نرسیده است» (به نقل از: دهلوی؛ ۱۲۸۰: ۱۲۵).

صاحب‌الهدیه چشتی در *سیرالاقطاب* ارادت قلندر و خلافت ایشان به شیخ قطب‌الدین بختیار کاکای می‌گوید: «نسبت شجره و خلافت به قطب‌الاقطاب حضرت شیخ قطب‌الدین بختیار کاکای اوشی قدس‌الله سره‌العزیز می‌پیوندد و بدین طریق حضرت قطب ابدال شیخ شرف‌الدین بوعلی قلندر قدس سره مرید و خلیفه حضرت شیخ شهاب‌الدین عاشق خدا و هو من حضرت شیخ امام‌الدین ابدال

و هو من حضرت شیخ بدرالدین غزنوی و هو من حضرت قطبالاقطاب خواجه قطب‌الدین بختیار اوشی قدس الله تعالی» (سیرالاقطاب؛ ۱۹۱۳: ۴۹).

در حکم‌نامه، این روایت مشکوک به نظر می‌رسد، که حضرت شرف‌الدین قلندر مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و شیخ شمس‌الدین تبریزی را ملاقات نموده و از این دو شیخ بزرگوار خرقه خلافت گرفته باشد؛ به‌رحال، این موضوع مشخص نشده که شیخ شرف‌الدین بوعلی شاه از هندوستان خارج شده است یا نه؟ در روایتی از حکم‌نامه این حرف تصدیق می‌گردد که شیخ بوعلی شاه تا عمر چهل سالگی را در پانی پت گذرانده است، در دهلی سلسله درس و تدریس را شروع کرد و به مسند قضاوت دهلی رسید؛ بیست سال در این عرصه کار کرد و بعد از این کار سبک‌دوش شده در عالم سکر و سهو در مضافات پانی‌پت به سر برده است. این که شیخ بوعلی شاه قلندر به خراسان رفته و یا چه‌گونه رفته است، از روایت حکم‌نامه چندان واضح نیست؛ اما این سخن حکم‌نامه دور از واقعیت نیست، و این که میان شیخ شرف‌الدین بوعلی شاه و علما و مشایخی چون مولانا ضیاء‌الدین سنایی، خواجه شمس‌الدین ترک، مولانا نجم‌الدین قلندر، کبیرالاولیا شیخ جلال‌الدین پانی‌پتی، حضرت شیخ نظام‌الدین اولیا و حضرت امیر خسرو دهلوی ارادت و محبت زیادی وجود داشته است.

ارادت شاعران و سلاطین عصر به بوعلی شاه قلندر

امیرخسرو دهلوی، هم‌راه با هدایای سلطان علاء‌الدین خلجی، که آن را همیشه به شیخ بوعلی شاه می‌برد، با او دیدار می‌نمود. اشعار خود را به او می‌شنوید و اشعار شیخ را می‌شنید. امیر خسرو دهلوی یک‌بار این غزل خود را به شیخ بوعلی شاه خواند:

ای که گویی هیچ سخنی جز فراق یار نیست	گر امید وصل باشد، آن چنان دشوار نیست
عاشقان را در جهان یک‌سان نباشد روزگار	زان که این انگشت‌ها بر دست من هم‌وار نیست
خلق را بیدار باید بود از آب چشم من	این که عجب کان وقت می‌گیرم که کس بیدار نیست
یک‌قدم بر نقش خود وان دیگر در کوری دوست	هرچه بینی دوست بین با این و آنت کار نیست
چندگویی برو زنار بند ای بت‌پرست	بر تن خسرو کدامی رگ که آن زنار نیست

(به‌نقل از: عبدالرحمن؛ ۱۹۸۲: ۲۹۲)

بوعلی شاه قلندر، با گوش‌دادن به غزل امیر خسرو دهلوی او را مورد تحسین و تقدیر قرار داده و خود فی‌البدییه غزلی را، که بیان‌گر ذوق شعری و پخته‌گی کلام اوست این‌گونه سرود:

دیهیم خسروان بر نعل اشتر است	خسرو کسی که حلقه تجرید بر سر است
گفتم به علم و عقل به ملک دگر شدم	ملکم ز عقل دین چو دیدم فزون‌تر است
سیمرغ‌وار روی نهفتم به قاف عشق	کو عارفی که منظر او عشق اکبر است

عقل کل است علم لدنی به عارفان
 این عقل و علم جسمی و رسمی مختصر است
 درس شرف نبود از الواح ابجدی
 لوح جمال دوست مرا در برابر است
 (به نقل از عبدالرحمن: همان جا)

علامه اقبال لاهوری هم این ملاقات امیر خسرو دهلوی و شیخ بوعلی شاه را با بیانی زیبا توصیف می‌نماید:

خسرو شیرین‌زبان رنگین‌بیان
 نغمه‌هایش از ضمیرش کن فکان
 فطرتش روشن مثال ماه‌تاب
 گشت از بهر سفارت انتخاب
 چنگ را پیش قلندر چون نواخت
 از نوای شیشه‌ء دجانش گداخت
 شوکنی کو پخته چون که‌سار بود
 قیمت یک نغمه‌ء گفتار بود
 نیش‌تر بر قلب درویشان مزن
 خویش را در آتش سوزان مزن
 (لاهوری؛ ۱۸۷۶: ۲۴)

در آن زمان، مردمان عام و خاص، سلاطین، امرا، شاه‌زاده‌گان عقیده‌یی خاص به شیخ شرف‌الدین بوعلی شاه داشتند و ابراز عقیدت و اخلاص شان را به بوعلی شاه یک سرمایه‌ معنوی و مایهٔ افتخار می‌دانستند؛ چنان‌که سلطان جلال‌الدین خلجی، سلطان علاء‌الدین خلجی، مبارک خان، سلطان غیاث‌الدین تغلق شاه، پای صحبت شیخ بوعلی شاه می‌نشستند و از ارشادات شیخ بوعلی شاه کسب فیض می‌کردند؛ بوعلی شاه قلندر تغلق شاه را عزیز دانسته، درحالی‌که او نه شاعر دربار بود و نه هم قصیده‌سرای مداح؛ با آن‌هم موافق طبیعتش بود که قصیده‌شان‌داری را برای سلطان غیاث‌الدین تغلق شاه بسراید و این‌گونه تغلق خاطر خویش را به او نشان دهد:

دهان و لب و قد و شخصیت‌نگار هست سیمین‌بر
 یکی راحت، یکی بسته، یکی سرو و یکی عرعر
 شه اعظم غیاث‌الدین که از او آتش مشرف شد
 یکی تخت و یکی بخت و یکی خاتم یکی افسر
 به عزم و جزم و کر و فر هیبت بی‌سراندیشان
 یکی بهمن، یکی کسری، یکی دارا، یکی نوذر
 چو او شاهی به عالم در نیامد از عدم بی‌شک
 یکی عادل، یکی باذل، یکی ضابط، یکی داور
 زهی شاهی که در حلم و حیا و عدل و بذل وحی
 یکی بکر و یکی عمر و یکی عثمان یکی حیدر
 تویی شاهها در این عالم به رزم، دست‌و‌دل
 یکی حاتم، یکی رستم، یکی خاقان، یکی سرور

صاحب خزینة الاصفیاء، بیان می کند که: «علاءالدین و جلالالدین، پادشاهان دهلی هم حلقه ارادت آن حضرت به گردن خود داشتند» (لاهوری؛ ۱۲۸۰: ۱ / ۳۲۷).

در عهد پادشاهی سلطان علاءالدین خلجی، یک تن از بلندرتبه گان حکومتی، به اسم خواجه سرملک نائب، یک تن از درویش بوعلی شاه قلندر را اذیت کرده بود، و شیخ شرفالدین در این ارتباط نامه یی احتجاجی به خاطر ظلم مأمور حکومتی به سلطان علاءالدین خلجی نوشت، و صاحب کتاب مرآة الکوین این موضوع را این گونه بیان می کند: «علاءالدین شحنه را اعلام، آن که خواجه سرای یکی از درویشان را رنجانید و عرش الرحمن را به لرزه آورد، اگر او را به سزا رسانیدی بهتر و الا به جای تو شحنه دیگر به دهلی نشانیده خواهد شد» (لاهوری؛ ۱۹۷۶: ۲۳۷).

این واقعه را علامه اقبال لاهوری در اسرار و رموز خود به نظم آورده و آن را نتیجه عشق و محبت به حساب آورده است، و این را که چه گونه حکمرانان قدرت مندی چون شاهان خلجی و سلطان غیاث الدین بلبن تابع او بوده اند این گونه به نظم می آورد:

با تو می گویم حدیث بوعلی	در سواد هند نام او جلی
آن نوا پیرائی گلزار کهن	گفت با ما از گل رعنا سخن
خطه این جنت آتش نژاد	از هوای دامنش مینوسواد
کوچک ابدالش سوی بازار رفت	از شراب بوعلی سرشار رفت
عامل این شهر می آمد سوار	همرکاب او غلام و چوبدار
پیش رو زد بانگ ای ناهوش مند	بر جلو داران عامل ره میند
رفت آن درویش سرافکنده پیش	غوطه زن اندریم افکار خویش
چوبدار از جام اشک بار مست	بر سر درویش چوب خود شکست
از ره عامل فقیر آزرده رفت	دل گران و ناخوش و افسرده رفت
در حضور بوعلی فریاد کرد	اشکی از زندان چشم آزاد کرد

(لاهوری؛ ۱۸۷۶: ۲۳-۲۴)

شعر و شاعری شیخ شرفالدین بوعلی شاه قلندر

بوعلی شاه قلندر، تنها یک صوفی و قلندر مجذوب نیست؛ بل که نویسنده یی چیره دست و صاحب قلم توانا و شاعری بزرگ نیز به حساب می آید. نثر قوی او در مکتوبات به نام اختیارالدین و حکم نامه شرفالدین درج است.

بوعلی شاه قلندر پانی‌پتی، بیش‌تر از نثر، به شعر، به‌خصوص در قصیده، غزل، مثنوی، قطعه و رباعی به تمام این قالب‌ها دست‌رسی تمام دارد. او خود را یک شاعر پُرگو و هم‌سنگ خاقانی و نظامی به حساب می‌آورد:

شرف در پرتو رویت کلام از قدس آورده نه چون نظم نظامی دان نه چو اشعار خاقانی
(کلام قلندر؛ سال: ۱۲۴)

شیخ بوعلی شاه قلندر، اشعار متقدمان خویش را هم‌واره مطالعه می‌کرد و پیروی از اشعار آنان را مایهٔ فخر و مباهات خود می‌دانست؛ مثل سلمان ساوجی، ظهیر فاریابی و دیگران:

جمال و ساوجی و من برادریم همه همان قدر که بود جامه‌گی مناسب برد
(همان: ۱۰۵)

کردم متابعت به ظهر آن که گفت او شرح غم تو لذت شادی به جان دهد
(همان: ۱۱۰)

شیخ بوعلی شاه قلندر در هندوستان متولد شد؛ لیکن به خراسانی‌بودن و منسوب‌بودن خویش به عراق، هم‌واره افتخار می‌کند. او می‌گفت که شاعربودن او در عراق و خراسان، بیش‌تر از هندوستان است و افسوس می‌خورد، که چرا هندوستانی است:

شرف به هند در عارفی گشاد و فشرد ولی به روم و خراسان ولایتش دانند
(همان: ۱۰۸)

مرا گله ز هندوستانست و هندوی شرف به هند برست ولیکن عراقی‌است
(همان: ۹۹)

آثار بوعلی شاه قلندر

از آثار و تألیفات بوعلی شاه قلندر، دو مثنوی و یک کلیات شعری موجود است. مثنوی *کنز‌الاسرار* و *رسالهٔ عشقیه* او معروف است. مثنوی *کنز‌الاسرار* بوعلی شاه منظوم و شامل حکایات مختلف می‌باشد. *رسالهٔ عشقیه* شامل ۳۶۰ قطعه شعر می‌باشد. کلیات بوعلی، شامل ۱۷۰۰ قطعه شعر بوده، که حاوی قصیده، رباعی، قطعه و غزل می‌باشد. *رسالهٔ عشقیه* شیخ شرف‌الدین بوعلی شاه، مشهورترین مثنوی او به‌شمار می‌رود. به قول یک‌تن از منتقدان هندی: «هر بیتش از متاع عرفان معمور و هر شعرش، عارفان را موجب وجد و سرور».

فهم تمام این عناوین، هم‌راه با افکار، خیالات عقلی و نقلی و علمی شیخ شرف‌الدین بوعلی، منحصر به وی می‌باشد، که در آن زمان در تمام عالم اسلام و میان حلقات تصوفی مروج بوده است. ابیات شامل این عناوین دارای موضوعات عشق الهی، مردان خدا، صوفی زاهد، عارف، فقروفاقه،

قناعت یاد خدا، مسکین، تواضع، ایثار، مجاهده، ریاضت، زهدوتقوا، شاهوگدا، حلال و حرام، ترک دنیا، حرص و هوس و موضوعاتی از این دست است، که هم صوفیان و هم علما از آن در گفتار و نوشتار شان استفاده می کردند. بوعلی شاه این موضوعات را با شرح و بسط بیان نموده، برای ثبوت آن به آیات قرآن مجید، احادیث پیامبر اسلام (صلی الله علیه و سلم) و قول صلحا و عرفا متوسل شده است؛ هم چنین شیخ شرف الدین بوعلی شاه در این اشعار، سلک تصوفی منصور حلاج و بایزید بسطامی را وضاحت داده، خصوصیات مکتب وحدت الوجود و اثرات آن را تشریح نموده است.

غزلیات سید شرف الدین بوعلی شاه

غزلیات بوعلی شاه قلندر پانی پتی، اهمیت زیادی به زبان فارسی و خاصاً به شعر عارفانه این زبان دارد. غزل بوعلی شاه در حد اعلاى معنا آفرینی، قدرت کلام و عظمت شاعرانه قرار دارد. بوعلی شاه در غزل نیز چون مثنوی هایش، فلسفه صوفیانه و موضوع عشق را رشته سخن خود قرار داده است. در غزل های وی، گرمی، حرارت، عشق و زیبایی خاص شاعرانه را می توان حس کرد. منظور از عشق در غزلیات بوعلی شاه، عشق الهی و فنا فی الله می باشد:

خمار عشق تو اندر دماغ زان باقیست که صورت لمن الملک هر زمان ساقیست
ز تو گسستن و از من هزار پیوستن که آن گسستن و پیوستن از تو مشتاقیست
یا

شرف ز عشق تو گشت آن قلندر سرمست که جمله مدعیان از مهابتش مردند
(۹۹-۱۰۵)

از نظر بوعلی شاه قلندر، سینه عاشق صادق، هر دم به آتش منور می باشد و او هر چیز کاینات را به همین نظر می بیند. برای عاشق هیچ چیزی در دنیا حائل شده نمی تواند؛ به همین لحاظ بوعلی شاه قلندر به خاطر عشق الهی از همه چیز خود می گذرد:

تن، غم او را فدا سر می کند جان، غمش را بر سر افسر می کند
کار می گیرد غمش هر ساعت زان که عشقش رنگ من زر می کند
عشق او در سینه ام هر ساعتی دراوگیری دیگر از سر می کند
وای کز عشقش دلم خون گشت، خون بس به خون دیگرم در می کند
(کلام قلندری؛ ۱۸۹۰: ۱۰۵)

جذبه عشق حقیقی در اشعار بوعلی شاه قلندر به حدی فوران می کند و به درجه یی می رسد، که طالب دیدار محبوب حقیقی می شود:

اگر بینم شبی ناگه من آن سلطان خوبان را سری در پای وی آرم فدا سازم دل و جان را

بپرسم از ره یاری که جان چون نئی آخر کجایی کت ترا بینم مست غلطان را
(همان: ۹۷)

بوعلی شاه، بعد از این احساس می‌کند آن‌چه او دربارهٔ عشق انجام داده و بیان می‌کند، ناکافی است. در این راه به جز درد و غم، چیز دیگری نباید دید؛ چراکه این عشق تنها به وسیلهٔ درد و غم کمایی می‌شود، نه چیز دیگر:

مرا غلط مکن اندر حساب عاشقیم که عاشقی است نه بازی جفت یا طاق است
به عشقش دین و دل باز و میندیش که اندر عشق او امر و نواهی است
(همان: ۵۹)

به نظر بوعلی شاه قلندر، عاشق صادق همه وقت به خیال محبوب خود غرق می‌باشد. او با هر چیزی به محبوب خود عشق می‌ورزد و همیشه تعریفش را می‌کند، تا به جایی که در هر چیزی جلوهٔ محبوبش را می‌بیند. بوعلی شاه به جایی رسیده بود که در هر چیزی کاینات جلوهٔ محبوب حقیقی به نظرش می‌آمد و نگاهش به جایی رسیده بود، که همیشه می‌گفت: خالق همه چیز است:

فلک از یک خم ابروش طاقی است ملک با چشم پاکش در تنا قیست
گهی انوار رخسارش چو برقی است گهی اسرار عشقش بر براقی است
(کلام قلندری؛ ۱۸۹۰: ۱۰۰)

بوعلی شاه هم‌واره به این عشق معنوی خود ناز و افتخار می‌کرد و او هم‌واره پُر از نشئهٔ محبت بود و اگر کسی سر او را هم در این طلب می‌کرد، ابایی از آن نداشت؛ چراکه هرگز نمی‌خواست از راه خود بگذرد:

ز عشق روی تتابم اگر سرم برود ملامتی همه عالم بداخترم برود
کجا ز بادیهٔ عشق پای پای کشم اگر چه بار من اُفتد و خرم برود
(همان: ۱۰۴)

بوعلی شاه قلندر در اشعار خود تلمیحات را واضح استعمال می‌کند و در غزلیات خود واقعات تاریخی را ذکر می‌نماید. او با بیان نمودن این واقعات، فلسفهٔ خود را و عشق توحیدی را تقویت تمام نموده است و آن را در کنار معنویت قرار داده است. بوعلی شاه قلندر، موضوعات واقعی تاریخی را که مربوط به رسول اکرم صلی‌الله و علیه و سلم است؛ همچنین واقعات مذهبی و معجزات را به کمال خوبی و وضاحت به نظم کشیده است، که این توانایی و تبحر او را در شعر و سخن نمایان می‌سازد و این کار او از نظر نقادان قابل تحسین و ستایش می‌باشد. شیخ شرف‌الدین بوعلی شاه، معجزات و خصوصیات حضرت آدم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت مریم علیه السلام، مادر حضرت عیسی علیه السلام را به زبانی زیبا به تصویر کشیده، دوستی آن‌ها را دوستی با محبوب راستین و عشق آن‌ها را به خداوند،

عشق واقعی به حساب می‌آورد. معجزه حضرت موسی علیه السلام و بعضی دیگر از پیامبران و اصحاب حق را این گونه به تصویر می‌کشد:

رخ او نور مقدس، لب او روح مصفا
 جعدش افعی موسی، کف او چون ید بیضا
 مریم از قدس لبش حامله روح الله
 آدم از پرتوی رویش ز گلی یافته احیا
 (بوعلی شاه؛ ۱۸۹۰: ۱۰۶)

شیخ شرف الدین بوعلی شاه، حُسن و عشق حضرت یوسف و زلیخا را این گونه بیان می‌کند:
 یوسف از عکس جمالش نگزیدی در حوری
 مست و سرگشته شدی چون که برو بود زلیخا
 (همان: ۹۸)

روان آدم و انوار یوسف مصری
 عیسی به دهر ما نبود جز صلیب دار
 زکات خوبی تو بستند و پروردند
 در دعوی صفا نبود راعی خراست
 عیسی اگر سجد بنارد دم خراست
 با صورتت که سجده روحی همی برند
 (همان: ۱۰۰)

در نهایت در کلام شیخ شرف الدین بوعلی شاه و به طور خاص در غزلیات او، یک قسم ترنم و آهنگ را می‌توان دید. در بعضی اشعارش تنها الفاظ تکرار نگردیده؛ بل که لطف خاصی در آن‌ها وجود دارد، که گویی الفاظ باهم نشست و برخاست می‌کند و شعر او را با حسن بالا و پایین می‌نماید. او پیچیده‌گی شعر را در اشعار گوناگونی به زیبایی خاص تجسم می‌بخشد:

سری پیچم و می‌پیچم، منم پیچیده جانان
 بیا ای عاشق صادق، مگر چندی به دیر افتی
 شرف چون مار می‌پیچد چه بینی مار پیچان را
 برو در گنج ویرانه، بین آن مار پیچان را
 تن بی جان، دل بی جان، من بی جان، جانان را
 بین آن مار پیچان را که از عشقش شرف پیچد
 (همان: ۹۷)

بوعلی شاه قلندر و قالب رباعی

شیخ شرف الدین در هر صنف شاعری با نشان دادن جوهر شاعرانه خود، مسلک و روش صوفیانه خود را به زیبایی خاص نشان می‌دهد؛ هم چنان او که در غزلیاتش این عشق معنوی خود را به نمایش می‌گذارد، در رباعیات هم عشق عارفانه او تجلی خاص خود را دارد. او در رباعیات خویش هم، قدرت و طاقت عشق را وضاحت می‌بخشد، جنبه‌های مختلف آن را بیان می‌کند. او در رباعیات خود هم به عشق صوفیانه خویش افتخار می‌نماید و با سربلندی تمام می‌گوید:

آوازه عشق ما به هر خانه رسید
 از دست غم عشق تو هر جا که روم
 درد دل ما به خویش و بیگانه رسید
 گویند ز ره دور که دیوانه رسید
 (بوعلی شاه قلندر؛ ۱۸۹۰: ۱۱۱)

از دید سیدشرف‌الدین بوعلی شاه، راه عشق بی‌انتهاست و هر صوفی‌یی و یا عالمی در این راه مانند طفل یک مکتب است. بوعلی شاه باوجود ناز و افتخار به عشق، باز خود را زیادت‌تر از گدای درگاه حضرت عیسی علیه‌السلام و خرا و نمی‌دانست:

هر پیر که در عصره عالم نر بود
گر قیمت من به هر دو عالم سنجند
در بازی عشق ما کم از دختر بود
گویی مثلاً بهایی عیسی خر بود
(همان‌جا)

نتیجه‌گیری

از آن چه گفته شد، بدین نتایج دست می‌یابیم که:

_ حضرت شرف‌الدین بوعلی قلندر پانی‌پتی، از عارفان مشهور قرون هفتم و هشتم هجری در شبه قاره هند می‌باشد، که مورد احترام شاعران و سلاطین زمانش قرار گرفته است؛
_ شیخ شرف‌الدین بوعلی قلندر، شاعری بزرگ است، گاهی به پیروی از شاعران قبل و هم‌عصر خود، از جمله سلمان ساوجی، سلمان لاهوری، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، اشعاری سروده و به آن فخر می‌کند؛
_ بوعلی قلندر اشعاری با محتوای عرفانی در قالب‌های غزل، قطعه و رباعی سروده و از وی قصایدی نیز در دست است؛
_ به نظر او جذب‌یابی برای رسیدن به جذبۀ عشق به ذوق و شوق و کوشش ضرورت است. صبر، رضا، توکل، استغنا و قناعت را باید پشت سر بگذاریم تا داخل کوچۀ عشق شویم و این‌که تنها به ریش و لنگی و عمامه، قلندر شده نمی‌توانیم. هر کسی که مقامات را پشت سر نهد، به جذبۀ عشق دست می‌یابد و بس.

پیش‌نهادها

۱. دیوان اشعار شیخ شرف‌الدین بوعلی شاه پانی‌پتی، باید با تنقیح درست تجدید چاپ شود؛
۲. رابطه شیخ شرف‌الدین بوعلی شاه با شاعران بزرگ، از جمله مولانا جلال‌الدین محمد بلخی با تحقیق علمی و همه‌جانبه مشخص گردد؛
۳. راجع به عرفان شیخ شرف‌الدین بوعلی، تحقیقی دقیق و جداگانه صورت گیرد.

سرچشمہ ها

۱. اعظمی، شعیب. (۱۹۸۵). رسالہ معارف. نیودہلی: مکتب جامعہ.
۲. اعظمی، شعیب. (۱۹۸۵). فارسی ادب به عہد سلاطین تغلق. نیو دہلی: مکتب جامعہ.
۳. اقبال، محمد. (۱۹۹۶). فارسی ادب کی ارتقا میں پانی پت. ہند: مطبعہ ایکزور پرنٹرز پتودی ہاوس.
۴. بوعلی شاہ قلندر، شرف الدین. (۱۸۹۰). کلام قلندری. نشر: مطبعہ جت پرشاد میرت.
۵. _____ . (۱۲۲۳ قمری). رسالہ حضرت شاہ بوعلی قلندر. تحریر فضلی اعلیٰ و ذاکر حسین لایبراری. نیودہلی: جامعہ میلیہ اسلامیہ،
۶. _____ . (۱۲۸۵). مثنوی بوعلی شاہ قلندر. تحریر غلام رسول و ذاکر حسین لایبراری. دہلی: بی نام.
۷. سیرالاقطاب. (۱۹۱۳). الہدیہ چشتی. لکنہو: نول کیشور پرس.
۸. عبدالرحمن، صباح الدین. (۱۹۷۱). بزم صوفیہ. بی جا: مطبعہ معارف.
۹. _____ . (۱۹۸۲). تذکرہ اولیای کرام. لاہور: ادبستان.
۱۰. لاہوری، علامہ اقبال. (۱۸۷۶). اسرار و رموز اقبال کا فارسی کلام. لاہور: اقبال اکادمی.
۱۱. _____ . (۱۹۷۶). مرآة الکونین. لاہور: مطبعہ نولکیشور بہ حوالہ اقبال کا محبوب.
۱۲. لاہوری، غلام سرور. (۱۲۸۰). خزینہ الاصفیا. لکنہو: مطبعہ نولکیشور.
۱۳. محدث دہلوی، شیخ عبدالحق. (۱۲۸۰ ہ ق). اخبار الارخیاہ. دہلی: مطبعہ مجتہبائی.
۱۴. میان، مولانا محمد. (۱۹۶۳). پانی پت اور بزرگان پانی پت. دہلی: الجمعیتہ پرس دہلی.

راه کارهای حقوقی بهبود سیاست جنایی مشارکتی افغانستان

در قبال خشونت علیه زنان

نگارنده: دکتر عبدالملک وحیدی *

چکیده

خشونت علیه زنان، در قالب انواع پدیده‌های مجرمانه رخ می‌دهد. در رویارویی با این پدیده، از یک سو پاسخ‌های رسمی دولتی، مؤثر نبوده است و از سوی دیگر پاسخ‌های جامعه‌وی مبتنی بر سیاست جنایی مشارکتی، نهادینه نشده است؛ زیرا سیاست فوق در افغانستان، با چالش‌های مختلف حقوقی و سیاسی روبه‌رو است. راه کار عبور از این موانع چیست؟ راه‌های کارآمدسازی سیاست جنایی مشارکتی در قبال خشونت علیه زنان، کدام است؟

پاسخ به این پرسش، بدان جهت اهمیت دارد، که می‌تواند در به‌کرد تصمیم‌سازی‌های جنایی اثرگذار باشد؛ بدین جهت، تحقیق کیفی حاضر، با هدف معرفی راه کارهای فوق به نهادهای مربوط، جهت سیاست‌گذاری‌های مؤثر، با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی، با استفاده از مواد کتاب‌خانه‌یی، به بررسی این موضوع پرداخته است.

یافته‌های تحقیق نشان داده اند که: استفاده بهینه از آموزه‌های مشارکتی و جامعه‌وی دینی، پای‌بندی به تعهدات بین‌المللی افغانستان در قبال اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، توجه به ظرفیت عظیم اجتماعی عُرف‌ها و کارشيوه‌های رایج میان اقوام کشور و پذیرش دادرسی عرفی - مردمی، در کنار دادرسی رسمی و دولتی، سازوکارهایی است که می‌تواند در جهت تقویت و نهادینه کردن سیاست جنایی مشارکتی در رویارویی با خشونت علیه زنان، استفاده نمود.

واژه‌گان کلیدی: افغانستان، سیاست جنایی مشارکتی، خشونت علیه زنان، شورا،

مارکه، دادرسی عرفی و پدیده‌های مجرمانه.

* دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی و عضو هیئت علمی پوهنځی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون غالب

هرات (drvahidi1980@gmail.com)

ISSN

Printed: 2788-4155

Online: 2788-6441

Ghalib

Received Date: 10 /06 / 2021

Accepted Date: 16 / 11 / 2021

Legal and political solutions to improve participatory criminal policy against violence women

Author: Dr. Abdul Malek Vahidi (PhD)*

Abstract

Violence against the women occurs in the form of a variety of criminal phenomena. In the face of this phenomenon, on the one hand, official government responses have not been effective, and on the other hand, societal responses based on participatory criminal policy have not been institutionalized, Because the above policy in Afghanistan faces various legal and political challenges. What is the solution to overcome these obstacles? What are the ways to make participatory criminal policy effective against violence against women?

The answer to this question is important because it can affect the practice of criminal decision-making. Therefore, the present qualitative research, with the aim of introducing the above strategies to the relevant institutions, for effective policymaking, using the analytical-descriptive method, using library materials, has investigated this issue.

The findings show that: Optimal use of participatory and religious community teachings, adherence to Afghanistan's international obligations to international instruments and conventions, consideration of the enormous social capacity of common customs and practices among ethnic groups, and acceptance of customary-people litigation, in In addition to formal and governmental proceedings, there are mechanisms that can be used to strengthen and institutionalize participatory criminal policy in the face of violence against women.

Keywords: Afghanistan, participatory criminal policy, violence against women, council, brand, customary justice, criminal phenomena.

* PhD in Criminal Law and Criminology and Academic Cadre of Ghalib University – Herat (drvahidi1980@gmail.com)

مقدمه

سیاست جنایی مشارکتی، پاسخ سازمان‌دهی شده هیئت اجتماع در قبال پدیده‌های مجرمانه است، که با مشارکت مردم و نهادهای مردمی صورت می‌گیرد. به دلیل گسترش روزافزون جرایم، افزایش تورم کیفری و ناکامی پاسخ‌های رسمی دولتی در برابر جرم، مداخله مردم و نهادهای مردمی در مبارزه با پدیده‌های جنایی، ضروری پنداشته می‌شود. هرچند ضرورت اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی تاحدودی روشن است؛ اما در عمل، این سیاست در افغانستان نهادینه نشده است. سیاست جنایی مشارکتی افغانستان در قبال خشونت علیه زنان، با چالش‌های عمده‌ی روبه‌رو است؛ چالش‌هایی هم‌چون خلاءها و نارسایی‌های حقوقی، اقتدارگرایی نظام حاکم سیاسی، امنیت‌گرایی و عوام‌گرایی سیاست جنایی و نقش محدود نهادهای مدنی و ... این چالش‌ها، زمینه ظهور، رشد و استقرار سیاست جنایی مشارکتی را تضعیف کرده است.

بدین ترتیب، بررسی راه‌های کارآمدسازی سیاست جنایی مشارکتی، به منظور عبور از چالش‌های فوق ضروری و مهم به نظر می‌رسد. پرسش این است که راه‌کارهای حقوقی و سیاسی به‌کرد سیاست جنایی مشارکتی افغانستان در رویارویی با خشونت علیه زنان چیست؟ چه‌گونه می‌شود با عبور از چالش‌ها و موانع، این سیاست را نهادینه نموده و زمینه مشارکت مردم در قضایای خشونت علیه زنان را فراهم نمود؟

حل این مسأله اهمیت فراوان دارد؛ زیرا از یک‌سو، بررسی چالش‌ها و موانع سیاست جنایی مشارکتی، بدون ارائه راه‌کار، بی‌سرانجام است؛ از سوی دیگر، هرگونه تصمیم‌سازی مؤثر و نهادینه‌سازی سیاست جنایی علمی، منوط به شناسایی سازوکارهای مناسب به‌کرد سیاست جنایی مشارکتی است.

تحقیق حاضر با عنوان «راه‌کارهای حقوقی بهبود سیاست جنایی مشارکتی افغانستان در قبال خشونت علیه زنان» تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ بگوید. این عنوان، پیش از این، مورد ارزیابی قرار نگرفته است؛ اما در برخی از نوشته‌ها، به گوشه‌هایی از مباحث سیاست جنایی پرداخته شده است. «دولت افغانستان و محو خشونت علیه زنان» مقاله‌ی است از دکتر غلام‌حیدر علامه، که در مجله عدالت، وزارت عدلیه افغانستان، شماره ۳۸، حمل ۱۳۸۵، ص ۶۱ تا ۷۰، به چاپ رسیده است. محتوای این اثر، تحت عنوان «سیاست جنایی تقنینی افغانستان در قبال خشونت علیه زنان» در همایش ضیافت خرد دانش‌گاه کاتب سال ۱۳۸۸ ارائه شده است. نگارنده اظهار می‌دارد که: «به هر میزانی که دولت روحیه استبدادی داشته باشد، به همان میزان در آن کشور دیگر از سیاست جنایی جامعه‌ی یا مشارکتی خبری نخواهد بود. دولت در مقابله با جرم دیگر با مردمش مشورت نمی‌کند.

حکومت در نبرد با جرم به گفت‌مان تک‌گویی روی می‌آورد و در نهایت در برابر جرم تنها می‌ماند و در این نبرد شکست می‌خورد» (۶۳).

«سیاست جنایی افغانستان در قبال زنان بزه‌دیده»، کتابی است از خانم معصومه سادات نورمحمدی، که در تهران: بنیاد میزان، به سال ۱۳۹۰، به نشر رسیده است. نویسنده این اثر، ابعاد خشونت علیه زنان در خانواده و اجتماع را به بحث گرفته و بر ضرورت اصلاح سیاست جنایی تقنینی افغانستان تأکید می‌کند (۷۵-۸۶). «سیاست جنایی تقنینی افغانستان در قبال بزه‌دیده‌گی اطفال در پرتو اسناد بین‌المللی»، از نگارنده این سطور است، که در سال ۱۳۸۹ به منظور اخذ درجه ماستری حقوق جزا و جرم‌شناسی در دانش‌گاه اهل بیت تهران، دفاع شده است. در این مقاله به انواع سیاست جنایی از جمله سیاست جنایی مشارکتی اشاره شده است (وحیدی؛ ۱۳۸۹: ۲۳). هم‌چنین مقاله دیگری از نگارنده که تحت عنوان «چالش‌های حقوقی و سیاسی سیاست جنایی مشارکتی افغانستان در قبال خشونت علیه زنان» در شماره ۳۱ مجله غالب به نشر رسیده است. در این مقاله، چالش‌های عمده سیاسی و حقوقی که مانعی در راستای ایجاد و نهادینه‌سازی سیاست جنایی مشارکتی است، بررسی شده است. قابل یادآوری است که در نوشته‌های فوق هرچند بحث‌هایی در مورد حقوق زن، منع خشونت علیه زنان، حمایت از سیاست جنایی مشارکتی و حتا چالش‌های آن صورت گرفته است؛ اما راه‌های عبور از این چالش‌های فراروی سیاست جنایت مشارکتی در قبال خشونت، بررسی نشده است؛ بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که خلای تحقیقی در این موضوع مشهود است.

این مقاله به روش تحلیلی - توصیفی، داده‌های کیفی را با ابزار کتاب‌خانه‌یی تقدیم خواننده گرامی می‌دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که: استفاده بهینه از آموزه‌های مشارکتی و جامعه‌وی دینی، پای‌بندی به تعهدات بین‌المللی افغانستان در قبال اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، توجه به ظرفیت عظیم اجتماعی عرف‌ها و کارشویه‌های رایج میان اقوام کشور و پذیرش دادرسی عرفی - مردمی، در کنار دادرسی رسمی و دولتی، سازوکارهایی است که می‌تواند در جهت تقویت و نهادینه کردن سیاست جنایی مشارکتی در رویارویی با خشونت علیه زنان، استفاده نمود.

۱. الهام‌گیری از آموزه‌های اسلامی

اسلام، دین جامع، فراگیر و جهان‌شمول است، که ابعاد مختلف حیات فردی و اجتماعی انسان را از نظر مادی و معنوی تحت پوشش قرار داده است. خالق هستی، قانون‌گذاری است که تمامی جهات زنده‌گی انسان را در نظر گرفته و با آگاهی از مصالح و مفاسد حیات او اقدام به تشریح کرده است؛ بدین جهت قانون شرعی و به تبع سیاست جنایی اسلام، جامع به نظر می‌رسد؛ اما درک درست و فهم مناسب از این سیاست کار دشواری است. قانون‌گذاران و به‌خصوص اندیش‌مندان جامعه اسلامی باید

با نگاه فراگیر، ابعاد مختلف سیاست جنایی اسلام را از منابع اصیل دینی استنباط کرده و در قالب دستورالعمل امروزی برای جامعه ارائه نمایند.

اسلام، تنها به بُعد فردی حیات آدمی نظر ندارد. ابعاد اجتماعی زنده‌گی بشر در اندیشه دینی برجسته است. بسیاری از احکام اسلام اجتماعی بوده و مربوط به حیات جمعی است. اسلام، انسان را مسؤول می‌داند و همواره بر مسؤولیت انسان‌ها در برابر یک‌دیگر تأکید دارد. به باور دینی بی‌اعتنایی انسان‌ها در برابر سایر افراد روا نیست. مسؤولیت‌پذیری دال مرکزی آموزه‌های دینی است. این امر، مهم‌ترین مبنای مشارکت در امور اجتماعی است که هم شامل افراد می‌گردد و هم دامن دولت و مسؤولان دولتی را می‌گیرد؛ چنان‌که در قرآن بدان تصریح شده است: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا / آیا پنداشتید شما را بی‌هوده آفریدیم؟» (المؤمنون: ۱۱۵). در جای دیگر نیز بیان می‌دارد: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى / آیا انسان می‌پندارد که (بی‌هدف و بدون حساب و جزا) به خود رها می‌شود؟» (القیامه: ۳۶)؛ از این آیه‌ها استفاده می‌شود، که خداوند برای انسان، هدفی در نظر گرفته و مسؤولیتی مطرح کرده است. مسؤولیت در برابر خود، خانواده، هم‌کیشان، هم‌نوعان و همین‌طور در برابر نظام هستی و آفریده‌گار هستی؛ بدین جهت انسان باید همواره خود را مسؤول بداند و احساس مسؤولیت را در خود پرورش دهد؛ آن‌گونه که در کلام نبوی نیز تأکید شده است: «الكلکم راع وکلکم مسؤول عن رعیتہ / همه شما مسؤولید و هریک از شما درباره زبردستانش بازخواست می‌شود» (به نقل از: الدبلمی، ۱۴۲۴: ۱۸۴).

به علاوه، اسلام انسان‌ها را به مشاوره و حل مسایل از مجرای آن، تشویق کرده است. در باور دینی، رابطه اعضای جامعه اسلامی با هم‌دیگر بر پایه ولایت ایمانی و برادری دینی، تنظیم شده است؛ از سویی، در اندیشه دینی ضرورت هم‌سوئی دولت با مردم مطرح گردیده است. هم‌چنین قرآن کریم برای ایجاد یک جامعه انسانی متعالی و رشدیافته و عاری از خشونت، با پدیده‌های مجرمانه و کج‌روی‌ها مخالف بوده و مردم و دولت را برای مقابله و پاسخ‌دهی نسبت به آن تشویق و حتی توظیف کرده است. در همین راستا، به مصادیق و سازوکارهای مشارکتی هم‌چون امر به معروف و نهی از منکر، داوری، اصلاح ذات‌البینی، هم‌کاری در امور خیر و پیشیمانی از کج‌روی‌ها در مبارزه با پدیده‌های جنایی توجه نموده است. این موارد، نشان می‌دهد که از منظر قرآن کریم، مقابله با جرم و جنایت با هم‌یاری و مشارکت مردمی امکان‌پذیر می‌باشد. دولت باید زمینه‌های مشارکت مردم در این امور را فراهم نماید.

در سیاست جنایی اسلام، مصادیق متعددی از مشارکت مردم در فرایند پیش‌گیری از بزه‌کاری دیده می‌شود. این امر نشان می‌دهد که دولت به تنهایی و بدون اتکا به مردم و نهادهای مردمی در اتخاذ تدابیر پیش‌گیرانه موفق نمی‌باشد؛ چنان‌که در آیه «وَأُولَآئِكَ دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ

الأرض / و اگر خدا برخی مردم را در مقابل بعضی دیگر بر نمی‌انگیخت فساد روی زمین را فرا می‌گرفت» (بقره: ۲۵۱)، به این مهم اشاره شده است. در آیه دیگر نیز تأکید شده است که اگر مشارکت عموم مردم در امر پیشگیری از جرم صورت نگیرد، هرگز نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد و جرم و فساد همه جا را خواهد گرفت: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِعْعُ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا / و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها، صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌شود» (الحج: ۴۰).

از بیان این دو آیه روشن است که عدم توجه به مشارکت عمومی در امر پیش‌گیری، موجب اخلال امور جامعه، ویرانی مراکز مذهبی و در نتیجه گسترش فساد می‌شود.

پدیده‌های مجرمانه، یک مقوله اجتماعی است، که در متن جامعه رخ می‌دهند، دو طرف اصلی قضیه، یعنی بزه‌کار یا بزه‌دیده، در بین مردم می‌باشند؛ بدین جهت ضروری است پاسخ‌دهی به پدیده نیز جامعه‌وی بوده و با استفاده از ظرفیت‌های موجود در جامعه صورت بگیرد.

این نکته قابل یادآوری است، که رویکرد اسلام نسبت به پدیده‌های جنایی دو بُعدی است. به این معنا که در برخی از جرایم، جرم‌انگاری و کیفرگذاری جدی صورت گرفته و با برخورد جدی و قاطع همراه است. در جرایمی که با نظم عمومی ارتباط داشته و علیه دین، عقل، نسل و امنیت رخ می‌دهد، جرم‌انگاری شدید بوده و ضمانت اجراها نیز سنگین و جدی می‌باشد؛ اما در برخی موارد که جنبه‌های خصوصی جرم برجسته است؛ مانند جرایم علیه اموال و اشخاص قضیه متفاوت بوده و سیاست تساهل و تسامح در پیش گرفته شده است.

به‌هرروی، باید اظهار نمود که در سیاست جنایی اسلام، جرم‌انگاری‌ها بر اساس مصالح شرعی که از آن به مصالح خمس یا مصلحت‌های ملزمه یاد می‌شود (رهامی؛ ۱۳۹۵: ۱۵۴)، صورت می‌گیرد. در دین اسلام مصلحت حفظ دین، عقل، نسل، مال و نفس اهمیت داشته و نقض آن جرم تلقی شده است. در سیاست جنایی اسلام، چهار گزینه اول، جرم‌انگاری حالت تشدید دارد و از باب «لا عفو و لا شفاعه و لا تاخیر فی حد» (حرعاملی؛ ۱۳۹۳ق: ۳۳۳)، عمل می‌گردد. در برخورد با این دسته از جرایم، هیچ‌گونه انعطافی دیده نمی‌شود. گذشت بزه‌دیده و سایر عوامل اجتماعی نقش چندانی ندارد. هدف از اجرای مجازات، رعب‌انگیزی است. هرچند که جبران خسارت بزه‌دیده و اصلاح بزه‌کار هم به صورت ضمنی مطرح است؛ اما در جرایم علیه اموال و اشخاص نگاه شریعت متفاوت‌تر است. در جرایم علیه اموال اگر به حدود مبدل نگردد، برخوردها ساده‌تر بوده و نقش بزه‌دیده و مال‌باخته اثرگذارتر است. در جرایم علیه اشخاص، هدف از برخورد با بزه‌کار جبران ضرر و خسارت بزه‌دیده و جلب رضایت او است. برای همین گذشت شاکی و مدعی خصوصی، سهم ارزنده‌یی در تعقیب یا

تعلیق دعوا داشته و بر حکم صادره مؤثر می‌باشد (خمینی؛ ۱۳۷۰ : ۵۳۳)؛ از این روی، در این عرصه مشارکت طرفین دعوا در فرایند دادرسی و مداخله افراد دیگر معنادار می‌باشد؛ چنان که روشن است، اسلام در این زمینه، مشارکت مردم و نهادهای مردمی را در فرایند دادرسی پذیرفته و به جنبه حق الناسی قضیه توجه بیش تری نموده است؛ اگر این واقعیت را با دیگر آموزه‌های دینی که دال بر مشارکت اجتماعی در حوزه اجرایی است، کنار هم بگذاریم و مبانی دینی و قرآنی سیاست جنایی مشارکتی را مدنظر قرار دهیم، در خواهیم یافت که سیاست جنایی اسلامی، در این بُعد، جامعه‌وی بوده و می‌تواند الگویی برای قانون‌گذاری به حساب آید. هرچند به دلیل سیطره دیدگاه‌های سنتی بر نظام حقوقی، این امر مغفول مانده و نهادهای قانون‌گذاری موفقیت چندانی در استفاده از بُعد جامعه‌وی بودن سیاست جنایی نداشته‌اند.

به نظر می‌رسد، همان‌گونه نباید برای رهایی از چالش‌های موجود در نظام عدالت جزایی کشور چشم بسته به نسخه‌های غربی متوسل شده و سیاست جنایی را بر پایه مدل طرح‌شده توسط دلماس مارتی، آسیب‌شناسی نماییم (خاقانی؛ ۱۳۹۳: ۷۱)؛؛ به همان پیمانانه نباید وابسته‌گی تام و تمام به قرائت ناموجه از فقه داشته باشیم. بایستی به مجموع آموزه‌های اسلامی توجه نموده و اجتهاد خردورزانه، واقع‌بینانه و متناسب با شرایط زمانی و مکانی و هم‌سو با مقاصد شریعت، داشته باشیم. لازم است قانون‌گذار باتأسی از مصادر شرعی و بادر نظر داشت اصول و مبانی فقهی، بر اساس عدالت، انصاف، مصلحت و وفا به عهد، اقدام به قانون‌گذاری علمی نموده و راه‌کارهای، اجرایی و مؤثر برای جامعه ارائه نماید.

۲. پای‌بندی به تعهدات بین‌المللی

واقعیت این است که اسناد و راه‌بردهای زیادی از سوی سازمان ملل متحد هم در ارتباط به حقوق زنان و هم نسبت به اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی و تدابیر غیرکیفری به تصویب رسیده است. این اسناد، راه‌بردها و استانداردهای مختلفی را برای کشورهای عضو پیش‌نهاد می‌کند. سیاست جنایی مشارکتی و اتخاذ تدابیر غیرکیفری مبتنی بر مشارکت نهادهای مردمی، از خواسته‌های مهم سازمان ملل متحد می‌باشد (وحیدی؛ ۱۳۹۹: ۲۱۰).

افغانستان، از کشورهایی است که عضویت سازمان ملل را کسب کرده و منشور آن را در سال ۱۹۴۶ امضا کرده است. افغانستان نه تنها در هنگام تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، به آن رأی مثبت داده و هم در گذر زمان در قوانین مختلف اساسی خود، آن را پذیرفته است (قانون اساسی؛ ۱۳۸۲: ۷). در این قوانین، مفاد مهم اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مورد تأکید قرار داده است (قانون اساسی؛ ۱۳۸۲: ۶)

دولت افغانستان برای حمایت و اطمینان از اجرای این تعهدات و نظارت از تطبیق احکام قانون اساسی، سایر قوانین و تعهدات افغانستان، کمیسیون مستقلی را ایجاد کرده بود. (قانون اساسی؛ ۱۳۸۲: ۵۸، ۲۱ و ۲۲).

جالب است با این همه تأکید قانون اساسی بر رعایت تعهدات بین‌المللی افغانستان، اما در عمل حتا در مرحله امضای کنوانسیون‌های حقوق بشری، به دلیل نوع نظام‌های سیاسی حاکم در طول تاریخ کشور و فقدان اراده ملی در این زمینه و به‌ویژه عدم آگاهی مردم از این حقوق و عدم مطالبه آن از دولت و...، گام‌های بزرگی برداشته نشده است؛ با این وجود، تعدادی از اسناد بین‌المللی ذیل به تصویب و امضا رسیده است:

۱. کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته‌جمعی (ژنوساید)، مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸، که افغانستان در ۲۲ مارچ ۱۹۵۶ م، آن را امضا کرده است (احسانی؛ ۱۳۸۴: ۱۱۶)؛

۲. کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض نژادی، مصوب ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵، که افغانستان حدود ۱۷ سال بعد، یعنی در ۶ جولای ۱۹۸۳ م، سند امضای آن را به دبیر کل سازمان ملل تحویل داد (راسخ افشار؛ ۱۳۸۶: ۶۰)؛

۳. کنوانسیون بین‌المللی لغو و مجازات جنایت آپارتاید، مصوب ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ که افغانستان ده سال بعد آن را در تاریخ ۶ جولای ۱۹۸۳ رسماً به رسمیت شناخت (همان‌جا)؛

۴. میثاق حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۹۶۹ م؛

۵. میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که هر دوی این میثاق در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۹ توسط سازمان تصویب گردید و افغانستان در ۲۴ ژانویه ۱۹۸۳ سند امضای آن را تحویل داد (کمیسیون مستقل حقوق بشر؛ ۱۳۸۱: ۲۱)؛

۶. کنوانسیون حقوق کودک، مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ م که در تاریخ ۲۷ اپریل ۱۹۹۴ در افغانستان تصویب شده و در تاریخ ۲۸ مارچ سند آن تحویل دبیر کل سازمان ملل گردید، در اعلامیه تصویب این سند از سوی دولت افغانستان آمده است: «حکومت جمهوری افغانستان بعد از امضای این کنوانسیون حق خود جهت بیان تحفظ و شرط نسبت به کلیه مقررات و احکام این کنوانسیون که مغایر با حقوق اسلامی و قوانین نافذ داخلی است، اعلام می‌کند» (راسخ افشار؛ ۱۳۸۶: ۵۸)

این نکته قابل یادآوری است که دولت افغانستان بعد از تصویب این کنوانسیون، هیچ‌گونه تحفظ و شرط رسمی را ابراز نکرده است، این اعلامیه دارای اثر حقوقی مربوط به حق تحفظ یا شرط نمی‌باشد.

۷. کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ سازمان ملل، که در ۱۴ اگست ۱۹۸۰ در افغانستان پذیرفته شده و در مارچ ۲۰۰۳ سند امضای آن به صورت رسمی تحویل سازمان ملل شد؛

۸. پروتوکول اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مخاصمات مسلحانه، که در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۳ در افغانستان رسمیت یافت؛

۹. پروتوکول اختیاری کنوانسیون حقوق کودک درباره فروش، روسپی‌گری و هرزه‌نگاری اطفال، که افغانستان در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۳ سند امضا شده آن را به سازمان ملل تحویل داد (کمیسون مستقل حقوق بشر؛ ۱۳۸۱: ۲۲)؛

۱۰. کنوانسیون بین‌المللی مربوط به قابل اجرا نبودن وضعیت مرور زمان در مورد جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت، که در سال ۱۹۴۸ در سازمان ملل تصویب گردیده و در ۱۱ نوامبر ۱۹۷۰، اجرایی شد و افغانستان در ۲۲ جولای ۱۹۸۸ م آن را امضا نمود (احسانی؛ ۱۳۸۴: ۱۱۶).

۱۱. کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتار غیرانسانی و تحقیرکننده، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ که افغانستان آن را در ۴ فوریه ۱۹۸۵ تصویب نموده و در ۲۲ جولای ۱۹۸۸ سند امضای آن را به سازمان ملل تحویل داده است (احسانی؛ ۱۳۸۴: ۱۱۶).

به هر تقدیر، افغانستان اسناد فوق را به رسمیت شناخته است، به کنوانسیون‌های گوناگون متعهد می‌باشد. میثاق‌های مختلفی را امضا کرده است و بر اجرای مصوبات آن تعهد سپرده است. این تعهدات به لحاظ حقوقی مسؤلیت اجرایی نیز به همراه دارد.

عمل به تعهدات بین‌المللی، ضمن این که در قانون اساسی کشور تأکید شده است، به شأن تاریخی ملت افغانستان و دستورات دینی هم ارتباط می‌گیرد؛ چه این که پیمان‌شکنی در فرهنگ دینی و روحیه ملی ما مردود است. اسلام عمل به عهد و پیمان را پذیرفته و با بیان «المؤمنون عند شروطهم» بر حرمت و اهمیت آن تأکید کرده است.

عمل به تعهدات بین‌المللی، اعتبار بین‌المللی نظام را بالا خواهد برد و در داخل نیز به دلیل سهولت‌هایی که ایجاد می‌کند، موجب مقبولیت خواهد شد؛ از این رو، توجه به اسناد بین‌المللی به خصوص در ارتباط با مشارکت مردم در حل و فصل مسایل جزایی، منازعات خانواده‌گی و قضایای خشونت علیه زنان، باید در سیاست جنایی افغانستان جای‌گاه معتبر یافته و از ره‌نمودهای آن استفاده شود.

۳. ارتقای کار شیوه‌های قومی به مدل‌های عرفی - ملی

افغانستان، از پیشینه فرهنگی و هویتی غنی برخوردار می‌باشد. این اقلیم فرهنگی، که بر بستر تمدنی خراسان قدیم قرار دارد، حاوی عرف‌های وسیعی است. مردمان زیادی در این حوزه

می‌زیسته‌اند. برای زیست جمعی خود قواعد و عرف‌های متعددی داشته‌اند. بخشی از این عرف‌ها برای حل و فصل اختلافات به کار می‌رفته است، که هنوز جلوه‌هایی از آن در برخی مناطق دیده می‌شود. در آیین‌های شبه قضایی این حوزه تمدنی جلوه‌های ویژه‌ی از حضور و مشارکت مردم در حل و فصل قضایای کیفری دیده می‌شود.

در افغانستان عرف‌های زیادی وجود دارد. در این کشور، سنت‌ها، روابط اجتماعی را تنظیم می‌کند. عرف‌ها، بخشی از هنجارهای تعیین‌کننده در روابط اجتماعی است. افغانستان جامعه چندقومی است که در میان هر یک از اقوام بزرگ کشور، هم‌بستگی میکائیکی خاصی وجود دارد. در جوامع قومی مختلف کشور، سازوکارهای مخصوصی برای برخورد و پاسخ‌دهی به پدیده‌های جنایی وجود دارد. این سازوکارها، در سالیان دراز به شکل طبیعی و سنتی به حل و فصل قضایای جنایی پرداخته است.

مهم‌ترین آیین‌های شبه قضایی در افغانستان عبارت‌اند از مرکه، جرگه، اوره، موکی خان (رحیمی؛ ۱۳۹۰: ۷۸). در این میان، مرکه از امتیازات بیش‌تری برخوردار است؛ زیرا در این آیین، اصل مراجعه به مرکه اختیاری است. تضمین سنگین و غیر قابل برگشت هم در آن مطرح نیست. فیصله‌های مرکه جنبه‌های غیر انسانی و ناسازگار با آموزه‌های حقوق بشری ندارد.

به‌هر ترتیب، در کشور ظرفیت‌های عظیم اجتماعی وجود دارد. عرف‌های مستحکمی برای دادرسی غیر رسمی مطرح است. شیوه‌های تجربه‌شده زیادی برای حل و فصل قضایای جنایی، در این مرزوبوم دیده شده است. روش‌های اغلب موفق اجتماعی سازگار با ذهنیت و فرهنگ بومی دادرسی به حل قضایای جنایی را سرعت بخشیده و هزینه رسیدگی را کاهش می‌دهد؛ از این‌رو، لازم است قانون‌گذاران و تصمیم‌سازان، در اصلاح قوانین و بهبود نظم حقوقی کشور به این نکته توجه نمایند. اینان، می‌بایست از این ظرفیت عظیم اجتماعی در بهبود نظم حقوقی استفاده نمایند. اصولاً قوانین برای تنظیم به‌تر روابط اجتماعی است. قوانین مبتنی بر شرایط سیاسی و اجتماعی کشورها وضع شده و پاسخ رسمی به نیازمندی‌های یک کشور است؛ از همین جهت باید متناسب با واقعیت‌های کشور تنظیم گردد. واقعیت این است که آیین‌های شبه قضایی در ذات خود ظرفیت مهمی برای حل و فصل قضایای کیفری داشته و امکان ارتقای آن در سطح کلان ملی موجود است.

۴. اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی جامعه‌وی رشم‌مدار

یکی از راه‌کارهای کارآمدسازی سیاست جنایی مشارکتی افغانستان در قبال خشونت علیه زنان، توجه به ابعاد اجتماعی این سیاست است. سیاست جنایی مشارکتی در افغانستان، بیش‌تر بر الگوی پاسخ‌دهی دولتی استوار است؛ از این‌رو، قانون‌گذاران گذشته هم در قانون منع خشونت علیه زنان

افغانستان و هم در سایر قوانین، در امر مبارزه با خشونت علیه زنان، نه از مشارکت کار گرفته، که از مشارکت نهادهای مختلف دولتی و شبه دولتی سخن گفته‌اند؛ این درحالی است که سیاست جنایی مشارکتی بیش تر حاوی تدابیر غیر رسمی و غیر دولتی است. روح این سیاست را تدابیر پیش‌گیرانه تشکیل می‌دهد؛ به خصوص تدابیر پیش‌گیرانه اجتماعی جامعه‌مدار و رشد‌مدار. تقویت و کارآمدسازی سیاست جنایی بدون تکیه و توجه به روح کلی آن، ممکن نیست. پیش‌گیری، اهمیت زیادی هم در سیاست جنایی سازمان ملل و هم در سیاست جنایی کشورها دارد؛ به‌گونه‌یی که سازمان ملل توصیه‌های جدی‌بی را در قالب اعلامیه‌ها، قطع‌نامه‌ها و کنوانسیون‌ها و... در زمینه پیش‌گیری از جرم صادر کرده است. مطابق بند یک ماده یکم منشور ملل متحد «اقدام‌های جمعی مؤثر را برای پیش‌گیری و دفع تهدیدهای ضد صلح» (منشور ملل متحد؛ ۱۹۴۶: ۱)، از وظایف اصلی سازمان ملل دانسته‌است (نجفی ابرند آبادی؛ ۱۳۸۲: ۵۶۳).

مسأله پیش‌گیری از جرم بدان اندازه مورد توجه و اهتمام سازمان ملل بوده است، که در کنوانسیون‌های مختلف، از جمله «کنوانسیون مبارزه با ارتشا و یا فساد اداری مصوب ۲۰۰۳» و یا «کنوانسیون جنایات سازمان‌یافته فراملی مصوب ۲۰۰۰» پیش‌گیری افتراقی را نیز توصیه کرده‌است (سلیمی؛ ۱۳۸۰: ۱۳۰).

این سازمان تنها به صدور سند و تصویب کنوانسیون بسنده نکرده‌است؛ بل که در عمل نیز «کمیسیون پیش‌گیری از جرم و عدالت کیفری» و نیز «کنگره‌های پنج‌سالانه پیش‌گیری از جرم و اصلاح مجرمان» را تأسیس کرده و از فعالیت مستمر آن حمایت می‌نماید. اهمیت پیش‌گیری صرفاً به تأکیدهای سازمان ملل محدود نمی‌شود؛ چرا که با رشد بی‌رویه جرایم، افزایش انواع جرایم سازمان‌یافته، استفاده مجرمان از شیوه‌ها و ابزارهای گوناگون و نهایت افزایش تورم کیفری، کشورها به فکر سازوکارهای تازه‌یی افتاده‌اند که بتوانند از این روند جلوگیری کنند.

در فرانسه، در اواخر قرن بیستم، کمیته مطالعه خشونت و بزه‌کاری، مرکب از استادان رشته‌ها و نهادهای مختلف تشکیل شد، که برابند آن ۱۰۵ پیش‌نهاد در زمینه پیش‌گیری از بزه‌کاری بود، که در پرتو آن‌ها «کمیته ملی پیش‌گیری از جرم» به ریاست نخست‌وزیر در سال ۱۹۸۷ تأسیس گردید (منصور آبادی و ابراهیمی؛ ۱۳۸۷: ۱۴).

هم‌زمان با فرانسه، سوئد نیز «شورای ملی پیش‌گیری از جرم» را ایجاد کرد و همین‌طور انگلستان، هالند، بلژیک، کانادا و استرالیا و... به ترتیب در سال‌های ۱۹۸۴، ۱۹۸۹، ۱۹۹۳، ۱۹۹۴، ۱۹۹۷ مراکز، شوراها و یا کمیته‌هایی را برای پیش‌گیری از جرم و جنایت تشکیل دادند (همان؛ ۳۴)، که همه‌گی حکایت‌گر نقش، اهمیت و ضرورت پیش‌گیری در سیاست جنایی است.

توجه گسترده به تدابیر پیش گیرانه به خاطر عدم موفقیت نظام کیفری سنتی در زمینه پیش گیری از جرایم است. همین گزاره زمینه اعلام شکست نظام عدالت کیفری را به وجود آورده (پرادل؛ ۱۳۸۱: ۱۱۷)، و افراد همانند «مانینسن» امریکایی را به تیوری «nothing works»^۱ رساند (صفاری؛ ۱۳۸۳: ۱۷۳). فرض اصلی در حقوق جزای سنتی این بود، که اجرا و شدت مجازات هم می تواند مجرمان را به سزای اعمال شان برساند و هم از این طریق برای دیگران موجب عبرت و در نتیجه قانون پذیری گردد؛ اما این فرضیه در عمل به رغم اجرای شدید و به موقع مجازات های سنگین، تحقق نیافت. این وضعیت، هزینه های زیادی بر جامعه تحمیل می کند؛ به خصوص هزینه های مالی دادرسی. برخلاف تدابیر پیش گیرانه، که موجب کاهش هزینه های انسانی و مالی می گردد؛ از این رو، باید به تدابیر پیش گیرانه مندرج در سیاست جنایی مشارکتی بیش تر توجه نمود.

پیش گیری، از جرم به گونه های مختلف دسته بندی شده است. یکی از مهم ترین دسته بندی های پیش گیری، طبقه بندی آن به «پیش گیری اجتماعی» و «پیش گیری وضعی» است. این طبقه بندی بیش تر مورد توجه نویسندگان ما قرار گرفته است.

واقعیت این است، که در اعمال خشونت علیه زنان، عوامل خانواده گی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی مختلفی نقش دارد. پیش گیری اجتماعی همه این عوامل را مد نظر قرار داده و در پی توقف و یا کاهش آن می باشد؛ چرا که این روی کرد به پیش گیری، جرم را تنها زایدۀ اراده آزاد انسانی نمی داند؛ بل که آن را پدیده اجتماعی می داند. پدیده ای که دارای عوامل شخصی و اجتماعی بسیاری است، که تنها با اتخاذ تدابیر و ابزارهای اجتماعی، قابل تغییر، جهت دهی و کنترل می باشد. در حقیقت زیربنای اساسی پیش گیری اجتماعی «اعمال اصلاحات فردی و اجتماعی از طریق شناخت علل ارتکاب جرم (اعم از فردی و اجتماعی) و برطرف کردن آن ها با انجام اصلاحات فردی و اجتماعی مثل درمان بیماری ها و نارسایی های (ناهنجاری های) جسمی و روحی مرتکبان، بالابردن ارزش های اجتماعی و ایجاد ثبات و وابسته گی به آن ها، تقویت نهادهای اجتماعی مثل خانواده و مدرسه، توسعه و تعالی فرصت های اقتصادی، تحصیلی و تفریحی، مسکن و امثال این ها است، که می توان از تمایلات مجرمانه در افراد جلوگیری کرد و نهایتاً از غرق شدن به سوی شیوه های مجرمانه زنده گی نجات داد» (صفاری؛ ۱۳۸۳: ۲۸۰).

این پیش گیری، صرفاً به جلوگیری از بزه کاری نمی پردازد؛ بل که با در نظر داشت عوامل محیطی، اجتماعی و فردی از بزه دیده گی افراد و آماج جرم قرار گرفتن آن ها نیز جلوگیری می نماید. پیش گیری در روی کرد اجتماعی با ایجاد تغییرات حساب شده در محیط اجتماعی تأثیرگذار بر انسان ها از طریق

^۱. یعنی هیچ چیز کارا نیست.

بازسازی، توسعه و تقویت نهادها، فضاها و ارزش‌های اجتماعی و همین‌طور از طریق آموزش، تربیت، تشویق و... در پی جهت‌دهی و اصلاح فردی و اجتماعی جامعه است (نیازپور؛ ۱۳۹۰: ۱۳۹).

در واقع پیش‌گیری اجتماعی «از طریق حذف و خنثاسازی عوامل بزه‌دیده‌زا، که نوعی پیش‌گیری کنشی است با ایجاد تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه به صورت پایدار در صدد جلوگیری از بزه‌دیده‌گی است و شامل تدابیری است، که به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر افراد تأثیر بگذارد تا از آماج جرم‌بودن، مصون بمانند» (عباچی؛ ۱۳۸۸: ۷۵).

پیش‌گیری اجتماعی، با اتخاذ تدابیر پیش‌گیرانه، گاه بر محیط‌های پیرامون انسان و گاه بر مراحل مختلف رشد افراد در معرض خشونت، اثر می‌گذارد؛ بدین جهت پیش‌گیری اجتماعی خود به دو قسم «پیش‌گیری اجتماعی جامعه‌مدار (محیطی)» و «پیش‌گیری اجتماعی رشد‌مدار» تقسیم می‌شود (نجفی ابرند آبادی؛ ۱۳۸۲، ۵۷).

پیش‌گیری اجتماعی جامعه‌مدار، عوامل بیرونی و دنیای پیرامون فرد را مورد مطالعه قرار می‌دهد. این روی‌کرد از پیش‌گیری در تلاش است با اتخاذ تدابیر و پاسخ‌های مناسب برای از بین‌بردن یا کاهش عوامل جرم‌زا، بر محیط اجتماعی اثر گذارد (نیازپور؛ ۱۳۹۰: ۱۳۸)؛ به تعبیر دیگر، تغییر اوضاع و احوال نامساعد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، مجرم‌پروری که در هر حال زمینه‌کنارگذاری فرد را از جامعه فراهم می‌کنند؛ مانند فقر، بیکاری، اشتغال کاذب، سوء‌اشغال، بیماری، بی‌سوادی، حاشیه‌نشینی، بی‌مسکنی و ... هسته اصلی این شکل از پیش‌گیری غیرکیفری را تشکیل می‌دهند (همان: ۷۵).

در این نوع پیش‌گیری، هرچند تمرکز بر روی مهار عوامل محیطی و اجتماعی در عرصه بزه‌دیده‌گی است؛ اما عوامل محیطی، غالباً از حیطة قدرت افراد خارج است، جهت‌دهی انسانی را بر نمی‌تابد؛ به همین دلیل، از قلمرو پیش‌گیری اجتماعی خارج شده و موضوع آن قرار نمی‌گیرد. پیش‌گیری اجتماعی صرفاً به محیط اجتماعی و دنیایی که خود انسان‌ها در ایجاد و تحول آن نقش دارد، می‌پردازد.

محیط اجتماعی، به دوگونه عمومی و شخصی قابل دسته‌بندی است؛ چرا که برخی از این عوامل اثرگذاری عام داشته و به صورت کلی بر سرنوشت، زندگی و موقعیت انسان‌ها در یک جامعه اثر می‌گذارد؛ هرچند ممکن است اثرپذیری و مقاومت افراد در برابر این عوامل متفاوت باشد.

عوامل محیطی عمومی، دارای ماهیت اثرگذار هم‌شکل است، که همه افراد را به‌گونه‌یی تحت تأثیر قرار می‌دهد. این عوامل، شامل فضای عمومی یک جامعه در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... است، که در هویت‌بخشی به افراد و بازتولید اهداف، انگیزه‌ها، رفتار و کردار انسان‌ها مؤثر می‌باشد. بخش دیگری از عوامل اجتماعی صرفاً به زندگی فردی و موقعیت شخصی

افراد بزه‌دیده و یا بزه‌کار معطوف بوده و شامل فضای تولد، رشد و تحول آن‌ها شده و در هر فردی اثر متفاوت می‌گذارد.

براین اساس، پیش‌گیری اجتماعی جامعه‌مدار، که مبتنی بر عوامل محیطی است، به دو دسته پیش‌گیری کلان و خرد تقسیم می‌شود (عباچی؛ ۱۳۸۸ : ۷۴)؛ اولی متناظر با محیط عمومی و فضای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و عواملی که معطوف به ساختار کلی جامعه است، می‌باشد. دومی، فضای شخصی و محیط خصوصی فردی را که در بزه‌کاری و بزه‌دیده‌گی مؤثر است، مورد توجه قرار می‌دهد.

پیش‌گیری اجتماعی رشد‌مدار، متناظر با عوامل شخصی از قبیل سن، جنسیت، معلولیت و... بوده و به موقعیت‌های آسیب‌پذیری افراد اشاره دارد. این نوع پیش‌گیری، در تلاش است با ایجاد زمینه‌های رشد مناسب افراد، موقعیت آن‌ها را ارتقا بخشد. طبیعی است که این روند مبتنی بر مداخله‌های روانی- اجتماعی‌بی چون گسترش مسؤولیت فردی، بهبود رفتار اجتماعی، تقویت علاقه‌های خانوادگی و اجتماعی نسبت به نهادهای اصلی جامعه‌پذیرکننده از قبیل مدرسه، محله و محیط کار، تقویت ثبات خانواده، انسجام گروهی و... می‌باشد.

پیش‌گیری اجتماعی رشد‌مدار، باید بتواند ظرفیت فکری و فرهنگی خانواده و جامعه در قبال پذیرش زنان را بالا برده و قابلیت اجتماعی زنان را مبنی بر حضور شان در اجتماع افزایش دهد. توانایی شناختی زنان را افزایش داده و موجب ترکیب اقدام‌های مناسب و رفتارهای درست در قبال آنان گردد.

تحقق این اهداف، باتوجه به شرایط و اوضاع و احوال مختلف، نیازمند سیاست‌گذاری درست و تدوین یک پالیسی مشخص در دو زمینه آموزش و نظارت می‌باشد؛ این امر، علاوه بر سازوکارهای حقوقی، نیازمند اقدام عملی و برنامه‌های اجرایی می‌باشد.

سیاست جنایی مشارکتی، زمانی می‌تواند به نتایج ملموس رسیده و موفق گردد، که به هر دو نوع محیط اجتماعی (عمومی و شخصی) توجه نموده و تدابیری برای کنترل و بهبود وضعیت در این عرصه‌ها اتخاذ کند؛ هم‌چنین از طریق تدوین سازوکارهای آموزشی و نظارتی به رشد شخصیت، توانایی و ارتقای ظرفیت زنان کمک کند.

سیاست جنایی مشارکتی، با چالش‌هایی هم‌چون فرهنگ مردسالارانه، نمادگرایی‌ها و تابوگرایی‌های افراطی مواجه است. باید برای رفع آن، از طریق توسعه الگوهای سیاست جنایی مشارکتی جامعه‌مدار و رشد‌مدار اقدام نمود. اخذ توأمان سیاست مشارکتی رشد‌مدار و جامعه‌مدار می‌تواند بنیادهای فکری خشونت‌پرور علیه زنان را به حاشیه برده و مداخله اجتماعی به نفع زنان در جامعه را افزایش دهد.

۵. پذیرش نظام دادرسی عرفی و ترمیمی در سیاست جنایی مشارکتی

یکی از راه کارهای اساسی برای بهبود کارایی سیاست جنایی مشارکتی، تدوین «نظام دادرسی عرفی - ترمیمی» است. این سخن، بعد از یک قرن تجربه نسبتاً ناموفق نظام دادرسی کیفری رسمی، سنگین به نظر می‌رسد؛ اما چاره‌ی نیست، واقعیت همین است.

نظام کیفری سنتی با محوریت واژه‌گان کلیدی جرم، مجرم و مجازات شکل گرفته بود. فلسفه اصلی این تأسیس حقوقی، صیانت از هنجارهای اساسی جامعه از طریق سازوکار جرم‌انگاری و کیفرگذاری است. این نهاد، تأمین عدالت را در اجرای متناسب مجازات می‌بیند. حقوق جزا می‌خواست از طریق اعمال کیفر، عدالت را تأمین نماید و با احیای عدالت نظم و امنیت را در جامعه انسانی برقرار سازد.

اینک سال‌ها از تجربه این نهاد می‌گذرد. حدود صدسال است، که آزمون و خطای سیستم کیفری سنتی در افغانستان تکرار می‌شود. واقعیت؛ اما این است که این تأسیس چندان موفق نبود و کارایی لازم را نداشته است.

رشد روزافزون پدیده‌های مجرمانه، ازدیاد حیرت‌انگیز مجرمان، گسترش دایره عناوین جرمی، افزایش پرونده‌های جزایی، ازدیاد تعداد زندانیان، افزایش تورم کیفری، بلندرفتن زمان و هزینه‌های دادرسی، گسترش نارضایتی عمومی از روند رسیده‌گی در محاکم، گرفتارشدن بسیاری از مجرمان در گردونه جنایت، قربانی شدن مضاعف بزه‌پدیده‌گان در فرایند دادرسی، و ... واقعیت‌هایی است که ناکامی این سیستم را نشان می‌دهد.

ناکامی این سیستم عوامل مختلفی دارد، از جمله این که نظام کیفری همواره برخورد با شخص مرتکب را مدنظر قرار می‌دهد؛ در حالی که در وقوع پدیده مجرمانه اضلاع دیگری نیز وجود دارد؛ علاوه بر مجرم، شخص مجنی علیه، شرایط محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ایجاد این پدیده بی‌تأثیر نمی‌باشند. پاسخ نظام کیفری، همواره به شیوه یگانه و در قالب مجازات صورت می‌گیرد. امیدواری به پاسخ سزادهی و سرکوب‌گر نظام کیفری، چنان بود که بتنام اظهار می‌داشت: مجازات را معلق یا تعطیل کنید، آن‌گاه دنیا صحنه جرم و جنایت شده و جامعه از بین می‌رود (به‌نقل از: صفاری؛ ۱۳۸۳ : ۱۷۸). جیمز کی‌یو ویلسون، بیان داشته است: «به همان اندازه که احتمال اعمال ضمانت اجراهای کیفری بیش‌تر شود، جرم شیوع کم‌تری خواهد داشت» (همان‌جا). تردیدی نیست که در روزگار گذشته سخن‌هایی از این دست، خریدار فراوان داشت؛ اما امروزه این سخن‌ها چه‌قدر واقعی به نظر می‌رسد؟ چه‌قدر مردم به دست‌آوردهای نظام کیفری، باور دارند؟ چند سال دیگر باید این آزمون و خطا را ادامه دهند؟ ادامه این روند چه‌قدر مقرون به صرفه است؟ هزینه‌های حفظ، تداوم، فعالیت و خطاهای سیستم کیفری کنونی را چه‌گونه می‌توان تأمین نمود؟

واقعیت این است، که بعد از یک قرن تجربه کیفری، اکنون فصل تغییر اساسی فرا رسیده است. ما نیازمند یک دگرگونی سیستمی هستیم. این تغییر، ابتدا در رویکردها باید ایجاد شود. رویکرد سنتی به پدیده مجرمانه اشتباه است. در این رویکرد سهامداران عدالت، مجرم، مجنی علیه و دادستان است. محوری ترین عنصر در این نظام، جرم، مجرم و مجازات می باشد. در این سیستم اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل قضایی بودن امور کیفری و اصل تناسب جرم و مجازات از اصول خدشه ناپذیر تلقی می شود؛ درحالی که این تلقی، نادرست است. ما باید این تلقی را به چالش بکشیم. ما نیازمند ره یافت جدیدی نسبت به پدیده های جنایی هستیم. ره یافتی که در آن الگوی جرم، مجرم و مجازات تغییر کند. در این رویکرد اصل قضایی بودن امور کیفری، اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل تناسب جرم و جزا، به اصول مناسب تری جایگزین گردد.

«دادرسی عرفی - ترمیمی» رویکرد مناسبی است، که می توان در کنار حقوق جزای کنونی و موازی با دادرسی رسمی کیفری، به عنوان یک راه کار مناسب پیش نهاد گردد. دادرسی عرفی، رویکرد مشارکتی است؛ در آن سهامداران عدالت تنها به مجرم، قربانی و دادستان محدود نمی شود. در این ره یافت از دادرسی، علاوه بر طرفین قضیه، خانواده ها، نمایندگان جامعه محلی، نهادهای مدنی، ریش سفیدان، اشخاص متنفذ و... حضور دارند.

در دادرسی عرفی، به جای محوریت جرم، مجرم و مجنی علیه، به تر است از مفاهیم «آسیب»، «آسیب رسان» و «آسیب دیده» استفاده شود؛ هم چنین به جای تحمیل مجازات و پاسخ های سزاهدنده، از جلب رضایت، ترمیم و جبران خسارت سخن گفته شود.

در این ره یافت از دادرسی، هدف اعمال کیفر بر مرتکب نیست. عدالت، به معنای اجرای متناسب مجازات نمی باشد. در دادرسی عرفی، قضایی بودن قضایای کیفری اصلت ندارد. اصل قانونی بودن جرم و مجازات هم اعتبار چندانی ندارد. تناسب بین جرم و مجازات مطرح نیست؛ بل که توجه به میزان آسیب وارده به شخص آسیب دیده و چه گونه گی ترمیم آن است. در این رویکرد به جای اصل قانونی بودن و اصل قضایی بودن، جرم زدایی و قضازدایی مطرح است. به جای تفتیشی بودن نظام تحقیق و دادرسی، توافقی و اختیاری بودن مشارکت در فرایند دادرسی، ملاک می باشد.

تجربه تاریخی انسان ها در کشورهای گوناگون، پیشینه دادرسی عرفی در افغانستان، حضور آیین های شبه قضایی زنده در میان اقوام عمده ساکن کشور، این واقعیت را یادآور می شود، که ظرفیت عظیم اجتماعی در میان جامعه ما وجود دارد، و هنوز امکان اعاده و احیای دادرسی عرفی، موجود است.

در سیاست جنایی افغانستان، نمودهایی از آموزه های جرم شناختی و بزده دیده شناختی دیده می شود. در قانون اجراءات جزایی و کد جزا و هم چنین قانون منع خشونت علیه زنان، تغییرات نسبی در راستای

مشارکت بزه کار و بزه دیده و در برخی موارد برخی نهادهای مرتبط، ایجاد شده است؛ اما در عین حال سیاست جنایی کشور غالباً در دسته بندی های شناخته شده، جزء نظام های اقتدارگرا محسوب شده و در برخی مقاطع اقتدارگرایی فراگیر را تجربه کرده است. طبیعی است که در چنین روی کردی، سیستم کیفری سرکوبگر بوده و عدالت را در اعمال مجازات می بیند. در چنین فضایی امکان ظهور سیاست جنایی مشارکتی مشکل است و تطبیق دادرسی مشارکتی و عدالت ترمیمی آسان نخواهد بود. عدالت ترمیمی و حلقه های سازش و مصالحه، حلقه مفقوده سیاست جنایی کشور به حساب می آید، به ویژه این که در طی سی سال گذشته، به خصوص در عصر جنگ های تحمیلی جهادی و پس از آن، فرصتی برای بازسازی و بهینه سازی همین نظام سنتی نیز نبوده است؛ بنابراین، بازخوانی مسایل جدی سیاست جنایی کشور و از جمله تأسیس مستقل دادرسی عرفی - ترمیمی، در کنار نظام دادرسی رسمی، یک ضرورت تلقی می گردد.

واقعیت اما این است، که در افغانستان سیاست جنایی مشارکتی به خصوص در قالب جامعه وی آن شکل نگرفته است؛ هر چند زمینه های مشارکت، در قوانین مطرح شده است؛ ولی آن ها نیز بیش تر جنبه دولتی دارد. در سیاست جنایی افغانستان، پاسخ به پدیده مجرمانه اغلب پاسخ رسمی و دولتی است؛ این در حالی است که توقع از سیاست جنایی مشارکتی چیز دیگری است.

به هر ترتیب، با در نظر داشت دلایل توجیهی حقوقی و جرم شناختی موجود و با بهره گیری از الگوی سیاست جنایی اسلام و باتوجه به تعهد افغانستان در قبال اسناد بین المللی، لازم است حد اقل در مورد جرایم علیه اموال و اشخاص در کنار نظام کیفری رسمی سزادهنده، آموزه های سیاست جنایی مشارکتی جدی گرفته شده و نظام دادرسی عرفی - ترمیمی، احیا گردد. این روی کرد به دادرسی، ضمن این که با داده های علمی، تجارب تاریخی و مبانی دینی سازگار می باشد، از نظر جرم شناسی و بزه دیده شناسی نیز توجیه پذیر می باشد.

این سیستم، برخلاف سیستم رسمی در حصار قاعده و قانون قرار ندارد. از انعطاف لازم برخوردار می باشد. در میان مردم طبیعی جلوه نموده از مقبولیت بیش تری برخوردار می باشد. فرایند رسیده گی عاری از خشونت و تحقیر بوده موجب بزه دیده گی ثانوی نمی گردد. از پیامدهای برچسب زنی، زوال شخصیت و انتقال فرهنگ مجرمانه بری می باشد. ضمن این که به باز توانی بزه دیده و بزه کار کمک می کند، از تورم کیفری جلوگیری می نماید.

نتیجه گیری

تحلیل وضعیت و بررسی اوضاع و احوال جامعه افغانستان و ارزیابی میزان موفقیت نظام دادرسی کشور، این واقعیت را نشان می دهد، که در افغانستان ظرفیت لازم برای ایجاد و نهادینه سازی

سیاست جنایی مشارکتی در عرصه‌های مختلف، از جمله قضایای خشونت علیه زنان وجود دارد. این ظرفیت در بستر حقوقی، فرهنگ دینی و زمینه‌های اجتماعی دیده می‌شود؛ بدین جهت، برای به‌کرد سیاست جنایی مشارکتی، به‌تر است از سازوکارهای گوناگون بهره‌گیری شود.

در راستای بهبود سیاست جنایی، لازم است آموزه‌های مشارکتی و جامعه‌وی دین مبین اسلام استفاده بهینه صورت بگیرد. به تعهدات بین‌المللی افغانستان در قبال اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی توجه شده و از داده‌های آن در تدوین سیاست جنایی کار گرفته شود. به ظرفیت عظیم اجتماعی عرف‌ها و کارشویه‌های رایج میان اقوام کشور، توجه شده و از این الگوها در تنظیم سیاست جنایی کشور استفاده شود. در نهایت مهم‌ترین راه‌کار این است، که با ایجاد یک تغییر اساسی «دادرسی عرفی - مردمی» در کنار دادرسی رسمی و دولتی، به رسمیت شناخته شود. زمینه مشارکت واقعی و اثرگذار مردم و نهادهای مردمی در عرصه جنایی، به‌خصوص قضایای خشونت علیه زنان، فراهم شود.

سرچشمه‌ها

۱. الدیلمی، حسن بن ابی الحسن. (۱۴۲۴). **ارشاد القلوب**. برگردان سیدعبدالحسین رضایی. جلد ۱. بیروت: دارالاسوه.
۲. پرادل، ژان. (۱۳۸۱). **تاریخ اندیشه‌های کیفری**. ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی. چاپ اول. تهران: سمت.
۳. حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۳۹۳ق). **وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه**. بیروت: دار التراث العربی.
۴. خمینی، روح ا... (۱۳۷۰). **تحریرالوسیله**، جلد چهارم. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی. قم: دارالعلم.
۵. رهامی، محسن. (۱۳۹۵). «**زمینه‌های عدالت ترمیمی در حقوق کیفری ایران**». تهران: مجله دانش کده حقوق و علوم سیاسی. شماره ۷۵.
۶. سلیمی، علی، داوری، محمد. (۱۳۸۰). **جامعه‌شناسی کج‌روی**. چاپ اول. قم: پژوهش‌گاه حوزه و دانش‌گاه.
۷. صفاری، علی. (۱۳۸۳). «**حمایت از بزه‌دیده و نهادهای مردمی**». تهران: مجله تحقیقات حقوقی. شماره ۴۰.

۸. عباچی، مریم. (۱۳۸۸). «پیش گیری از بزه کاری و بزه دیدگی کودکان». تهران: مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۷؛
۹. علامه، غلام حیدر. (۱۳۸۵). «بررسی خشونت علیه زنان در افغانستان». کابل: مجله عدالت. شماره ۳۸.
۱۰. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان. (۱۳۸۱). ویژه اسناد بین المللی حقوق بشر. چاپ اول. کابل: مطبعه حبیب الله حسیب.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۶). اصول کافی. ترجمه مهدی آیت اللهی. تهران: جهان آرا.
۱۲. نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۸۲). پیش گیری عادلانه از جرم (علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری). چاپ اول. تهران: سمت.
۱۳. نور محمدی، معصومه سادات. (۱۳۹۰). «سیاست جنایی افغانستان در قبال زنان بزه دیده». چاپ اول. تهران: میزان.
۱۴. وحیدی، عبدالملک. (۱۳۸۹). «سیاست جنایی تقنینی افغانستان در قبال بزه دیده گی اطفال در افغانستان». پایان نامه ماستری حقوق جزا و جرم شناسی. تهران: دانش گاه اهل بیت.
۱۵. _____ (۱۳۹۹). «چالش های حقوقی سیاست جنایی مشارکتی در رویارویی با خشونت علیه زنان». هرات: مجله علمی - پژوهشی غالب. شماره ۳۱.

قوانین

۱۶. قانون اساسی افغانستان. مصوب ۱۳۸۲، جریده رسمی وزارت عدلیه. شماره ۸۵۵.
۱۷. منشور ملل متحد. مصوب ۱۹۴۶م.

خوانش مکتوبات مولانا بر اساس تاریخ‌گرایی نو

نگارنده‌گان: دکتر شیرزاد طایفی*

** غلام‌رسول رحمانی

چکیده

مکتوبات مولانا، از جمله متون شاخص مربوط به جامعه و زمانه خود است، که از آن اطلاعات خوبی می‌توان استخراج کرد. رویکرد تاریخ‌گرایی نو که هر متن را خردروایت تاریخی می‌داند، در این زمینه می‌تواند کارایی مؤثری داشته باشد. هدف عمده ما در این پژوهش، این بوده است که برای این پرسش‌ها پاسخ بیابیم که: نگاه مولانا در مکتوبات وی، به قدرت چه‌گونه است؟ گفت‌مان‌های مهم اجتماعی محدوده جغرافیایی‌یی که مولانا در آن می‌زیسته، باتوجه به مکتوبات وی، چیست؟ در این پژوهش، به‌صورت انتقادی و به روش تحلیل کیفی و با رویکرد تاریخ‌گرایی نو، مکتوبات مولانا بازخوانی شده است. یافته‌های ما نشان می‌دهند مولانا، حاکمیت را امری قدسی و الهی می‌داند و انقیاد در مقابل حاکم نیک و بد، ضروری است. منت دین‌داری هم‌چون گفت‌مانی پُرنرنگ قابل مشاهده است. قدرت صوفیان و عارفان در کنار حاکمیت، امری قابل توجه است. فقر، دغدغه بسیاری از مردم آن روزگار است؛ و حاکمان، از رواداشتن ظلم در حق مردم، ابایی ندارند.

واژه‌گان کلیدی: مکتوبات مولانا، تاریخ‌گرایی نو، قدرت، حاکمیت و

دغدغه‌های اجتماعی.

* دانش‌یار دانش‌گاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (Sh_tayefi@yahoo.com) و (taefi@at.u.ac.ir)

** دانش‌جوی دکتری ادبیات فارسی دانش‌گاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛ و کادر علمی و اداری دانش‌گاه غالب هرات

(gh.rasoolrahmani@gmail.com)

ISSN

Printed: 2788-4155

Online: 2788-6441

Ghalib

Received Date: 03 / 08 / 2021

Accepted Date: 11 / 11 / 2021

Reading Mowlana's Maktobat Based on New Historicism

Authors: Dr. Shirzad Tayefi (PhD)*
Ghulam Rasool Rahmani**

Abstract

Mowlana's writings are among the most important texts related to his society and time, from which good information can be extracted. The new Historicism approach, which considers any text as a historical sub-narrative, can be effective in this regard. Our main goal in this research was to find answers to these questions: What is Mowlana's view of power in his writings? What are the important social discourses of the geographical area in which Rumi lived, according to her writings? In this research, Mowlana's writings have been read critically and analyzed with a qualitative method with a New Historicism approach. Our findings show that Mowlan considers sovereignty a sacred and divine thing and submission to a good and bad ruler is necessary. The essence of religiosity is as visible as the bold discourse. The power of Sufis and mystics alongside sovereignty is remarkable. Poverty was the concern of many people at that time; And the rulers do not hesitate to tolerate oppression of the people.

Key Words: Mowlana's Maktobat, New Historicism, power, sovereignty and social concerns.

* Associate Professor of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Sh_tayefi@yahoo.com & taefi@atu.ac.ir)

** PhD Student in Persian Literature, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran & Academic Cadre of ghalib University (gh.rasoolrahmani@gmail.com)

۱. مقدمه

انسان، وابسته به علایق خود است که این علایق، خواسته و ناخواسته، بر تولیدات او اثر می‌گذارند. تولید نوشتار نیز یکی از برون‌دادهای انسانی است. تاریخ‌نگار، چون وابسته به علایق خود است، نمی‌تواند تاریخی محض و بی‌غرض بیافریند؛ لذا تاریخ‌گرایی نو، با این باور که هر متن می‌تواند یک روایت باشد، و هر روایت ناگفته‌های تاریخ را بازگو می‌کند، به دنبال فهم خُرده‌تاریخ‌های بشری پا به عرصه وجود گذاشت. استفاده از این روی‌کرد، برای خوانش مکتوبات مولانا، که یکی از عینی‌ترین متن‌هایی است که می‌شود از دل آن، مسائل مهم اجتماعی را استخراج نمود، می‌تواند فهم ما را از جامعه آن روزگار و نگاه شخصی چون مولانا را به مسأله قدرت و حاکمیت، بیش‌تر نموده، گفت‌مان / گفت‌مان‌های مهم اجتماعی روزگار وی را تا حدّ زیادی روشن سازد.

در ارتباط به پیشینه بحث، باید یادآور شد، که آثار خوبی تدوین شده، که هرکدام از زاویه‌ی به مکتوبات مولانا نگریسته‌اند؛ اما تاکنون، پژوهشی از دید تاریخ‌گرایی نو به این اثر نپرداخته است. «گونه فرهنگی مکتوبات مولانا» (بررسی سه مقوله موضوع، مخاطب و افراد واسطه در نامه‌های مولانا) (۱۳۹۶)، نوشته زهرا تقی‌زاده و مسعود روحانی‌است، که در نتیجه‌گیری و در مبحث قدرت ایدئولوژیک مولانا آمده است: «روابط مولانا با دست‌گاه حاکم، حسنه است؛ وی از مدح‌سرایی به خاطر بهره‌مندی از حمایت مادی و معنوی ایشان در جهت منافع مردم، به‌ویژه سالکان و عرفا، ابایی ندارد؛ مدام از دولت‌مردان درخواست و مطالبه می‌کند و دست‌گاه حاکم نیز پاسخ مثبت می‌دهد» (تقی‌زاده و روحانی؛ ۱۳۹۶: ۶۵). این مقاله، اطلاعات خوبی درباره مخاطبان و افراد واسطه در نامه‌های مولانا در اختیار خواننده قرار می‌دهد، که ما در پژوهش خود، این مبحث را جداگانه بررسی نکرده‌ایم؛ چون تکرار بحث، نوعی بی‌اعتنایی به دست‌آورد پژوهش فوق‌الذکر و مخاطبان است. می‌توان برای آگاهی از این اطلاعات به مقاله تقی‌زاده و روحانی مراجعه کرد.

مقاله دیگری که به موضوع ما بسیار نزدیک است و علمی هم نگاشته شده، «تعامل مولانا جلال‌الدین بلخی با نهادهای سیاسی قدرت در قونیه» (۱۳۹۲)، نوشته محمود فتوحی است، که در مقام نتیجه‌گیری در چکیده می‌نویسد: «خُرده‌ایدئولوژی الزام اطاعت از اولی‌الامر، هم‌راهی متدینان با ظلمه و تأیید آنان را توجیه می‌کند. نیروی عظیم ایدئولوژی مانع آن می‌شود که فردی چون مولوی یا جامعه او بتواند از تناقضات بنیادین خود آگاه شود. ایدئولوژی نه تنها همه‌چیز را توجیه می‌کند، بل که تناقض‌ها را طبیعی جلوه می‌دهد» (فتوحی؛ ۱۳۹۲: ۴۹). نگارنده در این مقاله، به مکتوبات مولانا، کتاب *فیه‌ما‌فیه*، *مثنوی معنوی* و *غزلیات شمس* و نوشته‌های پیرامونی مولانا توجه داشته است. تفاوت کار ما با این مقاله در این است که نخست، محدوده پژوهشی ما صرفاً مکتوبات مولانا

است، که این امر مجال بیش‌تری برای واکاوی دقیق مسأله می‌دهد؛ دوم این‌که ما منحصرأ با روی‌کرد تاریخ‌گرایی نو به خوانش این اثر رفته‌ایم؛ سوم این‌که یافته‌های ما مفصل‌تر است. دو مقاله ارزش‌مند دیگر نیز وجود دارد، که اطلاعات خوبی دربارهٔ مکتوبات مولانا به ما می‌دهند؛ «*ارزش ادبی مکتوبات مولانا*» (۱۳۸۳)، نوشتهٔ غلامعلی حداد عادل، که معلومات مفیدی دربارهٔ شگردهای ادبی مکتوبات مولانا در اختیار خواننده قرار می‌دهد؛ و «*چهرهٔ مولانا در آلبوم شخصی مکتوبات او*» (۱۳۸۱)، باز نوشتهٔ غلامعلی حداد عادل است، که طی آن می‌نویسد: «از این نامه‌ها به روشنی معلوم می‌شود که مولانا عارفی گوشه‌گیر و فراری از مردم و بی‌خبر از واقعیات و مسائل و مشکلات جامعه نبوده، بل که با تن و گوشت و پوست و خون خود در میان مردم می‌زیسته و با آنان در زنده‌گی روزمره شریک و همراه بوده است...» (حداد عادل؛ ۱۳۸۱: ۱۸۸).

اهداف ما در این پژوهش، آن بوده که به این پرسش‌ها پاسخ قانع‌کننده‌ی دهیم که: نگاه مولانا در مکتوبات وی، به قدرت چه گونه است؟ گفت‌مان‌های مهم اجتماعی محدودهٔ جغرافیایی‌یی که مولانا در آن می‌زیسته، با توجه به مکتوبات وی، چیست؟

روش پژوهش، انتقادی و تحلیل کیفی است، که با روی‌کرد تاریخ‌گرایی نو انجام شده است و جامعهٔ آماری پژوهش نیز، مکتوبات مولانا است. در سامان‌بخشی به مباحث نظری، به آناری که مرتبط با چیستی تاریخ و تاریخ‌اناطولی بوده‌اند، توجه داشته‌ایم.

یافته‌های ما نشان می‌دهند که: مولانا با صاحبان قدرت، تعامل خوبی داشته و آنان را توصیف و تمجید می‌کرده است. منت‌دین‌داری، هم‌چون گفت‌مانی اصلی در این اثر دیده می‌شود. حاکمان بر رعیت ظلم می‌کنند. فقر در جامعه گسترده است و صوفیان / عارفان، مانند قدرتی قابل توجه، در این اثر قابل پی‌گیری است.

۲. چیستی تاریخ

آن‌چه تاریخ نام دارد، چیست؟ یک پاسخ این است: «تجربهٔ زنده‌گی انسان، که در طول زمان گسترش یافته است». زنده‌گی آکنده از فرازونشیب‌هاست؛ بنابراین، یکی از مفاهیم اساسی تاریخ، تغییر است (استنفورد؛ ۱۳۹۳: ۲۳)؛ اما به لحاظ لغوی، واژهٔ یونانی *historia* چندین معنا دارد، که مهم‌ترین آن‌ها «پژوهش»، «دانش»، «علم»، «شرح نوشتاری پژوهش‌ها»، «گزارش»، «روایت» و «تاریخ رویدادها» است (احمدی؛ ۱۳۹۶: ۳). واژهٔ «تاریخ» را به دو معنای اصلی به کار می‌بریم: ۱. شماری از رویدادهای گذشته را «تاریخی» می‌خوانیم؛ ۲. بازگویی یا بازنویسی رویدادی خاص یا رشته‌یی از اتفاق‌ها را «تاریخ می‌نامیم» (همان: ۹).

کوتاه‌سخن این که تاریخ، علمی است که با مطالعه آن از سرگذشت و احوال اُمم و ملت‌های گذشته آگاه می‌شویم. یا «مطالعه تاریخ شامل تمام چیزهایی است که انسان‌ها گفته‌اند، اندیشیده‌اند، انجام داده‌اند و یا متحمل شده‌اند» (حمیدی؛ ۱۳۹۳: ۴۷)؛ اما حقیقت این است، که هر روایت در قید گذشته، تاریخ است. این روایت، اگر تخیلی باشد، می‌شود تاریخ تخیلی (شاید اسطوره)، اگر برگرفته از واقعیت‌های اجتماعی باشد، می‌شود تاریخ اجتماعی، اگر سرگذشت ادبیات را بیان کند، می‌شود تاریخ ادبیات و اگر...؛ از این جهت است که هر روایت زمان‌مند را تاریخ می‌نامیم؛ پس تاریخ، با روایت آغاز می‌شود. این دو را در عنوانی جداگانه بیان می‌کنیم.

۱-۲. تاریخ و روایت

تاریخ‌نگار، رویدادی تاریخی را روایت می‌کند. داستان‌نویس، قصه‌ی خیالی را روایت می‌کند. نویسنده یک رمان تاریخی، داستانی را که ترکیبی است از فضاها و شخصیت‌های مجازی و فضاها و شخصیت‌های واقعی، روایت می‌کند. تاریخ‌نگار و رمان‌نویس، کاری مشابه انجام می‌دهند، یعنی گزارشی روایی فراهم می‌آورند. گزارش تاریخی و گزارش داستانی از یک قماش‌اند؛ چون دست آخر گزارش‌هایی از کنش‌های انسانی‌اند، وضعیت‌های ثابت و متغیر را توصیف می‌کنند و از موقعیت‌های انتقالی سخن می‌رانند (احمدی؛ ۱۳۹۶: ۱۳۹).

«روایت، به زبان ساده، عبارت است از: بازنمایی یک رخداد یا مجموعه رخدادها» (ابوت؛ ۱۳۹۹: ۴۱). روایت را در معنای کلی آن باید دست‌آورد توضیح تسلسل کنش‌های آدمی دانست؛ آن چه در نوع خام و عامیانه می‌توان داستان نامید؛ به دیگر سخن، امتدادی است که از یک زمان ابتدایی آغاز می‌شود و سپس با گذر از مجموعه‌ی از وقایع، به نقطه‌ی پایانی نزدیک می‌شود و در این گذر، آدم‌هایی شخصیت‌پردازی می‌شوند؛ از این‌رو، باید گفت که روایت، ذکر گام‌به‌گام وقایع است؛ اما آن را می‌توان معنای اولیه پی‌رنگ نیز نامید. درواقع، ارسطو داستان را بیان کنش آدمی در یک پی‌رنگ می‌داند و اجزای پی‌رنگ را نیز آغاز، میانه و پایان معرفی می‌کند. از نظر او، پیش از آغاز نباید حادثه دیگری آمده باشد؛ میانه، وسط حوادث دیگر آمده؛ و پایان باید پی‌آمد منطقی و طبیعی حوادث پیشین باشد؛ اما نکته اصلی را باید در واژه تعیین‌کننده «منطقی» یافت؛ چنان‌که ای. ام. فورستر در کتاب جنبه‌های رمان، همانند ارسطو که پی‌رنگ را کلیتی منسجم می‌داند، که در صورت حذف بخشی از آن، احساس نقص در آن نموده می‌شود، بر این باور است که پی‌رنگ، داستان یا همان قصه رشته‌ی از حوادث است، که بر حسب توالی زمان ترتیب یافته باشند، و طرح یا همان پی‌رنگ نیز نقل حوادث است با تکیه بر روابط علت و معلولی؛ و باز در ادامه اعتقاد دارد، «سلطان مُرد و سپس ملکه مُرد»، داستان است؛ اما سلطان مُرد و ملکه از فرط اندوه درگذشت، پی‌رنگ است (فرزانه‌دهکردی؛ ۱۳۸۹:

۱۷-۱۸). روایت، در تلقی وایت^۱، به‌طور تفکیک‌ناپذیری وابسته مسائل مرجعیت و قدرت است (به‌نقل از ا. کلارک؛ ۱۳۹۸: ۱۴۷)؛ از این‌روست که تاریخ‌گرایی نو، قدرت را در چه‌گونه‌گی تولید متن، مؤثر می‌داند؛ با این حساب، روشن می‌شود که روایت، جزء اساسی و حتمی تاریخ است. *مکتوبات مولانا*، می‌تواند یک روایت باشد از روزگار او، به‌گونه نامستقیم.

۳. چستی تاریخ‌گرایی نو

تاریخی‌گری / تاریخ‌گرایی نو، نخستین بار در سال ۱۹۸۲ از سوی استفان گرینبلت در مقدمه‌ی بر کتاب *مجموعه مقالات صورت قدرت و قدرت‌صور در عصر رنسانس* به مثابه جریانی انتقادی تعریف و توصیف گردید. در این کتاب، وی به مقایسه روی‌کردهای انتقادی این دوران در محافل آکادمیک امریکا، یعنی «تاریخ ادبیات سنتی» و «نقد نو» می‌پردازد (نوذری؛ ۱۳۹۲: ۵۱۷).

«تاریخ‌گرایی جدید، با واژه‌گان خاص خود همراه است. از جمله مفاهیمی که اخیراً در مطالعات ادبی رواج گسترده‌ی پیدا کرده و وارد بحث‌های تاریخ در امریکا شده‌اند، مفاهیم زمینه، متن، ساختارشنکی، کانون، نظریه دریافت مخاطب و گفت‌مان است» (Hoover, 1992: 356).

درواقع نو‌تاریخی‌گری / تاریخ‌گرایی نو، آیین فکری و جزمی نیست. روش واحدی را هم در بر ندارد. چشم‌اندازی است که از آن هر کس می‌تواند با توجه به نیازها و ویژه‌گی‌های متن و فرهنگ مورد تحقیق خویش، روش مناسب و زبان مناسب برای بررسی متن مورد نظر را بیابد. وحدت نظری منادیان این چشم‌انداز را می‌توان در چند فرضیه مشترک خلاصه کرد: می‌گویند هر متنی، به شکلی پیچیده و لایتجزا، با شرایط مادی زمان خویش در پیوند است. می‌گویند قواعد «مبادله کالا» و «حرکت و انباشت سرمایه»، شباهت‌هایی مهم با قواعد مبادلات هنری، تأثیر و تأثر ادبی و انباشت و گردش سرمایه نمادین (Symbolic Capital) در جامعه دارد. می‌گویند روش‌های نقد ادبی که برای شناخت آثار هنری به کار می‌آیند؛ درعین حال، برای حلاجی آثار تاریخی نیز لازم و کارسازند. معتقدند هر اثر تاریخی بالمآل نوعی کار ادبی است و هر کار ادبی، خواهی‌نخواهی آیینی‌یی از تاریخ است. هیچ متنی معنای مطلق ندارد (میلانی؛ ۱۳۸۷: ۱۴).

خلاصه این که اصطلاح تاریخ‌گرایی نو امروزه به روی‌کردی گفته می‌شود، که تاریخ را آن‌گونه که تاریخ‌نگاران سنتی به نظر مخاطب می‌رسانند، پذیرا نیست. این روی‌کرد در دهه هشتاد قرن بیستم و بیش‌تر بر مبنای اندیشه‌های استفان گرینبلت امریکایی شکل گرفت و بعدها آرتور ماروتی، لوئیس ماتروز و استیون اورگل آن را گسترش دادند. با تاریخ‌گرایی نو خوانشی از متن مورد نظر به دست می‌آید، که با داده‌ها و گزارش تاریخ‌نگاران متفاوت است. منتقد تاریخ‌گرایی نو، آثار ادبی دوران‌های گوناگون تاریخ را مد نظر قرار می‌دهد، تا رابطه متن با تاریخ را بازنگری کند و در تفسیر

متن، علاوه بر جنبه‌های ادبی متن، از بر ساخت‌های تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیکی در هر دوره تاریخی بهره می‌گیرد. در این روی‌کرد، بر تاریخی‌بودن متن و متنیت تاریخ تأکید می‌شود. تاریخ‌گرایان نو سعی دارند نوعی تفسیر انتقادی ارائه دهند، که در آن شبکه‌یی از روابط بررسی شود و به‌منزله نزدیک‌ترین تفسیر به واقعیت باشد. در واقع متن را فضایی می‌بینند که در آن، روابط پیچیده خود را آشکار می‌کنند (حجازی؛ ۱۳۹۹: ۱۱۰).

بین تاریخ‌گرایی نو و نقد تاریخی، تفاوت است. نقد تاریخی، شیوه نقادی متداول در نزد آن دسته از منتقدان است، که حوادث تاریخ را برای توجیه و تبیین کیفیت و ارزش آثار ادبی کافی می‌شمارند (زرین‌کوب؛ ۱۳۸۹: ۶۱)؛ یا به عبارتی: «در نقد تاریخی، هر اثر ادبی بر مبنای زمینه‌های تاریخی مرتبط با آن مورد بررسی و تفسیر قرار می‌گیرد» (امامی؛ ۱۳۹۳: ۱۶۵). در حقیقت نقد تاریخی، وسیله تحقیق در تاریخ ادبیات به حساب می‌آید. البته تاریخ ادبیات، از آن لحاظ که معرف اوضاع و احوال اجتماعی هر ملت است، اهمیت بسیار دارد؛ اما نقد و تحقیق در ادبیات را نمی‌توان و نباید منحصرأ به وسیله طریقه تاریخی میسر و کافی شمرد. آن چه در آثار زیبای هنری مورد توجه منتقد است، فقط جنبه تاریخی آن‌ها نیست (زرین‌کوب؛ ۱۳۸۹: ۶۱).

۴. معنادر ادبیات

یکی از پرسش‌هایی که در مقابل تاریخ‌گرایی نو _ که هر متن ادبی / غیر ادبی را یک خرده‌روایت تاریخی می‌داند _ این است، که آیا متن ادبی / غیر ادبی، می‌تواند بیان‌گر حقایق باشد؟ چرا که یکی از پیچیده‌ترین مسائل تحلیل متن ادبی، چه‌گونه‌گی شکل‌گیری «معنا» و درک آن در فضایی از کاربرد زبان است، که در نوع خود «واقعیت‌گریز» می‌نماید و بر حسب گریز از هنجاری‌های حاکم بر «زبان خودکار» آفریده می‌شود (صفوی؛ ۱۳۹۱: ۳۸۷).

معنایی که در متن ادبی شکل می‌گیرد، خارج از فضای معنایی در زبان خودکار قابل درک نیست؛ به عبارت ساده‌تر، هیچ معنایی در متن ادبی قابل درک نیست، مگر آن که در زبان خودکار تعبیر شود (همان؛ ۳۹۹)؛ لذا باید این نکته را در خوانش متون ادبی بر اساس تاریخ‌گرایی نو، مد نظر داشته باشیم و به شناخت صور خیال و شگردهای ادبی، مجهز باشیم، تا از سوء تعبیر در قضاوت‌های خود، به دور بمانیم.

۵. مولانا و شاهان روزگار او

پادشاهان سلجوقی آسیای صغیر نه تنها با محیط امن و آسایش بخش منطقه خود دانش‌مندان را جلب می‌کردند، بل که آن‌ها را از هر جهت مورد حمایت مادی و احترام معنوی قرار می‌دادند (یازجی؛ ۱۳۶۹: ۱۴۲).

در قونیه، مولانا حرمت و حشمتی تمام داشت. پادشاهان سلجوقی روم، خاصه عزالدین کیکاووس و رکن‌الدین قلج ارسلان نسبت به او ارادت می‌ورزیدند. معین‌الدین پروانه به مجلس او رفت و آمد می‌کرد و هدیه و نیاز می‌داد. صدرالدین قونوی، عارف نام‌دار ولایت در حق وی تکریم بسیار می‌کرد. سراج‌الدین ارموی که از دانش‌مندان نام‌دار عصر بود، در وی به چشم بزرگی می‌نگریست (زرین‌کوب؛ ۱۳۸۹: ۲۳۰-۲۳۱).

مولوی در طول مقام و زنده‌گی خود در آسیای صغیر، با گروهی از پادشاهان و اُمرا و عالمان و شاعران معاصر و با بعضی معاشر بوده است؛ مانند غیاث‌الدین کبخسرو ثانی (۶۴۳-۶۳۴) که بر اثر شکست از بایجو سردار مغول، دوران نفوذ مغول در آسیای صغیر آغاز شد، عزالدین کیکاووس ثانی (۶۵۵-۶۴۳)، رکن‌الدین قلج ارسلان رابع (۶۶۶-۶۵۵) و غیاث‌الدین کبخسرو ثالث (۶۸۲-۶۶۶) که نسبت به مولوی با حرمت بسیار رفتار می‌کرده‌اند؛ چنان‌که به خدمت او می‌رسیده و در مجالس سماع وی حاضر می‌شده‌اند (صفا؛ ۱۳۶۹: ج ۳، بخش اول / ۶۵۶-۶۵۷).

مولانا روابط بسیار نزدیکی با عزالدین کیکاووس دوم داشت، که شاید خود را به‌نوعی از مریدان مولانا می‌دانست (به نقل از: دین لوئیس؛ ۱۳۸۵: ۳۶۳).

۶. مکتوبات مولانا

مکتوبات، مجموعه‌یی از نامه‌های مولانا است که تنها در سه یا چهار نامه از آن‌ها از صلاح‌الدین زرکوب، به‌عنوان شخصی زنده، نام برده می‌شود. در بیش از بیست و پنج نامه دیگر، ذکر حسام‌الدین چلبی در میان است؛ بنابراین، غالب نامه‌ها، که تعداد کل آن‌ها به یک‌صد و پنجاه می‌رسد، در طول ده تا پانزده سال آخر زنده‌گی مولانا نوشته شده است. چهارده نامه از آن‌ها برای وساطت در کار نظام‌الدین طغرای خطاط است، که داماد صلاح‌الدین و نیز خویشاوند حسام‌الدین بوده است. سیزده نامه دیگر، توصیه و سفارش در حق شیخ صدرالدین پسر حسام‌الدین است، که گویا در جامه فقیهان و اهل منبر بوده است. از مضمون نامه‌ها پیداست که دامادهای هر دو خلیفه مولانا محتاج پشتی‌بانی و مایه دل‌واپسی و نگرانی خاطر او بوده‌اند. مخاطبان نامه‌ها غالباً بزرگان قونیه‌اند و موضوع بیش‌تر

آن‌ها تقاضای کمک و عطف توجه برای یکی از متعلقان است؛ اما لحن مولانا هیچ‌گاه ملتسمانه و گدامنشانه نیست (دانش‌نامهٔ ادب فارسی؛ ج ۲ / ۱۳۸۶: ۵۲۸-۵۲۹).

مکتوبات هیچ شباهتی به نامه‌های رسمی و غیر رسمی شاعران و عارفان برجستهٔ دیگر ندارد؛ نه مانند نامه‌های منشیانه، فضل‌فروشانه و تکلف‌آمیز و نه اثر ادبی محضی است که نامه‌نویسی در آن به مثابهٔ شگردی برای آفرینش ادبی به کار گرفته شده و محتوای آن موهوم و خیالی باشد.

مخاطب نامه‌ها اشخاص واقعی و تاریخی‌اند و هر نامه‌ی برای رفع نیاز و حل مشکلی به قلم آمده است؛ درعین حال، لحن و فحوای نامه‌ها کاملاً مختص مولاناست. عنصر اخلاق و عاطفه و نگاه انسانی در درخواست‌ها و سفارش‌ها و پای‌مردی‌های مولوی غلبه دارد. همین‌جاست که پای‌استشهاد به آیات و احادیث، و امثال و ایبات حکیمانه و مؤثر به میان می‌آید و نویسنده با جان و وجدان مخاطب سروکار پیدا می‌کند (مشتاق‌مهر؛ ۱۳۹۶: ۷۹).

برای آشنایی بیش‌تر با مکتوبات مولانا، می‌توان به مقدمهٔ توفیق‌ه سبحانی بر این کتاب و مقالات غلامعلی حداد عادل مراجعه کرد.

۷. مکتوبات مولانا و تاریخ‌گرایی نو

۱-۷. مولانا و صاحبان قدرت

از نامه‌های مولانا چنان بر می‌آید، که وی، به صاحبان قدرتِ آناتولوی، بدون استثناء، روی خوش نشان داده و هرچه لقب و اوصاف نیکوست، نثار همه می‌کرده است؛ اگرچه شیوهٔ مکتوب‌نویسی در روزگار وی، چنین بوده که در ابتدای نامه‌ها القابِ فاخر نثار مخاطب می‌کردند، اما از شخصی چون مولانا، که بسیاری از قراردادهای اجتماعی را بر نمی‌تابد و رعایت نمی‌کند، بعید است که این امر، از سرِ آن قواعد باشد؛ بلکه نگاهِ منقاد به حاکمیت، وی را به این‌سو کشانده است. در نامهٔ اول، به کیکاووس در سپاس از توجه به نجم‌الدین ابن خرم، چنین مدح‌سرایی می‌کند:

... از فرزند اعزّ امیر سپاه‌سالار عالم عادل مُقبل، نجم‌الدین دین‌پرور خدای‌ترسِ حلیمِ کریم،
روح‌الأمرأ، مقرب‌الملوک و السلاطین، المستغنی عن‌النساء لشهرته فی‌الدین و الصدق و الصفا و
الیقین... (مولوی بلخی؛ ۱۳۷۱: ۵۹).^۱

و در ادامه می‌نگارد:

... که این پدر از آغاز دولتِ عالم‌آرای شهریارِ راستین، النادر بین سلاطین‌الاولین و الآخِرین،
بحر‌العَدل و الاحسان، مهدی‌الرحمه فی‌آخر‌الزمان، عمت مناقبته فاستغنی عن‌الشرح و البیان، اخافُ
علیه من غیرة‌الرحمان و الّا اثبت علیه بعض ما یلیق باقباله و اقامت‌البرهان... (۵۹).

^۱ از این پس، به جای آوردن مأخذ کامل مکتوبات مولانا، صرفاً صفحهٔ مورد نظر را می‌آوریم.

چنان غرق در مدح گوئی و تمجید می شود، که از گرفتن القابی چون مهدی الرحمه فی آخرالزمان نیز ابایی ندارد.

به مجدالدین اتابک، در نامه هشتم، می نگارد:

... افتخار الامراء، مختص الملوك و السلاطين، عالم عادل، مَلْکِ الاخلاق، فخر الآفاق، یگانة عالم، نادرة الزمان، الحسیب النسیب، ولی الایادی و الاحسان، مجدالدوله والدين، علاء الاسلام و المسلمین، ناصر الهدی و الیقین، مع سائر القابه... (۷۲).

برای او فاتحه و آیه الکرسی می خواند:

فاتحه خوانده آمد، تا خاتمه این بشارت، جز به مزید مقرون نباشد، و آیه الکرسی خوانده آمد تا این تخت بخت بدان نیکوخواهان دین و دولت دائماً مثبت باشد... (۷۳).

در نامه بیست و دوم، به تاج الدین معتر، درباره نظام الدین داماد حسام الدین و درخواست جبران

زیان های وی، می نگارد:

آفتاب اقبال ملک الامراء، امیر ربانی، کریم الذکر، لطیف الفکر، مغبوط الایامن، مصباح المساکین، اعلم عدل، مشهور الآفاق، فخر خراسان و عراق، صاحب الدولتین، ولی السعادتین، عدل گستر، مظلوم پرور، احسان پیشه، عاقبت اندیشه، امان البلاد و ملاذ العباد، مونس الفقراء، تاج الحق و الدین، العافین عن الناس و الله یحب المحسنین... (۸۹).

نیز در نامه سی ام، به معین الدین پروانه در تشکر از احسان های وی، می نگارد:

آفتاب اقبال بخش لاشرقیة و لاغربیة و لارضیة و لاسماویة، بل الهیة ربانیة ازلیة ادیبة، بر ذات مطهر منور معطر لطیف شریف ولی الایادی و النعم، ملک الامراء و الحجاب، فلک المعالی، تاج الاعالی، الدستور الربانی و الحاکم الروحانی، الغ قتلغ دین پرور، پرانه بک _ خلدالله علوه _ تابنده و مُشرق باد (۹۹).

برای چرایی این رفتار مولانا با حاکمان، به مقاله ارزش مند فتوحی (تعامل مولانا جلال الدین

بلخی با نهادهای سیاسی قدرت در قونیه)، مراجعه نمایید.

۲-۷. حاکمیت در نگاه مولوی

مولوی، در نامه دوم، به معین الدین پروانه، در تشکر از احسان به صدرالدین، نظر خود را درباره

حاکمیت چنین بیان می کند:

ملک تعالی _ جل جلاله _ که مالک الملک است، یکی را به مُلْکِ دنیا مخصوص گرداند و تاج عزت بر فرق او نهد و بر تخت مملکت نشاند و بقاع و بلاد را مسخر و رام فرمان و اشارت او گرداند و دل های سرکشان را، طوعاً و کرهً، خاضع و منقاد او دارد و خزاین و عساکر را فدای مرادات او گرداند، تا به لطف خزاین و قهر عساکر، مکافات هواخواهان ملک خود کند و صدر منبر و نقد نقره و

زر را به نام و القاب و خطبه و سکهٔ او مرسوم گرداند و در زمان اندک، این همه رقوم عجب را، که بر لوح خاک مهندس قدیم نقش قدیم... (۶۱).

از این نظر، چنین استنباط می‌شود، که حاکمیت در نظر مولوی، امری دینی و الهی است؛ و اطاعت از اولی الامر را به دنبال دارد؛ درحالی که می‌دانیم اوضاع سیاسی و اجتماعی روزگار وی، سامان خوبی ندارد و یکی از حاکمان در پی نابودی و ویرانی دیگری است و از هر نوع حيله و نیرنگ در کار یک‌دیگر استفاده می‌کنند. اوضاع آشفته است و قدرت، عامل کشمکش‌های حاکمان.

به معین‌الدین پروانه، چنین می‌نویسد:

... مصروف‌بودن همت عالی ملکانهٔ پیغام‌برانهٔ ملک‌الامرا، پروانهٔ معظم و شوق او به لقای حضرت لایزال و اجتهاد و رضاطلبی و دل‌داری فقرا و عاقبت‌اندیشی و اعتماد به وعده‌های حق، خوابی است که تعبیر این علو مرتبت و کمال عنایت و حسن عاقبت آن یگانهٔ حضرت_ ادام‌الله علوه_ است (۶۲).

حتا شغل حاکمیت، هم‌طراز با مسؤولیت پیام‌بران دانسته می‌شود، که بازم نگاه تقدسی مولوی نسبت به حاکمیت مستفاد می‌شود.

۳-۷. فقر اجتماعی

کثرت نامه‌های مولانا در ارتباط با دست‌گیری نیازمندان، می‌رساند که فقر و تنگ‌دستی، در لایه‌های مختلف جامعه وجود داشته است.

در نامهٔ نهم، به مجدالدین اتابک، درخواست کمک مالی برای نظام‌الدین به سبب زبان‌هایی که دیده است، می‌کند:

عرض می‌رود حال فرزند مخلص معتقد، نظام‌الدین _ نظم‌الله اموره _ که فرزند قدیم این داعی مخلص است و اخلاقی، که آن به ریاضت بسیار طالب را میسر نشود، حق تعالی، که وهاب و مُعطی‌النعم قبل استحقاق‌ها و قدیم‌الاحسان است _ جل جلاله _ در نهاد او نهاده است؛ پیوسته مکسب و مال او...؛ ... توقع است از درویش‌پروری و کهترنوازی صاحب اعظم _ عظم‌الله اجره فی الدارین_ که سایهٔ لطف و رحمت و پادشاهی بر احوال او گستراند، که بس زبان‌ها رسیده است بدو از وجوهی که به شحر آن خدمت شما را تصدیع نمی‌دهیم... (۷۵).

در نامهٔ صدویازدهم، به سیف‌الدین والی بک، در توصیهٔ نظام‌الدین، از رقت و دشواری ایام سخن

می‌گوید:

«الله الله، هنگام رقت است و وقت شفقت است، کارد به استخوان رسیده است...» (۲۰۱).

۴-۷. منت دین داری

در مکتوبات، منت دین داری، هم چون گفت مانی قوی قابل مشاهده است و طیفی از جامعه آناتولی روزگار مولانا را به نمایش می گذارد، که به سبب عبادت خداوند و پرداختن به امور دینی، وبال گردن حاکمیت اند و حق عبادت می گیرند. در جامعه آن روز، هنوز معضل عبادت فردی و خدمت اجتماعی روشن نگردیده و عده‌یی از این ره گذر، نان می خورند.

در نامه هفدهم، به مجدالدین، درخواست بخشوده گی کمال الدین را از خراج می بینیم:

رافع تحیت، فرزند عزیز، کمال الدین _ کمال الله سعادت _ از فرزندان مخلص این داعی است، و مشغول به طاعت و اوراد و اندیشه آخرت؛ لاشک، چون در دین داعیه کسب را و گمان حرص را سست کرد، بسی زیان ها در مال افتاد، وام دارد و معیل است. توقع است که آن چه طرح می کند بر عامه، او را از آن معاف دارد، که ... (۸۲).

و در نامه بیست و دوم، به تاج الدین معتز درباره نظام الدین داماد حسام الدین و درخواست جبران

زیان های وی می نویسد:

فرزند مخلص معتقد، نظام الدین _ نظم الله اموره _ فرزند این داعی است، و حقوق فرزندی و خدمت و جان بازی مخلصانه بر این داعی بسیار ثابت دارد، و از عهد صغر، در باب فقرای ربانی، مال چه باشد که جان بذل کرده است؛ زیرا در بنده گی فقراء بر رسته بوده است. نه بر بسته (۸۹).

در نامه سی و ششم، به فخرالدین علی صاحب عطا، درخواست عفو یاران از مطالبات می کند:

اعلام می رود که جماعت یاران ما که در این ایام صعب، به عنایت شما، از مطالبات و مصادرات فارغ البال، به داعی شما مشغول بودند، از آن همه جماعت، پنج شش کس بیش نمانده است، که در معرض مطالبه اند. بزرگان و خاصان حق چنین گفته اند که آغاز خیر اگر چه مبارک است و بزرگ کاری است و علامت عنایت ازلی و سعادت ادبی، اما تمام کردن آن خیر به تر است از آغازش ... (۱۰۵).

در نامه صد و هشتم، به فخرالدین علی صاحب عطا، درخواست تفویض خانقاه اخی گهرتاش به

شیخ جمال الدین می نماید:

دارنده تحیت، فرزند عزیز، شیخ صالح قانع منسک، جمال الدین _ ایده الله _ درویشی عزیز است مشغول به اوراد و خلوات. مدتی مدید است که با قلت منال و کثرت عیال، صبر را پیشه خود کرده است و قناعت را قیله خود ساخته است، چنان که سیرت درویشان متقدم بوده است _ رضی الله عنهم _ تا به حدی که خانقاهی به دست او بود، دیگران از او بستند. به هیچ جایی مراجعت و مرافعت نکرد از غایت قناعت خود. امروز عیال افزون شده اند و طاعت قناعت و صبر ندارند. از رحمت ملک الوزرا چشم می دارم که بر عادت درویش نوازی خویش، خانقاه اخی گهرتاش را _ رحمه الله _ پادشاهی فرماید و به شیخ جمال الدین ارزانی دارد، تا به فراغت او و عیال او به خدمت و طاعت حق مشغول باشند و داعی شما گویند (۱۹۸).

۵-۷. قدرتِ صوفیان / عارفان

با خوانش مکتوبات مولانا، معلوم می‌شود، که در کنار حاکمیت، صوفیان / عارفان نیز صاحب قدرتِ تأثیرگذار در جامعه هستند.

مولانا در نامهٔ هیجدهم، ظاهراً به امین‌الدین میکائیل (نایب‌بیک)، در توصیهٔ شمس‌الدین محمد پسر جمال‌الدین، که او را به کاری گمارد، می‌نویسد:

آرندهٔ تحیت، شمس‌الدین محمد پسر جمال‌الدین، فرزند عزیزِ مخلص، سخت مقل‌الحال و بی‌نواست و پدر او، جمال‌الدین امیر احمد _ رحمه‌الله _ از کوچکی فرزند و پیوستهٔ این داعی بوده است. توقع است از مکارم اخلاق «خیرالناس من ینفعالناس»، پادشاهی فرماید او را به شغلی که لایق او باشد، از بنده‌گان خود گرداند، تا مشرف گردد و بر ابنای جنس خود افتخار نماید... (۸۳).

چنین نامه‌هایی نشان می‌دهند که قدر صوفیان / عارفان چنان است، که حتا در گماشتن افراد در بخش‌های مختلف، نقش دارند.

در نامهٔ دهم، به فخرالدین علی صاحب‌عطا یا مجدالدین اتابک، در طلب رهاشدن نجم‌الدین ابن خرم چاوش می‌نویسد:

حال فرزند عزیز، نجم‌الدین ابن خرم، چاوش _ عجل‌الله فرجهٔ و فرج‌المسلمین _ به خدمت عرض رفت. لطف‌ها فرمودید و وعده‌ها؛ مگر هنوز هنگام و وقت نیامده بود. داعی التزام می‌کند که چون به ... (۷۶).

در نامهٔ نودوسوم، به تاج‌الحکما، اکمل‌الدین در تفویض مدرسهٔ فخرالدین ارسلان دغمش بعد از شمس‌الدین ماردینی به افصح‌الدین، می‌نویسد:

«... معلوم شماست که فقرا نتوانند وظایف تحصیل به جد به‌جای آورند؛ و اغلب خلق دشمن این طایفه‌اند از روی حسد» (۱۷۶).

۶-۷. ظلم حاکمان

در مکتوباتِ مولانا، دیده می‌شود، که مالیات و باج حکومتی، سبب رکود بازرگانی می‌شود. در نامهٔ بیست‌وششم، به معین‌الدین پروانه، شاهد درخواست نشان مبارک برای معاف‌شدن شهاب‌الدین از خراج هستیم:

... و لیکن کثرت عیال لازم می‌دارد مشغول‌شدن به تجارت تا به سیواس و حدود آن؛ و از سبب باج‌داران و تصدیع ایشان، مدتی است تا از بازرگانی مانده‌است؛ و خیرات ملک‌الامرا به همه عالم می‌رسد؛ امید می‌دارد که به نشان مبارک از باج‌داران معاف باشد و آن را به حجت دارد و بر ابنای جنس خود مفاخرت نماید... (۹۶-۹۵).

نامه صدوپانزدهم، ظاهراً به معین‌الدین پروانه، در توصیه کودکی مظلوم به نام سعدالدین و درخواست مسند قضا به تاج‌الدین:

رافع تحیت، فرزند مخلص، سعدالدین، خویش این داعی است و کودک مظلوم است. نیم باغ او را کودکان و متعلقان شما خریده‌اند. توقع است که بندگان را وصیت فرماید تا او را به لطف نگرند و از بنده‌گان شما دانند (۲۰۵).

در نامه شصت و دوم، به قاضی سراج‌الدین در توصیه شخصی به نام خواجه ابوبکر، که ملک او را به ظلم گرفته‌اند.

... رافع تحیت، خواجه ابوبکر و مادرش، که از متعلقان و خویشان این داعی‌اند، کودک صالح است و محب صالحان و بی‌کس و مظلوم. ملک او را به ظلم سته‌اند در حالت طفولیت؛ و خصم ظالمان یتیمان و بی‌کسان و مظلومان سایه رحمت مولانا است. چشم می‌دارم که از کرم مولانا آن وثاق بدو رسد که هیچ موضعی ندارد، که شب آن‌جا پناه گیرد. مادرش درویش، جدا و شوهر مادرش بدخو و تند و تنگ‌دست، و منع کرده کودک را که در خانه من میا و نان من مخور... (۱۴۱-۱۴۰).

در نامه چهل و دوم، به معین‌الدین پروانه، در شکایت از مغولان که مطالبه مرکب و استر کرده‌اند، عتاب‌گونه می‌نویسد:

معلوم باشد که چنان که توان‌گران را کمی مال عیب است و از آن ننگ دارند، درویشان را ذخیره‌داشتن و خمره سیم پنهان کردن صدچندان عیب است و از آن شرم دارند.

چون سیل درآید رزق‌شان و نیاید به سبب این خلق، وام و قرض به هشت‌هزار و افزون رسیده است و امروز مطالبه استر می‌کنند جهت ترکان. لله و فی‌الله، عنایت ملک‌الامرا در حق این داعیان از صفت بیرون بوده است و فراموش نکرده‌ایم و ... درازگفتن حاجت نیست، که در ضمیر پادشاهانه پروانه... (۱۱۴).

در نامه پنجاه و دوم، ظاهراً به فخرالدین علی صاحب‌عطا، درباره اختلاف درویشان و دادخواهی، می‌نگارد:

جماعتی، از چهل و بی‌اعتقادی، درویشان را_ که طالب‌الله‌اند_ می‌رنجانند، از رندی و بی‌باکی، و به خدمت شما می‌آیند باژگونه، جهودانه می‌گیرند و شکایت می‌کنند. اگرچه شما را آشغال بسیار است و مهمات بسیار، معاونت درویشان طالب، از مهمات دیگر اولی‌تر باشد. توقع است که به‌نوعی دیگر تفحص فرماید و به زبان و دست دیگر یاری دهد درویشان را و مظلومان را، تا آن دود به آسمان نرود و فتنه‌ها نه‌انگیزد. درویشان را آن زبان نیست و آن دل نیست که با آن رندان جهودطبع مقابله کنند در مکر و حيله و باژگونه تشنیعی زنند، سر دیگران بشکنند و دستار دیگران برند و سر برهنه و سر بسته پیش شما آیند و منافقان دیگر را به گواهی آرند. آخر شما بنگرید در هر دو طایفه، در روش طلب هر دو طایفه، که مناسب‌تر است ظلم و دروغ را و فتنه‌انگیزی را؟ تا ثواب بی‌نهایت باشد.

اگر می‌رویم از شهر و زحمت می‌بریم، نمی‌گذارید؛ و اگر می‌نشینیم، این دو سه درویش از ما نمی‌سگالند تا ما در فروبندیم. ما را طاقت این ظلم نماند. باقی رأی شماسست. اگر روا دارید، فتوی دهید. والسلام (۱۲۷-۱۲۸).

در نامه هشتادم، ظاهراً به سلطان عزالدین کیکاووس، در تقاضای رفع تعدی والی از داماد حسام‌الدین چلبی است که می‌نویسد:

... اکنون چند بار از والی وقت نمودند که کمیته بنده‌گان را می‌رنجاند و قصد تعدی می‌کند و آن آزار به خاطر سیدالمشایخ و به دل این پدر مخلص می‌رسد. تصدیق و ابرام از حضرت معالی خدایگانی _ خدایه ملکه _ دور می‌داشتم، اما چون از حد برفت و عنایت پادشاهانه خدایگان عالم بر همه اهل خیر و درویشان رایج است، خاصه بدین پدر، چشم می‌دارم که به اشارت خدایگان جهان‌پناه، سکندر زمان _ خدایه ملکه _ ظلم این والی و تعدی او از این کمیته بنده‌گان رفع شود، تا به فراغت خاطر، ایمن چو کبوتران کعبه، به دعای دولت قاهره مشغول باشد (۱۶۳).

۸. نکته

در این پژوهش، زنده‌گی نامه تاریخی دریافت‌کننده‌گان نامه‌ها را نیاوردیم؛ چرا که در کنار ارزیابی با روی‌کرد تاریخ‌گرایی نو، به‌تر بود این کار انجام می‌شد؛ اما چون زنده‌گی نامه تاریخی افراد، به شکلی کامل در پیوست مکتوبات مولانا به تصحیح توفیق ه. سبحانی و مقاله فتوحی (تعامل مولانا جلال‌الدین بلخی با نهادهای سیاسی قدرت در قونیه)، موجود است، تکرار این کار را شایسته ندانستیم؛ اما در تحلیل‌ها، به آن زنده‌گی نامه‌ها، توجه داشته‌ایم.

۹. نتیجه‌گیری

با خوانش مکتوبات مولانا با روی‌کرد تاریخ‌گرایی نو، به این یافته‌ها رسیدیم:

_ مولانا، در برابر صاحبان قدرت، شیوه توصیف بیش از حد لزوم را در پیش گرفته است. قدرت، بر رفتار او اثر گذاشته و نیک و بد را به یک چشم دیده است؛

_ حاکمیت در نگاه او در این اثر، امری الهی و قدسی است؛ پادشاه، نماینده خدا بر زمین است و فرمان‌بری رعیت، از لازمه‌های زیست سالم پنداشته شده است؛

_ در جامعه آن روزگار آناتولی، فقر اجتماعی، مسأله‌ی عمومی است؛ مردم گاهی با پرداخت خراج‌های سنگین، کاروبار خود را از دست می‌دهند. معیشت، دغدغه بسیاری از افراد جامعه آن روزگار است؛

_ در روزگار حیاتِ مولانا در آناتولی، عده‌یی نانِ عبادت می‌طلبند و رزقِ شان از این ره‌گذر است. «منتِ دین‌داری» مانند گفت‌مانی پُررنگِ گلویِ حاکمیت را می‌فشارد. در آن جامعه، هنوز، عبادت و امرِ اجتماعی، از هم بازشناخته نشده است؛

_ در آناتولی آن روزگار، قدرتِ صوفیان / عارفان نیز هم‌چون قدرتی قابل توجه، قابل مشاهده است؛ چنان‌که در تعیین پُست‌های خانقاهی نقش دارند؛

_ برخلاف ادعای تاریخ‌نگاران که آناتولی آن روزگار امن‌وامان است و حاکمیت بر وفق مرادِ عامه عمل می‌کند، ظلمی سنگین جریان داشته است. کثرت نامه‌های مولانا در جهت نمایاندن ظلم و تعدی حاکمان بر حقوق مردم، بیان‌گر این مدعا است.

سرچشمه‌ها

۱. ا. کلارک، الیزابت. (۱۳۹۸). **تاریخ، متن، نظریه** (مورخان و چرخش زبانی). ترجمه سیدهاشم آقاجری. چاپ دوم. تهران: مروارید.
۲. ابوت، اچ. پورتر. (۱۳۹۹). **سواد روایت**. ترجمه رؤیا پورآذر و نیام اشرفی. چاپ ششم. تهران: اطراف.
۳. احمدی، بابک. (۱۳۹۶). **رساله تاریخ** (جستاری در هرمنوتیک تاریخ). چاپ پنجم. تهران: مرکز.
۴. استنفورد، مایکل. (۱۳۹۳). **درآمدی بر تاریخ پژوهی**. ترجمه مسعود صادقی. چاپ هفتم. تهران: سمت.
۵. امامی، نصرالله. (۱۳۹۳). **مبانی و روش‌های نقد ادبی**. چاپ پنجم. تهران: جامی.
۶. تقی‌زاده، زهرا و روحانی، مسعود. (۱۳۹۶). «**گونه فرهنگی مکتوبات مولانا**» (بررسی سه مقوله موضوع، مخاطب و افراد واسطه در نامه‌های مولانا). *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*. سال دهم. ش سوم (پیاپی ۳۷)، صص ۵۱-۶۷.
۷. حجازی، ناهید. (۱۳۹۸). «**بررسی تاریخی گرایبی نو در خاموشی دریا، اثر ورکور**». پژوهش‌های ادبیات تطبیقی. دوره ۸. ش اول. صص ۱۱۰-۱۳۱.
۸. حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۸۱). «**چهره مولانا در آلبوم شخصی مکتوبات او**». تهران: نامه فرهنگستان، ش ۵ / ۳، صص ۱۸۷-۱۹۸.
۹. _____ . (۱۳۸۳). «**ارزش ادبی مکتوبات مولانا**». تهران: نامه فرهنگستان، ش ۵ / ۳، صص ۵ - ۲۶.
۱۰. حمیدی، عبدالحکیم. (۱۳۹۳). **نگاهی مختصر به فلسفه تاریخ**. چاپ اول. کابل: فرهنگ.

۱۱. دانش‌نامهٔ زبان و ادب فارسی. (۱۳۸۶). مدخل «جلال‌الدین بلخی». صص ۵۱۸-۵۳۸. به کوشش: برندق خجندی و حیرتی تونی. به سرپرستی اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۱۲. دین لویس، فرانکلین. (۱۳۸۵). مولانا، دیروز تا امروز، شرق تا غرب. چاپ دوم. ترجمهٔ حسن لاهوتی. تهران: نامک.
۱۳. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۹). با کاروان حله (مجموعهٔ نقد ادبی). چاپ شانزدهم. تهران: علمی.
۱۴. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۹). نقد ادبی (جلد اول و دوم). چاپ نهم. تهران: امیرکبیر.
۱۵. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران. جلد سوم. بخش اول. چاپ هفتم. تهران: فردوس.
۱۶. صفوی، کورش. (۱۳۹۱). نوشته‌های پراکنده (دفتر اول: معنی‌شناسی). تهران: علمی.
۱۷. فتوحی، محمود. (۱۳۹۲). «تعامل مولانا جلال‌الدین بلخی با نهادهای سیاسی قدرت در قونیه». نشریهٔ زبان و ادبیات فارسی. سال ۲۱. ش ۷۴، صص ۴۹-۶۸.
۱۸. فرزانهٔ دهکردی، جلال. (۱۳۸۹). تاریخ و روایت (در کتاب تاریخ و روایت). چاپ اول. ویراست جفری رابرتز. ترجمهٔ جلال فرزانهٔ دهکردی. تهران: دانش‌گاه امام صادق (ع).
۱۹. مشتاق‌مهر، رحمان. (۱۳۹۶). «مآخذ استشهادات شعری فارسی مکتوبات مولانا و تکملهٔ آن». کهن‌نامهٔ ادب پارسی. سال هشتم. ش سوم. صص ۷۷-۱۰۶.
۲۰. مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی. (۱۳۷۱). مکتوبات. تصحیح توفیق هـ سبحانی. تهران: مرکز نشر دانش‌گاهی.
۲۱. میلانی، عباس. (۱۳۸۷). تجدد و تجددستیزی در ایران (مجموعهٔ مقالات). چاپ هفتم. تهران: اختران.
۲۲. نودری، حسینعلی. (۱۳۹۲). فلسفهٔ تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری. چاپ سوم. تهران: طرح نو.
۲۳. یازیحی، تحسین. (۱۳۶۹). «مولانا جلال‌الدین رومی و ورود او به آسیای صغیر» در کتاب: مولانا از دیدگاه ترکان و ایرانیان، به قلم جمعی از نویسندگان. چ اول. گردآوری: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آنکارا. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

جای گاه دیپلماسی علمی در تأمین امنیت ملی در روابط ایران و افغانستان

نگارنده: دکتر ماندانا تیشه یار*

چکیده

امنیت در جهان امروز به مفهومی پیچیده و متفاوت از گذشته بدل شده است. در جهان قدیم، قدرت و توان‌مندی‌های نظامی مهم‌ترین نقش را در برپاداری امنیت در جوامع گوناگون بازی می‌کردند؛ اما امروزه ابزارهای امنیت‌ساز، از طیف گسترده‌یی برخوردار شده‌اند؛ و عناصری هم‌چون توان‌مندی‌های اقتصادی، علمی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرند. در این جهان نوین، دولت‌ها برای تأمین امنیت ملی کشورها، ناگزیر اند که از همه این ابزارها به طور نسبی بهره‌گیرند تا بتوانند زمینه برپاداری امنیت همه‌جانبه را فراهم آورند.

در این میان، اندیش‌مندان و پژوهش‌گران کشورهای گوناگون در سال‌های اخیر، توانسته‌اند با بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی نوین، زمینه شکل‌گیری دیپلماسی علمی در سیاست خارجی کشورها را فراهم آورده و مفهوم قدرت نرم را به عنوان یکی از راه‌های افزایش و تثبیت منافع و امنیت ملی کشورها، در حوزه‌های گوناگون علم وارد سازند. از این رو، ضرورت دارد، که به دیپلماسی علمی، به‌عنوان عنصر زمینه‌ساز افزایش امنیت ملی و تأمین منافع ملی کشورها از سوی بازی‌گران غیردولتی، به‌ویژه دانش‌گاہیان هر کشور، پرداخته شود. هدف از انجام این پژوهش، بررسی نقش دیپلماسی علمی در پیش‌برد هم‌کاری میان کشورها، به ویژه دو کشور همسایه ایران و افغانستان بوده است.

پرسش اصلی در این پژوهش این بوده است، که چرا دیپلماسی علمی امروزه می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای تأمین امنیت و منافع ملی در گسترش روابط ایران و افغانستان به کار گرفته شود؟ برای پاسخ به این پرسش، در این نوشتار کوشش گردید تا در چهارچوب نظریه قدرت نرم، به نمونه‌های عملی نقش دیپلماسی علمی در پیش‌برد هم‌کاری‌های بین‌المللی میان کشورها پرداخته شود. یافته‌های اصلی پژوهش، تبیین‌کننده نقش کلیدی دیپلماسی علمی در تقویت پیوندهای فرهنگی و تمدنی و امنیت‌سازی در میان دو کشور ایران و افغانستان هستند.

واژه‌گان کلیدی: دانش‌گاه، دیپلماسی علمی، سیاست خارجی، قدرت نرم، امنیت ملی،

ایران و افغانستان.

* دکترای مطالعات بین‌الملل و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزش عالی بیمه آکو در دانش‌گاه علامه طباطبائی، ایران
(mandana.tishehyar@gmail.com)

ISSN

Printed: 2788-4155

Online: 2788-6441

Ghalib

Received Date: 02 / 07 / 2021

Accepted Date: 06 / 09 / 2021

The Role of Scientific Diplomacy in Ensuring National Security in Iran–Afghanistan Relations

Author: Dr. Mandana Tishehyar(PhD) *

Abstract

Security in the world today has become a complex and different concept from the past. In the ancient world, military power and capabilities played the most important role in maintaining security in various societies; But today, security tools have a wide range; They also include elements such as economic, scientific and cultural capabilities. In this new world, governments have to use all these tools in part to ensure the national security of countries in order to provide the basis for comprehensive security.

In the meantime, thinkers and researchers from different countries in recent years, have been able to use modern communication tools to provide the basis for the formation of scientific diplomacy in foreign policy and the concept of soft power as one of the ways to increase and consolidate national interests and security. Therefore, it is necessary to address scientific diplomacy as a grounding element for increasing national security and securing the national interests of countries by non-governmental actors, especially academics in each country. The purpose of this study was to investigate the role of scientific diplomacy in promoting cooperation between countries, especially the two neighboring countries of Iran and Afghanistan.

The main question in this study was, why scientific diplomacy today can be used as a tool to ensure security and national interests in the development of Iran-Afghanistan relations? To answer this question, in this article, an attempt was made to provide practical examples of the role of scientific diplomacy in promoting international cooperation between countries within the framework of soft power theory. The main findings of the study explain the key role of scientific diplomacy in strengthening cultural and civilizational ties and security between Iran and Afghanistan.

Keywords: University, Scientific Diplomacy, Foreign Policy, Soft Power, National Security, Afghanistan and Iran.

* PhD in International Studies & Faculty Member, ECO College, Allameh Tabataba'i University
(mandana.tishehyar@gmail.com)

مقدمه

سده بیست‌ویکم از ویژه‌گی‌های منحصر به فردی برخوردار است. برای نخستین بار، دوره پیروزی و برتری کشورها با بهره‌گیری از سخت‌افزار و تسلیحات جنگی برای کنترل ملتها و سرزمین‌ها به پایان آمده است. امروزه عصری آغاز شده، که در آن، قدرت‌های اقتصادی، علمی و فرهنگی نقش پُررنگ‌تری در عرصه روابط بین‌الملل بازی می‌کنند. دستیابی به رفاه اقتصادی، به دست آوردن دانش نوین و پیروی از الگوهای فرهنگی جهان‌شمول در هر جامعه، کم‌وبیش در اغلب جوامع عمومیت یافته است؛ از این رو است که می‌توان دید در این دوران نوین، بهره‌گیری از قدرت یا دیپلماسی نرم، کارویژه اساسی دولت‌ها در تعامل با دیگر واحدهای سیاسی به‌شمار می‌رود.

معمولاً از دیپلماسی علمی به عنوان قدرت نرم کشورها نیز یاد می‌شود. قدرت نرم، توانایی به دست آوردن آن چه مورد نظر است؛ از راه جذابیت و نه اجبار و تهدید یا تطمیع و رشوه تعریف می‌شود. در واقع، مفهوم قدرت نرم به معنای توانایی تأثیرگذاری بر رفتار نخبه‌گان و اندیش‌مندان کشورهای گوناگون برای گسترش روابط و برپاداری صلح و آشتی تلقی می‌شود. از این رو، فرهنگ، ارزش‌های بنیادین، دانش و فناوری، از منابع قدرت نرم به‌شمار می‌آیند. باید توجه داشت، که برخورداری از منابع قدرت نرم، به خودی خود به معنای برخورداری از دیپلماسی علمی قوی نیست، بل که چه‌گونه‌گی استفاده از این منابع برای دستیابی به اهداف مورد نظر است، که می‌تواند تأمین‌کننده منافع و امنیت ملی یک کشور باشد.

برخلاف دیدگاه رایج، که قدرت نرم را ویژه کشورهای بزرگ و بانفوذ می‌داند، کشورهای متوسط و کوچکی نیز هستند که با استفاده از قدرت نرم، به تقویت سرمایه‌های خود پرداخته‌اند و توانسته‌اند از این ابزار در پیش‌برد اهداف سیاست خارجی خود بهره‌گیرند. مهم‌ترین ابزار دیپلماسی علمی و قدرت نرم، هم‌کاری‌های علمی میان پژوهش‌کده‌ها، اندیشه‌کده‌ها و دانش‌گاه‌ها در کشورهای گوناگون است. دیپلماسی علمی امروزه به یکی از ابزارهای کارآمد سیاست‌گذاران عرصه روابط خارجی در کشورهای گوناگون تبدیل شده است. در این میان، اندیش‌مندان و پژوهش‌گران کشورهای گوناگون در سال‌های اخیر توانسته‌اند با بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی نوین، زمینه شکل‌گیری دیپلماسی علمی در سیاست خارجی کشورها را فراهم آورده و مفهوم قدرت نرم را به عنوان یکی از راه‌های افزایش و تثبیت منافع و امنیت ملی کشورها، در حوزه‌های گوناگون علم وارد سازند؛ از این رو، ضرورت دارد که به دیپلماسی علمی به عنوان عنصر زمینه‌ساز افزایش امنیت ملی و تأمین منافع ملی کشورها از سوی بازی‌گران غیردولتی، به‌ویژه دانش‌گاهیان هر کشور، پرداخته شود.

اگرچه در سال‌های اخیر شمار زیادی کتاب و مقاله در زمینه نظریه قدرت نرم و شمار محدودتری مقاله درباره دیپلماسی علمی، به زبان‌های فارسی و انگلیسی نگاشته شده‌اند و نگارنده کوشیده است در بخش بحث نظری و در بخش تبیین موضوع از برخی از این منابع بهره بجوید، اما نکته اساسی آن است که تاکنون کم‌تر پژوهشی به موضوع نقش امنیت‌ساز دیپلماسی علمی در روابط دو کشور هم‌سایه، ایران و افغانستان، که از دیرباز پیوندهای فرهنگی، زبانی، مذهبی و اجتماعی داشته‌اند پرداخته است؛ از این رو، پژوهش کنونی می‌تواند زمینه‌ی برای اندیشیدن و گفت‌وگوی بیش‌تر برای طراحی الگویی از همکاری‌های علمی و دانش‌گاهی میان دو کشور با هدف تأمین منافع ملی و افزایش امنیت ملی برای هر دو هم‌سایه فراهم آورد و زمینه بهره‌مندی از ابزارهای قدرت نرم برای تقویت پیوندهای تاریخی دو ملت را میسر سازد.

به درستی باید گفت، که هدف بنیادین از انجام این پژوهش، بررسی کارکرد دیپلماسی علمی در چهارچوب نظریه قدرت نرم و یافتن راه‌کارهایی برای استفاده از ظرفیت‌های موجود در میان دانش‌گاہیان و اندیش‌مندان در دو کشور ایران و افغانستان برای تقویت هم‌بستگی و دوستی میان نخبه‌گان فکری در این دو سرزمین است.

پرسش اصلی در این پژوهش این است که: چرا دیپلماسی علمی امروزه می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای تأمین امنیت و منافع ملی در گسترش روابط ایران و افغانستان به کار گرفته شود؟ برای پاسخ به این پرسش، در این نوشتار کوشش خواهد شد تا در چهارچوب نظریه قدرت نرم، به نمونه‌های عملی نقش دیپلماسی علمی در پیش‌برد همکاری‌های بین‌المللی میان کشورها و اهمیت آن در تقویت امنیت ملی و تأمین منافع ملی با تأکید بر روابط میان دو کشور هم‌سایه، ایران و افغانستان، پرداخته شود.

یافته‌های اصلی پژوهش، که در بخش پایانی این نوشتار خواهند آمد، تبیین‌کننده نقش کلیدی دیپلماسی علمی در تقویت پیوندهای فرهنگی و تمدنی و امنیت‌سازی در میان دو کشور ایران و افغانستان خواهند بود.

نظریه قدرت نرم

در سده‌های پیشین، مهم‌ترین بازیگران عرصه سیاست خارجی، سیاست‌مداران و جنگاوران بودند. امروزه اما مخاطبان و بازیگران تازه‌یی پا به عرصه شطرنج روابط بین‌الملل گذاشته‌اند. پایان جنگ سرد و تغییر اولویت‌های امنیتی کشورها موجب شده است که مؤلفه‌های امنیتی نوینی در ساختارهای رسمی روابط میان دولت‌ها نقش بازی کنند (متقی؛ ۱۳۸۷: ۴۳) در جهان کنونی، مردم عادی، نخبه‌گان فکری، انجمن‌ها، نهادهای غیردولتی، شرکت‌ها و سازمان‌ها هر یک به فراخور، نقشی مهم

در شکل‌دهی به دیپلماسی و سیاست خارجی هر کشور بازی می‌کنند؛ از این‌رو، طراحان الگوی امنیت ملی در هر کشور، با شناسایی ظرفیت‌ها و توان‌مندی‌های بخش‌های غیردولتی و غیرنظامی، می‌کوشند تا از توان بالقوه این بخش‌ها در تأمین هرچه به‌تر و کم‌هزینه‌تر امنیت ملی کشورها بهره‌جویند.

آن‌چه امروزه از آن به‌عنوان دیپلماسی علمی یاد می‌شود، در واقع کوشش سیاست‌گذاران عرصه روابط خارجی در کشورهای گوناگون برای تأثیرگذاری بر افکار روشن‌فکران در جوامع مختلف، از راه بهره‌مندی از ظرفیت‌های دانش‌جویان، پژوهش‌گران و استادان دانش‌گاه‌ها و پژوهش‌گاه‌های داخلی است. در این عصر نوین، اهمیت یافتن افراد و نهادهای غیردولتی، زمینه را برای استفاده از ابزارهای گوناگون در حوزه‌ی ریافت‌های سیاست خارجی و امنیت ملی فراهم آورده است. شرایط نوین جهانی نیز دولت‌مردان را بیش از گذشته علاقه‌مند ساخته است تا گروه‌های اجتماعی گوناگون کشورهای هدف، به‌ویژه قشر تحصیل‌کرده، روشن‌فکر و فرهیخته در دیگر کشورها را مخاطب خود قرار دهند و از ورای میزهای گفت‌وگوهای دیپلماتیک، به دنبال جذب هرچه بیش‌تر افکار عمومی دیگر کشورها برآیند.

به‌این ترتیب، می‌توان دید که تحولات نظام بین‌الملل و روندهای نوین جهانی، ساختار دیپلماسی کشورها را نیز دگرگون کرده است. به‌گونه‌ی که در کنار دیپلماسی سنتی، که از دیرباز وجود داشته است، اشکال نوین دیپلماسی، به‌ویژه دیپلماسی علمی و دانش‌گاهی نیز در حال شکل‌گیری هستند که برای تأمین منافع و امنیت ملی کشورها روزانه به‌کار برده می‌شوند. دیپلماسی علمی اقداماتی برای تعامل و ارتباط با اندیش‌مندان دیگر ملل دانسته شده، که هدف از آن، برپایی و تداوم بخشیدن به روابط با دیگر جوامع بر پایه فرهنگ، دانش، ارزش‌ها و سیاست‌های هر دولت است. البته باید توجه داشت که دیپلماسی علمی از اهداف سیاست خارجی و نیز از اهداف دیپلماسی سنتی هم‌واره پشتی‌بانی می‌کند و در همان راستا پیش می‌رود.

از این‌رو، دیپلماسی علمی را می‌توان مجموعه‌ی از استراتژی‌ها و تاکتیک‌های نوین دیپلماتیک دانست، که کارگزاران آن را دانش‌گامیان و اهل علم تشکیل می‌دهند و کوشش‌های آن‌ها در خدمت دست‌گاه سیاست خارجی یک کشور قرار می‌گیرد و روابط آن کشور با دیگر کشورهای جهان را بهبود می‌بخشد. با استفاده از دیپلماسی علمی هم‌چنین می‌توان باورها و سیاست‌های خود را به‌منظور افزایش جای‌گاه میان جوامع گوناگون در کشورها گسترش داد. به این ترتیب، دیپلماسی علمی در پی آن است تا با گسترش روابط و هم‌کاری علمی با شهروندان نخبه یک کشور و ارتباط متقابل نگرش میان نخبه‌گان فکری دو کشور، بر رفتار و سیاست‌های مؤثر در روابط دوجانبه اثر بگذارد (احدی؛ ۱۳۸۹: ۱۵۲).

امروزه اگرچه هنوز ابزارهای نظامی نقش مؤثر و تعیین کننده‌یی در مدیریت بحران‌های بین‌المللی دارند، اما این امر را نمی‌توان به عنوان اصلی‌ترین عامل کنترل محیط امنیتی دانست. در چنین شرایطی، شاهد تغییر در جهت‌گیری مطالعات امنیتی هستیم. نظریه‌پردازانی مانند تد رابرت گر^۱، بر ضرورت مطالعه نقش عوامل فکری در بروز و کاهش بحران‌های داخلی و بین‌المللی تأکید داشته‌اند (گر؛ ۱۳۷۹: ۱۸).

آندره لینکلتر^۲ نیز بر این باور است که هرگاه بتوان نیروهای گوناگون در عرصه بین‌المللی را براساس «حیات اخلاقی» به یک‌دیگر گره زد، در آن شرایط امکان امنیت‌سازی فراهم می‌شود (۱۹۹۸: ۲۳). می‌توان مصداق پیوند حیات اخلاقی میان جوامع را هم‌کاری میان نخبه‌گان و اندیش‌مندان هر جامعه با همتایان خود در دیگر جوامع دید.

در واقع، بر پایهٔ رهیافت امنیت انتقادی، جهانی که ما در آن زیست می‌کنیم، چیزی نیست که خود را به انسان‌ها تحمیل کرده باشد؛ بل که این انسان‌ها و اندیشه‌ها هستند که جهان را می‌سازند؛ بنابراین لازم است که امنیت‌سازی را از راه قالب‌های ادراکی مشترک و هم‌چنین هنجارهای هم‌گون، سازمان‌دهی کرد؛ از این‌رو، باید قدرت نظامی و محوریت دولت در روابط بین‌الملل را با موضوعات دیگری، مانند هنجارهای اجتماعی، دانش نوین و انگاره‌های اخلاقی و فلسفی هم‌آهنگ کرد (متقی؛ ۱۳۸۷)؛ از این منظر، نیروهای نظامی و امنیتی به تنهایی گاه می‌توانند عامل شکننده‌گی امنیت بین‌الملل به شمار آیند و درواقع، توانایی جوامع برای تداوم‌بخشیدن به روابط فرهنگی، اجتماعی و علمی میان توده‌ها و نخبه‌گان با یک‌دیگر می‌تواند ضامن امنیت ملی به‌شمار رود. این امر به مشروعیت و کارآمدی سیاسی نظام‌ها نیز یاری می‌رساند.

در این میان، دیدگاه‌های نئولیبرال نیز با تأکید بر کارکرد نظریه‌های انتقادی امنیت، بر شکل‌دهی به موازنهٔ نرم برای پیش‌برد منافع ملی تأکید دارند. جوزف نای، سرشناس‌ترین نظریه‌پرداز در این حوزه، امروزه در زمرهٔ اصلی‌ترین منتقدان سیاست‌های نظامی آمریکا در دیگر کشورها به شمار می‌رود. از دید او، موازنهٔ نرم دارای دو شکل درونی و بیرونی است، در شکل بیرونی، بر کوشش‌های دیپلماتیک در نهادهای بین‌المللی تأکید می‌شود و در شکل درونی به بسیج منابع داخلی، اعم از نهادهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی، می‌توان اتکا کرد (۱۳۹۲: ۹۵).

بر این پایه، بالا بردن جای‌گاه و ارتباطات فرهنگی و علمی یک کشور در عرصهٔ بین‌المللی، می‌تواند زمینهٔ هم‌کاری فکری و افزایش توان‌مندی سیاست خارجی آن کشور در تعامل با دیگر کشورها را فراهم آورد. کاربرد دیپلماسی علمی به همراه استفاده از ابزارهایی مانند دیپلماسی رسانه‌یی

¹ . Ted Robert Garr

² . Andrew Linklater

و دیپلماسی فرهنگی می‌تواند زمینه‌ساز روابط پایدار با افراد دانش‌مند و نخبه‌گان در سالیان طولانی از راه اعطای بورسیه، تبادلات دانش‌گاهی، برگزاری سمینارها و همایش‌های مشترک، انجام پژوهش‌های علمی مشترک و ارائه دیدگاه‌های نوین در عرصه دانش‌گاهی بر پایه منافع ملی باشد. این الگوی رفتاری در سال‌های اخیر از سوی بسیاری از کشورها در صحنه بین‌المللی دنبال شده است.

درواقع، در عصر اطلاعات، قدرت نرم بیش از قدرت سخت می‌تواند به تقویت امنیت ملی یاری رساند. در این روزگار، بهره‌گیری از نهادهای علمی به منظور تبادل ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های هر واحد سیاسی در راستای تأمین منافع ملی کشورها، امری ضروری به نظر می‌رسد.

جای‌گاه دیپلماسی علمی در تأمین امنیت ملی

دیپلماسی علمی، عبارت از استفاده از هم‌کاری‌ها و تعاملات علمی و فناورانه (یا تکنولوژیک) میان یک کشور با دیگر بازی‌گران بین‌المللی است، که در خدمت پیش‌برد سیاست خارجی آن کشور و گسترش هم‌کاری‌های بین‌المللی با اهداف تأمین منافع و افزایش امنیت ملی قرار گیرد. نمونه‌یی از این دست هم‌کاری‌ها در دوران جنگ سرد را می‌توان در رفت‌وآمد دانش‌مندان اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا دید، که با همه دشواری‌های نخستین، سرانجام توانستند یخ دیپلماتیک روابط میان دو کشور را شکسته و زمینه فعالیت دوباره سفارت‌خانه‌ها برای صدور روایت در پایتخت‌های یک‌دیگر را فراهم آورند (Neureiter & Turekian; 2013).

فعالیت استادان و پژوهش‌گران در سطح بین‌المللی با استفاده از وسایل ارتباط جمعی نوین توانسته است در سال‌های اخیر، زمینه مناسبی برای افزایش نقش اندیش‌مندان و دانش‌گامیان در شکل‌دهی به روابط علمی و فرهنگی میان کشورها را فراهم آورد. این اندیش‌مندان نه‌تنها زمینه هم‌کاری‌های علمی میان ملت‌ها را پدید آورده اند، گاه حوزه تأثیرگذاری خود را از مرزهای میان کشورها فراتر برده و اقدام به نهادسازی‌های علمی در سطح منطقه‌یی یا بین‌المللی کرده اند؛ از این‌رو، امروز می‌توان شمار زیادی از دانش‌گامیان در حوزه‌های گوناگون علم و دانش را دید، که در کنار دیپلمات‌ها و کادر وزارت خارجه در هر کشور، در حال هم‌کاری و تعامل با نهادهای علمی در دیگر کشورها و یا با سازمان‌های بین‌المللی هستند. درواقع، دیپلماسی دانش‌گاهی، یکی از شفاف‌ترین، سالم‌ترین و انسانی‌ترین روابط میان ملت‌ها به شمار می‌رود.

امروزه انجمن پیش‌برد علم آمریکا^۱ سه مقوله اصلی در حوزه دیپلماسی علمی را مطرح می‌کند:

¹. American Association for Advancement of Science (AAAS)

الف) علم برای دیپلماسی: که در این جا دانش روز و فناوری‌های نوین در خدمت پیش‌برد اهداف سیاست‌گذاران خارجی (فرضاً در حوزه گردآوری و تحلیل اطلاعات و ارتباط آسان‌تر با دیگر کشورها و ...) قرار می‌گیرند.

ب) دیپلماسی برای علم: که به معنای به‌کارگیری دیپلماسی برای تسهیل هم‌کاری‌های علمی و فناوری میان کشورها است.

پ) علم در کنار دیپلماسی: که براساس آن، هم‌کاری‌های علمی و فناوری میان کشورها، روابط بین‌الملل را بهبود می‌بخشد. در این تعریف، این هم‌کاری‌ها می‌توانند دوجانبه باشند و یا در سطحی گسترده‌تر و در عرصه بین‌المللی صورت پذیرند.

در جهان کنونی، بروز مشکلات بزرگ در سطح جهانی، مانند مسائل زیست‌محیطی یا بیماری‌های واگیردار یا بحران‌های اجتماعی فراگیر و یافتن راه‌کارهایی برای مبارزه با این مسائل و نیز یافتن راه‌هایی برای جلوگیری از رخ‌دادن جنگ و دیگر دشواری‌ها در زنده‌گی انسان، جوامع را نیازمند آن کرده، که اندیش‌مندی از کشورهای گوناگون به دور هم گرد آیند و برای حل مشکلات بشر چاره‌ی بیندیشند. پستی‌بانی دولت‌ها از تعامل میان دانش‌گاه‌ها و پژوهش‌کده‌های تخصصی در سطوح منطقه‌ی و بین‌المللی، برای حل مشکلات مشترک، یکی از راه‌های گسترش هم‌کاری میان دولت‌ها در عصر کنونی است. درواقع، گاه دیده می‌شود که توسعه داخلی یک کشور، منوط به توسعه منطقه پیرامون آن کشور است؛ بنابراین، دولت‌مردان برای برقراری صلح و ثبات در محیط پیرامون کشور خود، از دیپلماسی علمی و تبادل دانش با کشورهای هم‌سایه برای کمک به پیش‌برد برنامه‌های توسعه در سطح منطقه‌ی استفاده می‌کنند.

بسیاری از نظریه‌پردازان حوزه مطالعات توسعه، براین باور اند، که تداوم توسعه نامتوازن میان مناطق شمال و جنوب جهان، می‌تواند به ناپایداری صلح و ثبات در عرصه بین‌المللی بینجامد؛ ازاین‌رو، کشورهای ثروت‌مند، که به دانش و تکنالوژی بالاتری دسترسی دارند، چاره‌ی ندارند جز آن که به یاری کشورهای درحال توسعه یا توسعه نیافته بشتابند و آنان را در پیش‌برد برنامه‌های توسعه یاری دهند. دراین امر، هم‌کاری‌های علمی و آموزشی از جای‌گاه و اهمیت ویژه‌ی برخوردارند. این نیاز دوسویه، به گسترش روابط دیپلماتیک و پیوندهای دوستی میان کشورها می‌انجامد؛ این‌درحالی است که امروزه کشورهای درحال توسعه نیز خود به دنبال یافتن الگوهای هم‌کاری با کشورهای هم‌سان خود هستند، تا به هم‌افزایی در حوزه‌های گوناگون دانش دست یابند؛ دراین میان، به نظر می‌رسد که دیپلماسی علمی، که حتا می‌توان آن را در بیش‌تر موارد «دیپلماسی دانش‌گاهی» نامید، می‌تواند یکی از انسان‌دوستانه‌ترین روش‌های گسترش روابط میان ملت‌ها و دولت‌ها و ابزاری برای گسترش صلح و ثبات بین‌المللی باشد.

امضای تفاهم‌نامه‌های همکاری علمی و پژوهشی میان نهادهای علمی، به‌ویژه دانش‌گاه‌ها و پژوهش‌کده‌ها در کشورهای گوناگون، از ابزارهای اصلی پیش‌برد این دیپلماسی به‌شمار می‌آیند. یکی از کارکردهای این تفاهم‌نامه‌ها، تبادل استاد و دانش‌جو میان دانش‌گاه‌ها و پژوهش‌کده‌ها است. در این‌جا، هر استاد و دانش‌جویی که به کشوری دیگر و یا مرکز پژوهشی دیگری می‌رود، نقش یک دیپلمات و نماینده کشور خود را بازی می‌کند. در این ایفای نقش، او به خوبی می‌داند که از یک‌سو باید دانش موجود در حوزه تخصصی خود در کشور میزبان را به خوبی فرا گیرد و از سوی دیگر، باید به گونه‌ی رفتار کند که زمینه تداوم و گسترش همکاری‌های علمی میان دانش‌گاه میزبان و دانش‌گاه متبوع خود را فراهم آورد. دوستی‌ها و همکاری‌های علمی، که از این ره‌گذر در محیط دانش‌گاهی شکل می‌گیرند و گاه به انجام پژوهش‌های مشترک علمی می‌انجامند، از جمله مهم‌ترین دست‌آوردهای این‌گونه سفرها می‌باشند (Skolnioff; 2007: 116)؛ در این میان، رایزنان علمی سفارت‌خانه‌ها در کشورهای گوناگون نیز می‌توانند نقشی کلیدی در پیوند دادن دانش‌گاه‌ها و مؤسسات پژوهشی در کشور میزبان و در کشور متبوع خود بازی کنند.

شرکت در همایش‌های بین‌المللی و تبادل دیدگاه‌ها پیرامون موضوعات گوناگون علمی، از دیگر راه‌های گسترش پیوندهای دانش‌گاهی و تعامل در چهارچوب دیپلماسی علمی میان اندیش‌مندان کشورهای گوناگون است؛ از این‌رو، برای آن‌که بتوان از فرصت پیش‌آمده برای آگاهی از دیدگاه‌های اندیش‌مندان دیگر کشورها و نیز بازگویی دیدگاه‌های علمی اندیش‌مندان کشور خود در همایش‌ها و مجامع بین‌المللی بیش‌ترین بهره را ببریم، نه تنها لازم است، که شرکت‌کننده‌گان در این برنامه‌ها، به‌عنوان سفیران علمی کشور، از دانش کافی پیرامون موضوع همایش برخوردار باشند، بل که باید به زبان همایش و نیز زبان بین‌المللی علم در جهان امروز نیز تسلط کافی داشته باشند، تا بتوانند به گفت‌وگو و تبادل نظر بپردازند.

از سوی دیگر، امروزه دیپلماسی علم و فناوری می‌تواند ابزاری برای پیش‌برد برنامه‌های توسعه اقتصادی نیز باشد. بسیاری از نهادها و سازمان‌های علمی در سطح بین‌المللی آماده‌گی آن را دارند تا به یاری سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن‌ها و پژوهش‌کده‌های علمی، برای پیش‌برد برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی آن‌ها با هدف توسعه انسانی در جوامع رو به پیش‌رفت بیایند؛ بنابراین، این ظرفیت هست که از راه برنامه‌ریزی و انجام پروژه‌های پژوهشی مرتبط با توان‌مندسازی اجتماعی و اقتصادی جامعه، به جلب سرمایه‌ها و کمک‌های بین‌المللی پرداخت و از هزینه‌های دولتی کاست.

جای‌گاه دیپلماسی علمی در روابط ایران و افغانستان

امروزه ناامنی در حاشیه مرزهای ایران، که برآمده از بی‌ثباتی و ناامنی در کشورهای پیرامونی به‌شمار می‌رود، زمینه بازنگری در الگوهای امنیتی در سطح کلان را به امری گریزناپذیر تبدیل کرده

است. درواقع، اگرچه می‌توان از ابزارهای نظامی برای جلوگیری از گسترش ناامنی به درون کشور پیش‌گیری کرد، اما راه حلی که امنیت و ثبات بلندمدت را برای ما به ارمغان می‌آورد، ارتباط میان جامعه علمی ایران با نخبگان و اندیش‌مندان کشورهای پیرامون با هدف شکل‌دهی به دوستی و گسترش ایده‌های توسعه پایدار در آن جوامع و نیز کاهش تأثیرگذاری برخی دیدگاه‌های تندروانه موجود نسبت به هم‌کاری با ایران است.

از آن‌جا که تبلیغات نادرست بین‌المللی در بسیاری از موارد موجب ناآگاهی یا شناخت نادرست مردم جوامع گوناگون از یک‌دیگر شده است، ارتباط مستقیم با نخبگان هر جامعه، که درواقع مرجع شکل‌دهی به افکار عمومی در آن جامعه به‌شمار می‌روند، می‌تواند رفته‌رفته به شکل‌گیری دوستی‌های عمیق و شناخت درست از جوامع یک‌دیگر منجر شده و از دامنه دشمنی‌ها و ستیزه‌جویی‌ها بکاهد؛ ازسوی دیگر، هم‌فکری علمی و فرهنگی، می‌تواند زمینه مناسبی را برای معرفی الگوهای توسعه و رشد، که برپایه تجربه در جامعه ایران به دست آمده است را به جوامع هم‌سایه، که اغلب دارای تمدن و تاریخ و فرهنگ مشترک با جامعه ایران هستند، فراهم آورد؛ به این ترتیب، در آینده می‌توان شاهد شکل‌گیری روند توسعه هم‌گون میان جوامع منطقه بود و از بروز تضاد و تنش بیش‌تر در سطح منطقه‌یی پرهیز کرد.

هم‌اکنون دانش‌گاه علامه طباطبائی، که بزرگ‌ترین دانش‌گاه علوم انسانی در کشور است، برنامه‌یی مفصل برای هم‌کاری‌های علمی همه‌جانبه با دانش‌گاه‌های کشور افغانستان در حوزه علوم انسانی و اجتماعی طراحی کرده، که از تنوع بسیاری برخوردار است. از جمله اقدامات انجام شده از سوی این دانش‌گاه برای گسترش هم‌کاری‌های علمی با دانش‌گاه‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی در افغانستان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

__ برگزاری برنامه‌های بازدید علمی استادان دانش‌کده‌های گوناگون دانش‌گاه علامه طباطبائی از مراکز علمی و پژوهشی در افغانستان و فراهم‌آوردن زمینه سفر استادان افغانستانی به ایران با هدف زمینه‌سازی برای آشنایی و دوستی میان استادان و پژوهش‌گران دو کشور (برای نمونه نگاه کنید به: <<https://aiss.af/persian/aiss/enflagship/59fedecb07b56>>);

__ برگزاری کارگاه‌های دروس پایه، مانند روش پژوهش توسط استادان برجسته دانش‌گاه علامه طباطبائی در دانش‌گاه‌های دولتی و خصوصی در شهرهای گوناگون افغانستان و نیز به صورت مجازی (برای نمونه نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/fa/news/13262>>);

__ برگزاری همایش‌های علمی مشترک، مانند «گفت‌وگوی فرهنگی ایران و افغانستان» در سال‌های مختلف (برای نمونه نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/fa/news/15467>>);

__ میزبانی روزنامه‌نگاران افغان در دوره‌های متعدد برای گذراندن دوره‌های آموزش روزنامه‌نگاری نوین در دانش‌کده ارتباطات دانش‌گاه علامه طباطبائی (برای نمونه نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/fa/news/3976>>);

__ دعوت از دانش‌جویان نخبه دانش‌گاه‌های گوناگون افغانستان برای گذراندن یک هفته آموزشی - تفریحی در دانش‌گاه علامه طباطبائی و بازدید از مکان‌های تاریخی و فرهنگی در تهران (برای نمونه نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/fa/news/1728>>);

__ اعطای بورس تحصیلی و فرصت مطالعاتی به استادان دانش‌گاه‌های افغانستان (مطابق مصوبه هیأت امنای دانش‌گاه علامه طباطبائی در سال ۱۳۹۷ سالانه ۲۰ بورسیه علمی به اعضای هیأت علمی دانش‌گاه‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی در افغانستان اختصاص داده می‌شود. این رقم در سال ۱۴۰۰ به ۳۵ بورسیه افزایش یافت);

__ پشتیبانی از انجام پروژه‌های پژوهشی مشترک میان استادان ایرانی و افغانستانی؛
__ شرکت استادان دانش‌گاه علامه طباطبائی و استادان دانش‌گاه‌های افغانستان در همایش‌های بین‌المللی در دو کشور (برای نمونه نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/fa/news/1952>>);

__ تدریس استادان ایرانی و افغان در دانش‌کده‌های یک‌دیگر (برای نمونه نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/fa/news/3027>>); (و نیز نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/fa/news/12625>>);

__ فرستادن کتاب‌های منتشره توسط ناشران دانش‌گاهی ایرانی به کتابخانه‌های دانش‌گاه‌های افغانستان (برای نمونه نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/fa/news/8570>>);

__ گفت‌وگو میان رؤسای دانش‌گاه‌های دو کشور و نیز مقامات دانش‌گاهی و دیپلماتیک دو کشور با هدف گسترش همکاری‌های علمی؛ برای نمونه نگاه کنید به این نشانی‌ها:

<<https://atu.ac.ir/fa/news/13760>>

<<https://atu.ac.ir/fa/news/13254>>

<<https://atu.ac.ir/fa/news/7029>>

__ بازدیدهای علمی استادان دانش‌گاه‌های افغانستان از دانش‌گاه علامه طباطبائی (برای نمونه نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/fa/news/2680>>؛ و نیز نگاه کنید به:

<<https://atu.ac.ir/fa/news/7377>>);

__ راه‌اندازی مرکز مشاوره سلامت مهاجر (برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/afnews/9356>>);

__ تشکیل شبکه هم‌یاری استادان ایران و افغانستان در فضای مجازی برای فراهم‌آوردن زمینه گفت‌وگو و تبادل نظر میان اندیش‌مندان دو کشور (برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: <<https://www.irna.ir/news/84087575>>); و دیگر موارد.

هدف از این کوشش‌ها، فراهم‌ساختن زمینه گفت‌گویی علمی و فرهنگی استادان، اندیش‌مندان، پژوهش‌گران و دانش‌جویان دو کشور برای ارتقای دانش و پژوهش در سطوح منطقه‌یی و بین‌المللی و نیز دستیابی به الگوی مناسب توسعه میان افشار و گروه‌های گوناگون در جوامع ایرانی و افغانستانی و نیز افزایش همکاری‌های علمی از راه هم‌افزایی دانش و توان‌مندی موجود در هر دو سو بوده است. این کوشش‌ها سبب شده است، که نه تنها آگاهی و شناخت بسیاری از دانش‌گاہیان ایرانی نسبت به سطح بالای فرهنگ و دانش در میان نخبه‌گان افغانستانی افزایش یابد، بل که روی کردهای گاه بدبینانه قشر تحصیل‌کرده و روشن‌فکر افغان نیز، که بعضاً به خاطر تجربه‌های ناخوشایند سال‌های مهاجرت و یا به خاطر تبلیغات رسانه‌یی شکل گرفته اند، رفته‌رفته به دیدی واقع‌گرایانه نسبت به جامعه ایران سوق داده شود. در واقع، هم‌فکری علمی میان این گروه از اندیش‌مندان دو کشور، توانسته است به هم‌دلی اجتماعی و فرهنگی میان جوامع مدنی دو کشور یاری رساند.

ازسوی دیگر، جذب استادان و دانش‌جویان نخبه کشورهای دیگر در دانش‌گاه‌ها و پژوهش‌کده‌های داخلی برای تدریس و تحصیل نیز یکی دیگر از راه‌های استفاده از دیپلماسی علمی برای گسترش همکاری میان ملت‌ها است. امروزه بسیاری از کشورهای جهان با دادن بورسیه به دانش‌جویان کوشا در کشورهای درحال توسعه نه تنها از توان و ظرفیت علمی آنان در پیش‌برد دانش در کشور خود استفاده می‌کنند، بل که می‌دانند که درحال تربیت‌کردن نیروی کارآمد آینده در کشورهای دیگر هستند؛ و این دانش‌جویان پس از بازگشت به کشورهای خود، به طور طبیعی گسترش هم‌کاری با نهادهای علمی و اجرایی کشور محل تحصیل خود را در نظر دارند. نمونه تأثیرگذاری دانش‌جویان خارجی بر روابط میان کشورهای مبدأ و مقصد را می‌توان در حضور دانش‌جویان پیشین افغانستان و عراق در دانش‌گاه‌های ایران در مناصب عالی در دولت، مجلس و دیگر نهادهای صاحب قدرت در آن کشورها دید. امروزه تأثیرپذیری مثبت یا منفی دانش‌آموخته‌گان دانش‌گاه‌های ایران، که به دیار خود بازگشته اند، در شکل‌دهی به روند هم‌کاری‌های دوجانبه نقشی کلیدی بازی می‌کند.

به‌این‌ترتیب، از آن‌جا که بسیاری از تحصیل‌کرده‌گان و نخبه‌گان افغان، گذشته از حضور در مجامع علمی این کشور، دارای مسؤولیت‌های عالی و تصمیم‌ساز هستند، تغییر نگرش میان دانش‌گاہیان ایران و افغانستان، می‌تواند زمینه افزایش تعامل و هم‌کاری میان نهادهای مسؤول در هر دو کشور را نیز فراهم آورد.

نمونه‌یی که درباره هم‌کاری با افغانستان در این‌جا آورده شد را می‌توان در هم‌کاری‌های دانش‌گاه علامه طباطبائی در حوزه علوم انسانی با دانش‌گاه‌های کشورهای دیگر هم‌چون روسیه، اسپانیا، هندوستان و ... نیز دید. این امر سبب شده است، که استادان و دانش‌جویان این دانش‌گاه، حکم

سفیران و فرستاده‌گان علمی ایران را در مجامع بین‌المللی ایفا کرده و نماینده‌گی قشر دانش‌گاهی کشور در حوزه علوم انسانی را در کنار هم‌تایان خود در دیگر دانش‌گاه‌های ایران، به خوبی عهده‌دار شوند. کوشش ایشان در این زمینه، هم‌چنین سبب شده، که میزان خودباوری و اعتماد به نفس برای مشارکت در بحث‌های بین‌المللی و پذیرش مسؤلیت‌های محوله در گفت‌وگو با هم‌تایان خود در دیگر کشورها برای تأمین منافع ملی کشور، افزایش یابد. نمونه این امر را می‌توان در بنیان‌گذاری شبکه بین‌المللی دانش‌گاه‌های راه‌ابریسم توسط این دانش‌گاه و شماری دیگر از دانش‌گاه‌های آسیایی در تابستان سال ۱۳۹۴ و نیز راه‌اندازی دبیرخانه دانش‌جویی این شبکه و انتقال آن از سنؤل به تهران و دعوت از دانش‌جویان دانش‌گاه‌های گوناگون افغانستان برای هم‌کاری با این شبکه مشاهده کرد.

جمع‌بندی بحث

ایران در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، به خوبی توانسته بود از قدرت نرم خود در منطقه و جهان بهره‌برد، به ویژه که این انقلاب با شعارها و رسالت‌های معنوی مشخص در منطقه و جهان معرفی شد و توانست میان بسیاری از مردم کشورهای گوناگون از جمله کشورهای اسلامی، هوادارانی داشته باشد. مهم‌ترین مایه تقویت قدرت نرم ایران در آن دوران، تشکیل حکومت بر پایه باورهای دینی مردم و دولت‌مردان بود. الگوی رفتاری و گفتاری بنیان‌گذار انقلاب اسلامی نیز موجب شده بود، که ایشان به عنوان یک رهبر تأثیرگذار در سطح منطقه و جهان شناخته شوند. انقلاب اسلامی ایران در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ الگوی بسیاری از فعالیت‌ها و جنبش‌های آزادی‌خواهانه در جهان به شمار می‌رفت و گفت‌مان انقلاب اسلامی از توان جذب‌کننده‌یی میان توده‌های مردم در کشورهای گوناگون برخوردار بود.

با این‌همه و با وجود این تجربه موفق، ایران در سال‌های بعد نتوانست بهره‌مورد انتظار را از قدرت نرم خود ببرد. این درحالی‌است که براساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران، باید الهام‌بخش بسیاری از کشورهای جهان در حوزه‌های گوناگون باشد. امروزه توجه به افزایش توان‌مندی ایران بدون توسعه دیپلماسی علمی، دشوار به نظر می‌رسد. درعین حال، ایران این ظرفیت را دارد که مرجع علم و فناوری در میان کشورهای رو به توسعه، به‌ویژه در مناطق هم‌سایه خود باشد؛ اما بدون توجه و سرمایه‌گذاری در زمینه گسترش استفاده از دیپلماسی علمی و دانش‌گاهی، رسیدن به این هدف، دشوار خواهد بود؛ از این‌رو، به نظر می‌رسد گسترش هم‌کاری‌ها میان نهادهای سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر در حوزه سیاست خارجی با نهادهای علمی مانند دانش‌گاه‌ها و دانش‌کده‌هایی که به صورت تخصصی به بررسی راه‌کارهای گسترش هم‌کاری‌های بین‌المللی می‌پردازند و در عمل نیز

می‌کوشند تا مراودات بین‌المللی بین دانش‌گاهی را گسترش دهند، مهم‌ترین کار در پیش‌برد دیپلماسی علمی در ساختار سیاست‌گذاری خارجی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

با بررسی ظرفیت‌های دیپلماسی علمی در پیش‌برد برنامه‌های همکاری‌جویانه کشورهای، و نیز با مروری کوتاه بر زمینه‌های همکاری علمی و دانش‌گاهی میان دو کشور، به نظر می‌رسد که هم در ایران و هم در افغانستان، در دو بُعد داخلی و خارجی، انجام اقدامات مؤثر و تغییر روی کردها نسبت به چه‌گونه‌گی به‌کارگیری ابزار قدرت نرم، به‌ویژه در حوزه دیپلماسی علمی در هر دو کشور، می‌تواند گامی مهم در برطرف کردن موانع موجود برای گسترش همکاری‌ها میان دو هم‌سایه باشد. باید گفت که مفاهیمی هم‌چون قدرت نرم، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی علمی هنوز جای‌گاهی در محافل فکری و تصمیم‌گیری ایران و افغانستان پیدا نکرده‌اند و به لحاظ مفهومی و کاربردی به روشنی تعریف نشده است؛ با این‌همه، تبیین جای‌گاه و نقش دیپلماسی علمی در روابط دو کشور، می‌تواند زمینه‌ساز گسترش همکاری در دو سطح ملت‌ها و دولت‌ها شود.

از سوی دیگر، هنر بهره‌گیری از توان و ظرفیت علمی استادان و پژوهش‌گران ایرانی و افغانستانی در سطح بین‌المللی از راه همکاری‌های دانش‌گاهی و با هدف کسب درآمدهای ارزی هنوز در میان دانش‌گاہیان دو کشور به خوبی تبیین نشده و سهم ایران و افغانستان از بودجه‌های پژوهشی بین‌المللی، که سالانه توسط نهادهای جهانی به کشورهای و نهادهای علمی گوناگون داده می‌شود، بسیار اندک است. آن‌چه که می‌تواند سبب کارآمدی و رشد و پویایی اقتصادی بدنه علمی هر دو کشور شود، فراهم آوردن زمینه آموزش دانش‌گاہیان در حوزه همکاری‌های علمی بین‌المللی است. برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی در زمینه شیوه همکاری‌های علمی و کشف استعدادها موجود در دانش‌گاه‌های مختلف دو کشور، بی‌تردید می‌تواند نوعی سرمایه‌گذاری با بازده خوب علمی و اقتصادی به شمار آید.

از دیگر ضرورت‌ها برای گسترش دیپلماسی علمی، ارتباط مستقیم و مستمر دانش‌گاہیان و دست‌گاه سیاست‌گذاری خارجی با یک‌دیگر است. برای پیش‌برد دیپلماسی علمی بر پایه منافع ملی، نیازمند آن هستیم که مدیران، سفیران، دیپلمات‌ها، مسؤولان امنیتی و کارشناسان امور خارجه از یک‌سو و مدیران، استادان و پژوهش‌گران دانش‌گاه‌ها و نهادهای پژوهشی در هر کشور از سوی دیگر، با یک‌دیگر به گفت‌وگو پرداخته، نیازها، اولویت‌ها، کمبودها و توان‌مندی‌های خود را بازگو کنند، تا بتوان بر اساس آن، نقشه راه برای همکاری با نهادهای علمی با دیگر کشورهای جهان را ترسیم کرد.

و سرانجام آن‌که، تا هنگامی که در نهادهای علمی توجه کافی به برنامه‌های پژوهش و توسعه در سطوح فراملی و در قالب تعامل صنعت و جامعه نشود، نمی‌توان انتظار داشت که دانش‌گاه‌ها بتوانند در سطح بین‌المللی به خوبی بدرخشند و در دیپلماسی دانش‌گاهی نقشی درخور بازی کنند. هم‌کاری پژوهش‌گران دو کشور ایران و افغانستان با یک‌دیگر، می‌تواند عرصه تازه‌یی از هم‌کاری‌های پژوهشی در حوزه مربوط به مطالعات مشترک میان این دو کشور را فراهم آورد و به غنای دست‌آوردهای علمی در هر دو کشور یاری رساند.

سرچشمه‌ها

فارسی:

۱. احدی، افسانه. (۱۳۸۹). «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی». تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲. گر، تد رابرت. (۱۳۷۹). **چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟**. ترجمه علی مرشدی‌زاد. تهران: پژوهش‌کده مطالعات راهبردی.
۳. متقی، ابراهیم. (۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۷). «دیپلماسی عمومی». سایت دیپلماسی ایرانی.
۴. موسوی موحدی، علی اکبر و ابوالفضل کیانی بختیاری. (خرداد ۱۳۹۱). «دیپلماسی علمی و فناوری». ایران: نشریه نشا علم. سال دوم، شماره دوم.
۵. نای، جوزف و پاپ، رابرت. (۱۳۹۲). «قدرت و موازنه نرم در سیاست بین‌الملل». ترجمه عسگر قهرمان‌پور. تهران: پژوهش‌کده مطالعات راهبردی.

انگلیسی:

6. American Association for Advancement of Science (AAAS). (2012). "Science and Diplomacy Quarterly", Center for Science Diplomacy.
7. Linklater, Andrew. (1998). "The Transformation of Political Community: Ethical Foundations of the Post-Westphalia Era" Columbia: University of South Carolina Press.
8. Nye, J. S. (1991). **Bound to Lead: The Changing Nature of American Power**. USA: Basic books publication.
9. Skolnikoff, E. (2007). "International Cooperation: What's in it for Us?". Journal of International Cooperation in Education. Vol 8.

10. Turekian, V. C., Neureiter, N. P. (2012). “**Science and Diplomacy: The Past as Prologue**”. Science & Diplomacy website <<http://www.sciencediplomacy.org>>

سایتها

- . <<https://aiss.af/persian/aiss/enflagship/59fedecb07b56>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/13262>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/15467>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/3976>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/1728>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/1952>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/3027>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/12625>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/8570>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/13254>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/7029>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/2680>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/7377>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/9356>>
- . <<https://www.irna.ir/news/84087575>>

تأثیر معاشرت‌های اجتماعی در پیش‌گیری از تکرار جرایم

کودکان و نوجوانان

نگارنده‌گان: دکتر حسنعلی مؤذن‌زادگان*

عبدالقدیر سروش**

چکیده

معاشرت‌های اجتماعی در تکوین شخصیتی افراد، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، نقش مؤثر و غیرقابل‌انکاری دارد؛ با درک اهمیت موضوع است، که این تحقیق به بررسی و تحلیل علت‌شناختی تأثیر معاشرت‌های اجتماعی در پیش‌گیری از تکرار جرایم کودکان و نوجوانان اختصاص یافته است. هدف اصلی پژوهش، واکاوی چه‌گونه‌گی تأثیر معاشرت‌های اجتماعی در پیش‌گیری از تکرار جرایم کودکان و نوجوانان بوده است، که در پرتو مهم‌ترین نظریه‌های جرم‌شناسی مرتبط است. بعد از تبیین مفهوم‌شناختی مفاهیم مرتبط، به تحلیل نظریه‌هایی چون معاشرت‌های ترجیحی، یادگیری اجتماعی، کنترل اجتماعی هیرشی، برچسپ‌زنی و شرم‌نده‌سازی «برایت ویت» پرداخته شده است. نتایج حاصل از پژوهش در پاسخ به سؤال اصلی، نشان می‌دهند که معاشرت‌های اجتماعی در پیش‌گیری از تکرار جرایم کودکان و نوجوانان، دارای نقش دوگانه‌ی کاهش‌ی - افزایش‌ی است؛ و تنها در صورتی که معاشرت در محیط‌های سالم اجتماعی، به‌ویژه زمانی که توأم با هم‌دلی در دوران کودکی باشد، در پیش‌گیری و کاهش تکرار نرخ بزه‌کاری کودکان و نوجوانان تأثیر مثبت دارد. جهت غنای هرچه بیشتر تحقیق، به آمارهای مندرج در پژوهش نسبتاً مشابه که توسط پنج تن از جرم‌شناسان امریکایی و استرالیایی، که در سال ۲۰۲۰ صورت گرفته، استناد به‌عمل آمده است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته است.

واژه‌گان کلیدی: معاشرت‌های اجتماعی، پیش‌گیری از تکرار جرم، کودکان و

نوجوانان، نظریه‌های جرم‌شناختی.

* دانش‌یار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی دانش‌گاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (moazenzadegan@gmail.com)

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانش‌گاه علامه طباطبایی - تهران و عضو هیئت‌علمی پوهنتون غالب هرات (نویسندهٔ مسؤول: qadeersoroosh@yahoo.com)

ISSN

Printed: 2788-4155

Online: 2788-6441

Ghalib

Received Date: 05 / 06 / 2021

Accepted Date: 04 / 10 / 2021

The Effect of Social Interactions in Preventing the Recurrence of Crimes of Children and Adolescents

Authors: Dr. Hasan Ali Moazzinzadagan(PhD)*
& Abdul Qadeer Soroosh**

Abstract

Social interactions play an effective and irrefutable role in the development of personality of individuals, especially children and adolescents; Understanding the importance of the issue, this study is dedicated to the study and etiological analysis of the impact of social interactions in preventing the recurrence of crimes in children and adolescents. The main purpose of this study is to investigate the effect of social interactions in preventing the recurrence of crimes of children and adolescents, which is relevant in the light of the most important criminological theories. After explaining the cognitive concept of related concepts, theories such as differential associations, social learning, social control, labeling, and reiterative shaming of Bright Witt are analyzed. The results of the research conducted in response to the main question show that social interactions have a decreasing-increasing role in preventing the recurrence of crimes of children and adolescents. And only if socializing in correct social settings, especially when it is accompanied by empathy in childhood, has a positive effect on preventing and reducing recurrence of delinquency rates in children and adolescents. To make the study better, the statistics from a relatively similar study by five American and Australian criminologists in 2020 have been cited. This research is organized by descriptive-analytical method.

Keywords: Social interactions, Crime prevention, Children and adolescents, Criminological theories.

* Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaiee University, Tehran, Iran (moazenzadegan@gmail.com)

** PhD student in Criminal Law and Criminology, Allameh Tabatabaiee University, Tehran, and a Academic Cadre of Ghalib University – Herat (qadeersoroosh@yahoo.com)

۱. مقدمه

یکی از مباحث مهم و قابل تأمل در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، موضوع تکرار جرم است. تکرار جرم از یک‌طرف بیان‌گر نقصان نظام عدالت کیفری و عدم کارایی مناسب آن در بازاجتماعی‌شدن محکومین است؛ و از جهت دیگر، نمایان‌گر بی‌توجهی سایر نهادهای اجتماعی، فقدان معاشرت‌های سالم و نبود هم‌دلی لازم در اصلاح و تربیت سالم بزه‌کاران، به‌ویژه کودکان و نوجوانان است. تکرار جرم، چون اکثر پدیده‌های زیان‌بار اجتماعی، تک‌علی نمی‌باشد، روی این ملحوظ است که یکی از عمده‌ترین علل آن را می‌توان مشکلات ناشی از نظام عدالت کیفری و بی‌تدبیری متولیان آن دانست؛ زیرا در این میان، عوامل مؤثر دیگری چون عدم کنش رسالت‌مندانه اجتماع در حصه پیش‌گیری از بزه‌کاری اشخاص، به‌ویژه کودکان و نوجوانان را نیز تداعی می‌کند. حُسن معاشرت و هم‌دلی با این قشر آسیب‌پذیر در مقایسه با بزرگسالان، کارایی بیش‌تری دارد. برعکس، معاشرت اجتماعی ضعیف و هم‌دلی پایین، در سوق‌دهی افراد، بالاخص کودکان و نوجوانان به رفتارهای ضداجتماعی، پرخاش‌گرایانه، قانون‌ستیزی و تکرار رفتارهای زیان‌بار، در نتایج به‌دست آمده از تحقیقات میدانی به اثبات رسیده است.

گرچه در افغانستان و ایران، بالترتیب به دلیل نبود آمار دقیق یا عدم دسترسی به چنین آماري از مراجع رسمی و معتبر، ارائه آمار آسان نیست؛ ولی پدیده همه‌گیری کرونا نیز به‌نوبه خود بر این چالش افزوده است؛ اما با استناد به پژوهش‌های به‌عمل آمده مشابه در برخی از کشورها از جمله: امریکا و انگلستان، نشان می‌دهد که در صورت دسترسی به منابع آماری رسمی در رابطه به موضوع، می‌توان به نتایج نسبتاً مشابه دست یافت _ تفاوت آماری از یک جامعه تا جامعه دیگر، امر طبیعی است _؛ به‌عنوان مثال: نتایج حاصل از پژوهش میدانی به‌عمل آمده در مورد ۷۲۰ تن از نوجوانان دختر و پسر با میان‌گین سنی ۱۴٫۵ سال در انگلستان، که توسط جولیف و فارینگتون در سال ۲۰۰۷ م صورت گرفته، نشان می‌دهد که نوجوانان دختر و پسر که مرتکب تخلفات خشونت‌آمیز شدند، در مقایسه با سایر هم‌سن‌وسال‌های شان که مرتکب تخلفات خشونت‌بار نشدند، از حُسن معاشرت و هم‌دلی کم‌تری برخوردار بوده‌اند؛ البته نتایج به‌دست آمده در مورد پسران و دختران متفاوت است (Narvey; 2020: 3).

جمعی از جرم‌شناسان علت وقوع و تکرار جرایم را به‌طور عموم از منظر هنجارهای اجتماعی با استمداد از نظریه‌های جرم‌شناختی، چون معاشرت‌های ترجیحی، یادگیری اجتماعی، کنترل اجتماعی هیرشی، برچسپ‌زنی، شرم‌نده‌سازی «برایت ویت» و برخی از نظریه‌های مرتبط دیگر مورد مطالعه قرار دادند. با درک اهمیت موضوع است، که این پژوهش به تحلیل چه‌گونه‌گی تأثیر معاشرت‌های

اجتماعی در پیش‌گیری از تکرار جرایم کودکان و نوجوانان در پرتو نظریه‌های مذکور اختصاص یافته است.

بدون تردید بررسی علمی چنین موضوعاتی نیازمند تحقیقات میدانی است؛ اما عدم دسترسی به چنین آمار از مراجع رسمی و معتبر از یک‌سو، و شیوع کرونا از جهت دیگر، ما را بر آن واداشت تا مستندات آماری مورد استفاده این پژوهش را مرهون تحقیقات به‌عمل آمده توسط پنج تن از استادان جرم‌شناس امریکایی و استرالیایی بدانیم، که قبلاً در سال ۲۰۲۰ م در مقاله‌ی تحت عنوان: «رابطه متقابل بین هم‌دلی و دوران کودکی نامطلوب، و تأثیر آن در تکرار بزه‌کاری نوجوانان»، برای مجله علمی - پژوهشی (Youth Violence and Juvenile Justice) نگارش یافته است؛ و نویسندگان به استناد آماری‌های به‌دست آمده، تأثیر مثبت هم‌دلی ناشی از معاشرت‌های اجتماعی را در کاهش بزه‌کاری کودکان و نوجوانان اثبات نموده‌اند؛ بسنده نماییم.

معضل افزایش نرخ تکرار جرایم و هزینه‌های ناشی از آن به‌صورت عام، و در حصة کودکان و نوجوانان به‌طور خاص، باعث گردید تا هدف اصلی این پژوهش را ارائه پاسخ به این سؤال: «تأثیر معاشرت‌های اجتماعی در پیش‌گیری از تکرار جرایم کودکان و نوجوانان چه‌گونه است؟» احتوا نماید. به‌نظر می‌رسد که هدف از معاشرت‌های اجتماعی عبارت از ارتباطات و زیست جمعی است، که میزان تأثیرگذاری آن بر کودکان و نوجوانان بیش از بزرگسالان قابل درک است. تحلیل موضوع در بستر نظریه‌های جرم‌شناختی مذکور نشان می‌دهد، که معاشرت‌های سالم و مفید اجتماعی به‌ویژه زمانی که توأم با رابطه متقابل هم‌دلی در دوران کودکی باشد، در پیش‌گیری و کاهش تکرار جرایم کودکان و نوجوانان تأثیرگذار است. بدون تردید در صورت فراهم‌بودن بستر تحقیقات میدانی مناسب در کشورهای ایران و یا افغانستان، می‌توان به نتایج ملموس و نسبتاً مشابه دست یافت. نتایج به‌دست‌آمده آماری توسط چلسی ناروی و هم‌کارانش نشان می‌دهد: «محرومیت کودکان از هم‌دلی، درک متقابل و معاشرت‌های نیک اجتماعی در این دوره سنی، تأثیرات چشم‌گیری در افزایش نرخ تکرار بزه‌کاری شان در مراحل بعدی سنی دارد» (Narvey; 2020: 14).

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی طی سه بخش تنظیم گردیده است؛ بخش نخست، به تبیین مفاهیم و اصطلاحات محوری مورد بحث پرداخته؛ بخش دوم، در خصوص استناد پذیر موضوع در بستر نظریه‌های جرم‌شناسی؛ و بخش سوم، تأثیر هر یک از نظریه‌های مورد استناد را مورد تحلیل قرار داده است.

۱. تبیین مفاهیم

این بحث به تبیین مفاهیمی چون پیش‌گیری از جرم، کودک، طفل و نوجوان، تکرار جرم و معاشرت اجتماعی اختصاص دارد، که طی بخش‌های جداگانه تنظیم شده است؛ البته پرداختن به

مفاهیم مرتبط مورد نظر، تنها بحث نظری نبوده؛ بل که ضمن کاربردی بودن، به اهمیت و ضرورت هدف اصلی پژوهش نیز تمرکز دارد.

۱-۱. پیش‌گیری از تکرار جرم

ارائه تعریف جامع و مانع از پیش‌گیری به دلایلی از جمله: ابعاد گوناگون زیستی، روانی و اجتماعی انسان، اختلاف نظر در مورد انواع اقدامات پیش‌گیرانه، روش‌ها و ابزارهای پیش‌گیری از جرم_ اعم از کیفری و غیر کیفری (قهرآمیز و غیر قهرآمیز بودن آن‌ها)؛ قبض و بسط گستره مفهوم شناختی پیش‌گیری، محدوده مشروعیت تطبیق پیش‌گیری با در نظر داشت حفظ حقوق شهروندان، اهداف مورد نظر نهادها و سازوکارهای پیش‌گیری از جرایم، تقسیم‌بندی‌های به عمل آمده در خصوص انواع پیش‌گیری از جرم_ اولیه، ثانویه و ثالث، کوتاه‌مدت و بلندمدت بودن سازوکارهای پیش‌گیرانه، قضایی و انتظامی بودن، وضعی و اجتماعی بودن، تنبیهی، اصلاحی، مکانیکی و علی بودن، فعال و انفعالی بودن پیش‌گیری، پیش‌گیری از جرایم عادی و جرایم سازمان‌یافته، و از برخی جهات دیگر، دشوار است. با درک موارد مذکور، اینک به تعریف لغوی و اصطلاحی پیش‌گیری از جرم می‌پردازیم. پیش‌گیری به معنای جلوگیری، دفع، مانع شدن، صیانت، جلوگیری، آگاه کردن و هُش‌دار دادن آمده است (دهخدا؛ ۱۳۷۷: ذیل واژه).

در اصطلاح، پیش‌گیری از جرم به معنای عام آن شامل «هر اقدامی که از ارتکاب جرم جلوگیری نموده و در مقابل آن سدّ ایجاد نماید، پیش‌گیری از جرم نامیده می‌شود. این اقدامات شامل جنبه کیفری و غیر کیفری است» (بیات؛ ۱۳۸۷: ۲۲)؛ اما در معنای خاص، برخی از جرم‌شناسان، پیش‌گیری از جرم را «شامل ابزارهایی می‌دانند که دولت به منظور مهار بزه‌کاری، جهت محدود کردن یا حذف عوامل جرم‌زا به کار می‌گیرد» (همان‌جا)؛ و یا هر اقدام قهرآمیزی که جهت مهار بزه‌کاری یا کاهش احتمال وقوع آن مورد استفاده قرار گیرد. کوسن، به‌طور مطلق، پیش‌گیری از جرم را مجموعه‌یی از اقدامات و تدابیر غیر قهرآمیز می‌داند که به‌هدف خاص مهار بزه‌کاری و کاهش احتمال جرایم اتخاذ می‌شود. در این تعریف، به ملاحظه می‌رسد که پیش‌گیری از جرم عبارت از اقدامات غیر قهرآمیز است، که بر عوامل جرم‌زا اعمال می‌شود؛ به تعبیری دیگر می‌توان پیش‌گیری از جرم را به مفهوم اتخاذ راه‌کارهایی دانست، که سازوکارهای منتهی به جرم را مانع شود. مرکز بین‌المللی پیش‌گیری از جرایم سازمان ملل متحد، پیش‌گیری از جرم را چنین تعریف نموده است: «هر عملی که باعث کاهش بزه‌کاری، خشونت، ناامنی از طریق مشخص کردن و حل کردن عوامل ایجادکننده این مشکلات به روش علمی شود، پیش‌گیری از جرایم است» (رجبی پور؛ ۱۳۹۱: ۲۲).

۲-۱. کودک (طفل) و نوجوان

الف) کودک (طفل)

تعیین مرز میان بزرگ‌سالی و کودکی در حوزه حقوق به‌طور عام، و حقوق کیفری به‌صورت خاص، از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا به دلیل پذیرش اصل حمایت ویژه از کودکان و نوجوانان، نوع روی‌کرد قانون‌گذاران به تعریف کودک (طفل)، آثار زیادی _ مثبت یا منفی _ را به دنبال دارد. در حوزه حقوق کیفری، تعیین سن طفولیت از دو جهت اهمیت به‌سزایی دارد؛ از یک‌سو کودکان و نوجوانان به‌عنوان کسانی که در فرایند رشد و یادگیری هنجارهای اجتماعی قرار دارند، ممکن است به هر دلیلی مرتکب رفتارهایی بزه‌کارانه شوند، و از سوی دیگر، امروزه صغر سن یا طفولیت به‌عنوان یکی از اسباب تأثیرگذار در نوع و میزان واکنش‌های کیفری علیه شخصی که علیه این گروه آسیب‌پذیر مرتکب جرم گردد، در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین، مرحله سنی طفولیت از حیث بزه‌کاری و بزه‌دیدگی در تعیین مجازات حایز اهمیت است.

به دلیل عدم موجودیت تعریف مشخصی از کودک یا دوران کودکی، به‌طور قطع نمی‌توان پاسخ روشن و قاطع ارائه کرد. روی این ملحوظ است، که نظام‌های کیفری با درنظرداشت منابع جرم‌انگاری مورد استناد شان، به تعریف کودک، طفل و نوجوان می‌پردازند؛ و این مسأله باعث تعدد دیدگاه‌ها و تشتت نظریه‌ها شده است؛ اما آن‌چه می‌تواند به‌عنوان معیار معتبر حقوقی از این اختلاف دیدگاه‌ها را به‌نحوی سامان دهد، کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد است، که در ماده اول آن از کودک چنین تعریف صورت گرفته است: «از نظر کنوانسیون حاضر، منظور از کودک، افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است؛ مگر این‌که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کم‌تر تشخیص داده شود» (به نقل از: هرینگ؛ ۱۳۹۹: ۱۳).

شایان ذکر است که در قانون رسیده‌گی به تخلفات اطفال و کُد جزای افغانستان، کودک تعریف نشده است؛ بل که به‌جای کلمه کودک، اصطلاح «طفل» به‌کار رفته است. قانون رسیده‌گی به تخلفات اطفال افغانستان در فقره ۱ از ماده ۴، طفل را چنین تعریف نموده است: «شخصی است که سن هجده ساله‌گی را تکمیل نکرده باشد».

به‌نظر می‌رسد، نظام حقوقی ایران نیز به تعریف کودک پرداخته؛ بل که به تعیین سن مسؤولیت کیفری او اکتفا نموده است؛ البته برخی از قوانین مرتبط در نظام حقوقی این کشور، به‌طور اغلب سن ۱۸ سال را معیار تشخیص کودک از بزرگ‌سال قرار داده است؛ به‌طور مثال، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ در ماده ۱ از طفل و نوجوان چنین تعریف به عمل آورده است: «الف) طفل: هر فردی که به سن بلوغ شرعی نرسیده است. ب) نوجوان: هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی، که به سن بلوغ شرعی رسیده است».

تأثیر معاشرت‌های اجتماعی در پیش‌گیری از تکرار جرایم کودکان و نوجوانان غالب

با نگاهی تحلیلی - تطبیقی در خصوص مفهوم‌شناختی اصطلاحات کودک (طفل) و نوجوان در قوانین کیفری ایران و افغانستان و مقایسه آن‌ها با اسناد حقوقی بین‌المللی، به ملاحظه می‌رسد که قوانین جزایی افغانستان در مقایسه با قوانین کیفری ایران، با اسناد حقوق بین‌المللی در خصوص تعریف کودک (طفل) و نوجوان هم‌سویی بیش‌تری دارد. عمده‌ترین دلیل این تفاوت دیدگاه را می‌توان ناشی از تأثیرگذاری مثبت آموزه‌های حقوق بشری بر سیستم قانون‌گذاری افغانستان در دو دههٔ اخیر _ ۱۳۸۲ الی ۱۴۰۰ _ و برعکس تأثیرگذاری چشم‌گیر احکام فقهی _ جعفری _ بر منابع و فرایند قانون‌گذاری ایران در چهار دههٔ اخیر _ (۱۳۵۷ الی ۱۴۰۰) _ دانست.

لازم به‌ذکر است که در خصوص تعریف کودک در آموزه‌های فقهی، دیدگاه واحدی وجود ندارد؛ به‌طور مثال، امام قرطبی^(ز) در تعریف طفل گفته است: «طفل به مرحلهٔ تولد از مادر الی بلوغ» را شامل می‌شود (عبدالرحمن؛ ۱۴۳۶: ۱۱)؛ و اما آیت‌الله سیدمحمد موسوی بجنوردی در خصوص مراحل کودکی به این نظر است: «معمولاً از آغاز تولد تا حدود ۱۲-۱۳ ساله‌گی را که تقریباً پایان دورهٔ دبستان است، دوران کودکی می‌نامند» (موسوی بجنوردی؛ ۱۳۸۸: ۱۷). در حقیقت بلوغ را مرز بین کودکی از نوجوانی تعیین نمودند؛ به‌همین جهت است که کودکی را به مرحلهٔ قبل از رسیدن به بلوغ منوط ساختند.

ب) نوجوان

با پایان یافتن دورهٔ کودکی، انسان وارد مرحلهٔ دیگری می‌شود که شرایط آن با شرایط دورهٔ قبلی متفاوت بوده، و از آن به دورهٔ نوجوانی یاد می‌کنند. اصطلاح نوجوان در قانون رسیده‌گی به تخلفات اطفال و کُد جزای افغانستان، به مراتب به‌کار رفته است؛ درحالی‌که در قوانین جزایی قبلی به‌جای این اصطلاح، اصطلاح مراهق (نزدیک به بلوغ) معمول بوده است. با آن‌هم قانون‌گذار به تعریف طفل اکتفا نموده و هیچ‌یک از قوانین کیفری عام (کُد جزا) و اختصاصی (قانون رسیده‌گی به تخلفات به اطفال) به تعریف نوجوان نپرداخته است. این درحالی‌است که قانون‌گذار ایران در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳) در بند ۲ از مادهٔ ۱، نوجوان را شامل هر فردی زیر سن ۱۸ سال قمری دانسته است، که بلوغ شرعی را احراز نکرده باشد.

برخی از جرم‌شناسان، نوجوانی را دورهٔ سنی ۱۲ الی ۱۸ ساله‌گی دانستند که دورهٔ تحول و رشد جسمی و عقلی افراد است؛ به‌طور مثال: ژان پیناتل، جرم‌شناس معروف فرانسه‌وی عقیده دارد: «سن بلوغ در مورد دختران از ۱۱ تا ۱۳ ساله‌گی، و در مورد پسران از ۱۳ تا ۱۵ ساله‌گی شروع و در سن ۱۶ تا ۱۷ ساله‌گی در مورد دختران و ۱۸ ساله‌گی در مورد پسران پایان می‌یابد؛ به این فاصلهٔ سنی اصطلاحاً «نوجوانی» اطلاق می‌شود» (شامبیاتی؛ ۱۳۷۱: ۲۲).

۳-۱. معاشرت اجتماعی

معاشرت از نگاه لغوی به معنای باهم زیست کردن، با کسی زنده گی نمودن، اختلاط و آمیزش باهم، گفت و شنید، باهم الفت و مصاحبت، همدمی، رفاقت و باهم خوردن و آشامیدن آمده است؛ اما در اصطلاح: «معاشرت مجموعه رفتارهایی است که ما در برخورد با دیگران انجام دهیم» (زیر مجموعه واژه معاشرت: www.vajehyab.com/dekhoda)؛ بنابراین، مقصود از معاشرت اجتماعی را می توان به زنده گی کردن و آمیزش در محیط اجتماعی تعبیر نمود؛ چنان که به طور طبیعی همه انسان ها به صورت جمعی یا گروهی زنده گی دارند و در معاشرت های جمعی فعالیت های شان را در کنار سایر اقشار جامعه انجام می دهند. هدف از کاربرد اصطلاح معاشرت در این تحقیق، بررسی چه گونه گی تأثیرات ناشی از آن در پیش گیری از تکرار جرایم توسط کودکان و نوجوانان است، که در بستر نظری های جرم شناختی مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.

۴-۱. تکرار جرم

تکرار جرم، از جمله مباحث مهم و قابل دقت در حوزه حقوق کیفری، جرم شناسی و به تعبیر دقیق تر، از مسائل چالش برانگیز در اکثر شعبه های علوم جنایی بوده، و می توان از آن به عنوان معضل مشترک در تمام نظام های حقوق کیفری جهان یاد نمود. از نظر مفهومی تکرار جرم به حالتی گفته می شود، که شخص پس از محکومیت قطعی در دادگاه (محکمه) صالح، مرتکب جرم دیگری شود؛ البته قبل از اعاده حیثیت؛ چنان که کُد جزای افغانستان در مواد ۷۹ و ۸۰ قید «قبل از اعاده حیثیت» را تصریح نموده است؛ و مواد ۳۶۲ الی ۳۷۴ قانون اجراء جزایی / آیین دادرسی کیفری این کشور، احکام متعلق به اعاده حیثیت را بیان کرده است (قانون اجراء جزایی: ۱۳۹۳: ۱۱۳۲). قانون مجازات اسلامی ایران در ماده ۱۳۷ «از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات» را قید نموده است، که در حقیقت دیدگاه این دو قانون _ کُد جزا و قانون مجازات اسلامی _ را در خصوص قید «اعاده حیثیت» می توان شبیه هم دانست.

از تکرار جرم، دسته بندی های متعددی صورت گرفته است؛ به طور مثال: تکرار جرایم طبیعی و قراردادی، تکرار جرایم عام و خاص و... تکرار جرم طبیعی به حالتی گفته می شود که ارتکاب مکرر جرم به دور از هر گونه مداخله یی مراجع صلاحیت دار و محکومیت کیفری صورت گیرد. در یکی از تعاریف به عمل آمده از تکرار جرم، چنین به ملاحظه می رسد: «تکرار جرم، حالت کسی است که محکوم به مجازات حبس شده، در حالی که پیش از آن نیز سابقه یک بار یا بیش تر (از یک بار) تحمل چنان مجازاتی را داشته است» (غلامی؛ ۱۳۸۷: ۴۸). مقصد از تکرار جرم قانونی در پرتو کُد جزای افغانستان، تکرار عام و خاص در جرایم جنایت و جنحه است، که هر کدام احکام خاص خود را دارد؛ از

همین جهت است که کُد جزای مذکور در مواد ۷۹ الی ۸۳ تکرر عام و خاص و مجازات هر یک را تعیین نموده است.

از منظر جرم‌شناختی، شکل‌گیری شخصیت مجرمانه بزه‌کاران متکرر، در چهارچوب یک فرآیند صورت می‌گیرد، که ادوین ساترلند از آن به‌عنوان بالیده‌گی یا پخته‌گی مجرمانه توصیف نموده است. به باور ساترلند، این فرآیند به‌طور زودرس آغاز می‌شود و در کلان‌سالی نیز ادامه می‌یابد؛ چنان‌که ۱۵٪ از آمار اطفال بزه‌کار را، بزرگ‌سالان متکرر جرایم تشکیل می‌دهد (به‌نقل از: نجفی برن‌آبادی؛ ۱۳۹۵: ۲۴۴).

۲. استناد‌پذیری پیش‌گیری از تکرار جرایم کودکان و جوانان در بستر نظریه‌های

جرم‌شناسی

در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان هم‌زمان از انواع مختلف نظریه‌های مطرح‌شده جرم‌شناسی، چه‌گونه‌گی تأثیر پیش‌گیری از بزه‌کاری و تکرار آن را در خصوص کودکان و نوجوانان در پرتو معاشرت‌های اجتماعی مورد تحلیل قرار داد یا خیر؟ در یک پاسخ اجمالی می‌توان گفت: باوجود اختلاف نظریه‌ها و مناقشات به‌عمل آمده میان جرم‌شناسان، نظر اکثر آنان مثبت است؛ اما از نظر ریموندگسن، استفاده هم‌زمان از مدل‌های مختلف پیش‌گیری از جرم و به تبع آن پیش‌گیری از تکرار آن، ممکن نیست؛ به باور این جرم‌شناس فرانسه‌وی: «توسل به پیش‌گیری وضعی، ریشه در شکست پیش‌گیری اجتماعی از بزه‌کاری دارد» (به‌نقل از: بیات؛ ۱۳۸۷: ۱۶). طبق دیدگاه گسن، پیش‌گیری وضعی منوط به اقدامات غیر کیفی است، که به‌منظور جلوگیری از تحقق‌یافتن تفکر مجرمانه یا تغییر اوضاع و احوالی که در شرایط مشابه منتج به وقوع جرم گردد. گسن، پیش‌گیری اجتماعی را شامل مجموعه اقداماتی می‌داند، که به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم بر شخصیت افراد به‌منظور اجتناب از وقوع انگیزه مجرمانه تأثیرگذار است؛ به‌این‌معنا، که وقتی پیش‌گیری اجتماعی موفق به جلوگیری از شکل‌گیری انگیزه مجرمانه نشود، و انگیزه مجرمانه شکل گیرد، به‌تعقیب آن می‌بایست تا پیش‌گیری وضعی مانع از ظهور انگیزه مجرمانه شود. باتوجه به تعبیر ریموند گسن، از پیش‌گیری وضعی و اجتماعی، می‌توان مدعی شد، که هر دو نوع از پیش‌گیری در خصوص جلوگیری از تکرار جرایم (تخلقات) کودکان و نوجوانان در بستر معاشرت‌های اجتماعی قابل بررسی و تحلیل است.

۳. پیش‌گیری از تکرار جرایم کودکان و نوجوانان در پرتو نظریه‌های جرم‌شناسی

این بخش به هدف پاسخ تحلیلی و مستند به سؤال اصلی تحقیق است، که با استناد به عمده‌ترین نظری‌های جرم‌شناختی مرتبط به موضوع پژوهش، اختصاص دارد؛ علاوه برآن می‌کوشد

تا در ذیل هر نظریه جرم شناختی، به چه گونه گی ارتباط و استنادپذیری به نظریه های معاشرت های ترجیحی یا هم نشینی افتراقی، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه کنترل اجتماعی هیرشی یا نظریه تعلق اجتماعی، نظریه برچسپ زنی و نظریه شرمنده سازی برایت ویت، را متناسب با حجم موضوع توضیح می دهد.

۱-۳. معاشرت های ترجیحی

ادوین ساترلند، جامعه شناس و جرم شناس امریکایی در سال ۱۹۳۹ م برای نخستین بار اصطلاح هم نشینی افتراقی را به هدف تبیین رفتارهای انحرافی به کار برد. از نظر ساترلند «هسته اصلی این نظریه، بیان جای گاه روابط میان فردی و متغیرهای اجتماعی در فرایند شکل گیری بزه کاری است» (به نقل از: محسنی، ۱۳۹۷: ۱۵۵). قبل از طرح نظریه معاشرت های ترجیحی ساترلند، نگاهی متعارف در تبیین علل بزه کاری تلفیقی بود. روی کرد مذکور به دلیل تلفیقی بودن آن، مورد نقد ساترلند قرار گرفت؛ زیرا ساترلند اتکا به عوامل و اسباب متعددی؛ چون اختلالات روانی، خانواده گی، وضعیت نامطلوب اقلیت ها، اعتیاد والدین به مواد نشئه آور و مخدرات، سن، جنسیت، نابه سامانی اجتماعی، طبقاتی و... را ناشی از عدم نگاه علمی و تخصص گرایانه به پدیده بزه کاری می دانست. او شناخت بزه کاری و تعریف آن را منوط به تعمیم علمی جامع و قانع کننده می دانست. ساترلند در خصوص بی اعتبار دانستن اتکا به عوامل گوناگون و روی کردهای متنوع قبل از طرح نظریه اش بیان داشت: «اگر شرایط فرد فقط به خودش مربوط باشد، از آن پس، ساحت علم قادر به تشریح رفتار مجرمانه نخواهد بود» (بارتول، ۱۴۰۰: ۲۰۵).

ساترلند، با طرح نظریه پیوند افتراقی یا معاشرت های ترجیحی بیان نمود، که رفتارهای بزه کارانه یادگرفتنی است. طبق این دیدگاه، رفتارهای مجرمانه هم چون سایر رفتارهای حاصل از معاشرت های اجتماعی آموختنی است؛ به طور مثال، بزه کاران از دوستان خود شیوه های باز کردن قفل ها و یا چه گونه گی دزدی اشیا را از فروش گاه ها می آموزند و به طور اغلب رفتارهای بزه کارانه در درون گروه های نخستین، به ویژه گروه های هم سن و سال، تحت تأثیر معاشرت های جمعی فراگرفته می شود. او تمایز قابل شدن بین اعمال مجرمانه افراد بالغ با نوجوان را صحیح نمی داند؛ به باور ساترلند، بزه کاران نوجوان و بزرگسال از اصول رشد و تکامل واحد پیروی می کنند؛ اما نقدهای وارده بر این نظریه باعث شد تا علاوه بر ساترلند و هم کار او کرسی، سایکس و ماتزا، برگس و آکرز و برخی از جامعه شناسان و جرم شناسان دیگر، در محور این نظریه مباحث اصلاحی - تکمیلی زیادی را مطرح نمایند؛ در نتیجه ساترلند عمل مجرمانه را آموختنی از طریق ارتباط با افرادی می داند که به طور اغلب با یک دیگر رابطه صمیمی دارند (به نقل از: حق پناهان، ۱۳۹۳: ۴۶).

بنابراین، معاشرت‌های اجتماعی می‌تواند مهم‌ترین بستر فراگیری اعمال مجرمانه و مؤثرترین عامل در تکرار جرایم باشد؛ به هر پیمانه‌یی که میزان ارتباط و شدت تماس مستقیم یا معاشرت بین کودکان و نوجوانان با سایر اقشار مطلوب اجتماع بیش‌تر و مستحکم‌تر باشد، چنین وضعیتی در کاهش نرخ ارتکاب و تکرار جرایم آن‌ها دارای تأثیر مثبت است؛ برعکس هرگاه معاشرت کودکان و نوجوانان با افراد بزه‌کار و منحرف، بیش‌تر از میزان معاشرت آن‌ها با افراد سالم و قانون‌مدار باشد، شاهد افزایش آمار بزه‌کاری و تکرار جرایم آن‌ها هستیم.

در رابطه به تأثیر نظریه ساترلند در بزه‌کاری کودکان و نوجوانان و به تبع آن پیش‌گیری از تکرار جرایم شان تردید وجود ندارد؛ و از همین جهت است که نظریه معاشرت‌های ترجیحی به مثابه یکی از مهم‌ترین نظریه‌های جرم‌شناسی تأثیرگذار بر اکثر نظریه‌های جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و روان‌شناسی بعدی است. به باور برخی از اساتید جامعه‌شناسی معاصر: «نظریه معاشرت ترجیحی ساترلند می‌تواند موجه‌ترین نظریه جرم‌شناسی قرن به حساب آید» (صلاحی؛ ۱۳۹۴: ۱۱۳). این نظریه مدعی است که افراد به‌طور عموم؛ در صورتی بزه‌کار می‌شوند که رفتارهای ناقض قوانین را از معاشرت با خانواده یا سایر گروه‌های اجتماعی بیاموزند. (بریگز؛ ۱۳۹۶: ۲۳۰). در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که اصلاح و کنترل معاشرت‌های اجتماعی نقش مؤثر در پیش‌گیری از تکرار جرایم کودکان، نوجوانان و بزرگسالان دارد.

۲-۳. نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه یادگیری اجتماعی، روی‌کردی است مبتنی بر نظریه‌های روان‌شناسی رفتاری. خواست‌گاه طرح این نظریه را دانش‌گاه ایالتی آریزونا ای آمریکا در دهه ۱۹۶۰ م عنوان نمود. اساس این نظریه را سه مفهوم روان‌شناسانه یادگیری، اجتماعی و ادراک، تشکیل می‌دهد (محسنی؛ ۱۳۹۷: ۱۶۱). طبق این نظریه، بزه‌کاری رفتار اکتسابی است، نه ذاتی، جبری و یا وراثتی؛ چنان‌که ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق.م) معتقد بود که تمامی شناخت از طریق تجربه به دست می‌آید و هیچ شناختی ارثی یا غریزی حاصل نمی‌شود. از نظر او، تمام تجربه‌های حسی، در ذهن با یک‌دیگر ارتباط پیدا می‌کند (به‌نقل از: پورحسن سنگری؛ ۱۳۹۳: ۱۸۸). این نظریه مدعی است که ارتکاب جرم آموختنی است. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، تمام رفتارها اعم از مجرمانه و قانون‌مدار، از فرایند تعامل افراد با یک‌دیگر حاصل یا تغییر می‌نماید (محمد نسل؛ ۱۳۹۵: ۴۲).

کودکان و نوجوانان در حساس‌ترین مرحله سنی و رشد جسمی، عقلانی و یادگیری اند؛ لذا ارتکاب و تکرار بزه‌کاری را از همان مسیری فرا می‌گیرند که رفتارهای صحیح را می‌آموزند. برپایه «اصل بنیادین یادگیری اجتماعی است، که افراد رفتارها را از محیط‌های مختلف جامعه چون والدین،

دوستان، معلمان و سایر افراد مهم می‌آموزند» (بارتول؛ ۱۴۰۰: ۱۹۹)؛ لذا، نقش معاشرت کودکان و نوجوانان در گروه‌های اولیه و صمیمی؛ چون خانواده، محیط آموزشی و هم‌سن‌وسالان شان، تأثیر قابل درکی در سمت‌دهی آن‌ها به تکرار بزه‌کاری دارد. روی این ملحوظ است که سلامت کانون خانواده و نقش آن در تربیت کودکان و نوجوانان در آموزه‌های الهی و بشری مورد تأکید واقع شده است.

۳-۳. نظریه کنترل اجتماعی هیرشی

این نظریه، متفاوت از دو نظریه قبلی است؛ زیرا عموم نظریات جرم‌شناختی به دنبال جست‌وجوی علل و اسباب گرایش افراد به ارتکاب جرایم است؛ اما این نظریه به دنبال پاسخ این سؤال است که چرا اکثریت انسان‌ها مرتکب جرم نمی‌شوند؟ زیرا ارتکاب جرم، به‌طور اغلب با هیجان و لذت‌های آنی همراه است و رغبت به انجام آن یک امر طبیعی و معمول دانسته می‌شود.

نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، در خصوص علل بزه‌کاری کودکان و نوجوانان و تکرار جرایم در این رده‌های سنی و پیش‌گیری از آن تحت تأثیر مکتب شیکاگو است. از نظر جرم‌شناسان، نظریه کنترل اجتماعی هیرشی دارای ویژه‌گی‌های نسبتاً مستقیم و قابل آزمون می‌باشد؛ چنان‌که یکی از وجوه اشتراک این نظریه با نظریه برچسپ‌زنی را مطالعات مرتبط با بزه‌کاری کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهد (محسنی؛ ۱۳۹۷: ۲۰۹).

هیرشی در سال ۱۹۶۹ میلادی ارتکاب جرم را ناشی از ضعف تعهداتی دانست که مردم را به اجتماع پای‌بند می‌سازد. از نظر وی، عموم شهروندان ممکن است بالقوه قانون‌شکن باشند؛ چون ارتکاب جرم یک امر طبیعی است؛ اما تحت تأثیر عوامل متعددی ممکن است افراد مرتکب جرم نشوند؛ که کودکان و نوجوانان از این قاعده استثنا نیستند؛ زیرا آن‌ها می‌ترسند که رفتار غیر قانونی شان، روابط آن‌ها را با اعضای خانواده، مدرسه، دوستان، هم‌سایه‌ها، هم‌سالان و سایر اقشار اجتماعی که با آن‌ها معاشرت دارند، خدشه‌دار کند. به اعتقاد هیرشی، بزه‌کاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف یا گسسته شود. وی چهار عنصر اساسی را در پیوند فرد و جامعه مطرح نموده که می‌تواند نقش مهم و تأثیرگذار در بزه‌کاری و تکرار آن توسط کودکان و نوجوانان داشته باشد. در این خصوص، هیرشی وابسته‌گی و دل‌بسته‌گی را مهم‌ترین رکن کنترل‌کننده درونی‌سازی ارزش‌های اجتماعی دانسته، و آن را شامل پیوندهای احساسی نوجوانان در خصوص هم‌دلی و وابسته‌گی شان به والدین، معلمان و سایر دوستان آن‌ها ذکر نموده است. تعهد، درگیر بودن و اعتقاد را از عوامل سه‌گانه دیگر موضوع محسوب نموده است (به نقل از: نجفی ابرندآبادی؛ ۱۳۹۵: ۵۰).

هیرشی معتقد است که بدون این قیدوبندها و محدودیت‌های اجتماعی، افراد در ارتکاب اعمال بزه‌کارانه آزاد می‌باشند؛ به عبارت دیگر، افرادی که دل‌بسته‌گی شان به اجتماع ضعیف است، در دام رفتارهای بزه‌کارانهٔ بیش‌تری گرفتار می‌شوند. وی پای‌بندی اشخاص نسبت به جامعه و یا تعلقات اجتماعی را به چهار دسته تقسیم کرده است:

الف - دل‌بسته‌گی: از نظر هیرشی، مبنای اصلی درونی‌کردن هنجارها، وابسته‌گی فرد نسبت به دیگران است. او معتقد است: علاقه‌مندی و دل‌بسته‌گی به دیگران، باعث می‌شود فرد انتظارات و علایق دیگران را در نظر گرفته و مرتکب جرم نشود. از نظر هیرشی، هراندازه معاشرت‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان با محیط‌های خانواده، آموزشی، کار و مذهبی مستحکم‌تر و عمیق‌تر باشد، شاهد کاهش وقوع و تکرار جرایم آن‌ها خواهیم بود؛ چون هر یک از نهادهای مذکور می‌تواند نقش مثبت و کنترل‌کننده در القای ارزش‌های اخلاقی - تربیتی داشته باشد. به باور هیرشی: « نظارت دقیق و مؤثر والدین، منجر به کاهش جرایم کودکان می‌گردد» (به نقل از: محسنی؛ ۱۳۹۷: ۲۱۱).

ب - تعهد: منظور از تعهد در این‌جا، پای‌بندی عقلانی در رعایت هنجارهای اجتماعی است. کسانی که دارای سرمایهٔ اجتماعی‌اند (اعم از معنوی و مادی) به حکم عقل، حاضر نیستند تا با ارتکاب جرم، سرمایه‌های اجتماعی شان را به مخاطره اندازند؛ از همین جهت است که تعهد به هنجارهای اجتماعی رابطهٔ مستقیم با سرمایه‌های اجتماعی دارد؛ به‌طور مثال، افراد دارای تحصیلات بیش‌تر در مقایسه با کسانی که سواد کم‌تری دارند، پای‌بندی بیش‌تری نسبت به ارزش‌های اجتماعی و قانون - مداری دارند (بریگز؛ ۱۳۹۶: ۲۳۵)؛ لذا، به هر پیمان‌ه که معاشرت‌های اجتماعی بتواند سطح سواد، هم‌دلی با اعضای خانواده و دوستان کودکان و نوجوانان را افزایش دهد، به همان پیمان‌ه در پیش‌گیری از وقوع و تکرار جرایم آن‌ها به موفقیت نایل می‌شویم.

ج - مشارکت: مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی به روابط و تعلقات میان‌فردی منجر گردیده و وقت کم‌تری برای ارتکاب بزه‌کاری باقی می‌گذارد. به عقیدهٔ هیرشی وقتی فرد درگیر فعالیت‌های متعارف و مثبت باشد، فرصت گرایش به رفتارهای بزه‌کارانه از او سلب یا نهایت محدود می‌شود؛ به‌طور مثال: اشتغال به آموزش و انجام تکالیف درسی، ورزش و تفریحات سالم، می‌تواند اوقات کودکان و نوجوانان را به شیوهٔ مناسب پُر نماید و فرصت تدارک فعالیت‌های بزه‌کارانه را نهایت محدود سازد، که این موضوع به‌نوبهٔ خود در پیش‌گیری از وقوع و تکرار جرایم نقش اثرگذار دارد. و جیزهٔ معروفی است: «دست‌های بی‌کار، کارگاه شیطان است» (معظمی؛ ۱۳۹۴: ۱۸۴).

د - اعتقاد: مشروعیت‌بخشیدن به هنجارهای مشترک اجتماعی باعث افزایش انگیزهٔ قانون‌پذیری افراد و کاهش تکرار جرایم را در پی‌دارد و به هر پیمان‌ه که از طریق معاشرت‌های

اجتماعی در تحکیم باورهای کودکان و نوجوانان تلاش صورت گیرد، به همان اندازه در پیش‌گیری از وقوع و تکرار جرایم آن‌ها موفقیت حاصل می‌شود.

هیرشی با تحقیق بالای بیش از ۴۰۰۰ نفر از دانش‌آموزان دوره دبیرستان، مدعی اثبات فرضیه اصلی‌اش در نظریه کنترل اجتماعی‌اش گردیده، چنین نتیجه‌گیری نموده است: «جوانانی که نسبت به والدین شان علاقه‌مندی شدید دارند، کم‌تر احتمال دارد که مرتکب رفتارهای بزه‌کارانه شوند. جوانانی که به فعالیت‌های مرسوم دوره آموزشی مانند انجام تکالیف درسی مشغول بودند، کم‌تر احتمال دارد تا به رفتارهای مجرمانه روی آورند؛ اما نوجوانانی که درگیر رفتارهای نامتعارف، مثل سیگار کشیدن یا نوشیدن مشروبات الکلی بودند، بیش‌تر تمایل به رفتارهای منحرفانه داشتند. جوانان بزه‌کار، روابط ضعیفی با مردم عادی برقرار می‌کردند؛ اما جوانان ناکرده بزه، به دوستان و اطرافیان غیر بزه‌کار کشش دارند» (همان: ۱۸۵).

این نظریه به نقش هم‌دلی و چه‌گونه‌گی تأثیر آن در کاهش نرخ پیش‌گیری از تکرار جرایم کودکان و نوجوانان قابلیت استنادپذیری لازم را دارد؛ چنان‌که در یک مطالعه میدانی در خصوص ۷۲۰ نوجوان دختر و پسر با میان‌گین سنی ۱۴٫۸ سال در انگلستان، که توسط جولیف و فارینگتون در سال ۲۰۰۷ م صورت گرفته است، نشان می‌دهد: نوجوانان دختر و پسر که مرتکب تکرار جرایم خشونت‌آمیز شدند، هم‌دلی کم‌تری نسبت به افرادی داشتند که مرتکب تخلف خشونت‌بار نشده‌اند. بزه‌کاران با نرخ بالا از هر دو جنس، هم‌دلی کم‌تری نسبت به مجرمان با نرخ تکرار جرم پایین‌تر را نشان می‌دهد؛ البته نتایج به‌دست آمده در بین پسران با دختران به‌لحاظ آماری، متفاوت است (Narvey; 2020: 4).

مأنوس شدن به هنجارهای چهارگانه فوق، شخص را به قانون‌گرایی و قانون‌مداری سوق می‌دهد؛ چنان‌که ویلسن و هنرشتاین در خصوص قانون‌پذیری کودکان، قایل به تأثیرات ناشی از ارزش‌های اجتماعی‌اند؛ این دیدگاه، که در گرایش جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست قرار دارد، معتقد است؛ در صورتی که کودکان و نوجوانان در این دوره سنی شان از معاشرت‌های سالم اجتماعی بهره‌مند شوند، آن‌ها قانون‌گرایی و قانون‌پذیری را چنان در خود درونی می‌سازند که هرگز فکر رفتار دیگری را در ذهن شان نمی‌پروراند (والک لیت؛ ۱۳۸۶: ۶۹). نظریه مذکور از حیث جزمیت‌گرایی و حکم به عدم گرایش کودکان به بزه‌کاری در آینده، محل نقد به‌نظر می‌رسد؛ زیرا نقض قانون تحت تأثیر عوامل و شرایط خاص و مختلفی واقع شده می‌تواند؛ اما قدر مسلم این است که هرگاه قانون‌گرایی و قانون‌پذیری در کودکان به امر درونی تبدیل شود، و این عادت در دوران نوجوانی تعقیب و به پخته‌گی رسد، بدون تردید می‌تواند در پیش‌گیری از وقوع جرایم و تکرار بزه‌کاری به میزان قابل ملاحظه‌ی مؤثر قرار گیرد. نظریه مزبور مؤید تأثیر مثبت معاشرت‌های سالم اجتماعی، پای‌بندی به

هنجارهای جامعه و آثار رابطه متقابل هم‌دلی مطلوب در دوران کودکی و نوجوانی در کاهش نرخ تکرار جرایم کودکان و نوجوانان است.

۴-۳. نظریه برچسپ‌زنی

نظریه برچسپ‌زنی، که به نظریه واکنش اجتماعی، کنش متقابل یا تعامل‌گرایی نیز معروف است، از گرایش‌های جرم‌شناسی انتقادی است؛ زیرا جرم را محصول گزینش انحصاری و سازمان‌یافته قدرت حاکم به مقصد تحقق منافع گروهی طبقه‌بی خاصی از صاحبان قدرت می‌داند؛ گرچه این نظریه در دهه ۱۹۶۰ به شهرت رسیده است؛ اما به عقیده بسیاری از جرم‌شناسان، مبنای طرح این نظریه به کتاب «جرم و اجتماع» اثر فرانک تاننهام به سال ۱۹۳۸ بر می‌گردد؛ البته این نظریه بعداً توسط هوارد بیکر استاد جرم‌شناسی دانش‌گاه شیکاگو در سال ۱۹۶۳م مورد بازبینی قرار گرفته است (به نقل از: محمد نسل؛ ۱۳۹۶: ۲۰۳).

نظریه برچسپ‌زنی یا لقب‌گذاری یا برچسپ اجتماعی، ره‌یافتی است که بیش‌ترین تمرکز خود را بر تأثیر علت پایاسازی هویتی بزه‌کار در تکرار جرم معطوف نموده است. براساس این نظریه، محکومیت کیفری افزایش بزه‌کاری را در افراد نهادینه می‌سازد. طبق پیش‌بینی برنبرگ و کرون، مداخله رسمی در دوره نوجوانی منجر به افزایش تکرار جرم در بزرگ‌سالی می‌شود؛ زیرا نوجوانانی که به اتهام بزه‌کاری توسط اجتماع مورد برچسپ واقع شوند؛ به‌ویژه در صورتی که بدون موجب و در دوران کودکی یا نوجوانی قرار داشته باشند، باعث می‌شود که آن‌ها آهسته‌آهسته وارد نقش یا قالب تعریف شده، شوند؛ چون خود را بدنام دانسته، و فرصت‌های مناسب زنده‌گی برای دست‌آوردهای آموزشی و کسب اشتغال آبرومندانه را ازدست‌رفته تلقی می‌کنند، و به هر پیمانیه که این برچسپ کلان‌تر یا در حضورداشت اشخاص بیش‌تری صورت گیرد، خود را منزوی‌تر احساس نموده؛ و درنهایت چنین وضعیتی آن‌ها را از معاشرت‌های سالم جمعی محروم ساخته و به سمت ارتکاب جرم سوق می‌دهد (اش م لگر؛ ۱۳۹۹: ۲۰۶). پاول و یلیس در تحقیقات شان در یافتند: نوجوانانی که توسط اولیای مدرسه برچسپ بدبودن به آن‌ها داده شده است، عملاً رفتارشان به سمت بدی گرایش پیدا کرده و به تدریج به تکرار بدی پرداختند (به نقل از: محمد نسل؛ ۱۳۹۶: ۲۰۶). برخی از پیروان این نظریه بر این باور اند: «پدیده‌یی به نام آن‌چه که ما جرم می‌نامیم وجود ندارد. جرم فقط آن چیزی است که ما آن را به این نام می‌خوانیم» (محسنی؛ ۱۳۹۷: ۱۶۹).

نظریه برچسپ‌زنی هم‌چون برخی از نظریه‌های جرم‌شناسی دیگر، به نحوی از انحاء، تحت تأثیر یافته‌های مکتب شیکاگو قرار دارد؛ از همین جهت است که به بزه‌کاری کودکان و نوجوانان و آثار منفی برچسپ‌زنی‌های حکومتی و اجتماعی در تبدیل این افراد در این رده‌های سنی توجه بیش‌تری

دارد. این مسأله واکاوی چه گونه گی تأثیر معاشرت های اجتماعی را در پیش گیری از تکرار جرایم کودکان و نوجوانان در قالب این نظریه ارزش مند می سازد؛ زیرا در صورت برخورد غیر مسلکی و سوءاستفاده از سازوکارهای گزینشی نظام عدالت کیفری، برچسپ مجرمانه موجب بدنام سازی و لکه دار نمودن حیثیت اجتماعی کودکان و نوجوانان گردد؛ یقیناً نتیجه چنین تضامیم غیر مدبرانه یی، باعث روی آوردن کودکان و نوجوانان به معاشرت با خرده فرهنگ های مخرب و گروه های بزه کار می شود؛ به عبارت دیگر، واکنش غیر مسؤولانه در قبال انحراف اولیه، منتج به انحراف ثانویه می گردد؛ به طور مثال، برخی از کودکان و نوجوانانی که مورد برچسپ واقع می شوند، ارزش های جامعه را رد کرده و با آن ستیزه جویی می کنند، و به دنبال کسانی می روند که هم چون خود شان برچسپ دارند؛ چنان که برخی از جرم شناسان به آن تأکید نمودند: «کودکان و نوجوانانی که گرفتار نظام عدالت کیفری شده اند، ممکن است معاشرت با یک دیگر را آغاز کنند، باند تشکیل دهند و به فعالیت های مجرمانه و گروهی بپردازند، و تنها دلیلی که باعث اشتراک شان در تکرار جرایم می شود، وجه اشتراک شان در برچسپ مجرمانه است» (بریگز؛ ۱۳۹۶: ۲۵۰).

در مقام توجیه و دفاع از الصاق برچسپ مجرمانه به کودکان و نوجوانان، عده یی مدعی اند: محکومیت اطفال به هدف اصلاح و بازپروری شان یک امر حتمی است؛ چنان که به عنوان آخرین گزینه در نظام های توسعه یافته و مدرن کیفری نیز پذیرفته شده است. در پاسخ به این نظر، جان پیس می گوید: «هرآن چه را که تحقیقات علمی و اجتماعی تا اکنون "اثبات" کرده است، حکایت از آن دارد که در بند کشیدن کودکان و نوجوانان، به امید تغییر رفتار بزه کارانه شان، قرین شکستی پرهزینه بوده است...؛ و مطالعاتی بیشتر و بیش تر نیز از تمایل این نهادها بر افزایش نرخ محکومیت های دوباره زندانیان پرده برمی دارد، محکومیت هایی که موجب می شود تا افراد غیر خشن قبلی به خشونت گرایند، زندانیان پیشین عملاً امکان کاربایی را از دست می دهند، و روابط خانوادگی از بین می رود» (استوت؛ ۱۳۹۳: ۱۸۴).

۵-۳. نظریه شرمنده سازی برایت ویت

جان برایت ویت، جرم شناس استرالیایی، قائل به سیزده حقیقت درباره وقوع جرم است؛ از نظر وی جرم شناسان باید در مقام توضیح علت شناختی جرایم، به تبیین سیزده مورد بپردازند. وی در نهمین مورد از موارد سیزده گانه اش بیان داشته است: «جوانانی که وابسته گی شدیدی به والدین خود دارند، کم تر مرتکب جرم می شوند» (به نقل از: والک لیت؛ ۱۳۸۶: ۲۰). این مسأله به خوبی نشان می دهد که معاشرت در کانون محبت آمیز خانواده نقش مؤثری در پیش گیری از بزه کاری و تکرار جرایم آن ها دارد؛ برعکس فضای واگرا و عاری از عطف و خانواده، منجر به بی علاقه گی اعضای آن گردیده و

زمینه وقوع و تکرار جرایم را فراهم می‌سازد. وی معتقد است: نرخ ارتکاب و تکرار جرایم به شکلی بدون تناسب در بین سنین ۱۲ الی ۲۵ سال بیش‌تر است؛ نوجوانانی که وابسته‌گی زیادی به مدرسه دارند، در مقایسه با نوجوان کم‌علاقه، کم‌تر مرتکب جرم می‌شوند؛ و کودکان و نوجوانانی که به درس‌های شان ضعیف‌اند، بیش‌تر مرتکب جرم می‌شوند. وی آرزوی تحصیلات عالی و کسب مشاغل در سطوح بالا را از عوامل بازدارندهٔ دیگر بزه‌کاری بیان نموده است.

برایت ویت در کتاب «جرم، شرم‌ساری، بازپذیرنده‌گی» (۱۹۸۹م) مطرح نموده است، بازگرداندن یا بازاجتماعی‌شدن بزه‌کار هنگامی رخ می‌دهد، که بزه‌کار شخصاً با آگاهی از خطای مجرمانهٔ خود شرم‌منده شود، تا امکان بازاجتماعی‌شدن را پیدا کند (به نقل از: رایجیان اصلی؛ ۱۳۹۸: ۲۰۲). موصوف شرم‌ساری را به فرایند اجتماعی ابرازکنندهٔ ناخوشایندی توصیف می‌کند که هدف آن ایجاد پشیمانی در شخص شرم‌زده یا محکومیت وی از سوی کسانی است که از این شرم‌ساری آگاه‌اند. در پرتو این نظریه به‌خوبی می‌توان نقش مثبت معاشرت‌های اجتماعی را در کاهش نرخ تکرار جرایم کودکان و نوجوانان مشاهده نمود.

نتیجه‌گیری

خوگرایی انسان، بیان‌گر نیازمندی او به زیست جمعی و معاشرت اجتماعی است؛ اما در مواردی معاشرت جمعی، دارای آثار منفی و مخرب می‌باشد، که در رابطه به کودکان و نوجوانان به دلیل اقتضای سنی شان، به مراتب بیش‌تر از کلان‌سالان به اثبات رسیده است؛

پژوهش حاضر با استفاده از ظرفیت‌های موجود در نظریه‌های جرم‌شناختی مورد استناد، در کنار بهره‌مندی از اطلاعات آماری نشان می‌دهد که هیچ نظریهٔ جرم‌شناختی به‌طور اختصاصی به موضوع مورد نظر نپرداخته است؛ اما برخی از مهم‌ترین تئوری‌های جرم‌شناسی چون معاشرت‌های ترجیحی که رفتارهای بزه‌کارانه و تکرار آن را تحت تأثیر معاشرت‌های اجتماعی می‌داند، گرچه قابل به تفکیک بین اعمال مجرمانه افراد بالغ با نوجوان نیست، اما کلیت نظریهٔ مذکور نشان می‌دهد که معاشرت‌های اجتماعی مثبت نقش پیش‌گیرنده از تکرار جرایم کودکان و نوجوانان دارد. این نظریه برخلاف برخی از نظریه‌هایی که بزه‌کاری را امری جبری و ذاتی می‌دانستند، قابل به اکتسابی بودن رفتارهای بزه‌کارانه از طریق یادگیری اجتماعی ناشی از معاشرت‌های جمعی است. اصل بنیادین این نظریه مبتنی بر این است که افراد رفتارهای شان را از اقشار مختلفی چون والدین، دوستان، معلمان و ... می‌آموزند؛ و در صورت اصلاح کانون‌های معاشرتی مذکور، می‌توان شاهد پیش‌گیری از تکرار جرایم آن‌ها باشیم؛ به‌ویژه هرگاه توأم با هم‌دلی و عطف باشد؛

نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، گرچه به دنبال پاسخ به این سؤال است که چرا مردم از قوانین پیروی می‌کنند؟ اما، تحت تأثیر یافته‌های مکتب شیکاگو به علل بزه‌کاری و تکرار جرایم کودکان و نوجوانان نیز پرداخته است. هیرشی پای‌بندی به تعلقات اجتماعی را در چهار دسته شامل: دل‌بسته‌گی، تعهد، مشارکت و اعتقاد قرار داده؛ از نظر او به هر پیمان‌ه که وابستگی بیش‌تر با ارزش‌های چهارگانه مذکور استحکام و استمرار یابد، به همان اندازه شاهد کاهش نرخ تکرار جرایم کودکان و نوجوانان استیم؛ چنان‌که نتایج حاصل از تحقیقات بیش از ۴۰۰۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی، و ۷۲۰ نوجوان دختر و پسر با میان‌گین سنی ۱۴٫۵ سال در انگلستان، مؤید مدعا است؛ نظریه برچسپ‌زنی که در شمار گرایش‌های جرم‌شناسی انتقادی قرار دارد، نشان می‌دهد که علت اصلی تکرار بزه‌کاری کودکان و نوجوانان ناشی از عمل‌کرد غیر مدبرانه در قبال انحراف اولیه است. طبق این نظریه وقتی کودکان و نوجوانان مورد برچسپ واقع می‌شوند، احساس بی‌ارزشی و مطرودشدن به آن‌ها دست داده، خود را در قالب نقشی که جامعه به آن‌ها تعیین نموده است جای داده و به ستیزه‌جویی و تکرار بزه‌کاری مبادرت می‌ورزند؛ و در صورت جلوگیری از الصاق برچسپ است، که زمینه پیش‌گیری از تکرار بزه‌کاری در این دوره سنی تا اندازه‌ی تضمین می‌شود؛ فرجامین نظریه مورد استناد این پژوهش، نظریه جان برایت ویت بود، که شش مورد مرتبط از موارد سیزده‌گانه مورد نظر این جرم‌شناس، به اختصار در مقاله مورد تحلیل و استناد قرار گرفته است. طبق این نظریه: نوجوانانی که وابسته‌گی بیش‌تری به والدین، مدرسه، آرزوی تحصیلات عالی و کسب مشاغل بالاتری دارند، کم‌تر مرتکب جرم و تکرار آن می‌شوند، که با مدیریت سالم بسترهای معاشرتی اجتماعی، می‌توان زمینه پیش‌گیری از تکرار بزه‌کاری آن‌ها را فراهم نمود.

سرچشمه‌ها

الف) کتاب‌های فارسی

۱. استوت، برایان، بیتس، جو و ویلیامز، برایان. (۱۳۹۳). **جرم‌شناسی کاربردی**. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. تهران: نشر میزان.
۲. ایش م لگر، فرنک. (۱۳۹۹). **در برآمدی کوتاه بر جرم‌شناسی**. جلد اول. ترجمه علی‌اکبر رحمتیان. تهران: انتشارات مجد.
۳. بارتول، کورت آر و بارتول، آن ام. (۱۴۰۰). **جرم‌شناسی کودکان و نوجوانان** (جرم‌شناسی رشدمدار). ترجمه و تحقیق: محمود مهدوی و سیدعلی حیدری. تهران: نشر میزان.
۴. برایان استوت، جو بیتس و برایان ویلیامز. (۱۳۹۳). **جرم‌شناسی کاربردی**. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. تهران: نشر میزان.

[تأثیر معاشرت‌های اجتماعی در پیش‌گیری از تکرار جرایم کودکان و نوجوانان] غالب

۵. بریگز، اسیتون. (۱۳۹۶). **جرم‌شناسی**. ترجمهٔ مریم مهذب. تهران: انتشارات آوند دانش.
۶. بنی اسدی، علی‌اکبر. (۱۳۸۳). **بررسی انحرافات اجتماعی ناشی از بزه‌کاری در شهر سمنان**. سمنان: معاونت جهاد دانش‌گاهی.
۷. بیات، بهرام. (۱۳۷۸). **پیش‌گیری از جرم با تکیه بر روی کرد اجتماع‌محور**. تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معاونت اجتماعی، اداره کل مطالعات اجتماعی.
۸. پورحسن سنگری، علی. (۱۳۸۸). **جرم‌شناسی تحلیلی**. تهران: نشر مدیران.
۹. حق‌پناهان، عباس. (۱۳۹۳). **جرم‌شناسی بزه‌کاری اطفال و نوجوانان**. تهران: انتشارات مجد.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). **لغت‌نامهٔ دهخدا**. دورهٔ جدید. چاپ دوم. جلد دوم. تهران: انتشارات دانش‌گاه تهران.
۱۱. رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۸). **در آمدی بر جرم‌شناسی**. تهران: انتشارات سمت.
۱۲. رجیبی‌پور، محمود. (۱۳۹۱). **پژوهشی در مبانی پیش‌گیری اجتماعی رشد‌مدار از بزه‌کاری اطفال و نوجوانان**. تهران: نشر میزان.
۱۳. سلیمانی، محمد. (۱۳۹۸). **مختصر جرم‌شناسی**. تهران: انتشارات مهرکلام.
۱۴. شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۷۱). **بزه‌کاری اطفال و نوجوانان**. تهران: شرکت انتشارات پاژنگ.
۱۵. صلاحی، جاوید. (۱۳۹۴). **کلیات جرم‌شناسی و تئوری‌های جدید**. تهران: انتشارات مجد.
۱۶. غلامی، حسین. (۱۳۸۷). **تکرار جرم (بررسی حقوقی - جرم‌شناختی)**. تهران: نشر میزان.
۱۷. محسنی، فرید. (۱۳۹۷). **نظریه‌های جرم‌شناسی**. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۱۸. محمد نسل، غلامرضا. (۱۳۹۶). **جرم‌شناسی عمومی**. تهران: نشر دادگستر.
۱۹. محمد نسل، غلامرضا. (۱۳۹۵). **نظریه‌ها و نظریه‌پردازان جرم‌شناسی**. تهران: نشر دادگستر.
۲۰. معظمی، شهلا. (۱۳۹۴). **بزه‌کاری کودکان و نوجوانان**. تهران: نشر دادگستر.

۲۱. مگواپر، مایک؛ مورگان، راد و رینر، رابرت. (۱۳۹۳). **دانش نامه جرم شناسی آکسفورد**. ترجمه حمید رضا ملک محمدی. چاپ اول. جلد سوم. تهران: نشر میزان.
۲۲. موسوی بجنوردی، سیدمحمد. (۱۳۸۸). **حقوق کودک** (مجموعه مقالات) «بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره‌مندی از حقوق مربوطه حقوق کودک». تهران: انتشارات سنا.
۲۳. نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیکی، حمید. (۱۳۹۵). **دانش نامه جرم شناسی**. تهران: انتشارات گنج دانش.
۲۴. والک لیت، ساندر. (۱۳۸۶). **شناخت جرم شناسی**. ترجمه حمید رضا ملک محمدی. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
۲۵. هرینگ، جانانان. (۱۳۹۹). **آسیب پذیری، کودکی و قانون**. ترجمه امیر اعتمادی. تهران: نشر میزان.

ب) قوانین

۲۶. **قانون اجراءات جزایی افغانستان**. منتشره جریده رسمی ۱۱۳۲ مؤرخ ۱۳۹۳/۲/۱۵ وزارت عدلیه.
۲۷. **قانون مجازات اسلامی ایران**. مصوب ۱۳۹۲/۲/۱. تهران: نشر میزان، روز آمد تا پاییز ۱۳۹۵.
۲۸. **قانون رسیده گی به تخلفات، افغانستان**. مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۲۶. نشر در جریده رسمی شماره (۸۴۶) وزارت عدلیه افغانستان.
۲۹. **کد جزای افغانستان**. مصوب ۱۳۹۶/۲/۱۵ و لازم الاجراء ۱۳۹۶/۱۱/۲۵، نشر در جریده رسمی شماره (۱۲۶۰) وزارت عدلیه افغانستان.

ج) انگلیسی

30. Narvey, C. Yang, J, Wolff, K. T, Baglivio, M, & Piquero, A. R. (2021). **“The Interrelationship Between Empathy and Adverse Childhood Experiences and Their Impact on Juvenile Recidivism”**. Youth Violence and Juvenile Justice, 19(1), 45–67.

د) اینترنت

۳۱. **واژه یاب آنلاین**. (آخرین بازدید: ۱۲ سرطان ۱۴۰۰). قبل دسترس در:

کاربرد اصول منطقی در انس التائبین شیخ جام

(با توجه به سه اصل منطقی: تعریف، تقسیم و استدلال)

نگارنده: پوهنیار میرضیاءالدین میری*

چکیده

انس التائبین، کتابی است از شیخ احمد جام نامقی، که موضوعات عرفانی، تصوفی و اجتماعی را در خود جای داده و اساساً برای اقناع روحیه پرسش‌گری مخاطبان، نوشته شده است. این جستار در پی این بوده که با استفاده از رویکرد پژوهش کیفی، در پی حل مسأله کاربست اصول منطقی در نثر انس التائبین، برآید و زمینه‌های متفاوت منطقی در کتاب مذکور را نشان بدهد. از آنجایی که اصول منطقی هم‌چون تعریف، تقسیم و استدلال، برای ارائه درست واحدهای زبانی و تثبیت و شناخت گزاره‌های فکری کاربرد دارند، شیخ جام، از هر سه اصل منطقی فوق، با عنایت به متغیرهای مربوط به سبک نوشتار و اقتضای موضوعات کتاب خود، بهره برده است. هرچند که به لحاظ معرفت‌شناسی متن، شماری از اصول مذکور، نتوانستند به شکل کاملاً دقیق و قالبی، در کتاب انس التائبین، حضور داشته باشند؛ اما استدلال به روش‌های قیاسی و تمثیلی در نثر انس التائبین، نمود دارد؛ نیز استدلال مباشر، در جای‌جای کتاب دیده می‌شود. هم‌چنین روش‌های متفاوت تعریف، هم‌چون تعریف ضمنی، عملی، اقناعی، تشبیهی و... در نثر شیخ دیده می‌شوند و تقسیم‌بندی مفاهیم نیز به روش‌های منطقی متفاوتی در کتاب مذکور صورت گرفته است. کاربست اصول منطقی، نثر شیخ جام را، در پخته‌گی دست‌گاه فکری و سخته‌گی زبان، یاری کرده است.

واژه‌گان کلیدی: شیخ جام، انس التائبین، منطق، مفهوم، استدلال، تعریف و تقسیم.

ISSN

Printed: 2788-4155

Online: 2788-6441

Ghalib

Received Date: 10 / 04 / 2021

Accepted Date: 05 / 09 / 2021

The application of logical principles in Sheikh Jam Jam's book: *Onsottaebin* (According to three logical principles: definition, division and reasoning)

Author: Assistant Professor Mir Zia addin Miri*

Abstract

Onsottaebin is a book by Sheikh Ahmad Jam Namqi, which covers mystical, Sufi and social issues and is written primarily to convince the audience of the questioning spirit. The aim of this research is to use the approach of qualitative research to solve the problem of application of logical principles in the prose of *Onsottaebin*, and to show the different logical contexts in the mentioned book. Since logical principles such as definition, division and reasoning are used to present linguistic units correctly and to establish and recognize intellectual propositions, Sheikh Jam, from all three of the above logical principles, with regard to variables related to writing style and appropriateness He has benefited from the topics of his book. However, from the epistemological point of view of the text, a number of the above-mentioned principles could not be fully and accurately represented in the book of *Onsottaebin*; But reasoning is reflected in deductive and allegorical methods in the prose of *Onsottaebin*; The director's argument can also be seen everywhere in the book. Also, different methods of definition, such as implicit, practical, persuasive, metaphorical, etc., are seen in Sheikh's prose, and the division of concepts is done in different logical ways in the book. The application of logical principles has helped Sheikh Jam's prose in the maturity of the intellectual apparatus and the difficulty of language.

Keywords: Sheikh Jam, *Onsottaebin*, logic, concept, reasoning, definition and division.

* Academic Cadre of Herat University (Zia.miri1374@gmail.com)

مقدمه

زبان، جنبه‌های کاربردی گوناگونی دارد، و اقناع مخاطب، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های آن است. هم‌چنان، زبان با تفکر، پیوند ناگسستنی دارد و هدف از بیان فکر در پیکر زبان، با در نظر داشتن متغیرهای متفاوت، معمولاً تأثیر بر مخاطب و اقناع او می‌باشد. بسیاری متونی که اساساً به هدف اقناع مخاطب نوشته شده‌اند و یکی از آن‌ها، *انس التائبین می‌باشد*. *انس التائبین*، کتابی است عقیدتی - اجتماعی از شیخ احمد جام نامقی که برای افزایش معلومات مخاطب و اقناع او در زمینه تفکرات خاص تصوفی - عرفانی و بحث در مورد مسائل مشخص دیگر نوشته شده است. با عطف توجه به این امر که منطق، زمینه تفکر درست و بیان درست گزاره‌های فکری را فراهم می‌سازد، متونی که مخاطب‌محور استند، از اصول منطقی، بهره می‌برند؛ به‌ویژه متون علمی - عقیدتی که برای ثابت کردن امری به مخاطب نوشته می‌شوند و کوچک‌ترین هدف در آن‌ها، ارائه داده‌ها، به شکل صحیح یا تغییر زاویه دید مخاطب، می‌باشد؛ از همین روی است، که اقناع مخاطب و بیان درست فکر، به‌طور مستقیم با منطق ارتباط می‌گیرد.

منطق، به‌عنوان یک علم در مفهوم عام و یا یک روش در مفهوم خاص، نشان داده است که هر امر عینی و ذهنی، که قابلیت بیان و بحث را داشته باشد، در مقام نخست تعریفی را می‌طلبد و ممکن است نیاز به تقسیم و استدلال برای شناخته‌شدن و پذیرفته‌شدن داشته باشد. با توجه به همین امور است که این سه اصل منطقی، یعنی تعریف، تقسیم و استدلال در *انس التائبین*، سازه‌های منطقی برجسته‌یی تلقی می‌شوند و در همین بستر است، که کاربرد اصول منطقی در *انس التائبین*، به‌عنوان مسأله‌یی قابل بحث، عرض اندام می‌کند. مسأله‌یی که در پی تبیین روش‌های درست بیان فکر در *انس التائبین*، برمی‌آید و جنبه‌های منطقی تفکر شیخ جام را در کتاب مذکور، روشن می‌کند.

اگر نگاهی به پیشینه پژوهش بیندازیم، درمی‌یابیم که درباره زنده‌گی، آثار، اندیشه‌ها و مسائل دیگری که مربوط به شیخ احمد جام می‌شوند، کتاب‌ها و مقالات بسیاری نوشته شده‌اند؛ اما با همه جست‌وجویی که به عمل آمد، این قلم، به کتاب، مقاله یا نوشته‌یی دست نیافت که مسأله اصول منطقی را در کتاب *انس التائبین* شیخ جام، مورد توجه و پژوهش قرار داده باشد.

این جستار در پی آن است که برای پرسش‌هایی از این دست، پاسخ بیابد: اصول برجسته منطق، در کتاب *انس التائبین* شیخ جام چه‌گونه کاربرد یافته‌اند؟ شیخ جام، برای تعریف مفاهیم در *انس التائبین*، کدام روش‌های منطقی را به کار می‌بندد؟ تقسیم و دسته‌بندی مفاهیم، در *انس التائبین*، با چه روی‌کردهایی صورت گرفته است؟ کدام روش‌های استدلالی، در روند اثبات گزاره‌های فکری شیخ جام، به کار گرفته شده‌اند؟

بزرگ‌ترین هدف این جستار، دستیابی به جای‌گاه اصول منطقی در نثر *انس‌التائبین* است. هم‌چنان، هدف‌هایی مانند شناختن روش‌های متفاوت تقسیم منطقی، در *انس‌التائبین*، دانستن شیوه‌های استدلال و اثبات گزاره‌های فکری در این اثر و فهمیدن چه‌گونه‌گی تعریف مفاهیم، در *انس‌التائبین* شیخ جام نیز در این پژوهش، پی‌گیری می‌شوند.

از سویی دیگر، چون در طول تاریخ، اصول منطقی برای فراهم‌آوردن اقناع مخاطب، استفاده گسترده‌یی داشته‌اند، شیخ جام نیز به‌احتمال از مبانی منطقی هم‌چون تعریف، تقسیم و استدلال در جهت ارائه و تثبیت سخنان خویش، استفاده کرده است.

می‌دانیم که روشن‌ساختن هرگوشه از جهان دانش و پژوهش، خود، بایسته‌گی آشکار دارد؛ مگر به‌طور مشخص، پژوهش در زمینه اصول منطقی موجود در کتاب *انس‌التائبین*، تفکر منطقی یا منطق‌واره‌گی در نثر شیخ جام را نشان می‌دهد؛ نیز، سازه‌های زبانی استدلالی را در نثر *انس‌التائبین* روشن می‌کند؛ هم‌چنان، گواهی کوچک است بر این امر که نثر پارسی دری، در خود، سازه‌های فکری دقیق و منطق‌محور را پرورانده است و تنها، تخیلات و قصه‌ها را در خود جای نداده است و نیز منطق‌واره‌گی فقط در آثار کسانی؛ چون ابن سینا، خواجه نصیر، غزالی، فخر رازی و... خلاصه نمی‌شود.

داده‌های این پژوهش، به شکل کیفی و با روش توصیفی - علی شکل گرفته است؛ از سویی دیگر، چون داده‌های مربوط به این تحقیق، در کتاب‌خانه‌های مجازی و حقیقی، قابل دسترسی هستند، از مواد کتاب‌خانه‌یی و اسنادی، سود جسته شده است.

شیخ جام و انس‌التائبین

شیخ احمد جام نامقی (۴۴۱-۴۳۶ ق) در «نامق، از قرای ترشیز خراسان ولادت یافت و چون بعدها به جام انتقال یافت، به جامی مشهور شد» (صفا؛ ۱۳۶۳: ۲ / ۱۳۵). در خصوص آثار و احوال شیخ جام، سخنان حقیقی و افسانه‌یی زیاد است؛ اما «مجموعه آثار بازمانده از شیخ جام، که عبارت است از: *انس‌التائبین*، *روضه‌المدنیین*، *کنوزالحکمت*، *بحارالحقیقه*، *سراج‌السائرین* و *مفتاح‌النجات*» (شفیعی کدکنی؛ ۱۳۹۳: ۶۰)؛ از این میان، *انس‌التائبین*، کتابی است که در پاسخ پرسش‌های مطرح‌شده از شیخ جام نوشته شده است؛ پرسش‌هایی که غالباً مربوط به مسائل عرفانی و تصوفی است. نثر *انس‌التائبین*، از نمونه‌های مرغوب نثر سده چهارم است.

منطق و داده‌های زبانی

منطق را «علم به مباحث تعریف و استدلال و غیر آن تعریف کرده‌اند» (معلمی؛ ۱۳۸۹: ۶۵). تعریف، تقسیم و استدلال از اصول برجسته منطقی استند و این اصول، زیر نام ارگانون، در دست‌گاه فکری ارسطو تکمیل و تدوین شد؛ اما علم منطق و سازه‌های فکری آن به شکل زیربنایی «در آموزش‌های سقراط وجود داشته و افلاطون در فرصتی که یافته بود؛ پس از مرگ سقراط آن را تدوین و تدریس می‌نموده است و ارسطو با استعداد طبقه‌بندی و به خصوص میل به نوشتن عقاید و افکار فلسفی خود، آن‌ها را به شکل خاص خود در آورده است» (خامنه‌ای؛ ۱۳۸۰: ۱۷۱-۱۷۲). در نگاه ارسطو «منطق، روش مطالعه به کار رفته در تمامی علوم» (بابایی؛ ۱۳۹۱: ۷۶) است؛ هرچند که «دامنه مطالعات ارسطو از آن‌چه امروزه به‌عنوان فلسفه می‌شناسیم بسی گسترده‌تر بود» (واربرتون؛ ۱۳۹۱: ۲۹)؛ اما همه فیلسوفان که در قلمرو معرفت‌شناسی، قلم و قدم می‌زنند، به منطق توجه دارند و از این میان، فیلسوفان زبان توجه ویژه‌ی به منطق دارند؛ زیرا «روابط میان اندیشه و زبان، هم بسیار مهم است و هم به نحو گیج‌کننده‌ی مبهم. علت این ابهام تا حدودی روشن است: استفاده از تنها ابزار در دسترس ما [زبان] برای بررسی همان ابزار» (استنفورد؛ ۱۳۸۹: ۳۰۲). با عنایت به پیوند سبب منطق و اندیشه و زبان، در طول تاریخ، نظریات زیادی پیرامون این پیوند ارائه شد؛ مثلاً «فرضیه جسورانه دیویدسن... و نظریه صدق تارسکی» (مک‌گین؛ ۱۳۸۷: ۷۴).

جمع فیلسوفان و زبان‌شناسان بر این نکته تأکید کرده‌اند، که میان زبان و اندیشه، پیوندی است ناگسستنی و میان فلسفه و منطق نیز، دقیقاً هم‌چنین پیوندی برقرار است. اساساً منطق، به‌عنوان یک روش و شاید یگانه روش تحلیل‌های فلسفی تاکنون مورد استفاده جمیع فیلسوفان بوده و هست؛ به همین سبب است که پژوهش‌گران نوشته‌اند: «در فلسفه هیچ‌چیز ممکن نخواهد بود، مگر آن‌چه به حکم منطق ضروری باشد» (زرین کوب؛ ۱۳۸۸: ۸۴)؛ اما این نظرگاه، نباید به آن مفهوم باشد که منطق، صرف به حوزه فلسفه تعلق داشته باشد؛ زیرا ای‌سا داده‌های زبانی و متون غیر فلسفی و غیر علمی نیز، از دست‌گاه فکری منطقی برخوردارند. در این میان، متون ادبی نیز جای‌گاه خود را در بهره‌وری از سازه‌های منطقی حفظ می‌کنند؛ گفتنی است که ادبیات نیز به‌گونه خاص خود، با فلسفه مربوط است؛ چون «فلسفه، خواهان شناختن چیزهایی است که بی‌واسطه و بلافصل، به انسان مربوط می‌شود» (چترجی و داتا؛ ۱۳۸۴: ۷۸) و ادبیات نیز، مستقیماً به انسان مربوط است. اساسی‌ترین مسأله در ادبیات، انسان و دغدغه‌های زیستی و فکری اوست و از همین سبب است که ادبیات را یکی از علوم انسانی می‌دانند.

ادبیات و دست‌گاه تحلیلی آن را از کلان‌گفت‌مان‌های جوامع بشری می‌دانند؛ اما هر یک از گفت‌مان‌های مسلط در جامعه فکری یک تمدن را نیز فقط می‌توان با عنایت به الگوهای سازمند

منطقی سنجش نمود؛ زیرا «حفظ و دگرگونی الگوها را باید از طریق تحلیل بسترهای خاصی که زبان در آن‌ها عمل می‌کند بررسی و مطالعه کرد» (یورگنسن و فیلیپس؛ ۱۳۹۱: ۳۴)؛ از همین سبب، ادبیات به‌عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین بستر عمل کرد زبان، در عین منطق‌گریزی، سازگاری ویژه خود را نیز با سازه‌ها و اصول منطقی نشان داده است.

زمینه‌های منطقی در انس‌التائین

استدلال

مهم‌ترین و شاید بحث‌برانگیزترین مسأله در منطق، فلسفه، شناخت‌شناسی و دانش‌های طبیعی و انسانی، مسأله استدلال است. استدلال معمولاً با صفت و مضاف خاص خود، یعنی منطقی مورد استفاده واقع می‌شود؛ استدلال منطقی؛ چون فقط استدلال منطقی و سازماند، مورد قبول است، برای استدلال قوانینی وجود دارد. برای نخستین بار «ارسطو بود که قوانین استدلال صحیح را کمابیش ابداع کرد و به آن‌ها رسمیت بخشید؛ یعنی آغازگر منطق فلسفی شد» (استنگروم و گاروی؛ ۱۳۸۹: ۱۶)؛ به عبارت ساده، «برای کشف حقیقت، ارسطو دو طریق، ارائه می‌کند: یکی آن‌چه استقراء می‌خوانند و آن عبارت است از استدلال کردن از امر جزئی به امر کلی؛ دیگر عبارات است از قیاس عقلی که از امر کلی و عام به امر جزئی و خاص می‌رسد» (زرین کوب؛ ۱۳۸۷: ۲۸)؛ به عبارتی دیگر، «در صورتی که از مقدمات جزئی به نتیجه‌ی کلی‌تر برسیم که احتمال کذب آن وجود داشته باشد، استدلال را استقرایی، می‌نامند» (محمدیان و دیگران؛ ۱۳۹۶: ۴۴). هرچند که در تاریخ علم، در برخی برهه‌ها، فیلسوفان علم باور داشتند که «استقراء هیچ سهمی در علم ندارد، نه در گردآوری و نه در داوری» (سروش؛ ۱۳۶۹: ۳۶۹)؛ اما برخی نیز باور دارند که بیش‌تر دست‌آوردهای علمی - اکتشافی، به‌ویژه در حوزه دانش‌های طبیعی، به یاری استدلال استقرایی میسر شده است.

به‌هرروی، شیخ جام در روند کلام خود، علاوه بر کاربست سازه‌های استدلالی، اساساً به مفهوم استدلال نیز، توجه دارد و از آن به **حجت** تعبیر می‌کند؛ چنان‌که در وصف زاهد می‌نویسد که: «اگر مرگ بر ملک دنیا اختیار نکند در دعوی زهد راست نیست. همانا که ملک سلیمان بر من **حجت** کنی و گویی که سلیمان صلوات‌الله‌علیه زاهد نبود، که ملک دنیا خواست؟! گوییم: سلیمان صلوات‌الله‌علیه زاهد بود؛ اما ملک که خواست نه از بهر دنیا خواست» (۱۳۹۰: ۱۴۸). او حتی در آغازین بخش‌های کتاب خود، تصریح می‌کند که نوشته‌هایش بر دلیل استوار است و سخنانی بی‌بنیاد نیست؛ با چنین نگاهی است که می‌نویسد «هر چه درخواستند به تفصیل گفته آمد در این چهل و پنج باب و یا کسی را از این سخن چیزی در وقت معلوم نگردد بر آن داوری نباید کرد و درباب اندیشید تا زیان کار نگردد و هر کجا اشکالی اوفتد هم آن جا **حجت** آن بنگرند تا باز یابند» (همان: ۱۶). شیخ

جام، به مفهوم اشکال هم توجه کرده است؛ یعنی خلل وارد کردن در سخن، که خود، یک بحث منطقی است؛ اما اصل بحث ما آن است که به مسأله قیاس و دیگر سازوکارهای منطقی در نثر شیخ جام توجه کنیم.

قیاس‌واره‌ها

پیش‌تر گفتیم که «ارسطو با ابداع قیاس منطقی، ابزاری در اختیار ما می‌نهد تا عقل مان را به کار گیریم و حقیقت را کشف کنیم» (برگمن؛ ۱۳۸۵: ۳۴)؛ به سخن دقیق‌تر، او «کیفیت تلیق قضایای صغری و کبری و ترتیب مقدمات را برای اخذ نتیجه و صورت‌بستن قیاس و اشکال مختلفه آن را استنباط نمود» (اسعدی؛ ۱۳۸۷: ۷۵).

قیاس در طول تاریخ تفکر بشری چه در عرصه علوم و چه در عرصه مذاهب، خصوصاً فقه حنفی، از اهمیت خاصی برخوردار است؛ از روی همین اهمیت است که بسیاری از معرفت‌شناسان علم، از جمله کارل پاپر و جان استوارت میل، باور دارند هر «تفسیر علمی، خصلتاً و ماهیتاً قیاسی است» (راین؛ ۱۳۸۸: ۵۸)؛ زیرا «در قیاس، یک الگوی مادر را در نظر می‌گیرند و بقیه از روی آن الگو به شکلی قاعده‌مند تکرار می‌شوند» (دوسوسور؛ ۱۳۸۵: ۲۱۳).

شیخ جام، برای اثبات سخنان خود، از استدلال قیاسی استفاده می‌کند؛ مثلاً می‌نویسد: «یقین می‌دان که هر که در کار خدای عزوجل هر روز چیزی زیادت نکند، او زیان کار است... هر که در زیادت نیست، در نقصان است... پس مرد چنان باید که هر روزی و هر ساعتی و هر نفسی در کار خدای عزوجل چیزی زیادت کند تا زیان کار نباشد» (۱۳۹۰: ۱۵۳)؛ که می‌توان، این مفاهیم را به شکل استدلالی نیز نوشت، که حتا اگر کاملاً بر ساختار قیاسی، منطبق نباشد، حداقل قیاس‌واره است:

- صغرا: هر که در زیادت نیست، در نقصان است؛
- کبرا: هر که در کار خدای عزوجل هر روز چیزی زیادت نکند، او زیان کار است؛
- نتیجه: پس مرد چنان باید که هر روزی و هر ساعتی و هر نفسی در کار خدای عزوجل چیزی زیادت کند تا زیان کار نباشد و بازمانده نباشد.

یا در این مثال: «تخم با اصل خویش شود... سماع چون تخم است... چون در زمین، تخم عنایت ازل افکنده باشند، یا آب روشن باشد و یا تیره، تخم هیچ بنگردد و آن چه در زمین باشد بروید» (همان؛ ۲۲۲)؛ پس اگر از ساختار تمثیل‌گونه یا تشبیه‌ی وار متن صرف نظر کنیم، می‌توان آن را این‌گونه بنویسیم:

- صغرا: هر تخم به اصل خویش باز می‌گردد؛
- کبرا: سماع، چون تخم است؛

- نتیجه: پس سماع، به اصل خود باز می‌گردد.

اگر قیاس را به سبب وجود تشکیک یا تشبیه، در صغرا یا جمله دوم، نادرست بدانیم، حداقل می‌توانیم بگوییم که ساختاری شبیه به ساختار قیاس در آن‌ها حاکم است.

در همان اثر می‌خوانیم: «هر جنسی با جنس خویش رود... عقل نورانی است و معرفت نور است؛ هر دو به یک جای باشند؛ اما نور و ظلمت به یک جای نباشند که: الضدان لایجتماع» (همان: ۲۱-۲۲)؛ که می‌توان، ساختار قیاسی را در آن دید:

قیاس یکم:

- صغرا: هر جنسی با جنس خویش رود؛

- کبرا: عقل نورانی است و معرفت نور است؛

- نتیجه: پس هر دو به یک جای باشند.

قیاس دوم:

- صغرا: الضدان لایجتماع؛

- کبرا: نور و ظلمت با هم تضاد دارند؛

- نتیجه: پس نور و ظلمت با هم جمع نمی‌شوند.

به‌وضوح می‌بینیم که در برخی از جملات نثر شیخ جام، سازه‌های قیاس‌وار منطقی حاکم است.

تمثیل

تمثیل، از ریشه مثل است و به مفهوم هم‌رنگ و مانند؛ هم‌چنین، تمثیل یکی از انواع استدلال است، که می‌توان آن را این‌گونه تعریف کرد: «سرایت‌دادن حکم یک امر به امر دیگر، به دلیل وجود نوعی مشابهت میان آن‌ها» (خندان؛ ۱۳۹۲: ۱۷۰). از آن‌جایی که «تمثیل از آغاز نسبت نزدیکی با روایت داشته است» (مک کوئین؛ ۱۳۸۹: ۳)، در هر متنی که در پی روایت یا نقل مفهومی یا روی‌دادی باشد، ممکن است رگه‌هایی از تمثیل یافت و انس‌التائین، یکی از آن متون است؛ یک مثال:

میان بنده‌گی و خدایی مقامی است [یعنی مقام رضا که مؤلف، در پی توضیحش است] که کس را بر آن اطلاع نیوفتد، مگر آن کسانی را که در آن مقام باشند... ما که در مقام چنین بنده‌گی باشیم و در رسم و رسوم مردمان باشیم، تا آن‌که که ما از این سخن بیرون نیابیم، ما را این سخن محقق نشود... قیاس از این مه‌تران دنیا بر باید گرفت: هر کجا که سلطانی... که بر درگاه او کسی بود، که هر چه او می‌گوید سلطان آن می‌کند، مردمان چنین گویند که: سلطان نه آن است که با سلطان بود؛ اما سلطان همه کار به رضای او کند. هم‌چنین است بنده‌راضی: هر چه خدای عزوجل کند، همه به رضای راضی باشد (جام؛ ۱۳۹۰: ۱۷۹).

که به عبارتی دیگر، می توان آن را به شکل یک استدلال تمثیلی، چنین نوشت:

- پیش کار پادشاه، برای شاه عزیز است و شاه، او را از خود راضی نگاه می دارد و خواسته های او را می پذیرد؛

پس

- بنده راضی نیز برای خدا عزیز است و خداوند دعایش را مستجاب می کند و او را به هدف هایش می رساند.

یا در این مثال، که عشق را از راه تمثیل به گیاه عشقه، مانند می کند؛ چنان که گیاه عشقه، بر گیاهان دیگر می پیچید و ضعیف شان می سازد، عشق نیز، با عاشق، همان می کند: «عشق سلطان سرکش است و بی رحم و ناباک؛ در هر دلی که درشود بازان دل و بازان تن همان کند که آن عشقه بازان درخت کرد؛ یا از بُنش ببرد و یا داغ خویش بر وی نهد، که هرگز هیچ کس از او نیز برنخورد و یا رنگیش دهد که همه عالمیان در رنگ او عجب بمانند» (همان: ۲۱۷)

نیز در توضیح آن که فهمیده گان و هوش یاران به ادعا و خودستایی نیاز ندارند، مثل آفتاب را می آورد که خودش، روشنایی دارد و هرگز نمی گوید که من آفتابم؛ «نه هر که دعوی کرد معنی دانست و نه هر که معنی جُست، معنی یافت؛ اما هر که معنی دارد او را به دعوی حاجت نیوفتد: آفتاب را گواه نباید که من آفتابم» (همان: ۲۴۴) و بدین گونه، از استدلال تمثیلی بهره ها می برد.

استدلال مباشر

مباشر به استدلالی گفته می شود که در آن «از یک قضیه به عنوان مقدمه، قضیه مورد نظر، یعنی نتیجه به دست می آید» (خندان؛ ۱۳۹۲: ۱۳۰). این سازه منطقی نیز در انس التائبین، دیده می شود و شیخ جام از استدلال مباشر، در اثبات سخنان خود بهره بسیار می جوید؛ مثلاً می نویسد: «هیچ مسأله یی نیست که مشایخ را و علما را در آن خلاف نیست؛ چرا می باید که در مسأله عشق خلاف نباشد؟» (۱۳۹۰: ۲۱۱)؛ اگر این نکته را بپذیریم که علما در همه مسائل اختلاف نظر دارند؛ پس این امر نیز ثابت می شود که در عشق نیز اختلاف نظر دارند و این یک استدلال مباشر است.

نیز در جایی دیگر می نویسد: «هر که را ظاهر به شریعت آراسته نباشد، نگر که به سخنان او غره نشوی که ظاهر گواه باطن است» (همان: ۸۸). توضیح استدلال مباشر بالا به زبان ساده این گونه است: اگر بپذیریم که ظاهر افراد گواه باطن آنان است؛ پس افرادی که در باطن به شریعت پابند استند، باید ظاهراً هم، تابع شریعت باشد و این نکته هم، ضرورتاً پذیرفتنی است.

تقسیم

تقسیم، یکی از مهم ترین سازوکارهای منطقی است. این اهمیت از آن جا ناشی می شود که اساساً برای فهم بسیاری از مفاهیم، «روشن گری، از طریق طبقه بندی» (دیچز؛ ۱۳۹۴: ۵۶)، صورت می پذیرد؛ پس سخن ور، اگر در پی اقناع مخاطب است «باید دقیقاً موضوع را به اجزای تشکیل دهنده اش تقسیم کند. آن گاه سخن اش مجموعه یی از نکات بی ربط نخواهد بود» (دیکسون؛ ۱۳۸۹: ۱۶). از سبب همین اهمیت است، که شیخ جام، مفاهیم و موضوعات را برای فهم بیش تر مخاطب، تقسیم و دسته بندی می کند؛ مثلاً می نویسد که «همت دو است: همت دون است و همت بلند است» (۱۳۹۰: ۱۳۹)؛ و سپس به تعریف هر یک می پردازد.

او برای توضیح بیش تر مسأله نفس انسانی، به تقسیماتی قائل است. «نفس خداوندان تحقیق سه است: اول: نفس تائبان است و آن از سر درد برخیزد و ناله بار آرد؛ دوم: نفس والهان است و آن از سر شوق برخیزد و خروش بار آرد؛ سوم: نفس واجدان است و آن از سر یقین و صفاوت برخیزد و شادی و نعره بار آرد» (همان؛ ۲۰۳). شیخ جام در توضیح و تفهیم مسأله سماع نیز به تقسیم بندی روی می آورد و می نویسد که: «سماع بر ده روی است: سماع مفسدان است و سماع شهوتی است و سماع هوائی است و سماع بدعت است و سماع خائفان است و سماع راجبان است و سماع راسخان است و سماع عاقلان است و سماع روح است و سماع مشتاقان و عاشقان است» (همان؛ ۲۲۱). گاهی نیز آن چنان تقسیم بندی را ادامه می دهد، که خواننده مبتدی، ناچار است چند بار متن را از سر بخواند؛ مثلاً در این بند نوشت:

همواره از مؤمنان سی هزار باشند که در مقام مباح به حجت باشند. از آن سی هزار، چهار هزار گزیده است و از آن چهار هزار، چهارصد گزیده است و از آن چهارصد، چهل گزیده است و از آن چهل، چهار گزیده است و از آن چهار، یکی گزیده است و آن، قطب روی زمین است. هر گه این یکی را که قطب است، خللی اوفتد از آن چهار، یکی به مقام او بنشیند و از آن چهل، یکی به مقام این چهار آید و از چهارصد، یکی به مقام چهل آید و از چهارهزار یکی به مقام چهارصد آید و از سی هزار یک به مقام چهارهزار آید و از عامه مسلمانان و مصلحان، یکی به مقام این سی هزار آید و هم چنین باشد تا قیامت (همان؛ ۲۳۹).

تقسیم در جای جای کتاب *انس التائبین* به چشم می خورد، و این سازه منطقی، به روند افهام و اقناع خواننده، در نثر شیخ جام، کمک شایانی کرده است.

تعریف

از آن جایی که «امکان علم به قضایای کلی یی که دارای مصداق واقعی نیستند، اغلب مورد تکذیب قرار می گیرد... معهدا علم به این قبیل قضایای کلی از عناصر اصلیه قسمت عمده معلومات

مسلم ما است» (راسل؛ ۱۳۹۰: ۱۳۸)؛ پس «خطیب باید مقدماً تعریفی از موضوع به دست دهد تا صحبتش روشن باشد و انسجام داشته باشد» (دیکسون؛ ۱۳۸۹: ۱۶).

شیخ جام در روند پیش‌برد سخن، به تعریف کردن مفاهیم می‌پردازد و بدین‌گونه مخاطبان و خواننده‌گان را با آنچه می‌خواهد بگوید، آشنا می‌سازد؛ مثلاً در تعریف زهد می‌نویسد: «زهد سردی دنیا باشد در دل زاهد» (۱۳۹۰: ۱۴۲)؛ و برای توضیح مفهوم قناعت، این تعریف را ارائه می‌کند: «خرسندبودن است به اندکی از دنیا» (همان: ۱۵۱).

تعریف مفاهیم در نثر انس التائبین، به‌گونه گسترده‌ی دیده می‌شود؛ زیرا شیخ جام از روش‌های گوناگون تعریف بهره می‌برد و همین امر، زمینه بحث را در خصوص انواع متفاوت تعریف مفاهیم در کتاب مذکور، مطرح می‌سازد.

تعریف به ضد

شیخ جام، گاهی برای تعریف کردن یک مفهوم، متضاد آن را در سخن می‌آورد و بدین‌گونه، منظور خود را واضح می‌سازد؛ مثلاً می‌نویسد: «بیدار، کسی بود که در خواب نباشد» (همان: ۳۶)؛ گاهی این‌گونه تعریف‌ها از شدت وضاحت، بی‌هوده به نظر می‌آید؛ اما ساده‌ترین شکل تعریف، همین است. در جایی دیگر، می‌نویسد: «هر که در زیادت نیست، در نقصان است» (همان: ۱۵۳)؛ یا به همین‌گونه، در تعریف شک و تردید، می‌نگارد: «هر چه نه یقین باشد، شک باشد» (همان: ۲۵۶).

شیخ جام، گاهی دو مفهوم متضاد را در پهلوی یک‌دیگر و متقابلاً مطرح می‌سازد و هر یک را نیز جدا تعریف می‌کند؛ مثلاً «بدگفتن آن بود که نشاید که گویند و نیک‌گفتن آن بود که شاید که گویند» (همان: ۲۶۳)؛ که در آن به شرح بدگفتن و نیک‌گفتن پرداخته است. نیز در مثال روبه‌رو: «آن چه غذای عقل است، غذای هوی نباشد و آن چه غذای هوی است آن عقل نباشد، و آن چه غذای روح است، آن نفس نباشد و آن چه غذای نفس است، آن روح نباشد» (همان: ۲۳۲)، که در آن، چند مفهوم را متقابلاً تعریف کرده است و برای تعریف کردن هر یک، از دیگری بهره برده است.

تعریف مصداقی و فردشمار

تعریف مصداق‌شمار، «تعریفی است که در آن برای شناساندن امر مورد نظر، نمونه‌ها و مصداقی از آن، به مخاطب، معرفی می‌شود» (خندان؛ ۱۳۹۲: ۷۷). در این روش تعریف، شیخ جام، مصداق‌های گوناگون موضوع مورد تعریف را برمی‌شمارد؛ یعنی به جای تعریف مفهوم به بیان انواع آن می‌پردازد: «بدان که علم بسیار است و از هر نوع علم که فرادست گیری، گویی که خود علم این است؛ اما

به‌ترین علم‌ها، علم توحید است؛ آن‌که علم سر؛ آن‌که علم شریعت؛ آن‌که دیگر علم‌ها چون: علم طب و علم نجوم و علم حِرَف و از هر نوعی که هست، علم، همه نیکوست» (۱۳۹۰: ۶۳).

گاهی نیز برای توضیح یک مفهوم، افرادی را برمی‌شمارد، که به‌عنوان مصداق آن مفهوم مطرح استند. در مثال پسین، وقتی می‌خواهد منظور خود را از مشایخ بزرگ توضیح بدهد و بدین پرسش پاسخ بدهد که: مشایخ بزرگ چه کسانی استند؟ می‌نویسد: «بعضی از اجله مشایخ چون: شیخ ابوسعید و عبدالله مبارک... و شیخ شبلی و جنید و حسین منصور و ذوالنون مصری و عمروبن عثمان مکی» (همان: ۲۱۰) و نام چند شیخ را می‌آورد؛ اما خود **شیخ بزرگ** را توضیح نمی‌دهد، که چه‌گونه خصوصیتی دارد و فرد با داشتن کدام ویژه‌گی‌ها، مستحق آن می‌شود، که در ذیل مشایخ اجله، جای گیرد.

تعریف مفهومی

در تعریف مفهومی «از مجموعه تصورات و مفاهیم دیگر استفاده می‌شود» (خندان؛ ۱۳۹۲: ۸۱).

تعریف مفهومی، هم‌چون تعریف متقابل است؛ با این تفاوت که در این تعریف، مفاهیمی که با هم معرفی می‌شوند، متضاد نیستند؛ به‌عبارتی‌دیگر، در تعریف به‌اضافه، یک مفهوم، به کمک مفهومی دیگر تعریف می‌شود، اما خود آن مفهوم نیز تعریف نشده است؛ مثلاً «ریاضت، قهر هوی است» (همان: ۴۷)؛ نیز در جمله «قضا آن بود که از خدای عزوجل باشد و بنده را در آن هیچ تصرف نباشد و مقضی فعل بنده باشد» (همان: ۱۷۸)؛ مفهوم قضا به یاری مفاهیم تصرف و فعل بنده تعریف شده است و نیز گفته شده، که قضا از خدای عزوجل است که هر سه این گزینه‌ها در خدمت، توضیح مفهوم قضا استند.

تعریف با ارجاع به مفردات

گاهی کلماتی مورد بحث استند که نیاز است تا درباره خود آن کلمه و لفظ معلومات داده شود؛ یعنی کلماتی که تعریف لفظی و واژه‌گانی آن‌ها تنها راه درک مطلب است و اتفاقاً برای شرح آن کلمات «معمولاً به‌ترین راه، اشاره و ارجاع به مفردات و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن لفظ مرکب است» (خندان؛ ۱۳۹۲: ۸۳)؛ به‌عبارتی ساده‌تر، تعریف با ارجاع به مفردات، یعنی تعریف و تشریح یک کلمه محوری و شرح معنای واژه‌گانی خود لفظ با اشاره به ریشه کلمه و معنای ریشه‌یی آن؛ مثلاً، نگارنده *انس‌التائبین*، می‌خواهد که مخرقه را توضیح بدهد و برای این منظور، چنین، می‌نگارد: «مخرقه از خرقه گرفته‌اند: خرقه از آن گویند که سوراخ دارد و پاره‌پاره باشد و دیگر، دروغ و فراباقته را مخرقه گویند و آن را مخرقه از آن گویند که از هر جای فراهم آرند: پاره‌یی از سحر و پاره‌یی از

دروغ و پاره‌یی از شعوزده و پاره‌یی از بددینی و پاره‌یی از جهودی و پاره‌یی از ترساییی و پاره‌یی از گبری» (جام؛ ۱۳۹۰: ۱۳۰)

شیخ جام، وقتی می‌خواهد، عشق، را تعریف کند، به روش تعریف با ارجاع به مفردات پناه می‌آورد:

عشق را از عشقه گرفته‌اند و عشقه، گیاهی است که آن را سن گویند و ما او را آسَس گوئیم و در نیشابور سیرند گویند و در جام آوغی گویند و در زوزن آن را اَزْغی^۱ گویند. آن گیاهی است که کس نبیند از کجا برآید و کی برآید؛ آن وقت بینند که بر سر درخت رسیده باشد و درخت را به صفت خویش گردانیده. هر چند کوشی تا از آن درخت آن را باز کنی و بسیار رنج برگیری آخر بازو برنمایی؛ اگر یک ذره از آن بر درخت بماند همه درخت را فراگیرد. سرمای زمستان آن را خشک تواند کرد و بس؛ اما چندان باشد که گرمای تابستان باز پیدا آید، او هم بازان سر پی خویش شود؛ چون بنگری باز بر سر درخت رسیده باشد و بازان درخت از دو کار یکی بکند: یا درخت را خشک کند و از بن ببرد و یا داغ خویش بر وی نهد، که هرگز از داغ وی خالی نباشد. عشق را از این عشقه گرفته‌اند و عشقه این گیاه است که بر هر چه آویزد او را از صفت خویش بگرداند (همان: ۲۱۱-۲۱۲).

توضیح لفظ عشقه، در مثال بالا، از نوع تعریف لفظ و کلمه است و تعریف با ارجاع به مفردات و کمک شایانی به درک مفهوم عشق کرده است. این نوع تعریف، در *نثر انس التائبین*، به‌وفور دیده می‌شود. این نوع تعریف، در متون علمی نیز کاربرد فراوانی دارد و یکی از بهترین روش‌های تعریف‌ها است.

تعریف ضمنی

تعریفی است که در فحوا و حشو آن، به کلمات محوری دیگر اشاره شود؛ مثلاً در بحث از علم می‌نویسد: «همه چیز را به علم حاجت است و علم را به عقل حاجت است» (همان: ۱۹)، که در شرح علم، به مفهوم عقل اشاره شده است، یا در مثال زیر که در شرح مفهوم یقین، به شک، نفاق، ایمان، بدعت، شریعت و... اشاره شده است: «هر که را به خدای یقین نباشد، در دین به شک باشد و هر که در کار خدای و در کار رسول (ص) به شک باشد، منافق باشد و شک در ایمان بدعت باشد و شک به شرایع دین و شک به قوام شرایع دین نکوهیده باشد» (همان: ۲۵۶). تعریف ضمنی را در هر دو مثال بالا، می‌بینیم.

تعریف تشبیهی

تعریف تشبیهی زمانی است که «میان شیء مورد نظر (معرف) و شیء دیگر مشابهتی برقرار می‌گردد تا از این راه، جنبه‌هایی از معرف به مخاطب شناسانده شود» (خندان؛ ۱۳۹۲: ۸۵)؛ اما خود

^۱ این رُستنی، در هرات، فراوان است؛ هراتیان آن را اَجَقْک می‌نامند و معتقدند که ریشه‌یی در زمین ندارد.

تشبیه زمانی است که «معنی یا حکمی از معانی و احکام چیزی را برای چیز دیگر ثابت کنیم» (شفیعی کدکنی؛ ۱۳۷۵: ۵۳)؛ پس تشبیه بین دو امر برقرار می شود و در خدمت فهم مفهوم نخستین است.

مؤلف انس التائبین، عقل را به گوهر تشبیه می نماید و بدین گونه آن را تعریف می کند: «عزیز گوهری که عقل است» (جام؛ ۱۳۹۰: ۱۹). گاهی نیز یک مفهوم را به چند چیز تشبیه می نماید^۲ و این ساختار تشبیهی، کمک بیش تری به فهم مفهوم مذکور می کند: «توبه آب حیات است دل را؛ تریاک است گناه کار را؛ شحنه است راه را؛ دلیل است احسان را؛ شفیع است وصال را» (همان: ۴۹). گاهی دیگر، در روند تعریف یک مفهوم، آن را به چیزی تشبیه می کند و سپس به توضیح وجه های شبه و تفصیل تشبیه می پردازد؛ مثلاً:

شریعت مثل ماه نو است: نخست شب تاریک باشد و باریک نماید؛ پس هر شبی که در وی می گردد روشنایی وی می افزاید و نور وی زیادت می گردد و تاریکی شب می برد؛ چون ماه تمام شود، بس فرقی نباشد میان شب و روز؛ شریعت هم چنین باشد، نخست اندک اندک به کار می درآید و ظلمت و هوی و بدعت می برد؛ تا چنان شود که حقیقت شریعت نماید و شریعت حقیقت (همان: ۷۹).

چنان که دیده می شود، شباهت میان ماه نو و شریعت را به تفصیل، توضیح داده است. گاهی نیز در یک تشبیه تفضیلی^۳، تعریف مفاهیم را وارد می کند: «سخن حکما و ابدلان قیمتی تر از درّ و جوهر است» (همان: ۲۳۸). واضح است که تعریف تشبیهی، علاوه بر تشریح تعریف، بر غنای ادبی جملات شیخ جام نیز افزوده است.

تعریف زیبایی شناسیک

در تعریف زیبایی شناسیک، از فنون ادبی، آرایه های بدیع لفظی و معنوی و حوزه های متفاوت دانش بیان بهره می برند. تفاوت تعریف زیبایی شناسیک از تعریف تشبیهی در آوردن فنون دیگر ادبی، افزون بر تشبیه است. شیخ جام، در تعریف گروه اتقیان می گوید: «تماشای ایشان همه در روضیه رضات و غذای ایشان همه طریق صدق و صفاست و شراب ایشان از جوی محبت اوست و لباس ایشان از خزینه جود و فضل اوست و همت ایشان بلندتر از هر چه دون اوست... در بوستان رضا نظاره می کنند و نسیم وصال می بویند» (همان: ۱۵۹)؛ و در تعریف صبر می نویسد: «صبر، کلید همه چیزهاست و اصل همه شادی هاست» (همان: ۱۸۱).

^۲ در فنون ادبی، این گونه تشبیه را تشبیه جمع می نامند (نک: شمیسا؛ ۱۳۷۰: ۱۲۰)

^۳ هم چنان برای فهم بیش تر تشبیه تفضیلی (نک: شمیسا؛ ۱۳۷۰: ۱۲۴)

هنگامی که پای عشق به میان می‌آید، تعریف زیبایی‌شناسیک نیز سربرمی‌آورد. شیخ جام در تعریف عشق می‌گوید:

ای بی‌صفتی که کسوت عزت پوشیدی که همه عقلا چون فرا تو رسند دل از وی
برگیرند و سرقلم همه علما آن‌جا شکسته شود و سررشته همه صدیقان آن‌جا گسسته شود
و همه مریدان و صدیقان این‌جا سر راه گم کنند. هیچ زفان به بیان آن نرسد و هیچ بیان
به عیان آن نرسد. ای درد بی‌درمان و ای بیمار بی‌علاج و ای آتش بی‌دود! و ای بی‌صفتی
که هر که وصافی تو کند جز به عجز و خجلت باز نگردد (همان: ۲۱۱).

شیخ در تعریف سماع می‌نویسد: «سماع، تخم عنایت ازل است در دل مستمعانی که ایشان از ازل
آورده‌اند و از میثاق» (همان: ۲۲۲) و این نیز، یک تعریف زیبایی‌شناسیک است.
تعریف زیبایی‌شناسیک، متن را از حالت عادی و علمی خارج می‌کند و به ادبیات نزدیکش
می‌سازد.

تعریف عملی

تعریف عملی زمانی است که «برای شناساندن معنای یک لفظ، نوعی عمل و آزمایش عینی،
پیش‌نهاد می‌شود» (خندان: ۱۳۹۲: ۸۰). هرچند اصطلاح آزمایش عینی و عمل، بار پوزیتویسمی
دارند؛ اما ای‌بسا که در علوم انسانی نیز، مفاهیم عملی مطرح می‌شوند و در تعریف مفاهیم اخلاقی-
انسانی نیز، نوعی کارکرد مطرح است؛ شاید نه کاملاً عملی؛ اما نفس وجود عمل در روند فهمش،
تعریفی عملی را در پی دارد؛ ولو این تعریف عملی، جمیع جوانب معرف را در بر نگیرد؛ مثلاً «توحید و
ایمان آن است که اقرار دهی که خدای عزوجل هست و یکی است بی‌چون و چه‌گونه» (جام: ۱۳۹۰:
۲۶)، که در آن، عمل اقرارکردن مطرح شده است.

شیخ جام در تعریف انسان مؤمن نیز به روش عملی روی می‌آورد: «هر که بگفت لاله الا الله
محمد رسول الله، او مؤمن است؛ شاید که زن مؤمنه بدو دهی و از او زن خواهی و میراث مؤمنان
یاود و مؤمنان از وی میراث یاوند و احکام مؤمنان بر وی برانند و وی را در گورستان مؤمنان در گور
کنند و بر جنازه وی نماز کنند» (همان: ۲۹).

شیخ جام در خصوص توکل، اعمالی را که یک متوکل باید انجام بدهد، فهرست می‌کند و
می‌نویسد: توکل زمانی است که «کار خویش را با خدای گذاری و هر کاری و هر چیزی که تو را در
دار فنا می‌باید همه با خدای عزوجل گذاری و هر چه ندانی به یقین که نجات تو در آن است از
خدای عزوجل نخواهی از خیر و شر؛ و چون بازو گذاشتی هرچه تو را رساند از خوردنی و پوشیدنی و
از شادی و اندوه و از نعمت و شدت و از هرچه باشد، بدان رضا دهی» (همان: ۱۶۷). هم‌چنان، شیخ،
هنگامی که می‌خواهد مفهوم شکر را توضیح دهد، عمل‌کردهای یک فرد شاکر را برمی‌شمارد: «شاکر

آن بود که هر چه از خدای عزوجل بدو رسد، او به رضا پیش آن باز شود و بدان خدای را عزوجل سپاس داری کند؛ اگر اندک باشد یا بسیار و یا دیر آید و یا زود و یا دون آید و یا مرتفع؛ همه از او ببند و بدان رضا دهد و بدان شکر کند» (همان: ۱۷۳-۱۷۴).

از آن جایی که تصوف رویه عملی دارد و بیش تر بر کنش های صوفیانه و عرفان محور متمرکز است و تعریف عملی نیز حاکی از خصوصیات عملی مفاهیم است؛ پس این نوع تعریف، شیخ جام را بیش تر، به کار می آید تا رویه عملی تصوف و طریقت را به مخاطب نشان بدهد.

تعریف به مؤلفه ها

این نوع تعریف زمانی پدید می آید که مؤلف، صفت های مربوط به یک مفهوم را برشمارد؛ مثلاً شیخ جام در تعریف معرفت می نویسد: «معرفت بدان که چیست: اخلاص است و صدق است و وقاست و صبر است و قناعت است و توکل است و تفویض است و تسلیم است و شفقت است و حرمت است و نصیحت است و زهد است و خوف ورجاست و مرگ را فراساختن است» (همان: ۲۵).
همو هنگامی که فقر را تعریف می نماید به مؤلفه های فقر، مراجعه می کند: «فقر نیاز و نیستی است» (همان: ۱۸۷). او حتا در توضیح عشق، به صفات عاشق می پردازد: «عاشق، به این صفات مزین است: سر پُرگرد و دل پُر درد و رخان زرد و باد سرد از درد عاشقی که نباید که یک نفس بازمانم» (همان: ۲۱).

هنگامی که برای تعریف یک مفهوم، صفت هایش را برمی شمارد، گویا بیش تر جنبه های عینی آن را تشریح می نماید و به ساده ترین حالت و محسوس ترین صورت، مفهوم مذکور را تعریف می کند.

تعریف دوری و مترادف

تعریف دوری، به لحاظ منطقی، تعریفی باطل است؛ اما در *نثرانس الثائبین*، نیز گاهی شیخ جام، به تعریف مفاهیمی می پردازد که قرابت معنایی خاصی باهم دارند؛ یعنی به لحاظ معنای مفهومی و اصطلاح، به شکل قابل توجهی، مشابه هستند؛ مثلاً در تعریف شریعت و حقیقت می نویسد: «شریعت همه حقیقت است و بنای حقیقت بر شریعت است؛ شریعت بی حقیقت بی کار است و حقیقت بی شریعت بی کار است» (همان: ۱۲)؛ بدین گونه، معلوم نیست که شریعت، دقیقاً چیست و حقیقت کدام است؟ زیرا برای فهم یکی باید به دیگری مراجعه کرد و برای فهم آن دیگری، باید مفهوم قبلی را مد نظر داشت.

شیخ جام، گاهی نیز مفاهیم را به گونه ای با مترادفات آن تعریف می کند؛ مثلاً می نویسد: «صبر، شکیبایی کردن است» (همان: ۱۸۱) و چنان که دیده می شود، صبر و شکیبایی، هیچ یک، به درستی و

وضاحت، تعریف نشده‌اند. در مثال‌های پیش رو: «اول همه چیزها عقل است و عقل مایه همه دانش‌هاست» (همان: ۱۹)؛ و «عقل، وزیر و ندیم معرفت است» (همان: ۲۰) نیز، خواننده دُچار نوعی ترادف معنایی می‌شود، که هیچ کدام از مفاهیم، درست و دقیق، تعریف و مشخص نشده‌اند.

نتیجه‌گیری

- پس از واکاوی سه اصل منطقی تعریف، تقسیم و استدلال در کتاب *انس التائبین* شیخ احمد جام، نتایج زیر به دست آمد:
- شیخ جام، در بافتار جمله‌های خود از اصول منطقی بهره برده است و این بهره‌وری از اصول منطقی، به شیخ جام در اقناع مخاطبان، کمک کرده است؛ زیرا بنیادی‌ترین هدف شیخ جام در *انس التائبین*، اقناع مخاطب است؛
 - نگارنده *انس التائبین*، پیش از شرح و دسته‌بندی و بحث روی مفاهیم، به تعریف مفاهیم می‌پردازد؛ و از اصل منطقی تعریف، استفاده می‌کند و مفاهیم مطرح در بحث را به مخاطب، می‌شناساند؛
 - تعریف مفاهیم، در *انس التائبین*، به روش‌های گوناگونی صورت پذیرفته است و از جمله می‌توان به انواع مفهومی، زیبایی‌شناسیک، مصداقی و فردشمار، ضمنی، تشبیهی و عملی اشاره کرد. افزون بر آن، شیخ جام، مفاهیم را به ضد آن‌ها، با برشمردن مؤلفه‌ها و با ارجاع به مفردات واژه‌گانی و ریشه‌یابی نیز تعریف می‌کند و این روش‌های تعریف، مخاطب را به گونه قابل توجهی با موضوعات مورد بحث در *انس التائبین*، آشنا می‌سازد؛ هرچند گاهی تعریف دوری نیز در نثر شیخ جام راه یافته و بر ابهام مسائل افزوده است؛
 - استدلال و انواع آن، به‌عنوان مهم‌ترین اصل منطقی، نثر شیخ جام را به لحاظ قوت فکری و انسجام دست‌گاه اندیشه، استواری بخشیده است. احمد جام، در اثبات سخنان خود، از انواع استدلال، به شکل بایسته، بهره می‌برد. استدلال مباشر، قیاس و تمثیل، به‌عنوان سه گونه معتبر استدلال در کتاب *انس التائبین*، حضور دارند؛
 - شیخ جام برای ارائه نمود به‌تر و فهم بیشتر از مفاهیم، اصل منطقی تقسیم و دسته‌بندی را به کار می‌گیرد. او مفاهیم را به اجزا و اعضای تشکیل‌دهنده آن، تقسیم می‌کند و...؛
 - استفاده از استدلال تمثیلی و تعریف زیبایی‌شناسیک و تشبیهی، بر غنای ادبی نثر *انس التائبین* افزوده است و این امر، گونه‌ی آشتی و باهم‌آیی امور زیبایی‌شناختی ادبی و سازوکارهای دست‌گاه منطقی را در کتاب نام‌برده نشان می‌دهد.

سرچشمه‌ها

۱. استنفورد، مایکل. (۱۳۸۹). **درآمدی بر فلسفه تاریخ**. برگردان به پارسی از احمد گل محمدی. چاپ چهارم. تهران: نشر نی.
۲. استنگروم، جریمی و گاروی، جیمز. (۱۳۸۹). **فیلسوفان بزرگ از سقراط تا فوکو**. برگردان به پارسی از ابوالفضل توکلی شانديز. چاپ یکم. تهران: پارسه.
۳. اسعدی، سید حسن. (۱۳۸۷). **فلسفه از آغاز تا مطهری**. چاپ یکم. مشهد: آستان قدس رضوی.
۴. بابایی، پرویز. (۱۳۹۱). **فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی**. چاپ یکم. تهران: نگاه.
۵. برگمن، گریگوری. (۱۳۸۵). **کتاب کوچک فلسفه**. برگردان به پارسی از کیوان قبادیان. چاپ سوم. تهران: اختران.
۶. جام، احمد. (۱۳۹۰). **أنس التائبین**. چاپ دوم. با مقدمه، تصحیح و توضیح علی فاضل. تهران: توس.
۷. چاترجی، ساتیش چاندرا و داتا، دریندراموهان. (۱۳۸۴). **معرفی مکتب‌های فلسفی هند**. برگردان به پارسی از فرناز ناظرزاده کرمانی. چاپ یکم. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۸. خامنه‌ای، سیدمحمد. (۱۳۸۰). **سیر حکمت در ایران و جهان**. چاپ یکم. تهران: چاپ و نشر بنیاد حکمت اسلامی ملامصدرا.
۹. خندان، علی اصغر. (۱۳۹۲). **منطق کاربردی**. چاپ هشتم. تهران: سمت.
۱۰. دوسوسور، فردینان. (۱۳۸۵). **درس‌های زبان‌شناسی همه‌گانی**. گردآوری از آلبر سشنه و شارل بائی. برگردان به پارسی از نازیلا خلخالی. با ویرایش انتقادی از تولیو د مورو. چاپ دوم. تهران: فرزانه.
۱۱. دیجز، دیوید. (۱۳۹۴). **شیوه‌های نقد ادبی**. برگردان به پارسی از محمدتقی امیر صدقیانی و غلام‌حسین یوسفی. چاپ هفتم. تهران: علمی.
۱۲. دیکسون، پیتر. (۱۳۸۹). **خطابه**. برگردان به پارسی از حسن افشار. چاپ یکم. تهران: نشر مرکز.
۱۳. راسل، برتراند. (۱۳۹۰). **مسائل فلسفه**. برگردان به پارسی از منوچهر بزرگ‌مهر. چاپ پنجم. تهران: خوارزمی.

۱۴. راین، آلن. (۱۳۸۸). **فلسفه علوم اجتماعی**. برگردان به پارسی از عبدالکریم سروش. چاپ پنجم. تهران: صراط.
۱۵. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۷). **ارسطو و فن شعر**. چاپ ششم. تهران: امیرکبیر.
۱۶. _____ . (۱۳۸۸). **فرار از مدرسه**. چاپ دهم. تهران: امیرکبیر.
۱۷. سروش، عبدالکریم. (۱۳۶۹). **مقدمه مبادی مابعدالطبیعی علوم نوین**. چاپ یکم. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۸. شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۵). **صور خیال در شعر فارسی؛ تحقیق انتقادی در تطور ایماژهای شعر پارسی و سیر نظریه بلاغت در اسلام و ایران**. چاپ ششم. تهران: آگه.
۱۹. _____ . (۱۳۹۳). **درویش ستیهنده** (از میراث عرفانی شیخ جام). چاپ یکم. تهران: سخن.
۲۰. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰). **بیان**. چاپ یکم. تهران: فردوس.
۲۱. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۳). **گنجینه سخن؛ پارسی‌نویسان بزرگ و منتخب آثار آنان**. جلد دوم. تهران: امیرکبیر.
۲۲. محمدیان، محی‌الدین بهرام و دیگران. (۱۳۹۶). **منطق**. چاپ یکم. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
۲۳. معلمی، حسن. (۱۳۸۹). **درآمدی بر فلسفه اصول**. چاپ یکم. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۲۴. مک کوئین، جان. (۱۳۸۹). **تمثیل**. برگردان به پارسی از حسن افشار. چاپ یکم. تهران: نشر مرکز.
۲۵. _____ . (۱۳۸۷). **چه گونه فیلسوف شدم؟ برگردان پارسی: فرزانه طاهری**. چاپ دوم. تهران: ققنوس.
۲۶. واربرتون، نایجل. (۱۳۹۱). **آثار کلاسیک فلسفه**. برگردان به پارسی از مسعود علیا. چاپ پنجم. تهران: ققنوس.
۲۷. یورگنس، ماریان و فیلیس، لوئیز. (۱۳۹۱). **نظریه و روش در تحلیل گفت‌مان**. برگردان به پارسی از هادی جلیلی. چاپ دوم. تهران: نشر نی.

رضایت مشتری از خدمات بانکی الکترونیکی

(مطالعه موردی: افغانستان)

نگارنده: حامد امیری*

چکیده

توسعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، تأثیرات مثبت قابل توجهی در زمینه‌های مختلف، از جمله اجتماعی، علمی، اقتصادی داشته و نقش بانک‌ها به عنوان عناصر تأثیرگذار در اقتصاد از اهمیت بیش‌تری برخوردار شده است. افغانستان یک کشور در حال توسعه است و به یک سیستم بانکی، به‌ویژه خدمات بانک‌داری الکترونیکی، ضرورت دارد. خوش‌بختانه تعدادی بانک‌های خصوصی و تجاری وجود دارند، که خدمات الکترونیکی را به مشتریان خود ارائه می‌دهند و از مزایای زیادی برخوردار می‌شوند.

این مقاله به هدف بررسی عوامل مؤثر بر رضایت استفاده از بانک‌داری الکترونیکی در افغانستان انجام شده است. در این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال بودیم که: آیا استفاده‌کنندگان خدمات بانکی الکترونیک از این خدمات رضایت دارند؟ با توجه به این که در مطالعه حاضر رابطه بین متغیرهای مختلف با استفاده از ضریب هم‌بستگی تعیین شده است، روش تحقیق توصیفی و از نوع هم‌بستگی است. در این مطالعه ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه مشتق‌شده از مدل SQ است. یافته‌ها پنج عاملی را نشان می‌دهند که تأثیر مثبتی بر رضایت مشتری از خدمات الکترونیکی در بانک‌های افغانستان دارد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که یک رابطه اساسی با رضایت مشتری بین جنبه‌های اعتماد، پاسخ‌گویی، قابلیت اطمینان و بُعد فیزیکی وجود دارد. همه این عوامل بر رضایت مشتری در بانک‌های افغانستان تأثیر مثبت دارند.

واژه‌گان کلیدی: بانک‌داری الکترونیکی، خدمات بانکی، رضایت مشتری و

افغانستان.

ISSN

Printed: 2788-4155

Online: 2788-6441

Ghalib

Received Date: 25 /03 / 2021

Accepted Date: 07 / 10 / 2021

Customer satisfaction with electronic banking services

(Case Study: Afghanistan)

Author: Hamed Amiri*

Abstract

The development of communication and information technologies has had significant positive effects in various fields, including social, scientific, and economic, and the role of banks as influential elements in the economy has become more important. Afghanistan is a developing country and needs a banking system, especially e-banking services. Fortunately, there are a number of private and commercial banks that offer e-services to their customers and get many benefits.

This article aims to investigate the factors affecting the satisfaction of using e-banking in Afghanistan. In this study, we sought to answer the question: Are users of electronic banking services satisfied with these services? Considering that in the present study, the relationship between different variables has been determined using the correlation coefficient, the research method is descriptive and correlational. In this study, the data collection tool is a questionnaire derived from the SQ model. The findings show five factors that have a positive effect on customer's satisfaction with e-services in Afghan banks. The results of this study show that there is a fundamental relationship between customer's satisfaction between the aspects of trust, accountability, reliability and physical dimension. All these factors have a positive effect on customer's satisfaction in Afghan banks.

Keywords: e-Banking, Banking Services, Customer Satisfaction and Afghanistan.

* Academic Cadre of Ghalib University – Herat (Hamedamiri@ghalib.edu.af)

مقدمه

توسعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی تأثیرات مثبت و چشم‌گیری در زمینه‌های مختلف از جمله اجتماعی، علمی و اقتصادی در جوامعی که از این فناوری‌ها بهره‌مند شده‌اند، داشته است؛ در همین حال، باتوجه به تغییرات بزرگی که در ساختار اقتصادی و سیستم‌های مالی ایجاد شده است، نقش بانک‌ها به عنوان عناصر تأثیرگذار در اقتصاد اهمیت بیش‌تری پیدا کرده است. تردیدی نیست که کلید بقا و پیشرفت سازمان‌ها، ارائه خدمات باکیفیت برتر است و سیستم بانکی به‌عنوان یک صنعت خدمات نیز از این قاعده مستثنا نیست. در این راستا، به دلیل گسترش سریع رقابت و پویایی اقتصادی، سیاست‌های استراتژیک و تجاری بر حفظ اعتماد مشتری به سازمان متمرکز شده است. خدمات الکترونیکی از نظر حفظ و جذب مشتری از اهمیت ویژه‌ی برخوردار استند.

افغانستان نیز در بخش بانکی پیشرفت چشم‌گیری داشته و در سال‌های اخیر توانسته است برخی خدمات بانکی را به کشور خود ارائه دهد. در حال حاضر، ۱۲ بانک خصوصی، دولتی و خارجی وجود دارد، که در افغانستان فعالیت می‌کنند و بیش‌تر خدمات و فعالیت‌های بانکی توسط آن‌ها انجام می‌شود؛ مانند بانک‌های سایر کشورها، بانک‌های افغانستان نیز به دنبال خدمات جدید بانکی استند. برخی از این خدمات، بانک‌داری الکترونیکی است و بانک‌های افغانستان برای جلب رضایت مشتری در بازارهای خود، ارائه این خدمات را آغاز کرده‌اند و هر سال خدمات جدید بانک‌داری الکترونیکی به مجموعه محصولات آن‌ها اضافه می‌شود.

Number of branches and other banking facilities across the country		
شعب با خدمات کامل	204	۳۳ ولایت
شعب با خدمات محدود	212	
Debit card	335274	۳۰ ولایت
Credit card	1516	۶ ولایت
ATM card	192044	
Web surfers card	10120	
Pre-paid card	3776	
ATM	522	۱۲ ولایت

جدول ۱: کاربران بانک‌داری الکترونیکی

منبع: سایت بانک مرکزی افغانستان، گزارش سالانه ۲۰۱۸

خدمات بانکداری الکترونیکی ارائه شده در افغانستان

BANKING & MICRO FINANCE

- Domestic Card Scheme
- International Card Scheme
- Merchant Driving & Monitoring
- SMS Banking
- Mobile Banking
- IVR Banking

MOBILE MONEY

- Interoperability
- Prepaid Cards

PUBLIC SERVICES

- Custom Tax Payment
- Income Tax Payment
- Other Public Services Payment

PAYMENT SERVICE PROVIDERS (PSP)

- ATM Driving & Monitoring
- Prepaid Cards (Afghanistan Payment System, 2019)

لیست خدمات بانکی و بانکداری الکترونیکی در افغانستان			
شماره	نام بانک	نوعیت بانک	خدمات الکترونیک
۱	بانک ملی افغان	دولتی	Online banking, ATM, SMS Banking, Internet Banking, POS, Electronic transfer, Debit Cart, Credit Cart, Western union, SWIFT.
۲	پشتنی بانک	دولتی	
۳	کابل بانک جدید	دولتی	
۴	عزیزی بانک	خصوصی	
۵	بانک بین المللی افغانستان	خصوصی	
۶	بانک اسلامی افغانستان	خصوصی	
۷	میوند بانک	خصوصی	
۸	افغان یونایتد بانک	خصوصی	
۹	اولین بانک قرضه های کوچک	خصوصی	
۱۰	غضنفر بانک	خصوصی	
۱۱	National Bank of Pakistan	نمایندگی بانک خارجی	
۱۲	الفلاح بانک	نمایندگی بانک خارجی	

جدول ۲: لیست خدمات بانکی و الکترونیکی در افغانستان

منبع: وبسایت بانک مرکزی افغانستان (۲۰۱۹)

امروزه افغانستان پس از سال‌ها جنگ توانسته است خدمات جدید بانکی را به مردم خود ارائه دهد. خدمات الکترونیکی مطمئناً توسعه نیافته است؛ اما تا حدی می‌تواند مردم ما را با این خدمات آشنا کند. بسیاری از معاملات تجاری بازرگانان از طریق نقل و انتقالات بانکی الکترونیکی انجام می‌شود و بسیاری از افراد از کارت‌های نقدی و اعتباری استفاده می‌کنند؛ اگر آن را با سال‌های ۱۳۸۲ به این طرف مقایسه کنیم، شاهد تغییرات و تحولات چشم‌گیری خواهیم بود؛ با این حال، ما هنوز به‌طور قابل توجهی از دنیای خارج خود عقب هستیم.

پس از استفاده از محصول یا دریافت خدمات، رضایت احساس خوبی است که در فرد ایجاد می‌شود. احساس ایده‌آل در نتیجه تضاد بین خواسته‌های مشتری و بازده تولیدکننده است؛ اگر محصولات و خدمات ارائه‌شده توسط مصرف‌کننده در همان سطح انتظارات اندازه‌گیری شود، مصرف‌کننده راضی خواهد بود؛ اما اگر سطح خدمات و محصولات به‌تر از انتظارات مشتری باشد، مشتری بسیار خوش حال خواهد شد؛ همچنین سطح پایین ارائه خدمات، باعث نارضایتی مشتری می‌شود. میزان رضایت، نارضایتی و شادی مردم در هر زمان متفاوت است. این سطح انتظارات مربوط به کیفیت کالا و خدمات می‌شود. در دنیایی که اقتصاد رقابتی حالات انحصاری را از بین می‌برد، مشتری‌مداری و رضایت مشتری به‌عنوان اولین قانون تجارت در نظر گرفته می‌شود و مجازات نافرمانی از این قانون، به طرز فاجعه‌باری حذف از بازار است.

سیستم‌های موجود بر اساس اسناد کاغذی و روش‌های سنتی، نیاز فیزیکی مشتری در شعبه برای انجام عملیات بانکی، افزایش حجم عملیات بانکی، که منجر به ازدحام شعب بیش‌تری شده و در نتیجه فشار کار بیش‌تر بر کارمندان بانک، همچنین توقف بیش‌تر زمان برای مشتریان، از جمله معضلات سیستم سنتی بانک‌داری است؛ از سوی دیگر، توسط بسیاری از نظرسنجی‌ها مشاهده شده است، که هزینه جذب مشتری جدید، چندین برابر بیش‌تر از حفظ مشتری فعلی است؛ زیرا هدف اصلی بانک جذب مشتری بیش‌تر است؛ بنابراین، رضایت یا عدم رضایت مشتری در طراحی خدمات بانک‌داری الکترونیکی گران‌بها و ارزش‌مند است؛ پس حفظ مشتریان قدیمی مهم‌تر از جذب مشتریان جدید برای بانک است. نگاه‌داری از مشتریان قدیمی به رضایت آن‌ها از خدمات دریافتی بانک بسته‌گی دارد. یک مشتری خوش‌حال بانکی نه تنها از خدمات ارائه‌شده استفاده مجدد می‌کند؛ بل که مشتریان جدیدی را نیز به بانک جلب می‌کند. مشتریان خوش‌حال منبع درآمد بانک هستند. خدمات باکیفیت بالا در سطح بالا، به‌طور مداوم مزیت رقابتی برای بانک ایجاد می‌کند.

اصطلاح بانک‌داری الکترونیکی، کم‌تر از دو دهه در جهان قدمت دارد. این اصطلاح پس از ایجاد و توسعه شبکه‌های کمپیوتری جهانی در جهان وارد حوزه ادبیات بانکی بین‌المللی شده است. بانک‌ها به‌عنوان یک ستون مهم در ساختارهای اقتصادی و سیستم‌های مالی، باید متناسب با تحولات جهان

حرکت کنند. از طریق این دیدگاه، فناوری اطلاعات می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر در سازمان‌های مالی مورد استفاده قرار گیرد و با استفاده از آن به‌گونه‌یی که علاوه بر ایجاد رضایت مشتری، در این فرآیند نیز مؤثر باشد (داور ونوس؛ ۲۰۰۲: ۴۵).

Berry و Zeithaml, Parasuraman در سال ۲۰۰۸ ده بعد از کیفیت خدمات را تعریف کردند، که بعداً با ۲۲ کیفیت کلی خدمات به پنج بُعد کیفیت خدمات، یعنی قابلیت اطمینان، پاسخ‌گویی، ملموس بودن، اعتماد و هم‌دلی تقسیم شدند.

- قابلیت اطمینان (توانایی انجام کارآمد و صحیح سرویس وعده داده شده)؛
- پاسخ‌گویی (تمایل به پشتی‌بانی از مشتریان و ارائه خدمات به‌موقع)؛
- ملموس بودن (لوازم فیزیکی و ظاهر شخصی)؛
- اعتماد (درک و ادب کارکنان و توانایی آن‌ها در ابراز احترام و اعتماد)؛
- هم‌دلی (مراقبت‌های فردی، مراقبت شخصی از مشتری)؛

Elifneh, and Goulap در سال ۲۰۲۰ گزارشی از رضایت مشتری از عملیات ماشین‌های خودپرداز تهیه کردند. براساس این تحقیق بین کیفیت خدمات و رضایت مشتری، ارتباطات خطی قوی وجود دارد؛ علاوه‌براین، این تحقیق نشان می‌دهد که قوی‌ترین ارتباط بین اعتماد و رضایت مشتری وجود دارد. کم‌ترین ارتباط بین ملموس بودن و رضایت مصرف‌کننده بیان شده است. از آنجا که تمام ضرایب هم‌بستگی مثبت هستند، می‌توان استنباط کرد، که درجه بالاتری از بهبود کارایی خدمات به رضایت مشتری کمک می‌کند.

Phan و Truong دریافته‌اند، که رضایت‌مندی مشتریان دبیت‌کارت‌ها تحت تأثیر دو ویژه‌گی کیفیت خدمات و قیمت قرار دارد. این مطالعه گزارشی از رضایت مشتری در مورد دبیت‌کارت‌ها در ویتنام در سال ۲۰۲۰ است.

Venkatesh و Sivaprakash تحقیقی در مورد رضایت مشتری از خدمات بانکی مدرن بانک‌ها در سال ۲۰۲۰ انجام دادند. یافته‌ها توضیح می‌دهد که استفاده از بانک‌داری اینترنتی، بانک‌داری آنلاین، انتقال الکترونیکی، بانک‌داری اصلی، سپرده بین بانکی و سیستم‌های پرداخت برای آب و برق بانکی جدید تا حد زیادی با رضایت مشتری در ارتباط است.

اهداف پژوهش**هدف اصلی**

_ بررسی و شناخت نقش خدمات بانکی الکترونیکی بر رضایت مشتریان در افغانستان.

اهداف جزئی

۱. شناخت اثرگذاری مفهوم اطمینان روی رضایت مشتری؛
۲. بررسی تأثیر پاسخ‌گویی روی رضایت مشتری؛
۳. بررسی اثرات ملموس بودن یا حالات ظاهری روی رضایت مشتری؛
۴. بررسی تأثیر اعتماد روی رضایت مشتری در خدمات بانکداری الکترونیک؛
۵. ارزیابی هم‌دلی بر رضایت مشتری در خدمات بانکداری الکترونیک؛
۶. بررسی و شناخت تفاوت بین دیدگاه خانم‌ها و آقایان نظر به رضایت آن‌ها از خدمات بانکداری الکترونیک.

پرسش‌های پژوهش**پرسش اصلی**

_ ارائه خدمات بانکی الکترونیکی، بر چه میزان و چه گونه بر رضایت مشتریان در افغانستان اثرگذار است؟

پرسش‌های جزئی

۱. آیا بحث اطمینان روی رضایت مشتریان اثرگذار است؟
۲. آیا پاسخ‌گویی، روی رضایت مشتریان اثر دارد؟
۳. اثرات ملموس بودن یا حالات ظاهری روی رضایت مشتری چیست؟
۴. تأثیر اعتماد روی رضایت مشتری در خدمات بانکداری الکترونیک چه گونه است؟
۵. هم‌دلی بر رضایت مشتری در خدمات بانکداری الکترونیک چه تأثیری دارد؟
۶. تفاوت بین دیدگاه خانم‌ها و آقایان نظر به رضایت آن‌ها از خدمات بانکداری الکترونیک چیست؟

فرضیه‌های پژوهش**فرضیه اصلی**

به نظر می‌رسد که بین رضایت مشتریان و ارائه خدمات بانکی الکترونیکی، توسط بانک‌ها، رابطه مستقیمی وجود داشته باشد.

فرضیه‌های جزئی

۱. به نظر می‌رسد، اطمینان، روی رضایت مشتری تأثیر مستقیم داشته باشد؛
۲. به نظر می‌رسد، پاسخ‌گویی، روی رضایت مشتری تأثیر مستقیم داشته باشد؛
۳. به نظر می‌رسد، ملموس بودن، روی رضایت مشتری تأثیر مستقیم داشته باشد؛
۴. به نظر می‌رسد، اعتماد، روی رضایت مشتری تأثیر مستقیم داشته باشد؛
۵. می‌پنداریم، هم‌دلی، روی رضایت مشتری تأثیر مستقیم داشته باشد؛
۶. به نظر می‌رسد، بانک‌داری الکترونیک، روی رضایت مشتری تأثیر مستقیم داشته باشد؛

چهار چوب مفهومی تحقیق

روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری کیفیت خدمات وجود دارد؛ از جمله مدل‌هایی مانند CAF^۱، EFQM^۲، SQ^۳ و charter Mark اند، که در این تحقیق از SQ استفاده شده است. در ادبیات کیفیت خدمات، متداول‌ترین مدل برای اندازه‌گیری کیفیت خدمات، مقیاس SQ است، که توسط پاراسورامان^۴، زیت‌هامل^۵ و بری^۶ در سال ۱۹۸۸ ارائه شده است. این مدل تحقیق، در چهار بخش خدمات مورد مطالعه قرار گرفت: بانک‌ها، شرکت‌های کارت‌های اعتباری، شرکت‌های سهامی و شرکت‌های تعمیراتی.

پاراسورامان با انجام مصاحبه‌های عمیق با کارمندان این شرکت‌ها و مصاحبه‌های گروهی با مشتریان، مدل مفهومی آنالیز شکاف و خدمات مشتریان، انتظارات مشتری را شناسایی کرد. آن‌ها همچنین ۱۰ بُعد از کیفیت خدمات را معرفی کردند، که عبارت‌اند از: عوامل واقعی، قابلیت اطمینان، پاسخ‌گویی، ارتباطات، اعتبار، امنیت / راحتی، صلاحیت، شایسته‌گی، ادب و تواضع، درک و دسترسی مشتری. (Parasuraman and others, 1985, Cronin and Taylor, 1992, Dubbolkar and others, 2000). بعداً در تحقیقات خود در مورد مدل SQ، آن‌ها معیارها را در پنج بُعد زیر بررسی و اندازه‌گیری کردند: آن‌ها موارد ملموس، قابلیت اطمینان، اعتماد، هم‌دلی و پاسخ‌گویی را خلاصه کردند (Zeithaml and others; 1985: 143).

¹ Common Assessment Framework

² European Foundation for Quality Management

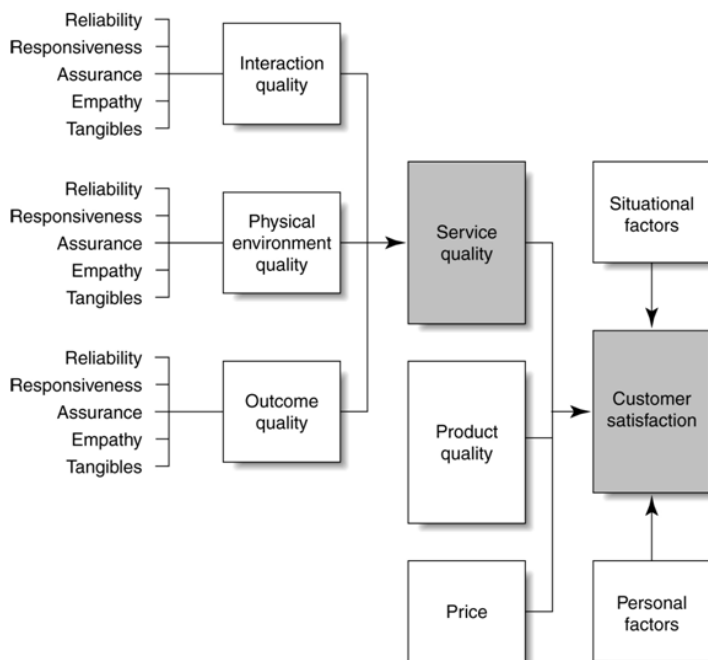
³ Service Quality

⁴ Parasuraman

⁵ Zeithaml

⁶ Berry

بنابراین، آن‌ها از این ابعاد به عنوان پایه‌ی برای ساخت ابزاری برای سنجش کیفیت خدمات استفاده کردند. این مقیاس دارای پنج بُعد و ۲۲ مؤلفه است، که برای اندازه‌گیری انتظارات و درک مشتری از ابعاد کیفیت خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرد (Zeithaml and Bitner;1996:144).



Fig¹. Bitner and Zethaml Model
(Source: Bitner and Zeithaml; 1996: 144)

باتوجه به این که در مطالعه حاضر رابطه بین متغیرهای مختلف با استفاده از ضریب همبسته‌گی تعیین شده است، روش تحقیق توصیفی و از نوع همبسته‌گی است. هدف استفاده از ضریب همبسته‌گی نشان‌دادن رابطه ریاضیکی بین دو یا چند متغیر است. این روش به محقق این امکان را می‌دهد تا بسیاری از متغیرها را اندازه‌گیری کرده و هم‌زمان رابطه داخلی بین آن‌ها را محاسبه کند. در این مطالعه ابزار جمع‌آوری داده‌ها یک پرسش‌نامه مشتق شده از مدل SQ است، که باتوجه به موضوع تحقیق اصلاح شده است. از نظر ساختار، پرسش‌نامه از دو قسمت تشکیل شده است. بخش اول شامل پرسش‌های جمعیت‌شناختی؛ مانند جنسیت، سن، سطح تحصیلات و شغل است. در بخش دوم، ۳۸ پرسش با هدف سنجش کیفیت خدمات از نظر عوامل قابلیت اطمینان، پاسخ‌گویی، اعتماد،

همدلی و ملموس طراحی شده است. سوالات پرسش نامه در ۵ سطح مختلف به صورت کاملاً مخالف، مخالف، خنثا، موافق و کاملاً موافقم بر اساس طیف لیکرت طراحی شده است. روایی به دست آمده از اطلاعات پرسش نامه در حد بسیار بالا و قابل قبول می باشد.

Reliability Statistics for all questions	
Cronbach's Alpha	N of Items
.952	37

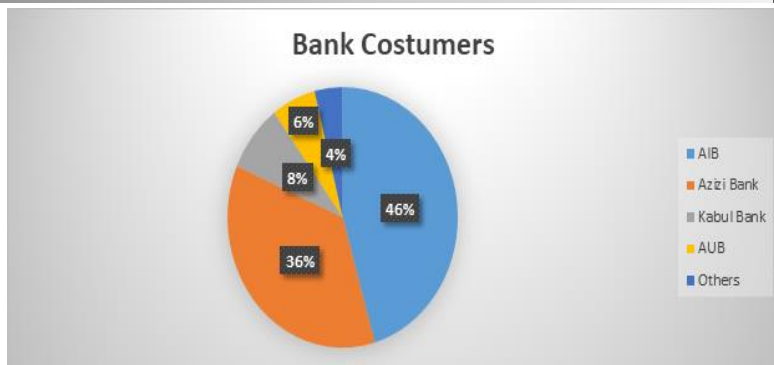
Table-3: Reliability Statistic of all questions

پس از تهیه و تدوین پرسش نامه، اولین مرحله در جمع آوری اطلاعات، تعیین نحوه توزیع و جمع آوری پرسش نامه است. در این مطالعه، پرسش نامه به روش حضوری توزیع و جمع آوری شده و ۱۵۰ پرسش نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در این مطالعه، جامعه آماری، کلیه مشتریان بانک های ولایت هرات استند، که از سیستم بانکی الکترونیکی استفاده می کنند. به دلیل گسترده گی بانک ها، جامعه به صورت نامحدود تعریف شده و از یک روش نمونه گیری تصادفی ساده برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است.

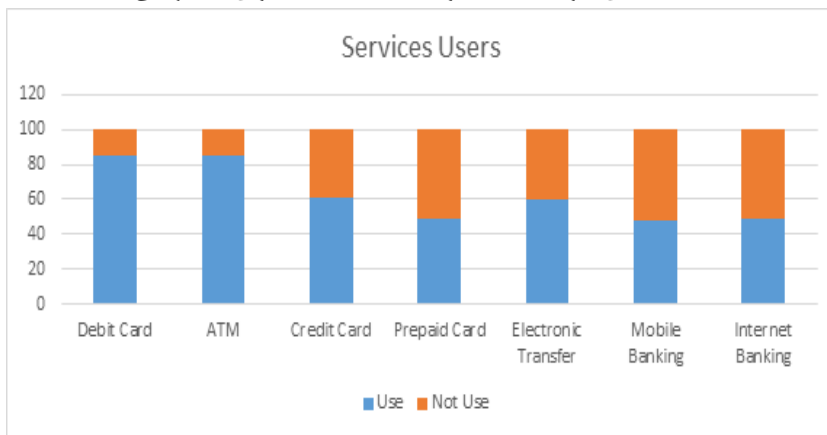
طبقه بندی براساس عوامل جمعیتی							
شماره	نام	دسته	درصد	شماره	نام	دسته	درصد
1	جنس	مرد	79.3	4	وضعیت تأهل	متاهل	63.3
		زن	20.7			مجرد	36.7
2	سن	18-25	34.7	5	درآمد ماهیانه	کمتر از 20,000	53.3
		26-35	48.7			20,000 - 50,000	29.3
		36-45	10.0			50000-100000	11.3
		46-55	3.3			بیشتر از 100000	6.0
		56- Above	3.3				
3	رشته	محصل	12.0	6	تحصیلات	الی صنف دوازده	17.3
		شغل آزاد	20.7			لیسانس	55.3
		کارمند شرکت خصوصی	48.0			فوق لیسانس	21.3
		کارمند دولت	19.3			دکتر	6.0

Table-4: Classification Based on Demographic Factors

Fig². Bank Customers

طبق داده‌های جمع‌آوری شده، AIB و عزیزى بانک، بیش‌ترین مشتری خدمات الکترونیکی را دارند. ۴۶ درصد برای AIB و ۳۶ درصد برای عزیزى بانک و ۱۸ درصد آن‌ها مربوط به بانک‌های دیگر؛ مانند کابل‌بانک، افغان‌یونایتد بانک و دیگران است.

طبقه‌بندی در استفاده از خدمات بانک‌داری اینترنتی

Fig⁴. Services users

خدمات الکترونیکی ارائه‌شده در بانک‌های افغانستان، هفت سرویس است. نمودار بالا، تعداد کاربران این سرویس‌ها را نشان می‌دهد. دبیت‌کارت و خدمات خودپرداز، بیش‌ترین مشتری و کارت پیش‌پرداخت و خدمات موبایل، کم‌ترین مشتری را دارند.

ser	duration	%	frequently	%	ser	duration	%	Frequentl y	%
Debit card	For 0-1 year	25%	One time a month	45%	Electronic transfer	For 0-1 year	20%	One time a month	39%
	Years 1-2	13%	Often a week	24%		Years 1-2	16%	Often a week	11%
	For 2-5 years	30%	Two time a week	6%		For 2-5 years	15%	Two time a week	6%
	5-10 years	14%	Once a day	8%		5-10 years	7%	Once a day	2%
	More than ten years	2%	More than once a day	1%		More than ten years	2%	More than once a day	2%
Credit card	For 0-1 year	30%	One time a month	37%	Mobile banking	For 0-1 year	14%	One time a month	24%
	Years 1-2	11%	Often a week	10%		Years 1-2	9%	Often a week	13%
	For 2-5 years	11%	Two time a week	3%		For 2-5 years	14%	Two time a week	5%
	5-10 years	7%	Once a day	2%		5-10 years	9%	Once a day	3%
	More than ten years	2%	More than once a day	8%		More than ten years	2%	More than once a day	3%
ATM	For 0-1 year	23%	One time a month	39%	Internet banking	For 0-1 year	17%	One time a month	25%
	Years 1-2	13%	Often a week	25%		Years 1-2	12%	Often a week	11%
	For 2-5 years	30%	Two time a week	8%		For 2-5 years	12%	Two time a week	5%
	5-10 years	15%	Once a day	10%		5-10 years	7%	Once a day	5%
	More than ten years	3%	More than once a day	2%		More than ten years	1%	More than once a day	3%
prepaid card	For 0-1 year	25%	One time a month	30%					
	Years 1-2	8%	Often a week	3%					
	For 2-5 years	7%	Two time a week	6%					
	5-10 years	6%	Once a day	3%					
	More than ten years	3%	More than once a day	6%					

Table-5: Use of electronic banking services

تحلیل داده‌ها

در بخش آمار توصیفی مطالعه، از نرم‌افزار SPSS 24، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. در بخش آمار استنباطی مطالعه، از جمله برازش مدل اندازه‌گیری، تناسب مدل ساختاری و آزمایش فرضیه، از نرم‌افزار Smart PLS3.0 برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

خوب بودن مدل مناسب و اندازه‌گیری (MODEL GOODNESS OF FIT AND) (MEASUREMENT)

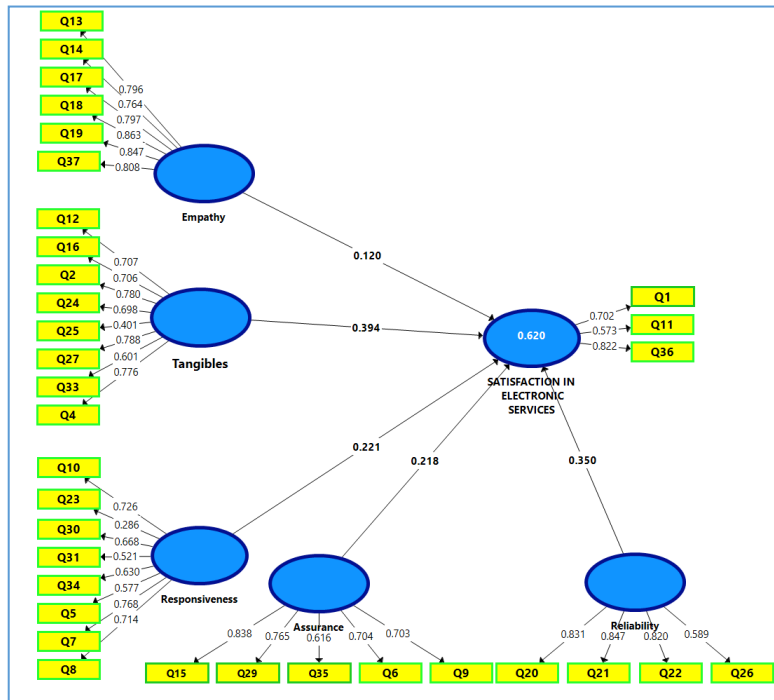
برای اندازه‌گیری خوب بودن تناسب مدل، از پایایی شاخص، روایی واگرا و هم‌گرا استفاده شد. پایایی شاخص برای اندازه‌گیری قابلیت اطمینان داخلی مناسب است، که شامل سه معیار، یعنی ضرایب تحلیل عاملی، آلفای کرونباخ و قابلیت اطمینان ترکیبی است. روایی هم‌گرا نمایان‌گر هم‌بستگی بین یک سازه و شاخص‌های آن است و اعتبار واگرا رابطه بین یک سازه و شاخص‌های آن در مقایسه با رابطه آن سازه با سازه‌های دیگر است، که برآورد قابلیت اطمینان را مطابق با هم‌بستگی داخلی شاخص‌ها ارائه می‌دهد. مقدار خوب برابر و بزرگ‌تر از ۰.۶ است (داوری و رضازاده؛ ۲۰۱۶: ۱۵). قابلیت اطمینان کامپوزیت (CR) معیار دیگری برای محاسبه قابلیت اطمینان است. برای CR، این مقدار برابر و بیش‌تر از ۰.۷ است. این معیار در جدول ۶ نیز نشان داده شده است.

Latent variables	Cronbach's alpha coefficient (AIPh \geq 0/7)	Composite reliability coefficient (CR \geq 0/7)	Average variance extracted AVE (\geq 0/4)
اعتماد	0.839	0.877	0.480
یکدلی	0.784	0.745	0.499
قابلیت اطمینان	0.779	0.849	0.531
پاسخ‌گوی	0.779	0.858	0.607
ظاهری	0.898	0.921	0.661
رضایت‌مندی در خدمات الکترونیکی	0.765	0.832	0.494

جدول ۶. گزارش‌های آلفای کرونباخ و قابلیت اطمینان کامپوزیت

باتوجه به مقادیر آلفای کرونباخ و قابلیت اطمینان کامپوزیت، که در جدول ۶ گزارش شده است، نشان داده شده است، که تمام متغیرهای نهفته دارای ضریب اطمینان آلفا و کامپوزیت کرونباخ بیش‌تر از ۰.۷ هستند، که نشان می‌دهد مدل از قابلیت اطمینان خوبی برخوردار است. با محاسبه هم‌بستگی بین شاخص‌ها، بارگذاری فاکتور ارزیابی شد و مقدار خوب آن برابر و بیش‌تر از ۰.۴ است.

بارگذاری فاکتورها در شکل^۵ نشان داده شده است. باتوجه به این که تمام بارهای فاکتور اندازه‌گیری در سازه^۴ مربوط به بیش از ۰٫۴ است، بناءً این معیار خوبی است. Magenz و هم‌کاران (۱۹۹۶) بر این باورند که معیار AVE برابر و بیش از ۰٫۴ مقدار خوبی است. در جدول^۵، نتایج خروجی مدل برای AVE نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، نتایج نشان می‌دهد که اعتبار هم‌گرا AVE خوب است.



Fig⁵. Factor loadings of research data

برای بررسی اعتبار متغیر مدل اندازه‌گیری از معیار Fornell-Larcker استفاده شد. طبق این معیار، اعتبار واگرایی قابل قبول یک مدل نشان می‌دهد، که یک سازه تعامل بیش‌تری نسبت به سایر سازه‌های موجود در یک مدل دارد. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) معتقدند که اعتبار واگرایی در سطح خوبی باقی می‌ماند وقتی که AVE بیش‌تر از تفاوت متقابل بین آن سازه و سایر سازه‌ها در مدل برای هر سازه باشد. در PLS، یک ماتریس به این مسأله می‌تواند دست یابد. مربعات حاوی مقادیر ضرایب هم‌بستگی بین سازه‌ها و مقادیر AVE مربع مربوط به هر سازه در جدول^۶ ارائه شده است.

	اعتماد	یکدلی	قابلیت اطمینان	پاسخ‌گویی	ملموس بودن یا ظاهری	رضایت‌مندی در خدمات الکترونیکی
اعتماد	0.72 9					
یکدلی	0.70 1	0.813				
قابلیت اطمینان	0.48 5	0.660	0.779			
پاسخ‌گویی	0.67 6	0.669	0.593	0.628		
ملموس بودن یا ظاهری	0.67 3	0.696	0.646	0.535	0.693	
رضایت‌مندی در خدمات الکترونیکی	0.66 8	0.802	0.614	0.516	0.616	0.702

Table 7. Fornell-Larcker calculation

باتوجه به نتایج هم‌بسته‌گی‌ها و AVE مربع، که روی قطر جدول^۷ است، می‌توان نتیجه گرفت، که اعتبار واگرا با توجه به معیار Fornell-Larcker در سطح سازه است.

ارزیابی مدل ساختاری

مدل ساختاری، پس از ارزیابی اعتبار و قابلیت اطمینان مدل اندازه‌گیری، توسط روابط بین متغیرهای نهفته ارزیابی شد. در تحقیق حاضر، از بهترین معیارها برای خوب‌بودن تناسب مدل ساختاری استفاده شده است. این معیارها شامل ضریب تعیین (R^2)، ضریب قابل پیش‌بینی (Q^2) و ضریب معناداری (مقادیر T) است.

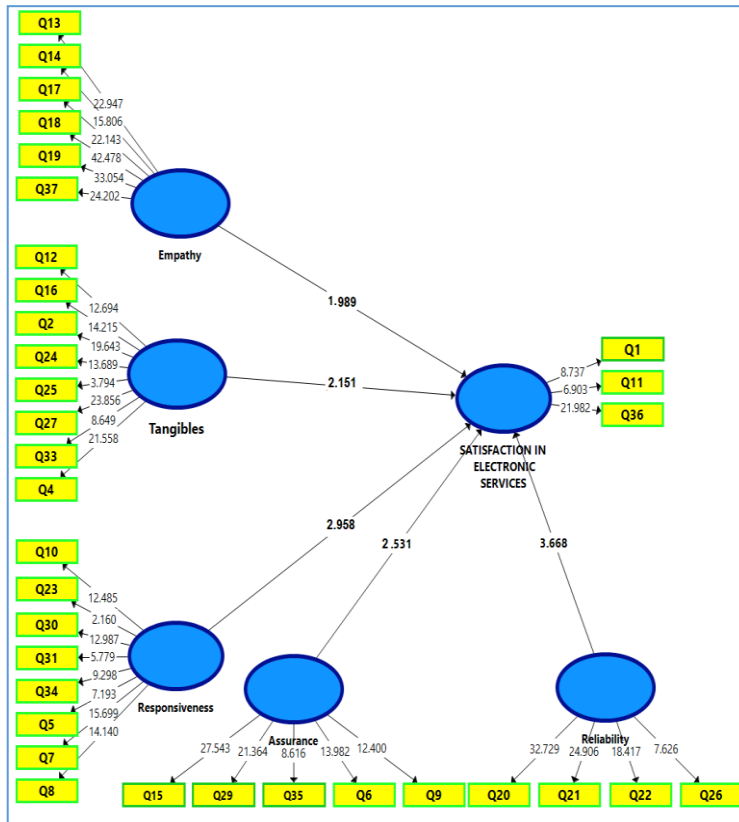


Fig 6. Significance coefficients of research data

نتایج تجزیه و تحلیل مدل ساختاری در جدول، معیار R^2 (R Squares) متغیر درون‌زای مدل تحقیق را نشان می‌دهد. نتایج این معیار نشان می‌دهد، که سه معیار ۰٫۱۹، ۰٫۳۳، ۰٫۶۷ مطابق با Chin (1998) به‌عنوان مقادیر معیار برای ضعیف، متوسط و قوی در نظر گرفته می‌شوند، که در مناسب بودن مدل ساختاری دیده شد، مدل درون‌زا بیش‌تر از ۰٫۳۳ است، که این نشان‌دهنده خوب بودن تناسب مدل ساختاری نسبتاً قوی است؛ علاوه‌براین، به منظور بررسی قابلیت پیش‌بینی مدل از معیار Geisser (Q2) Stone استفاده شد. به گفته هینسلر و هم‌کاران (۲۰۰۹) در مورد درجه پیش‌بینی مدل سازه‌های درون‌زا، سه مقدار ۰٫۰۲، ۰٫۱۵، ۰٫۳۵ برای پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی در نظر گرفته شده است. باتوجه به نتیجه معیار جدول^۱ و باتوجه به این که Q2 متغیر درون‌زا ۰٫۲۷ است، می‌توان نتیجه گرفت، که مدل از پیش‌بینی نسبتاً متوسطی برخوردار است. وقتی روابط بین ساختارها به خوبی مشخص شود، ساختارها قادر خواهند بود شاخص‌های آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند و پیش‌بینی می‌کنند، که فرضیه‌ها در مراحل بعدی تأیید می‌شوند.

Variables	R Square	Q2
SATISFACTION IN_ ELECTRONIC SERVICES	0.62	0.27

Table⁸: coefficient of determination (R2) and coefficient of predictability (Q2)

آزمون فرضیه‌ها و نتایج

آزمون فرضیه اصلی

سنجش میزان رضایت‌مندی مشتریان از خدمات بانک‌داری الکترونیک به‌عنوان فرضیه اصلی این تحقیق تعریف شده بود، که نظر به تأیید فرضیه‌های جزئی، که مؤلفه‌های آن هستند، فرضیه اصلی نیز تأیید می‌باشد.

آزمون فرضیه‌های جزئی

۱. به نظر می‌رسد، اطمینان، روی رضایت مشتری تأثیر مستقیم داشته باشد؛
۲. به نظر می‌رسد، پاسخ‌گویی روی رضایت مشتری تأثیر مستقیم داشته باشد؛
۳. به نظر می‌رسد، ملموس بودن، روی رضایت مشتری تأثیر مستقیم داشته باشد؛
۴. به نظر می‌رسد، اعتماد، روی رضایت مشتری تأثیر مستقیم داشته باشد؛
۵. می‌پنداریم، هم‌دلی، روی رضایت مشتری تأثیر مستقیم داشته باشد؛

باتوجه به مدل آزمایش‌شده الگوی ۳، مقدار T همه متغیرها بیش از ۱,۹۶ است، که نشان‌دهنده اهمیت روابط است. T آماری، اگر کم‌تر از ۱,۹۶ باشد، به معنای رد شدن آزمون است و اگر بیش‌تر از ۱,۹۶ باشد، اهمیت روابط متغیر را نشان می‌دهد. ضریب مسیر بین متغیرها در الگوی ۲ آورده شده است. در آنچه در زیر می‌آید، مطابق جدول^۸، شش ضریب مسیر و آماره t فرضیه‌ها ارائه شده است.

	Hypotheses	Path coefficient	T statistic	Hypothesis result
Hypothesis 1 a	Tangibles -> SATISFACTION IN_ ELECTRONIC SERVICES	0.39	2.15	Confirmed
Hypothesis 1 b	Assurance -> SATISFACTION IN ELECTRONIC SERVICES	0.21	2.53	Confirmed
Hypothesis 1 c	Reliability -> SATISFACTION IN ELECTRONIC SERVICES	0.35	3.66	Confirmed
Hypothesis 1 d	Responsiveness -> SATISFACTION IN ELECTRONIC SERVICES	0.22	2.95	Confirmed

Hypothesis 1 e	Empathy -> SATISFACTION IN ELECTRONIC SERVICES	0.12	1.989	Confirmed
(ns = no significant, *p <.05, **p <.01, ***p <.001)				

Table⁹: Research model hypotheses test

سطح معناداری باید بالاتر از ۰,۰۵ باشد، تا روابط مستقیم تأیید شود و میزان کشش مسیر بحرانی باید بالاتر از ۱,۹۶ باشد، به این معنا که تمام فرضیه‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید شده‌اند؛ همان‌طور که جدول^۹ نشان می‌دهد، کلیه روابط مستقیم تأیید شده‌اند.

Variable	Sig
SATISFACTION IN ELECTRONIC SERVICES	0.27

Table¹⁰.Independent Samples Test

برای فهمیدن این که آیا از نظر رضایت از خدمات الکترونیکی، بین جوامع زن و مرد تفاوتی وجود دارد یا خیر؛ از آزمون میان‌گین دو جامعه مستقل استفاده شده است، که طبق جدول^{۱۰} بالاتر از ۰/۰۵ است و نشان می‌دهد که بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد و فرضیه هفتم تأیید می‌شود.

variable	T	Test value=3		
		Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
			Lower	Lower
SATISFACTION IN ELECTRONIC SERVICES	13.16	0.76000	0.64	0.87

Table¹¹: One- sample T test

به منظور تعیین این که آیا اکثر مردم از خدمات الکترونیکی راضی هستند یا خیر؛ از آزمون T تک‌نمونه استفاده شد؛ همان‌طور که در جدول^{۱۱} نشان داده شده است، T بالاتر از ۱,۹۶ است؛ بنابراین، این نشان می‌دهد که بیش‌تر افراد در سطح متوسط راضی هستند.

تحقیقات زیادی می‌تواند در افغانستان انجام شود و تحقیق حاضر از جمله مبرمیت جامعه افغانستان می‌باشد. امروزه سیستم بانکی قلب نظام مالی یک کشور است و توجه به آن باعث توسعه و رشد اقتصادی می‌شود. جذب مشتری و اخذ سپرده‌های مردم از طریق ارائه خدمات مختلف راهی برای تقویت نظام مالی است. زمانی می‌تواند این مسأله رخ دهد، که رضایت جامعه از ارائه این خدمات در سطح بالایی باشد، که نتایج این تحقیق این مسأله را بیان می‌نماید.

نتیجه گیری

می توان استنباط کرد، که پذیرنده گان، به عنوان یک وسیله ساده و کارآمد برای انجام معاملات بانکی، به بانکداری الکترونیکی نگاه می کنند. اکثر مصرف کننده گان در نظرسنجی گفتند، که این با سبک زنده گی آنها درآمیخته است. این مطالعه نشان داد، که کاربران بانکداری الکترونیکی، معاملات بانکداری الکترونیکی خود را از طریق خانه یا محل کار خود انجام می دهند و بانکداری الکترونیکی بین اکثر مصرف کننده گان بین شش ماه تا دو سال مورد استفاده قرار گرفته است؛ بنابراین، با اندازه گیری سطح کیفیت و بررسی میزان رضایت مشتری و درعین حال، تلاش می شود؛ علاوه بر تضمین پایدار، عمل کرد و کارایی آنها را یکی یکی بهبود بخشد. باتوجه به اهمیت کیفیت خدمات و رضایت مشتریان در این مطالعه، رابطه بین خدمات با کیفیت بانکداری الکترونیکی و رضایت مشتری بررسی شده است. نتایج این تحقیق نشان می دهند که رابطه اساسی با رضایت مشتری بین جنبه های اعتماد، پاسخ گویی، قابلیت اطمینان و بُعد فیزیکی وجود دارد؛ به عبارت دیگر، هرچه سطح اعتماد، پاسخ گویی و قابلیت اطمینان در سیستم خدمات بانکی الکترونیکی پیش تر مورد توجه شود، رضایت مشتریان نیز افزایش می یابد. هم چنین، از نظر فیزیکی، هرچه تجهیزات توسط سیستم بانکداری الکترونیکی به روزتر و مناسب تر با سطح توانایی های جامعه ارائه شود، میزان رضایت مشتری بیش تر خواهد شد؛ بنابراین، توصیه می شود بانک هایی که در این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفتند، به طور مرتب سطح اعتماد مشتری، سطح پاسخ گویی سیستم خدمات الکترونیکی، میزان اطمینان و سطح امکانات فیزیکی را مطالعه کرده و نقاط ضعف و آسیب های احتمالی را شناسایی کنند. طراحی و اجرای راه حل ها و برنامه های مدون برای رفع مشکلات احتمالی را بیابند.

سرچشمه ها

1. Berry, L. L. (1988). **SERVQUAL: A multiple-item scale for measuring consumer perceptions of service quality**. *Journal of retailing*, 64(1), 12-40.
2. Cronin Jr, J. J. & Taylor, S. A. (1992). **Measuring service quality: a reexamination and extension**. *Journal of marketing*, 56(3), 55-68.
3. Davar, V & Safaeian, M. (2002). **Work Methods for Marketing Banking Services for Iranian Banks**. First Edition. Tehran: Danesh Publications (in persian)
4. Elifneh, Y.W, Brahma, D, Jagadish, G. and Girma, Y. (2020). **"Customers' Satisfaction in ATM Service-Empirical Evidence from the Leading Bank in Ethiopia"**. *International Journal of Engineering and Management Research*, 10.

5. S, S. V, & S, V. (2020). "Customer Satisfaction towards Modern Banking Services of Banks with Special Reference to Vellore. International Journal of Engineering and Advanced Technology, 9(3), 2005-2007.

6. Truong, T, Phan, H. and Tran, M. (2020). "A study on customer satisfaction on debit cards: The case of Vietnam". Journal of economics: *Uncertain Supply Chain Management*, 8(2), pp.241-251.

اینترنت

.<<http://old.dab.gov.af/en/page/media/publications/dab-annual-report>>

.<<https://www.aps.gov.af>>

شرح حال امام بستی و کتابش «صحيح ابن حبان»

نگارنده: عبدالناصر امینی*

چکیده

عالم فاضل، محقق، محدث، شیخ خراسان، علامه ابو حاتم محمد بن حبان، از شخصیت‌های مانده‌گار و مفاخر سرزمین اسلامی ما افغانستان بوده است، که با دانش، اندیشه، آثار و خدمات علمی خود، روزگاری مرجع خلاق گردیده و نور فیضش بر بسیاری تابیده است. وی صاحب آثاری گران‌سنگ از جمله «صحيح ابن حبان» است، که در شمار کتاب‌های صحيح حدیث نبوی جای گرفته است؛ اما متأسفانه امروزه در دیار ما کم‌تر کسی از شرح حال وی شناختی دارد و آثارش نیز در محافل و مراکز علمی ما نمودی ندارد. به همین لحاظ تحقیق پیش رو، که به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از داده‌های کتاب‌خانه‌یی شکل گرفته، در پی معرفی این عالم گران‌قدر و آثار گران‌بهایش بوده است، تا با بیان زنده‌گانی و معرفی آثارش گامی در جهت احیای مفاخر و میراث علمی مانده‌گار این مرزوبوم بردارد.

برآیند این پژوهش می‌رساند که: محمد بن حبان بستی از سلاله عربی بوده و در اواخر سده دوم هجری در شهر بُست - لشکرگاه فعلی - هلمند افغانستان متولد شده است. وی با زحمات فراوان و سفرهای بی‌شمار، علم و دانش وافری اندوخته و نهایتاً در حوزه خراسان بزرگ مرجع علمی، اجتماعی و تربیتی خلاق گشته است. ابن حبان آثار فراوانی در حوزه‌های رجال‌شناسی، علوم حدیث، علوم قرآن و تزیین داشته، که متأسفانه نامهری و بی‌توجهی مردمان روزگار، زمینه نابودی آن‌ها را فراهم کرده است.

واژه‌گان کلیدی: بستی، صحيح ابن حبان، زنده‌گانی و آثار.

* عضو هیئت‌علمی پوهنتون غالب هرات (m.abdulnaseramini@gmail.com)

ISSN

Printed: 2788-4155

Online: 2788-6441

Ghalib

Received Date: 12 /05 /2021

Accepted Date: 19 / 11 /2021

Biography of Imam Bosti and his book "Sahih Ibn Habban"

Author: Abdalnaser Amini*

Abstract

The genius scholar and narrator, Sheikh Khorasan, Allama Abu Hatem Muhammad Ibn Habban, has been one of the most influential scholars of Afghanistan whose knowledge, thoughts and scientific works have been used as references by many hadith scholars. He has authored many scholarly books including the "Sahih Ibn Habban", which is considered one of the most authenticated books of hadith. However, his scholarly work has been under-appreciated by the hadith scholars in our country, Afghanistan. Using a qualitative-document analysis approach, this study aims to explore his highly scholarly work to honor and revitalize the scholar of our homeland, Afghanistan. The paper has found out that Mohammad Ibn Habban Bosti is from the Arab Dynasty but was born in Bost-currently called Lashkar Gah city, Helmand province, Afghanistan at the end of the second century AH. The author contended that Ibn Habban Bosti has travelled many cities to gain knowledge; and finally became a highly established scholar of hadith in Greater Khorasan region- currently Afghanistan and Iran. Finally, it is argued that while Ibn Habban has become a top notch scholar in anthropology, hadith, and Quranic studies, his scholarly works, as time passed, has been under-appreciated by the people and other scholars.

Keywords: Bosti, Sahih Ibn Habban, biography, scientific work.

* Academic Cadre of ghalib University – Herat (m.abdalnaseramini@gmail.com)

مقدمه

همواره در گذر تاریخ، در جای جای دنیا، شخصیت‌هایی سربرآورده‌اند، که به عنوان عناصر مفید راه‌نمایی و راه‌بری ملت‌ها و جوامع را به دوش گرفته‌اند. مردمان افغانستان نیز در هر مقطع تاریخی، نوابی به جوامع بشری تحویل داده‌اند، که بیان شرح حال و زنده‌گانی آنان، راه‌نمایی مفید و درسی مانده‌گار برای نسل روزگار ما است، تا با تأسی از آن رادمردان، مسیر تعالی و ترقی را برای خود و دیگران هم‌وار سازند. نوشته حاضر، تلاش می‌کند با معرفی یکی از مفاخر افغانستان‌زمین، به نام علامه ابن حبان بُستی، گامی در مسیر احیای میراث جاویدان این خاک برداشته و برای نسل جوان آن، الگویی مفید معرفی نماید.

نویسنده با تتبع و تفحص در کتاب‌ها و مقاله‌ها، با نوشته‌هایی اندک و ناچیز به زبان فارسی به حیث پیشینه پژوهش که مرتبط با موضوع باشد، برخورد کرده است؛ به همین علت از منابع عربی استفاده کرده، از جمله: کتاب «الإمام الحافظ أبو حاتم محمد بن حبان البستی فیلسوف الجرح والتعديل» اثر محمد عبدالله ابو صعیلیک، که در دمشق: دار القلم، به سال ۱۴۱۵ق به نشر رسیده است. این کتاب ۲۰۸ صفحه‌یی در دو فصل به بیان شرح حال، معرفی آثار و جای‌گاه امام ابن حبان بُستی در علم جرح و تعدیل پرداخته است.

«الإمام محمد بن حبان البستی ومنهجه فی الجرح والتعديل»، نوشته عداد بن محمود خمیس، که در سال ۱۴۰۵ق به منظور اخذ درجه ماستری تعلیمات اسلامی (قرآن و سنت) دانش‌گاه ام‌القرای مکه مکره دفاع شده است. این رساله نیز به‌گونه تفصیلی زنده‌گانی امام ابن حبان، آثار و خدمات وی را در حوزه رجال‌شناسی و جرح و تعدیل بیان کرده است.

نیز از دو مقدمه تفصیلی، که یکی به قلم شعیب ارناؤوط بر «الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» و دیگری به قلم احمد محمد شاکر بر «صحيح ابن حبان» نگاشته شده و به بیان شرح حال و زنده‌گانی امام بُستی و معرفی کتاب صحیحش پرداخته، استفاده کرده است.

هدف این تحقیق، که به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از داده‌های کتاب‌خانه‌یی شکل گرفته، این است که: شخصیت بارز علامه ابن حبان بُستی و آثار گران‌بهایش را معرفی کند و گامی در جهت احیای مفاخر و میراث علمی مانده‌گار این کشور بردارد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که: محمد بن حبان بُستی از سلاله عربی بوده و در اواخر سده دوم هجری در شهر بُست - لشکرگاه - هلمند افغانستان متولد شده است. وی با زحمتهای فراوان و سفرهای بی‌شمار، علم و دانش وافر اندوخته و نهایتاً در حوزه خراسان بزرگ مرجع خلیای گشته است. ابن حبان آثار فراوانی در حوزه‌های رجال‌شناسی، علوم حدیث، علوم قرآن و تزکیه و تربیت داشته، که متأسفانه نامهری و بی‌توجهی مردمان روزگار زمینه نابودی آن‌ها را فراهم کرده است؛ و

امروز جز مواردی اندک، چیزی از آن‌ها در دسترس نیست؛ اما نیاز است که نسل نو کشور همت گمارد و این دُرهای پنهان را احیا کند تا بتواند با الگوبرداری از سیرت و استفاده از آثار آنان، چراغ راهی در مسیر خود و آینده‌گان بیفزود.

شرح حال امام ابن حَبان بُستی

نام و نسب

وی امام، عالمِ فاضل، محقق، حافظ، محدث، مُجَوِّد، شیخ خراسان، علامه محمد بن حبان بن احمد بن حبان بن معاذ بن معبد (آملی؛ ۱۴۰۸ق: ۶۴)، بن سعید بن شهید بن هدیه بن مره بن سعد بن یزید بن مره بن زید بن عبدالله بن دارم بن مالک بن زید مناة بن تمیم بن مر بن اَد بن طابحة بن إلیاس بن مُضَر بن نزار بن معدّ بن عدنان التیمی البستی. مشهور به ابن حبان است؛ و کنیه‌اش ابوحاتم می‌باشد (ذهبی؛ ۱۴۱۹ق: ۸۹/۳).

وی از سلاله عرب و به قبیله تمیم منسوب است (ارناؤوط؛ ۱۴۰۸ق: ۷/۱) و نیز در رابطه با نسب ایشان گفته شده عربی‌الأصل است و نسبش به الیاس بن مضر می‌رسد؛ در برخی روایات به دارم و تمیم بن مُر منسوب گردیده است (کردعلی؛ ۱۳۶۹ق: ۱۴۸).

ولادت و زادگاه

تاریخ دقیق ولادت امام ابن حبان، مشخص نیست، جز آن‌چه امام ذهبی گفته است: «سال دوصد و هفتاد و اندی» (ذهبی؛ ۱۴۰۵ق: ۹۳/۱۶). زادگاه ایشان شهر بُست (لشکرگاه فعلی) بوده است. واژه بُست در زبان فارسی به معنی جایی است که میوه‌های خوش‌بو در آن‌جا بسیار باشد (معین؛ ۱۳۸۸: ۴۲۴/۱)، و شهر بست نیز هم‌واره سرسبز، کوهستانی و حاصل‌خیز بوده و شاید همین سبب نام‌نهادن آن به بست گردیده است.

بُست یا لشکرگاه، مرکز ولایت هلمند است، که در جنوب‌غرب افغانستان موقعیت دارد و از وسیع‌ترین ولایات این کشور به شمار می‌آید. این ولایت از طرف شمال با ولایت غور، از جنوب با بلوچستان پاکستان، از شرق با ولایات دایکندی، ارزگان و کندهار و از طرف غرب با ولایات فراه و نیمروز هم‌سرحد می‌باشد. یاقوت حموی در معجم البلدان، بُست را بین سجستان (زرنج)، غزنین و هرات می‌داند (حموی؛ ۱۹۹۵م: ۴۱۴/۱). بست در سال ۴۳ هجری در عهد خلافت عمر بن الخطاب (رضی‌الله‌عنه) توسط فرمانده فاتح عبدالرحمن بن سمره (رضی‌الله‌عنه) فتح شده و در قلمرو اسلام داخل شد. (ابن اثیر؛ ۱۴۱۷ق: ۵۰۶/۳).

تحصیلات و سفرهای علمی

امام ابن حبان در ایام کودکی، مبانی دینی و مقدمات علوم متداوله اسلامی را در زادگاهش بُست نزد دو عالم بزرگ منطقه، به نام‌های شیخ قاضی اسحاق بن ابراهیم بُستی و شیخ محمد بن عبدالله بن جنید فراگرفت (حموی؛ ۱۹۹۵م: ۱ / ۴۱۵). وی سفرهای علمی خود را از آغاز سده سوم هجری قمری، که بیست سال سن داشت، آغاز کرده و به بیش از چهل شهر از بلاد اسلامی سفر کرد و نزد بیش از دو هزار استاد و شیخ زانوی تلمذ زد (ارناؤوط؛ ۱۴۰۸ق: ۱ / ۷).

وی در مقدمه کتابش «المسند الصحيح علی التقاسیم والأنواع» گفته است: «شاید ما از شهر اسپبج (شهری در قزاقستان امروزی) تا اسکندریه، از بیش از دو هزار استاد حدیث کسب کرده و یادداشت کرده باشیم» (همان: ۱ / ۷). شاید این سخن مقداری مبالغه‌آمیز به نظر آید، اما با کاوش در آثار و تألیفات امام ابن حبان، درمی‌یابیم، شیوخ و استادانی که وی از آنان حدیث روایت کرده، اگر گردآورده شده و شمارش گردد، قطعاً از این عدد نیز بیش‌تر خواهد بود. شیخ شعیب ارناؤوط محقق صحیح ابن حبان، برخی از شهرها، که امام بستی جهت دریافت حدیث سفر کرده را ذکر کرده، از جمله: سجستان، هرات، مرو، سُغد، شاش (تاشکند کنونی)، بخارا، نَسَا، نیشابور، گرگان، طهران، اَرغیان، کرج، اهواز، بصره، بغداد، کوفه، موصل، نَصیبین، رقه، انطاکیه، طرطوس، حمص، دمشق، بیروت، رمله و بیت‌المقدس (همان: ۱ / ۱۰).

خداوند متعال، همت بلندی به ابن حبان عنایت کرده بود و او برای کسب مهارت‌های علمی مختلف و فراگیری فنون رایج عصر و زمان خود، در حوزه‌های علم حدیث، فقه، اصول فقه و استنباط احکام، زبان و ادبیات عرب، علم کلام، علم طب، فلکیات و ... تلاش بی‌دریغ کرد و نهایتاً خود را به قله‌های شامخ علوم و فنون رساند.

استادان

امام ابن حبان بُستی، دانش‌مندی کوچنده، کثیرالسفر و جوایب دانش بود و چنان‌که قبلاً گفته شد، در هر شهر و دهی که از محدثی قابل اعتماد، یا فقیه‌ی بزرگ نشانی می‌یافت، به محضر او شتافته و کسب فیض می‌کرد. بیان شرح حال و یا نام‌بردن تمامی استادان و مشایخ وی، دشوار است و حسب تحقیق نگارنده تا کنون رقمه‌یی که همه استادان ابن حبان را گردآورده باشد فرصت نگارش نیافته، گرچه یاقوت حموی در معجم *البلدان* بسیار کوشیده و تعداد زیادی از استادان ابن حبان و دیارشان را به تفصیل بیان کرده است، لکن خودش اقرار می‌کند که جامع نیست و در فرجام مطلب می‌گوید: «و جماعت بی‌شمار دیگر که از همین طبقه و از مشایخ [ابن حبان] هستند» (حموی؛ ۱۹۹۵م: ۱ / ۴۱۶)؛

اما با توجه به برخی از نوشته‌ها، که در رابطه با مشایخ کتاب صحیح و سایر آثار ابن حبان نوشته شده، می‌توان به برخی از استادان مشهور وی با ذکر دیار محل اقامت شان، اشاره کرد، از جمله: **بُست:** قاضی اسحاق بن ابراهیم بُستی، محمد بن عبدالله بن جنید بستی و محمد بن عمر بن عبّاد؛ **هرات:** ابوبکر محمد بن عثمان بن سعد دارمی و محمد بن هاجک هروی؛ **مرو:** عبدالله بن محمود بن سلیمان سعدی مروزی و احمد بن محمد بن بشر شافعی؛ **گرگان:** حافظ عبدالملک بن محمد بن عدی گرگانی؛ **ری:** عبدالرحمن بن محمد حماد طهرانی، علی بن حسن بن مسلم اصیبهانی و مهران بن هارون؛ **سمرقند:** ابراهیم بن نصر عنبری و احمد بن خلف بن عبدالله سمرقندی؛ **نَسَا:** حافظ حسن بن سفیان شیبانی و محمد بن احمد بن ابو عون ریانی؛ **نیشابور:** امام حافظ محمد بن اسحاق بن خزیمه، حافظ محمد بن اسحاق بن ابراهیم ثقفی سرّاج و ابراهیم بن اسحاق انماطی زاهد؛ **حجاز:** امام العلم حافظ محمد بن ابراهیم بن منذر نیشابوری (ساکن مکه)، امام مفضل بن محمد بن ابراهیم جندی، احمد بن محمد بن زیاد بن اعرابی و محمد بن احمد بن حماد دولابی؛ **بغداد:** حامد بن محمد بن شعیب کجی بلخی، عبدالله بن سلیمان بن ابو داود سجستانی و هیثم بن خلف دوری؛ **بصره:** ابو خلیفه فضل بن حباب جُمّحی، حافظ زکریا بن یحیی ساجی و محمد بن الحسین بن مکرم بزار؛ **موصل:** ابو یعلی احمد بن علی بن مثنی، ابراهیم بن علی بن عبدالعزیز عمری و روح بن عبدالمجیب ابو صالح موصلی؛ **حَرّان:** ابو عروبه حسین بن محمد بن مودود حرانی و عبدالله بن محمد ناجیه؛ **طرطوس:** ابراهیم بن ابو امیه طرطوسی و محمد بن یزید رقی؛ **انطاکیه:** حافظ وصیف بن عبدالله العطار اشروسی و احمد بن ابراهیم بالسی؛ **دمشقی:** احمد بن عمیر بن جوصا و حاجب بن محمد ارکین فرغانی؛ **عسقلان:** حافظ محمد بن حسن بن قتیبه و... (خمیس؛ ۱۴۰۵ق: ۱۵۶). کثرت استادان ابن حبان بیان‌گر سفرهای بی‌شمار وی و تحمل مشقت‌های فراوانی است که در راه کسب دانش و تحصیل علوم اسلامی متحمل شده و در این مسیر از هیچ کوششی فروگذار نکرده است.

شاگردان

ابن حبان بُستی، در ایام تصدی منصب قضاء در سمرقند و نیز در خانقاهی که در نیشابور اساس گذاشته بود و دوره چهارده‌ساله اقامت در بُست، در مدرسه‌یی که برای شاگردان و یاران حلقه علمی خود ساخته و به تدریس اشتغال داشت، مرجع بسیاری از روایان، حافظان حدیث و پیش‌وایان مذهبی خراسان بزرگ در اواخر نیمه اول سده سوم هجری بود و خلق بی‌شماری از خوشه‌چینان خرمن علم و دانش او بوده و از روایان آثار گران‌سنگش هستند (ذهبی؛ ۱۴۲۷ق: ۱۶ / ۹۴). گرچه شاگردان

ایشان بی حد و حصرند، اما از شمار آنان که از علمای بزرگ و حافظان مشهور حدیث هستند، افراد ذیل را می توان نام برد:

امام، حافظ ابو عبدالله محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، صاحب «المستدرک علی الصحیحین»؛ امام، حافظ، محدث اسلام ابو عبدالله محمد بن ابو یعقوب عبدی اصبهانی، صاحب «معرفة الصحابة»؛ امام، حافظ ابو الحسن علی بن عمر دار قطنی، صاحب «سنن دار قطنی»؛ حافظ ابو علی منصور بن عبدالله دُهلی هروی؛ مصنف بزرگ و ادیب چیره دست ابو عمر محمد بن احمد نوقانی؛ محدث ابو الحسن محمد بن احمد زوزنی (ارناؤوط؛ ۱۴۰۸ق: ۱ / ۲۶-۲۷). حافظ ابو عبدالله محمد بخاری؛ حافظ ابو سعد عبدالرحمن استرابازی؛ ابو عبدالله محمد بن احمد خشنام شروطی؛ جعفر بن شعیب سمرقندی؛ حسن بن منصور اسبیجایی؛ حسن بن محمد سهل فارسی (رمزی؛ ۱۴۲۶ق: ۳۰۳)؛ و خلق بی شمار دیگری که ذکر نام آن ها در این مجال نمی گنجد.

آثار علمی

از دیرباز گفته اند که فضیلت و کمال یک شخص با دو وسیله باقی و مانده گار می شود: یکی شاگردان و دیگری آثار علمی؛ از شاگردان امام ابن حبان سخن به میان آمد و نام نامی برخی از آن بزرگواران را ذکر کردیم و برای شرح بیش تر خواننده گان گرامی می توانند به کتاب های تراجم / زنده گی نامه ها مراجعه نمایند؛ اما آثار علمی مانده گار این امام همام بسیارند و ایشان از مکثرین مصنفان به حساب می آید. علامه قفطی می گوید: «از دیرباز مردمان به قصد تصانیف ابن حبان به خراسان سفر می کرده اند» (قفطی؛ ۱۴۰۶ق: ۳ / ۱۲۲). یاقوت حموی در معجم البلدان تعداد آثار ابن حبان را چهل و دو اثر ذکر کرده و شیخ محمد عبدالرزاق حمزه در مقدمه «موارد الظمان» از هیثمی، پنجاه و نه اثر گفته است (ابو صعیلک؛ ۱۴۱۵ق: ۴۸).

تألیفات ابن حبان را در مجموع می توان به دو دسته تقسیم کرد؛ نسخه های خطی بی که چاپ و تحقیق نشده و متأسفانه موجود نیست؛ و دسته دوم، کتاب هایی که در دسترس بوده و بارها تحقیق، شرح، ترتیب بندی و چاپ شده و امروزه در بازارهای کتاب نیز موجود است. استاد عبدالله محمد ابوصعیلک نام چهل و چهار اثر از نسخه های خطی و نایاب را در کتابش «الإمام الحافظ أبو حاتم محمد بن حبان البستی فیلسوف الجرح والتعديل» ذکر کرده، که این جا به برخی اشاره می کنی م: کتاب الصحابة (پنج جزء)؛ کتاب التابعین (دوازده جزء)؛ کتاب أتباع التابعین (پانزده جزء)؛ کتاب تبع الأتباع (سیزده جزء)؛ کتاب تُباع التبع (بیست جزء)؛ کتاب الفصل بین النقلة (ده جزء)؛ کتاب علل أوهام أصحاب التواریخ (ده جزء)؛ کتاب علل حدیث الزهری (بیست جزء)؛ کتاب علل حدیث مالک بن انس (ده جزء)؛ کتاب الفصل والوصل (ده جزء)؛ کتاب آداب الرحالة (دو جزء)؛ کتاب ما انفرد

به أهل المدينة من السنن (ده جزء)؛ کتاب ما انفرد به أهل مكة من السنن (پنج جزء)؛ کتاب ما انفرد به أهل خراسان (پنج جزء)؛ کتاب ما انفرد به أهل العراق من السنن (ده جزء)؛ کتاب الجمع بین الأخبار المتضادة (دو جزء)؛ کتاب غرائب الأخبار (بیست جزء)؛ کتاب ما أغرب الکوفیون علی البصریین (ده جزء)؛ کتاب من يعرف بالأسامی (سه جزء) و... (همان: ۵۰-۵۱) این نسخه‌های خطی در حجمی از یک تا سی جزء نوشته شده و جمعاً بیش از چهارصد جزء است. بیش تر این آثار به صحابه، تابعان، اتباع آنان، مناقب ائمه، جرح و تعدیل احادیث، رجال و روایان، غرائب اخبار کوفیان و بصریان و... اختصاص یافته است.

۱ ما آثار مطبوع امام ابن حبان علی‌رغم کثرت تألیفات وی، بسیار محدود و از تعداد انگشتان یک دست فراتر نرفته است؛ اسامی این کتاب‌ها به شرح ذیل است:

۱. الثقات: این کتاب که در رابطه با شرح حال روایان و جرح و تعدیل آنان نگارش یافته، بارها در هند و لبنان در نه جلد به چاپ رسیده و اخیراً توسط انتشارات دائرة المعارف حیدر آباد دکن چاپ و توزیع شده است؛

۲. المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین: امام ابن حبان در این کتاب به ذکر روایانی پرداخته که مورد نقد قرار گرفته اند و روایات شان قابل پذیرش نیست؛ باری این کتاب با تعلیقات دار قطنی، در دو جلد در هند چاپ شد و نسخه‌ی دیگری با تحقیق استاد محمود ابراهیم زاید در حلب سوریه به چاپ رسید.

نکته قابل ملاحظه این که این کتاب توسط برخی از دانش‌مندان و کارشناسان علم حدیث، نقد شده و برخی انتقادات و جرح مؤلف نسبت به روایان را نپذیرفته اند؛ علامه لکنوی می‌گوید: «ابن حبان در رابطه با جرح برخی افراد بسیار مبالغه کرده است» (لکنوی؛ ۱۴۲۸ق: ۱۷۹).

۳. مشاهیر علماء الأمصار: این کتاب شامل ۱۶۰۲ شرح حال و زنده‌گی‌نامه _ کوتاه و تفصیلی _ بزرگان و مشاهیر اسلام از عصر صحابه تا تبع تابعین است. مستشرق شهیر فلایش‌هامر در سال ۱۹۵۹ م. این کتاب را منتشر کرد. و اخیراً با تحقیق و اضافاتِ مجدی بن منصور بن سید شوری از دار الکتب العلمیه، بیروت چاپ و توزیع شد؛

۴. روضة العقلاء ونزهة الفضلاء: کتابی زیبا با محتوای تربیتی، اندرز و موعظه؛ این اثر تا کنون توسط سه نفر: محمد محیی‌الدین عبدالحمید، محمد عبدالرزاق حمزه و محمد حامد الفقی تحقیق و بازنگری شده و در قاهره توسط انتشارات احمد ناجی الجمالی به چاپ رسیده است؛

۵. المسند الصحيح على التقاسيم و الأنواع، من غير وجود قطع سندها، ولا ثبوت جرح في ناقلها (معروف به صحيح ابن حبان): در رابطه با این اثر به تفصیل بحث خواهد شد.

کاوشی پیرامون صحيح ابن حبان

آثاری که به حفظ و گردآوری احادیث نبوی پرداخته‌اند، بسیار و متنوع هستند؛ زیرا اهداف هر مؤلف و شیوه تألیف هر کتاب از دیگری متفاوت بوده است. کتاب‌های صحاح مثل صحيح بخاری، صحيح مسلم از جمله آثاری اند، که مؤلفان آن‌ها صحت روایات را شرط لازمی جهت ثبت و ضبط احادیث قرار داده اند. صحيح ابن حبان نیز از شمار همین نوع آثار صحاح است و عنوان کامل آن «المسند الصحيح على التقاسيم والأنواع، من غير وجود قطع في سندها، ولا ثبوت جرح في ناقلها» می‌باشد و در میان علما به «التقاسيم والأنواع» یا «صحيح ابن حبان» شهرت یافته است. ابن حبان انگیزه تألیف این کتاب را در مقدمه آن ذکر کرده و کثرت طرق روایات، عدم شناخت کافی مردم از روایات صحيح، رواج نگارش احادیث موضوعی، حفظ و تثبیت روایات اشتباه و معکوس را از جمله دلایل روی آوردن به تألیف آن می‌داند (بستی؛ ۱۴۰۸ق: ۱ / ۱۰۲)؛ و تلاش می‌کند تا روایات صحیحی که متروک شده و از نگارش بازمانده را مجدداً ترویج نماید. در سطرهای آتی این اثر گران‌سنگ را به تفصیل معرفی خواهیم کرد:

۱. روش تألیف صحيح ابن حبان

با مطالعه و تفحص در کتاب صحيح ابن حبان متوجه می‌شویم، که امام بستی در گردآوری روایات و شرایطی که برای تثبیت صحت آن‌ها وضع کرده، ترتیب ابواب، بیان شرح حال روایان، اظهار دیدگاه‌های فقهی، اصولی، لغوی، بیان روایات اختلافی و دفع شبهات از آن‌ها، روشی مبتکرانه اختیار کرده، که طبعاً کتابش را نسبت به سایر کتاب‌های مشابه متمایز می‌کند. در این مطلب به صورت گذرا به برخی از نکات مذکور اشاره خواهیم کرد:

الف: ترتیب شگفت و مبتکرانه ابواب

محدثین در گردآوری احادیث نبوی و تألیف آثار خود، از روش‌های مختلفی کار گرفته و هر کدام روایات را به ترتیب خاصی در کتاب خود نگاشته‌اند؛ به عنوان مثال، امام بخاری در کتاب صحيحش، احادیث را به گونه ابواب گردآورده؛ برخی نیز به ترتیب مسانید صحابه روایات را جمع‌آوری کرده اند (

یعنی تمامی روایت یک صحابی را به ترتیب در یک باب ذکر کرده و بعد روایات صحابی دیگر را پی‌هم می‌آورند)، مثل مسند مشهور امام احمد بن حنبل؛ اما ابن حبان روش مبتکرانه دیگری اختیار می‌کند. سیوطی در کتاب «تدریب الراوی» درباره ترتیب کتاب ابن حبان گفته است: «صحیح ابن حبان ترتیبی نوآورانه دارد، نه به ترتیب ابواب است و نه بر اساس مسانید؛ به همین خاطر ابن حبان آن را «التقاسیم والأنواع» نام نهاده است» (سیوطی؛ ۱۴۲۴ق: ۱ / ۱۴۸)؛ هم‌چنین ابن حبان در مقدمه کتاب صحیحش می‌گوید: «وقتی در رابطه با روایات صحیح اندیشیدم، متوجه شدم که جهت ایجاد سهولت برای حفظ شاگردان می‌توان تمامی روایات را در پنج بخش مساوی تقسیم‌بندی کرد:

۱. دستوراتی که خداوند بنده‌گانش را به آن‌ها امر نموده؛
۲. نواهی‌یی که خداوند بنده‌گانش را از آن بازداشته؛
۳. اخبار از اموری که شناخت آن‌ها ضروری است؛
۴. موارد مباحی که انجام آن‌ها جایز است؛
۵. افعالی که فقط به پیام‌بر صلی الله علیه وسلم اختصاص دارد.

و هر قسمت از این بخش‌های پنج‌گانه نیاز به انواع دیگری دارد، تا مبین دانش‌های مهمی باشد که کسی جز عالمان راسخ نمی‌تواند آن‌ها را درک کند...» (همان: ۱ / ۱۰۳). به همین ترتیب ذیل هر بخش، انواعی مرتبط با موضوع آورده و احادیث را با درج عنوان‌های خاص جمع‌آوری کرده است. من حیث المجموع تمامی انواع کتابش بالغ بر چهارصد نوع است.

ب: تراجم/ عنوان‌های ابواب

منظور از تراجم، عنوان هر باب است، که بیان‌گر دیدگاه‌های فقهی و باورهای مؤلف کتاب می‌باشد؛ چنان‌که در رابطه با امام بخاری گفته شده که دیدگاه‌های فقهی وی از عنوان‌های ابواب کتابش صحیح بخاری دانسته می‌شود؛ دقیقاً این مسأله در رابطه با امام ابن حبان نیز صدق می‌کند. علامه مرحوم شیخ احمد شاکر از محققان صحیح ابن حبان گفته: «این عنوان‌ها بیان‌گر فقه ابن حبان و دانش به تمام معنای وی نسبت به سنت است» (شاکر؛ ۱۳۷۲ق: ۱ / ۱۷).

امام بُستی با شیوه‌های مختلف آرا و دیدگاه‌های خود را با عبارت‌هایی که بیان‌گر محتوای باب است، گاهی با جمله خبری عام که چندین وجه را دربر دارد و گاهی با جمله خبری خاص که مرتبط با مسأله مطروحه باب است، مطرح کرده و به دیدگاه فقهی خود اشاره می‌کند. گاهی نیز عنوان را از حدیث باب انتخاب می‌کند، بدین معنا که کل متن حدیث باب یا قسمتی از آن را عنوان باب قرار می‌دهد. در بعضی از ابواب دیدگاه یکی از علما را در عنوان باب ذکر کرده و روایات مخالف آن را در باب می‌آورد و به نوعی آن دیدگاه را رد می‌کند. در برخی از موارد، عنوان باب از شأن نزول آیه‌یی که

روایات مرتبط با آن گردآورده شده بحث می‌کند؛ یا عنوان باب تفسیر آیه‌ی کامل یا جزئی از آیه‌ی است که در مورد آن بحث می‌شود؛ و مواردی دیگر از همین قبیل. استاد محمد عبدالله ابو صعیلیک در کتاب «الإمام الحافظ أبو حاتم محمد بن حبان البستی فیلسوف الجرح والتعديل» در رابطه با ابواب و تراجم امام ابن حبان به تفصیل سخن گفته و انواع آن را با ذکر مثال‌های بسیاری شرح داده است؛ خواننده‌گان محترم می‌توانند جهت استفاده و آشنایی بیش‌تر به این کتاب مراجعه نمایند.

ج: اظهار نظرهای حدیثی، فقهی، لغوی و ... در خلال روایات

مراد اظهار نظرهایی است که ابن حبان بعد از روایت هر حدیث ذکر می‌کند و می‌توان مجموع آن‌ها را به اقسام ذیل دسته‌بندی کرد:

۱. اظهار نظرهای حدیثی؛ مثل بیان صحت یا ضعف حدیث، معرفی (جرح و یا تعدیل) راویان و دفع تعارضات و شبهات از حدیث؛

۲. اظهار نظرهای عقیدتی؛ که بیان‌گر مذهب کلامی ابن حبان است؛

۳. اظهار نظرهای فقهی؛ مثل بیان حلت یا حرمت، جواز یا عدم جواز، اباحت یا کراهت یک حکم فقهی؛ و نیز گاهی دیدگاه‌های سایر مذاهب فقهی را شرح می‌دهد؛

۴. اظهار نظرهای اصولی؛ چنان‌که پس از برخی روایات می‌گوید: این حدیث در فلان حکم فقهی به عنوان اصل و یا قاعده عمومی است؛

۵. اظهار نظرهای لغوی؛ این نظرها به اشکال مختلفی ارائه می‌شود، از جمله: شرح و معنای واژه گان مبهم و غیر متداول، معرفی شهرها و بلادی که نام آن‌ها در روایات می‌آید و ..؛

۶. اظهار مباحث تربیتی؛ مثل این روایت که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرموده: «الإیمان بضع و ستون شعبه، والحياء شعبه من الإیمان»، ابن حبان پس از نقل این روایت می‌گوید: «حیاء پرده و حایلی بین شخص و امور ممنوعی است که انسان را از پروردگارش دور می‌کند؛ گویا پیام‌بر صلی الله علیه وسلم با استفاده از لفظ حیاء، ترک ممنوعات را شعبه‌ی از ایمان اطلاق می‌کند» (بستی؛ ۱۴۰۸ق: ۱ / ۳۸۹).

این‌ها نمونه‌هایی از اظهار نظرهای ابن حبان در کتاب صحیحش بود و چنان‌که ملاحظه نمودید، تنوع خاصی داشته و از این ره‌گذر کتابش را بار علمی بیش‌تری بخشیده است (ابو صعیلیک؛ ۱۴۱۵ق: ۹۷-۱۱۴).

د: توجه به روایات اختلافی و دفع شبهات از آن‌ها

یکی از نکته‌های بارز آثار امام ابن حبان توجه به روایات متضاد و راویان اختلافی است، که گاهی روایاتی را که به ظاهر متضاد فهمیده می‌شوند و یا محدثان و متخصصان جرح و تعدیل در رابطه با

متن روایت و یا راویان، دیدگاه‌های متفاوتی دارند، ابن حبان در خلال روایت احادیث به دفع تضاد روایات و تأیید و یا رد نظرات علما می‌پردازد.

۲. شرایط ابن حبان در صحیحش

بدیهی است که محدثان بزرگ برای نقل روایات و ثبت و ضبط آن‌ها در آثار خویش، شرایط خاصی وضع کرده و بر اساس آن احادیث و روایت را پذیرفته یا رد کرده‌اند؛ در رابطه با ذکر شرایط ائمه حدیث، کتاب‌های مستقل بسیاری نوشته شده، از جمله: «شروط الأئمة في القراءة والسماع والمناولة والإجازة» از حافظ ابو عبدالله بن منده؛ «شروط الأئمة الستة» از حافظ محمد بن طاهر مقدسی؛ «شروط الأئمة الخمسة» از امام حازمی؛ هم‌چنین در ضمن برخی از کتاب‌های علوم و مصطلحات حدیث نیز مباحثی از شرایط ائمه حدیث ذکر شده است؛ امثال: «علوم الحدیث» از ابن صلاح؛ «النکت علی کتاب ابن صلاح» از ابن حجر و «تدریب الراوی» از سیوطی که این بیان‌گر اهمیت شرایطی است که محدثان در نظر داشته و زمینه را فراهم کرده اند تا دیگران براساس آن شرایط، آثارشان را ورنه‌انداز نموده و میزان موفقیت یا عدم موفقیت مؤلفان را بسنجند. برخی از محدثان شرایط خود را صریحاً در کتاب خویش بیان کرده اند، مثل ابو داود سجستانی در سنن، ترمذی در العلل الصغیر و ابن حبان در کتاب صحیحش و برخی دیگر شرایط خود را بیان نکرده‌اند، مثل امام بخاری و

ابن حبان در مقدمه کتابش شرایط خود را ذکر کرده و پنج عنصر مهم در قبول یا رد روایت را: عدالت راوی، امانت‌داری در حدیث، تعقل نسبت به مرویات، دانش در شناخت روایات محال و غیرممکن و سلامت خبر او از تدلیس می‌شمارد. و تأکید می‌کند که: «ما هیچ حدیثی را قبول نکرده‌ایم، مگر این که راوی آن این خصایص پنج‌گانه را دارا بوده است» (بستی؛ ۱۴۰۸ق: ۱ / ۱۰۳)؛ و پس از آن هر یک از شرایط پنج‌گانه فوق را به تفصیل شرح کرده است.

۳. استنادی که از آن‌ها در صحیح ابن حبان روایت شده

احمد مختار رمزی نویسنده کتاب «سیر اعلام‌المحدثین» به نقل از شیخ شعیب ارن‌اؤوط تعداد استنادی که ابن حبان بیش‌تر از همه از آنان روایت کرده را ۲۱ استاد ذکر کرده و به ترتیب کثرت روایات، آنان را چنین معرفی می‌کند: شیخ‌الاسلام حافظ ابو یعلی موصلی، ابو العباس حافظ حسن بن سفیان شیبانی خراسانی، علامه محدث ابو خلیفه فضل بن حباب جمحی بصری، حافظ ابو محمد عبدالله بن محمد قرشی نیشابوری، محدث بزرگ ابو العباس محمد بن حسن لخمی عسقلانی، حافظ ابو حفص عمر بن محمد همدانی سمرقندی، محدث عابد ابو محمد عبدالله بن محمد مقدسی فریابی،

شیخ الاسلام ابوبکر محمد بن اسحاق سلمی نیشابوری، محدثِ عابد ابوبکر عمر بن سعید طائی مَنبِجی، حافظ ابو اسحاق عمران بن موسی جرجانی سختیانی، حافظ محمد بن اسحاق سراج ثقفی، حافظ صادق بن عروبه سلمی حرانی جزری، حافظ حسین بن ادريس انصاری هروی، حافظ ابو جعفر محمد بن احمد نسوی ریّانی، حافظ ابو علی حسین بن عبدالله قطان رقی، حافظ ابو الحسین محمد بن عبدالله رازی، حافظ عبدان بن عبدالله جوالیقی اهوازی، شیخ الاسلام ابو جعفر احمد بن یحیی تَستری، محدث ابو عبدالله احمد بن حسن بغدادی و محدث اسحاق بن ابراهیم بُستی (خداوند از همه شان راضی باد) سایر استادان ابن حبان افرادی اند که تعداد روایات آنان از یک حدیث الی شصت حدیث می‌باشد (رمزی؛ ۱۴۲۶ق: ۳۲۴-۳۲۸).

۴. رتبه صحیح ابن حبان در میان کتاب‌های صحاح

کارشناسان و متخصصان علم حدیث، منابع حدیثی را بنابر صحت روایات و روایان دسته‌بندی کرده و سلسله‌مراتبی در نظر گرفته اند، که از این میان به اجماع اُمت اسلامی، بالاترین مرتبه به صحیح بخاری و صحیح مسلم اختصاص یافته است؛ اما در مرتبه بعدی کتاب‌هایی در نظر گرفته شده که مؤلفان آن‌ها نیز صحت روایات و روایان را نصب‌العین خود قرار داده اند و صحیح ابن خزیمه و صحیح ابن حبان از آن جمله هستند؛ حتا برخی از علما، از جمله علامه سیوطی صحیح ابن حبان را از صحیح ابن خزیمه مقدم می‌داند (ارناؤوط؛ ۱۴۰۸ق: ۱ / ۴۲).

۵. ترتیب و تحقیق‌هایی که بر صحیح ابن حبان انجام شده

همان‌طور که قبلاً گفته شد، کتاب صحیح ابن حبان به صورت نوآورانه و مبتکرانه ترتیب شده بود، تا حفظ و تثبیت آن آسان‌تر باشد؛ لکن به مرور زمان همت‌های طالبان علم به ضعف گراییده و استفاده از صحیح ابن حبان با دشواری‌هایی روبه‌رو شد و حتا پیدا کردن روایت مورد نظر بسیار سخت شده بود؛ بنابراین، علامه علاءالدین علی بن بلبان فارسی در سال ۷۳۹ق. کتاب صحیح ابن حبان را بر پایه ابواب فقهی مرتب ساخت و نام آن را «الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» گذاشت. بعدها هیثمی نیز روایات زائد بر احادیث صحیحین را از صحیح ابن حبان جدا کرده و در قالب کتابی به نام «موارد الظمان الی زوائد ابن حبان» تألیف کرد. حافظ عراقی رجال صحیح ابن حبان را در کتابی گردآورد و آن را «رجال ابن حبان» نام نهاد.

آخرین نسخه‌یی که بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته و بارها از سوی ناشران مختلف به چاپ رسیده، نسخه «الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان» با تحقیق شیخ شعیب ارناؤوط است که در ۱۸ جلد همراه با ۲ جلد فهرست‌ها به چاپ رسیده و امروزه در بازارهای کتاب موجود است.

مذهب فقهی امام ابن حبان

امام ابن حبان بستی از حیث مذهب فقهی پیرو امام شافعی است. علامه عبادی شافعی وی را از طبقه چهارم علمای شافعی دانسته (عبادی؛ ۱۹۶۴م: ۱۰۱)، و تاج‌الدین سبکی و ابن قاضی شهبه و اسنوی نیز شرح حال ابن حبان را در طبقات فقه‌های شافعی ذکر کرده‌اند (ابو صعیلک؛ ۱۴۱۵ق: ۳۰)؛ البته این به معنای تقلید محض ابن حبان از امام شافعی نیست، بل که در پاره‌یی از مسائل و احکام فقهی، بنابر دلایل قوی‌تر، آرای سایر مذاهب را اختیار کرده است؛ چنان‌که از برخی اجتهادات وی در کتاب صحیح ابن حبان این قضیه درک می‌گردد.

ابن حبان و روزگار ابتلا و آزمایش

اگر شرح حال و زنده‌گی نامه ائمه و شخصیت‌های والا مقام مسلمان را مطالعه و بررسی کنیم، به نکته‌یی تأسف‌آور برمی‌خوریم که هم‌واره این بزرگواران از جانب معاصران خود مورد طعن و حسادت قرار گرفته و توطئه‌هایی خطرناک تا سرحد زندان، اخراج و حتا مرگ برای‌شان چیده شده است و دردآورتر این‌که منشأ اکثر این کشمکش‌ها، اختلافات لفظی ساده‌یی است که هیچ تقدیم و یا تأخیری در امور دین را در پی نداشته است.

امام ابن حبان بستی نیز از این معرکه بی‌نصیب نبوده و انتقادات توطئه‌آمیزی علیه ایشان صورت گرفته است؛ از جمله قضیه‌یی است که در حلقه درسش در نیشابور اتفاق افتاد و کسی از ایشان پرسید، نبوت چیست؟ وی در جواب گفت: نبوت علم و عمل است.

خواجه ابو اسماعیل عبدالله بن محمد انصاری هروی نقل کرده و گوید: «از عبدالصمد بن محمد شنیدم که از پدرش نقل می‌کرد: این قول ابن حبان «نبوت علم و عمل است» بر مردم گران آمد و او را زندیق خوانده و از شهر اخراج کردند؛ نیز قضیه را به حاکم نقل کرده و او دستور قتلش را صادر کرد» (صبیحی؛ ۱۴۳۱ق: ۲/ ۲۳۶). ابن حبان به ناچار نیشابور را ترک کرده و به سجستان رفت؛ اما دامنه این توطئه او را در سجستان نیز آرام نگذاشت و نهایتاً به بستی بازگشت.

اصل ماجرا این‌گونه بود که فلاسفه معتقد بودند، که نبوت از جانب خدا گزینشی نبوده و کسبی است؛ یعنی هرکس می‌تواند نبوت را کسب نماید. ابن حبان وقتی در تعریف نبوت گفت که علم و عمل است، او را به گرایش به باورهای فلاسفه متهم کرده و تکفیر کردند؛ درحالی‌که مراد ابن حبان بحث کمال بود که در نبوت کمال علم و عمل است و این از باب معرفی یک شیء با مهم‌ترین صفات آن است (آل شیخ؛ ۱۴۲۰ق: ۸۶)؛ چنان‌که وقتی از رسول خدا صلی الله علیه وسلم در رابطه با حج پرسیده

شد، فرمود: «الحج عرفة / حج عرفه است» (ترمذی؛ ۱۹۹۸م: ۲ / ۲۲۹). این بدان معنا نیست که حج فقط عرفه است و ارکان، شرایط و اعمال دیگری ندارد.

اتهام دیگری که به ایشان بسته شد، بحث کذب در روایات بود. حاکم نقل می‌کند، که باری در مجلس ابو حاتم بُستی حاضر شده و چند حدیث از ایشان شنیده و یادداشت کردم. ابو الفضل احمد بن علی سلیمانی ببکندی، که از علمای طراز اول شهر ببکند از توابع بخارا بود_ و روزگاری نزد ابن حبان زانوی تلمذ زده و از او کسب فیض کرده بود_ از من پرسید: آیا از مرویات ابو حاتم بُستی چیزی یادداشت کرده ای؟ گفتم: بله. گفت: از روایات او بپرهیز و جایی نقل نکن؛ من او را از نزدیک دیده‌ام، چهره‌اش چهره دروغ‌گویان و سخنش سخن دروغ‌گویان است (حموی؛ ۱۹۹۵م: ۱ / ۴۱۹). این طعن سلیمانی مردود و خلاف آرای علمای جرح و تعدیل بود. شیخ شعیب ارناؤوط در مقدمه‌اش بر صحیح ابن حبان می‌نویسد: «بدتر از اتهام بدعت و زندیقیت، اتهام کذب است که برخی نسبت به او بسته‌اند؛ درحالی که وی پرده از احوال راویان ضعیف و متهم برداشته و شرایط راویان قابل اعتماد و تعدیل شده‌گان را بیان کرده است. لکن مقام و فضیلتی که داشت، در معرض حسد واقع شد و از جمله حاسدان برخی از راویان و حافظان بزرگ هستند، مثل ابو الفضل احمد بن علی بن عمرو سلیمانی ببکندی» (ارناؤوط؛ ۱۴۰۸ق: ۱ / ۷).

به عهده گرفتن منسب قضاء

بدیهی است که عالمان و دانش‌مندان مسلمان در کنار اشتغال به علم، تدریس و تألیف در قبال جامعه و اوضاع و احوال مردم نیز مسؤول اند، و باید برای اصلاح معیشت و رتق و فتق امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محاکم مردم تلاش ورزند. به همین منظور ابن حبان بُستی که جای‌گاه رفیع علمی و معنوی داشت، در میان امرا و حکام سامانی و مردم خراسان مورد توجه قرار داشته و بارها به سِمَت قضاء منسوب شد. به گفته سمعانی ابن حبان مدتی در سمرقند، نسا و دیگر شهرهای خراسان به قضا پرداخته است (سمعانی؛ ۱۳۸۲ق: ۲ / ۲۲۵).

ابو سعد ادریسی گفته است که ابن حبان مدت زیادی در سمرقند قاضی بود و امیر ابو المظفر سامانی برای او و شاگردانش و دیگر دانش‌مندان، در این شهر مدرسه‌یی بنا کرد (عسقلانی؛ ۲۰۰۲م: ۷ / ۴۶).

تأسیس خانقاه در نیشابور

از جمله مراکز عبادی و تربیتی رایج در خراسان قدیم، که به صوفیان اختصاص داشت و فقیهان و محدثان نیز در آن مجالس درس و سماع حدیث داشتند، خانقاه بود. ابن حبان هنگام بازگشت به

نیشابور در سال ۳۳۷ق. خانقاهی در نیشابور ساخت و تا سال ۳۴۰ق. که به زادگاه خود بُست برگشت، در این خانقاه به تعلیم و تربیت اصحاب خود پرداخت (سمعی؛ ۱۳۸۲ق: ۲ / ۲۲۵). وی در این دوره از چنان شهرتی برخوردار بود، که طالبان علم و دانش از اقصی نقاط جهان اسلام به سویش می‌شتافتند تا در مجلس او از مصنفاتش بهره جویند.

تأسیس مدرسه و کتاب‌خانه در بُست

دوره چهارده ساله آخر حیات ابن حبان، یعنی از سال ۳۴۰ق. که از نیشابور به بُست بازگشت تا ایام پایانی عمرش در سال ۳۵۴ق. سراسر دوران پرتو افکنی علمی و معنوی، تألیف آثار و پرورش و تعلیم شاگردان بوده است. ابن حبان از دارایی شخصی‌یی که از میراث پدری و اشتغال به قضاء به دست آورده بود، در مسیر ترویج علم و آموزش نوباوگان مسلمان استفاده کرده و خانه شخصی خود را وقف مدرسه‌یی برای شاگردان خویش کرد، که به صورت رایگان با دریافت کمک‌هزینه تحصیلی در آن به فراگیری علم و دانش بپردازند و برای محصلان غریب و مسافر دار الاقامه‌یی تدارک دید. هم‌چنین تمامی کتاب‌های خود را در کتاب‌خانه‌یی وقف کرد تا دانش‌پژوهان و اهل تحقیق از آن استفاده کنند و به وصی خود نوشت که حق بیرون بردن کتاب از این کتاب‌خانه را ندارند (سمعی؛ ۱۳۸۲ق: ۲ / ۲۲۶).

به این ترتیب، تأسیس مدرسه بُست توسط ابن حبان را می‌توان نخستین اقدام او در بنیادگذاری نهادهای آموزشی دانست، که از آن پس در خراسان و از آن جا به دیگر سرزمین‌های هم‌جوار راه یافت.

وفات امام ابن حبان

مقدرات خداوندی برای هر آفریده‌یی روز و لحظه زوال را مقرر کرده و طبعاً هر انسان نیز سرانجامی دارد. ابن حبان بُستی نیز پس از سپری کردن عمری پربار و کارنامه‌یی درخشان از دانش، سفرهای علمی، کسب فیض از استادان و فیض رساندن به شاگردان، تألیفات و آثار گران‌بهای علمی و خدمات فراوان دعوی، تربیتی و اجتماعی، روز موعود پرگشودنش به آسمان فرا رسید و شب جمعه بیست و دوم ماه شوال سال ۳۵۴ق. در شهر بُست دار فانی را وداع گفته و پس از نماز جمعه در جوار مدرسه و کتابخانه‌یی که تأسیس کرده بود، دفن شد (رمزی؛ ۱۴۲۶ق: ۳۱۰). خدایش بیامرزد و در بهشت برین معززش دارد.

نتیجه گیری

نتایج این پژوهش را به طور خلاصه و نکته‌وار، می‌توان چنین بیان داشت:

۱. علامه ابن حبان بُستی از ائمه و نوابغ بزرگ حدیث است، که روزگاری از شهر بُست (شکرگاه) ولایت هلمند افغانستان سربرآورده از مفاخر جهان اسلام به شمار می‌آید؛ اما متأسفانه در عصر ما گم‌نام باقی مانده و اکثر هم‌عصران ما شناختی از ایشان ندارند؛
۲. سلسله نسب این امام همام به سلاله عربی از قبیله بنی تمیم می‌رسد، اما زادگاه، محل بودوباش و مدفن وی افغانستان است؛
۳. ابن حبان شخصیتی کثیرالسفر و جوینده بوده و توانسته با تحمل مشقتها به اقصی نقاط جهان اسلام سفر کند و از حدود دو هزار استاد و عالم آن روزگار کسب فیض نماید؛
۴. ابن حبان از حیث مذهب فقهی، پیرو امام شافعی بوده و از طبقه چهارم علمای شافعی به حساب می‌آید. لکن در پاره‌یی از مسائل فقهی آرای سایر مذاهب را اختیار کرده است؛
۵. وی تألیفات بسیاری در حوزه‌های علم رجال، علوم حدیث، علوم و معارف قرآن، تزکیه و تربیت و... داشته، که متأسفانه تعداد انگشت‌شماری از آنان دستیاب است و بخش اعظمی در گذر زمان ناپدید شده است؛
۶. مشهورترین اثر علمی علامه بُستی کتاب «صحيح ابن حبان» است که مشتمل بر بیش از ۷۵۰۰ حدیث بوده و پس از بخاری و مسلم در رتبه دوم کتاب‌های صحاح قرار دارد؛
۷. تألیف صحيح ابن حبان روشی مبتکرانه داشت و مثل سایر کتاب‌های صحاح و سنن به ترتیب ابواب فقهی گردآوری نشده بود، اما بعدها توسط علاء الدین بن بلبان فارسی ترتیب‌بندی شده و به نام «الإحسان فی تقریب صحيح ابن حبان» به چاپ رسید؛
۸. امام ابن حبان بُستی پس از عمری تلاش و تحمل مشقات، با کوله‌باری از دانش و دیانت در شهر بُست وفات کرده و در جوار مدرسه و کتابخانه‌یی که تأسیس کرده بود، دفن شد.

پیش‌نهادهای

۱. معرفی شخصیت‌های مانده‌گار تاریخی، احیای تاریخ زرین یک ملت است، بنه‌ همه وظیفه دارند جهت معرفی مفاخر خود تلاش ورزند، خصوصاً نهادهای رسمی‌یی هم‌چون وزارت‌های محترم معارف، تحصیلات عالی، اطلاعات و فرهنگ و ..؛
۲. مؤسسات و نهادهای اکادمیک و علمی، دانش‌مندان و نویسندگان افغانستان باید جهت معرفی شخصیت‌های تاریخی، مفاخر این مرزو بوم و احیای مجدد میراث علمی آنان تلاش نموده و برنامه‌یی جامع و مستمر تدوین نمایند؛

۳. دانش‌گاه‌های افغانستان و خصوصاً دانش‌کده‌های شرعیات، ادبیات و تاریخ می‌توانند جهت احیای مجدد میراث علمی و شخصیت‌های تاریخی افغانستان، بازنویسی و تحقیق آثار آنان را به عنوان پایان‌نامه‌های مقاطع تحصیلی ماستری و دکترا به دانش‌جویان خود بسپارند.

سرچشمه‌ها

۱. ابن اثیر، ابو الحسن علی بن ابو الکریم. (۱۴۱۷ق). **الکامل فی التاریخ**. بیروت: دار الکتب العربی.
۲. ابو صعیلک، محمد عبدالله. (۱۴۱۵ق). **الإمام الحافظ أبو حاتم محمد بن حبان البستی فیلسوف الجرح والتعديل**. دمشق: دار القلم.
۳. ارناؤوط، شیخ شعیب. (۱۴۰۸ق). **مقدمه** (الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان). بیروت: مؤسسه الرسالة.
۴. آل شیخ، صالح بن عبدالعزیز. (۱۴۲۰ق) **شرح عقیده الطحاویة**. ریاض: مکتبه دار الحجاز.
۵. آملی، محمد بن الحسین. (۱۴۰۸ق). **التقیید لمعرفة رواة السنن والمسائید**. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۶. ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۹۹۸م). **الجامع الکبیر** (سنن ترمذی). بیروت: دار الغرب الإسلامی.
۷. حموی، شهاب‌الدین أبو عبدالله یاقوت بن عبدالله. (۱۹۹۵م). **معجم البلدان**. بیروت: دار صادر.
۸. خمیس، عذاب بن محمود. (۱۴۰۵ق). «**الإمام محمد بن حبان البستی ومنهجه فی الجرح والتعديل**». پایان‌نامه ماستری تعلیمات اسلامی (قرآن و حدیث) مکه مکرمه. دانش‌گاه ام القراء.
۹. ذهبی، شمس‌الدین أبو عبدالله محمد بن أحمد. (۱۴۲۷ق). **سیر أعلام النبلاء**. قاهره: دار الحدیث.
۱۰. _____ (۱۴۰۵ق). **تذکره الحفاظ**. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۱. رمزی، احمد مختار. (۱۴۲۶ق). **سیر أعلام المحدثین**. بیروت: دار البشائر الاسلامیة.
۱۲. سمعانی، عبدالکریم بن محمد تمیمی مروزی. (۱۳۸۲ق). **الأنساب**. حیدرآباد. دائرة المعارف العثمانیة.

۱۳. سیوطی، ابوالفضل عبدالرحمن بن ابو ابکر جلال الدین. (۱۴۲۴ق). **تدريب الراوی** (فی شرح تقریب النواوی). ریاض: دار العاصمة.
۱۴. شاکر، احمد محمد. (۱۳۷۲ق). **مقدمه** (صحيح ابن حبان). قاهره: دار المعارف.
۱۵. صبیحی، ابو انس ابراهیم بن سعید. (۱۴۳۱ق). **کتاب النکت الجیاد المنتخبه من کلام شیخ النقاد**. ریاض: دار طيبة للنشر والتوزیع.
۱۶. عبادی، محمد بن احمد. (۱۹۶۴م). **طبقات الفقهاء الشافعية**. هلند: مطبعه لیدن.
۱۷. عسقلانی، ابو الفضل احمد بن علی بن محمد بن احمد بن حجر. (۲۰۰۲م). **لسان المیزان**. بیروت: دار البشائر الاسلامیه.
۱۸. قفطی، جمال الدین ابو الحسن علی بن یوسف. (۱۴۰۶ق). **إنباه الرواة علی أنباه النحاة**. قاهره: دار الفكر العربی.
۱۹. کردعلی، محمد. (۱۳۶۹ق). **کنوز الأجداد**. دمشق: مجمع اللغة العربیه.
۲۰. لکنوی، محمد عبدالحی. (۱۴۲۸ق). **الأجوبة الفاضلة للأسئلة العشرة الكاملة**. قاهره: دارالسلام للطباعة والنشر.
۲۱. معین، دکتر محمد. (۱۳۸۸ش). **فرهنگ فارسی معین**. تهران: نامن.

اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تأخیر پروژه‌های عمرانی با توجه به

حوزه‌های عمل‌کردی استاندارد مدیریت پروژه

(مطالعه موردی: پروژه‌های عمرانی شهری هرات)

نگارنده‌گان: سید مسعود اسلمزاد*

محمد عابد انور**

چکیده

این تحقیق با هدف شناسایی و اولویت‌بندی علل تأخیر پروژه‌های عمرانی شهری، شهر هرات براساس استانداردهای مدیریت پروژه انجام شد. اعضای جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه کارشناسان و انجینیران شاغل در پروژه‌های عمرانی شهر هرات بودند، که تعداد کل آن‌ها حدود ۵۰ نفر می‌باشند. با توجه به ویژه‌گی‌های جامعه آماری شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده برگزیده شد.

اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه‌ها با استفاده از آزمون سلسله‌مراتبی تجزیه و تحلیل شد و نتایج به دست‌آمده بر اساس پرسش اصلی تحقیق، نشان می‌دهند که: مهم‌ترین حوزه تأثیرگذار استاندارد دانش مدیریت پروژه بر تأخیر پروژه‌های عمرانی شهری، شهر هرات مدیریت گستره بود. و در پرسش‌های فرعی به ترتیب مهم‌ترین بُعد تأثیرگذار در حوزه‌های استاندارد دانش مدیریت پروژه به ترتیب به شرح زیر بود: در حوزه مدیریت یک‌پارچه‌گی بُعد هدایت و مدیریت کار پروژه، در حوزه مدیریت گستره بُعد کنترل گستره، در حوزه مدیریت زمان بُعد کنترل زمان‌بندی، در حوزه مدیریت هزینه، بُعد تخمین هزینه‌ها، در حوزه مدیریت کیفیت، بُعد تضمین کیفیت، در حوزه منابع انسانی، بُعد تهیه برنامه مدیریت منابع انسانی، در حوزه مدیریت ارتباطات، بُعد برنامه‌ریزی مدیریت ارتباطات، در حوزه مدیریت ریسک، بُعد برنامه‌ریزی مدیریت ریسک، در حوزه مدیریت تدارکات، بُعد اجرای تدارکات و در نهایت در حوزه مدیریت ذی‌نفعان، بُعد برنامه‌ریزی مدیریت ذی‌نفعان، بیش‌ترین تأثیر را بر تأخیر پروژه‌های عمرانی شهری، شهر هرات به دنبال داشتند.

واژه‌گان کلیدی: استاندارد مدیریت پروژه، دانش مدیریت پروژه، تأخیرهای پروژه،

پروژه‌های عمرانی، شهر هرات و تحلیل سلسله‌مراتبی.

ISSN

Printed: 2788-4155

Online: 2788-6441

Ghalib

Received Date: 01 /05 / 2021

Accepted Date: 06 / 09 / 2021

Prioritizing the factors causing delays in construction projects while considering the performance area of project management standards

(Case Study: Herat urban development projects)

Authors: Sayed Masood Aslamzad*
Mohammad Abed Anwar**

Abstract

The purpose of this research was to identify and prioritize the causes of delays in Herat city's urban development projects using project management standards. All experts and engineers working on development projects in Herat city, a total of around 50 people, were included in the statistical population for this study. A basic random sample approach was chosen based on the features of the statistical population. Researchers employed a researcher-made questionnaire on effective factors on construction project delays based on project management knowledge which had a reliability of 0.7118.

The data from the surveys was evaluated using an analytical hierarchical approach, and the results suggest that, according to project management standards, scope management was the most important factor impacting the delay of urban development projects in Herat city. In the sub-questions, the following were the most prominent factors in the standards of project management knowledge: integration management, guidance, and job management. Scope control in the subject of scope management; scheduling control in the field of time management; cost estimation in the subject of cost management; quality assurance in the subject of quality management; human resource management program preparation in the field of human resources; communication management planning factor in the subject of communication management; risk management planning in the field of risk management; procurement implementation in the field of procurement management; and ultimately stakeholder management planning in the context of stakeholder management, with respect to each main level, are found to be the most significant sub-levels to have the greatest impact on the delay of urban development projects in Herat City.

Keywords: project management standard, project management knowledge, project delays, construction projects, Herat city and hierarchical analysis.

* Coordinator of the shelter department in the NRC office, Sudan (s.masoodaslamzad@yahoo.com)

** Academic cadre of Ghalib University, (anwar.mohammadabed@gmail.com)

مقدمه

یکی از مسایل و مشکلات متعارف در اجرای پروژه‌های عمرانی، بروز تأخیر در اجرا و بهره‌برداری از آنهاست. در کشور افغانستان و به‌خصوص شهر هرات نیز بسیاری از پروژه‌ها با تأخیر مواجه‌اند، و این تأخیرها، هزینه‌های هنگفتی را به پروژه‌ها تحمیل می‌کنند. امروزه بخش عمده سرمایه هر کشور، خصوصاً کشورهایی در حال توسعه، نظیر افغانستان به پروژه‌های عمرانی اختصاص دارد. مهم‌ترین شاخص موفقیت این پروژه‌ها دستیابی به اهداف مورد نظر، مقرون به صرفه‌بودن و اتمام آن در زمان پیش‌بینی شده است. در اکثر کشورهای جهان، محدودیت منابع و رقابت شدید برای کسب سود بیش‌تر، باعث اهمیت‌یافتن شناسایی عوامل بروز تأخیر در پروژه‌ها گردیده است؛ لذا برای جلوگیری از آن در بهره‌برداری از پروژه‌ها و زیان‌زدی نفعان، اولویت‌بندی عوامل مؤثر در بروز تأخیرات، امری ضروری به نظر می‌رسد.

با نگاهی به پروژه‌های عمرانی شهری، شهر هرات، متأسفانه شاهد پروژه‌هایی هستیم که یا به‌طور کلی به علت تأخیرات بیش از حد متوقف شده و به صورت نیمه‌کاره در شهر رها شده‌اند؛ و یا با تأخیرات فاحشی مواجه هستند و به نوعی می‌شود اصطلاح مریض‌بودن را برای این‌گونه پروژه‌ها به‌کار برد و لازم است تحقیقات زیادی به منظور ارائه راه‌کار مناسب برای جلوگیری از تأخیرات به‌دست آید. تا شاهد هدررفت این سرمایه‌های ملی در سطح شهر هرات و دیگر شهرهای افغانستان نباشیم؛ تا این‌که با برنامه‌ریزی و قدرت مدیریت بالا، از تأخیرات در این پروژه‌ها جلوگیری شود. می‌توان با ارزیابی علل این تأخیرات در عمل‌کرد حوزه‌های استاندارد مدیریت پروژه، دانش مدیریت پروژه و مشخص‌شدن حوزه‌هایی که بیش‌ترین تأثیر را بر علل تأخیرات در این پروژه‌ها در سطح شهر هرات دارند، راه‌کارهایی هدف‌مند و اصلاح‌کننده را برای برون‌رفت از تأخیرات در این پروژه‌ها ارائه کرد.

در مورد پیشینه تحقیق، می‌توان به چهار اثر ارزش‌مند از میان چندین منبع معتبر، که از آنها به‌حیث سرچشمه نیز در این تحقیق کار گرفته شده است، اشاره کرد؛ که تا حدودی به مبحث تأخیر در پروژه‌های عمرانی در زمینه به بحث پرداخته‌اند:

عباس‌نژاد (۱۳۹۹) به «شناسایی عوامل تأخیر در پروژه‌های تحقیقات صنعتی و تعیین میزان تأثیرگذاری این عوامل» پرداخته است. هدف از تحقیق شناسایی عوامل تأخیر در پروژه‌های تحقیقات صنعتی، متناسب با فازهای انجام پروژه بوده است. برای شناسایی عوامل تأخیر از پرسش‌نامه و مصاحبه استفاده شده؛ سپس با استفاده از نرم‌افزار Expert choice نتایج حاصل را از پرسش‌نامه بررسی نموده است. نتایج حاصل نشان‌دهنده این بوده که فاز ساخت و اجرا، بیش‌ترین تأثیر را در

تأخیر پروژه‌های تحقیقات صنعتی دارد و عامل ضعف در برنامه‌ریزی و مطالعات بیش‌ترین تأثیر را در تأخیر فاز ساخت و اجرا دارد.

مزارعی و هم‌کارن (۱۳۹۹) به «رأته تابع تشخیصی جهت پیش‌بینی تأخیرپذیری پروژه‌های تعمیر خط لوله (مورد مطالعه: شرکت نفت و گاز زاگرس جنوبی)» پرداختند. نتایج نشان داده که: دو عامل نفر/ ساعت و اندازه لوله از مهم‌ترین عوامل تأخیر در پروژه‌ها می‌باشند.

عیدی‌وند و چاله‌گاهی (۱۳۹۹) به «شناسایی علل تأخیر در پروژه‌های بزرگ مهندسی استان مازندران» پرداختند. باتوجه به نتایج به‌دست آمده، چهار بُعد کارفرما، پیمان‌کار، مشاور و خارجی به عنوان ابعاد علل تأخیر در پروژه‌های بزرگ مهندسی استان مازندران ایران شناسایی شدند.

انور (۱۳۹۹) به «بررسی علل تأخیر پروژه‌های عمرانی (مطالعه موردی: پروژه اعمار سیستم فاضلاب شهری شهرداری هرات)» پرداخته، که پنج عامل نبود امنیت، بروکراسی روند تدارکات، شرایط اقتصادی کشور، نقص در سیستم ارزیابی پیمان‌کاران و نداشتن کارمندان متخصص را در تناسب با کار در شهرداری هرات عوامل مهم بروز تأخیر در پروژه‌های شهری هرات بیان نموده است. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی علل تأخیر پروژه‌های عمرانی شهری، شهر هرات براساس استانداردهای مدیریت پروژه می‌باشد و اولویت‌بندی این علل هدف فرعی آن است.

براساس اهداف اصلی و فرعی این تحقیق، پرسش‌های تحقیق این چنین مطرح می‌شود: کدام عوامل باعث بروز تأخیر در پروژه‌های عمرانی براساس استانداردهای مدیریت پروژه می‌شوند؟ و اولویت‌بندی علل به چه صورت است؟

در این تحقیق از منابع و مأخذ موجود؛ مانند کتاب‌ها، گزارش‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالاتی که در خصوص موضوع عوامل تأخیر پروژه‌های عمرانی در نقاط مختلف جهان و راه‌کارهای موجود نوشته شده است، استفاده گردیده است.

محققان در این تحقیق به شناسایی علل تأخیر پروژه‌های عمرانی شهری، شهر هرات براساس استانداردهای مدیریت پروژه می‌پردازند. باتوجه به اهداف و سوالات، تحقیق حاضر، به لحاظ هدف از نوع کاربردی و از حیث روش، اکتشافی و زمینه‌یاب است؛ که اطلاعات آن به شیوه میدانی و غیرمیدانی و از طریق پرسش‌نامه زوجی جمع‌آوری گردیده است.

در این تحقیق، جامعه آماری، کلیه کارشناسان و انجینیران شاغل در پروژه‌های عمرانی شهر هرات است، که تعداد کل آن‌ها با توجه به شرایط کرونا، حدود ۳۰ نفر می‌باشند، که به تمام اعضای جامعه آماری پرسش‌نامه توزیع گردید، که در نهایت به تعداد ۲۷ پرسش‌نامه عودت شد.

مبانی نظری تحقیق

امروزه تحلیل تأخیر به وجود آمده در پروژه‌ها، یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات مطرح برای کارفرمایان، پیمان‌کاران، مشاوران و مدیران پروژه است (Ejaz, et al; 2011: 3). بسیاری از پروژه‌ها در زمان مشخص و با بودجه پیش‌بینی‌شده و کیفیت مطلوب، انجام نمی‌شوند و به دنبال آن ادعاهای مختلفی مطرح می‌شود؛ به‌همین دلیل در دو دهه اخیر تلاش‌ها و تحقیق‌های فراوانی در دنیا در این حوزه انجام شده است؛ حتی در برخی از کشورها، استانداردهایی برای تحلیل تأخیر ارائه شده است (محمدی زاده؛ ۱۳۹۹: ۸۷).

تأخیر، گندی و عدم پیش‌رفت در پروژه‌های عمرانی به دلیل پیچیده‌گی خاص آن‌ها، امری غیر قابل انکار است؛ به‌طوری‌که مطالعات انجام‌گرفته نشان می‌دهند که اغلب پروژه‌های ساخت در دنیا با حدود بیش از ۵۰ درصد افزایش زمان مواجه می‌شوند (کاظمی و هم‌کاران؛ ۱۳۸۶: ۲۸). تأخیر در پیش‌رفت کار، علاوه‌بر آن‌که موجب طولانی‌شدن زمان اجرا و صرف هزینه‌های بسیار زیادی برای راه‌اندازی مجدد یا تکمیل آن‌ها گردد، هزینه فرصت از دست‌رفته بر بخش‌های اقتصادی و نیز توجیه‌ناپذیرشدن طرح در مراحل بعد نیز منجر می‌شود. پروژه‌ها معمولاً دارای دو مرحله هستند، مرحله پیش از ساخت و مرحله حین ساخت؛ تأخیر و افزایش هزینه معمولاً در مرحله حین ساخت رخ می‌دهد (Gasik; 2011: 35). برای مقابله با این تأخیرات موجود، مدیر پروژه باید بداند که چه عواملی باعث بروز این تأخیرات شده است و در جهت رفع این موضوع اقدام کند. به دلیل یکتایی ذاتی پروژه‌ها و وجود ریسک‌های مختلف در آن‌ها، اکثر پروژه‌ها با تأخیر مواجه می‌شوند، که به بروز ادعاهایی در خصوص تمدید مدت یا خسارت مالی منجر شده و باعث افزایش هزینه‌ها، هدررفت منابع، و تعویق زمان شروع بهره‌برداری می‌شود. شناخت علل بالقوه تأخیر در پروژه‌ها می‌تواند به پیش‌بینی و پیش‌گیری از روی‌دادهای تأخیر یاری رساند. مهم‌ترین هدف از اجرای استانداردهایی نظیر دانش مدیریت پروژه در مدیریت پروژه‌های عمرانی، این است که این روش‌ها می‌توانند پروژه را تحلیل کرده و وضع را با آن‌چه در برنامه است نشان دهند، و در اجرای صحیح پروژه یاری‌کننده باشند؛ لذا درک این موضوع می‌تواند کمک به‌سزایی به مدیران پروژه داشته باشد. مدیریت پروژه بر مبنای پروژه، روش کارایی در مدیریت، برای برخورد با کارهای نو و ایجاد توازن بین محدوده پروژه هزینه و کیفیت در قالب زمان و در محیطی مملو از ریسک است (سهرابی و توکلان؛ ۱۳۹۵: ۵).

ابزار جمع آوری داده‌ها

باتوجه به اهداف تحقیق، بهترین راه برای جمع‌آوری اطلاعات، استفاده از پرسش‌نامه تشخیص داده شد؛ پس از مطالعات متعدد و مصاحبه با افراد و صاحب‌نظران، استفاده از پرسش‌نامه‌های استاندارد برای تحقیق مشخص گردید. پرسش‌نامه این تحقیق شامل ۲ قسمت است:

الف) پرسش‌های عمومی: در پرسش‌های عمومی، هدف کسب اطلاعات کلی و جمعیت‌شناختی پاسخ‌گویان است. این بخش شامل ۴ پرسش است و مواردی؛ مانند جنسیت، تحصیلات، سابقه کار حرفه‌یی و سمت سازمانی را شامل می‌شود.

ب) پرسش‌نامه علل تأخیر در پروژه‌های عمرانی: در این تحقیق از پرسش‌نامه محقق‌ساخت عوامل مؤثر بر تأخیر پروژه‌های عمرانی بر اساس استاندارد دانش مدیریت پروژه استفاده شد. این پرسش‌نامه دارای ۴۵ پرسش و ۱۰ بُعد می‌باشد. گویه‌های مرتبط با هر پرسش بر اساس مقیاس ۹ گزینه‌یی از «کاملاً بی‌اهمیت» و «بسیار با اهمیت» نمره‌گذاری شده است.

ردیف	سرفصل پرسش‌ها	تعداد گویه
۱	مدیریت یک‌پارچه‌گی	۶
۲	مدیریت گستره	۶
۳	مدیریت زمان	۷
۴	مدیریت هزینه	۴
۵	مدیریت کیفیت	۳
۶	مدیریت منابع انسانی	۴
۷	مدیریت ارتباطات	۳
۸	مدیریت ریسک	۶
۹	مدیریت تدارکات	۴
۱۰	مدیریت ذی‌نفعان	۴

جدول ۱: سرفصل هر یک از سؤالات پرسش‌نامه عوامل مؤثر بر تأخیر پروژه‌های عمرانی بر اساس استاندارد دانش مدیریت پروژه:

روایی

در تحقیق حاضر، باتوجه به توضیح فوق و استانداردبودن پرسش‌نامه‌ها و این‌که قبلاً در تحقیقات گذشته مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفته است؛ لذا روایی آن تأیید است.

پایایی (اعتبار درونی)

در این تحقیق، از روش آلفای کرونباخ، که در بیش‌تر تحقیق‌ها مبنای سنجش پایایی قرار می‌گیرد، استفاده شده است. در این روش، اجزا یا قسمت‌های آزمون، برای سنجش پایایی آزمون به کار می‌روند. زمانی که این ضریب بزرگ‌تر از $0/7$ باشد، آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار است (طباطبایی و حسنی؛ ۱۳۹۲: ۸).

ضریب آلفا	سرفصل سؤالات
۰/۷۱۱۸	علل تأخیر پروژه‌های عمرانی شهری شهر هرات

جدول ۲: ضرایب آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه‌های تحقیق در نمونه نهایی

باتوجه به مناسب‌بودن ضرایب آلفا، اعتبار درونی تأیید می‌شود.

روش‌های آماری

روش تجزیه و تحلیل داده‌های اطلاعات و (آزمون‌های آماری) تحلیل داده‌ها به معنای طبقه‌بندی، تنظیم، پردازش و خلاصه‌نمودن داده‌ها برای یافتن پاسخ به پرسش‌ها یا فرضیات تحقیق است. هدف از تحلیل، تقلیل داده‌ها به شکل قابل فهم و قابل تفسیر است؛ به نحوی که بتوان روابط متغیرهای گوناگون مرتبط با مسأله تحقیق را مورد مطالعه قرار داد (خاکی؛ ۱۳۹۱: ۳۰۷).

تجزیه و تحلیل با استفاده از آمار توصیفی

آمار توصیفی برای تبیین وضعیت پدیده، مسأله یا موضوع مورد مطالعه، مورد استفاده قرار می‌گیرد، یا رد واقع ویژه‌گی‌های موضوع مورد مطالعه به زبان آمار، تصویرسازی و توصیف می‌گردد (حافظ نیا؛ ۱۳۹۱: ۱۶۸).

تجزیه و تحلیل با استفاده از آمار استنباطی

در تحلیل‌های آمار استنباطی، هم‌واره نظر بر این است که نتایج حاصل از مطالعه گروه کوچکی به نام نمونه، چه‌گونه به گروه بزرگ‌تری به نام جامعه تعمیم داده شود (حافظ نیا؛ ۱۳۹۱: ۱۶۸).

فرآیند تحلیل سلسله مراتبی

فرآیند تحلیل سلسله مراتبی AHP یکی از معروف ترین فنون تصمیم گیری چندمنظوره است، که اولین بار توسط توماس ال ساعتی عراقی الاصل، در دهه ۱۹۷۰ ابداع گردید. این روش در هنگامی که عمل تصمیم گیری با چند گزینه رقیب و معیار تصمیم گیری روبه‌رو است، می‌تواند استفاده گردد (قدسی‌پور؛ ۱۳۸۹: ۵۱). معیارهای مطرح شده می‌توانند کمی و کیفی باشند. اساس این روش تصمیم گیری بر مقایسات زوجی نهفته است.

تصمیم گیرنده با فراهم آوردن درخت سلسله مراتب تصمیم آغاز می‌کند. درخت سلسله مراتب تصمیم، عوامل مورد مقایسه و گزینه‌های رقیب مورد ارزیابی در تصمیم را نشان می‌دهد؛ سپس یک سری مقایسات زوجی انجام می‌گیرد. این مقایسات، وزن هر یک از گزینه‌ها را در راستای گزینه‌های رقیب مشخص می‌سازد. در نهایت، منطق AHP به گونه‌ی ماتریس‌های حاصل از مقایسات زوجی را با هم دیگر تلفیق می‌سازد، که تصمیم بهینه حاصل آید. AHP در آغاز برای تصمیم گیری‌های انفرادی در یک محیط متلاطم و فازی ارائه شد؛ سپس در دهه هشتاد به چه گونه‌گی استفاده از آن در تصمیم گیری‌های گروهی پرداخته شد. استفاده از AHP در تصمیم گیری‌های گروهی باعث خواهد شد که نه تنها مزایای فنون تصمیم گیری گروهی حفظ شود؛ بل که معایب آن‌ها (همانند سرعت، هزینه و تکفکری) برطرف شود. AHP به تصمیم گیرنده کمک خواهد کرد، که به گونه‌ی تصمیمات تمام اعضای گروه را با هم دیگر ترکیب کند، که تصمیم بهینه دربرگیرنده نظریات همه اعضا باشد. این روش دارای پنج گام می‌باشد.

تحلیل داده‌ها

مدرک تحصیلی

در این قسمت، وضعیت مدرک تحصیلی مورد تحلیل قرار گرفته و داده‌های گردآوری شده در

جدول (۳) توصیف می‌شوند:

درصد	فراوانی	مدرک تحصیلی
۶۶/۷	۱۸	لیسانس
۲۲/۲	۶	فوق لیسانس
۱۱/۱	۳	دکتری
۱۰۰	۲۷	جمع

جدول ۳: توزیع فراوانی وضعیت مدرک تحصیلی

سابقه کار حرفه‌یی

در این قسمت، وضعیت سابقه کار حرفه‌یی مورد تحلیل قرار گرفته و داده‌های گردآوری شده در جدول (۴) توصیف می‌شوند:

درصد	فراوانی	سابقه کار حرفه‌یی
۳۳/۳	۹	کم‌تر از ۵ سال
۳۳/۳	۹	بین ۵ تا ۱۵ سال
۲۲/۳	۶	بین ۱۶ تا ۲۵ سال
۱۱/۱	۳	بالای ۲۵ سال
۱۰۰	۲۷	جمع

جدول ۴: توزیع فراوانی وضعیت سابقه کار حرفه‌یی

پُست سازمانی

در این قسمت، وضعیت پُست سازمانی مورد تحلیل قرار گرفته و داده‌های گردآوری شده در جدول (۵) توصیف می‌شوند:

درصد	فراوانی	پُست سازمانی
۷/۴	۲	مدیرعامل
۴۴/۴	۱۲	معاون
۳۳/۳	۹	کارشناس نظارت
۱۴/۸	۴	کارشناس اجرایی
۰	۰	کارشناس فنی
۱۰۰	۲۷	جمع

جدول ۵: توزیع فراوانی وضعیت پُست سازمانی

توصیف متغیرهای تحقیق

متغیر	میان‌گین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	حداقل و حداکثر ممکن
علل تأخیر پروژه‌های عمرانی شهری شهر هرات	۴/۸۲	۰/۲۸	۴/۰۹	۵/۲۷	۱-۹

جدول ۶: آمارهای توصیفی متغیرهای تحقیق و ابعاد آن در نمونه

آزمون فرض نرمال بودن متغیرها

نتیجه		متغیرهای تحقیق
نرمال	سطح معناداری	
نرمال	۰,۰۵۹	علل تأخیر پروژه‌های عمرانی شهری شهر هرات

جدول^۷: آزمون کولموگروف اسمیرنف متغیرهای تحقیق

در صورتی که متغیرها نورمال باشند، استفاده از آزمون‌های پارامتری توصیه می‌شود و در غیر این صورت استفاده از آزمون‌های معادل غیر پارامتری مدنظر قرار خواهد گرفت. برای تعیین نورمال بودن متغیرها بایستی سطح معناداری بررسی شود؛ در صورتی که سطح معناداری از عدد ۰/۰۵ کم‌تر باشد، متغیر غیر نورمال و در صورت بیش‌تر از ۰/۰۵ نورمال است. نتیجه این که کیفیت متغیرها در جدول ثبت و همه نورمال استند.

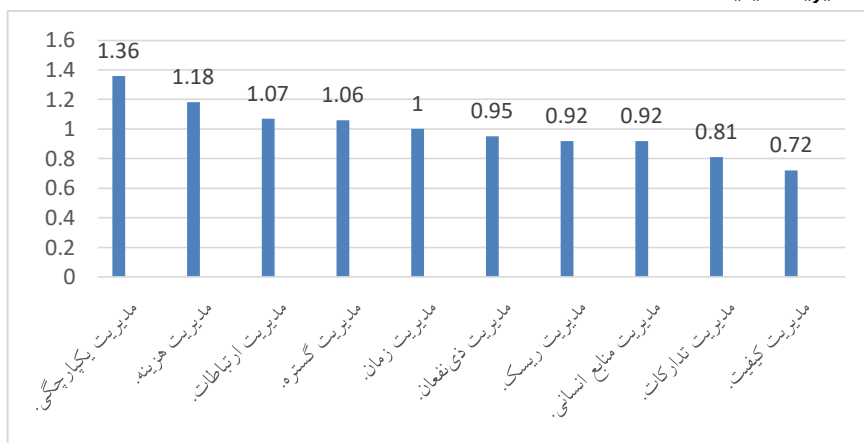
آزمون بررسی پژوهش

متوسط ریسک	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۳۶.۱	۱۱.۰	۱۳.۰	۱۹.۰	۱۶.۰	۱۳.۰	۲۶.۰	۰۹.۰	۱۲.۰	۱۴.۰	۰۴.۰	مدیریت یک پارچه‌گی
۰۶.۱	۰۹.۰	۰۹.۰	۱۱.۰	۱۴.۰	۱۵.۰	۱۳.۰	۱۲.۰	۰۹.۰	۰۵.۰	۱.۰	مدیریت گستره
۱	۱.۰	۱۳.۰	۱۲.۰	۱.۰	۱۲.۰	۰۹.۰	۰۵.۰	۰۵.۰	۱۵.۰	۱.۰	مدیریت زمان
۱۸.۱	۱۵.۰	۱۷.۰	۰۸.۰	۱۸.۰	۰۷.۰	۰۷.۰	۰۴.۰	۱۴.۰	۱۲.۰	۱۶.۰	مدیریت هزینه
۷۲.۰	۰۶.۰	۰۷.۰	۰۵.۰	۰۵.۰	۰۷.۰	۰۴.۰	۱۱.۰	۱۳.۰	۰۶.۰	۰۹.۰	مدیریت کیفیت
۹۲.۰	۱.۰	۱۱.۰	۰۹.۰	۱.۰	۰۵.۰	۰۴.۰	۲۳.۰	۰۸.۰	۰۷.۰	۰۵.۰	مدیریت منابع انسانی
۰۷.۱	۱.۰	۱.۰	۱.۰	۰۴.۰	۰۷.۰	۰۷.۰	۱۹.۰	۱۱.۰	۱۲.۰	۱۶.۰	مدیریت ارتباطات
۹۲.۰	۱۶.۰	۰۶.۰	۰۵.۰	۰۶.۰	۰۹.۰	۱۱.۰	۰۷.۰	۱۲.۰	۱.۰	۰۹.۰	مدیریت ریسک
۸۱.۰	۱.۰	۰۴.۰	۰۹.۰	۰۸.۰	۱.۰	۰۹.۰	۰۵.۰	۱.۰	۰۷.۰	۰۸.۰	مدیریت تدارکات
۹۵.۰	۰۴.۰	۰۸.۰	۱۲.۰	۰۹.۰	۱۵.۰	۰۹.۰	۰۶.۰	۰۷.۰	۱۲.۰	۱۳.۰	مدیریت ذی‌نفعان

جدول^۸: متوسط سطرها در ماتریس مقایسات زوجی نورمال شده علل تأخیر در پروژه‌های عمرانی

همان‌طور که از جدول (۸) ملاحظه می‌گردد، براساس نتایج متوسط سطرها در ماتریس مقایسات زوجی نورمال‌شده، علل تأخیر در پروژه‌های عمرانی به شرح زیر است:

۱. مدیریت یک‌پارچه‌گی؛
۲. مدیریت هزینه؛
۳. مدیریت ارتباطات؛
۴. مدیریت گستره؛
۵. مدیریت زمان؛
۶. مدیریت ذی‌نفعان؛
۷. مدیریت ریسک؛
۸. مدیریت منابع انسانی؛
۹. مدیریت تدارکات؛
۱۰. مدیریت کیفیت.



شکل ۱: اولویت‌بندی حوزه‌های مؤثر بر تأخیر پروژه‌های عمرانی بر اساس استاندارد دانش مدیریت پروژه

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

براساس پرسش اصلی تحقیق، اولویت‌بندی علل تأخیر پروژه‌های عمرانی شهری شهر هرات، براساس حوزه‌های فرایندی استاندارد مدیریت پروژه، دانش مدیریت پروژه، به ترتیب حوزه مدیریت یک‌پارچه‌گی، مدیریت هزینه، مدیریت ارتباطات، مدیریت گستره، مدیریت زمان، مدیریت ذی‌نفعان، مدیریت ریسک، مدیریت منابع انسانی، مدیریت تدارکات و مدیریت کیفیت بودند. با نگاهی به نتایج به‌دست‌آمده، مدیریت گستره بیش‌ترین تأثیر را بر علل تأخیر پروژه‌های عمرانی شهری شهر هرات

داشت، این حوزه مدیریتی در تعریف خود چنین بیان می‌شود که هر پروژه برای تولید محصولی نهایی انجام می‌شود. این محصول ویژه‌گی‌ها و عناصر سازندگی دارد، که مجموعاً گستره محصول نامیده می‌شود. پس از شناسایی گستره محصول، باید مشخص کرد، که برای تحقق آن باید چه اقداماتی در طول پروژه انجام داد و به این ترتیب، گستره پروژه شکل می‌گیرد؛ لذا پیش نهاد می‌شود با ابتکار و بازمینی و خلاقیت و به‌کارگیری از کارگاه‌های مهندسی، ارزش و ارائه و برنامه‌ریزی‌های استراتژیک نسبت به تقویت بدنه این حوزه، فرایندی که در کشور افغانستان به‌خصوص در شهر هرات کم‌تر دیده شده، به این موضوع توجه خاص‌تری شود و لازم است به‌صورت نظام‌مند مدیریت گستره در این پروژه‌ها اجرا و مدیریت مضاعف شوند.

بر اساس پرسش فرعی در حوزه مدیریت یک‌پارچه‌گی، به‌ترتیب: هدایت و مدیریت کار پروژه، تهیه برنامه مدیریت پروژه، تهیه منشور پروژه، خاتمه پروژه یا فاز، کنترل یک‌پارچه تغییرات و نظارت و کنترل پروژه، بیش‌ترین تأثیر را دارند.

در حوزه مدیریت گستره کنترل گستره، ممیزی گستره، برنامه‌ریزی مدیریت گستره، تعیین گستره، تهیه ساختار شکست کار و گردآوری الزامات، به‌ترتیب بیش‌ترین تأثیر را دارند. در حوزه مدیریت زمان، کنترل زمان‌بندی، تعریف فعالیت‌ها، تعریف روابط فعالیت‌ها، تهیه برنامه زمان‌بندی، برنامه‌ریزی مدیریت زمان‌بندی، تخمین مدت زمان فعالیت‌ها و تخمین منابع فعالیت‌ها اولویت‌بندی گردیدند.

در حوزه مدیریت هزینه، تخمین هزینه‌ها، برنامه‌ریزی مدیریت هزینه، تعیین بودجه و کنترل هزینه، اولویت‌بندی شدند. در حوزه مدیریت کیفیت، تضمین کیفیت، برنامه‌ریزی مدیریت کیفیت و کنترل کیفیت، مهم‌ترین عوامل اولویت‌بندی شدند. در حوزه مدیریت منابع انسانی تهیه برنامه مدیریت منابع انسانی، گردآوری اعضای پروژه، بهبود اعضای پروژه و مدیریت اعضای پروژه نتایج به دست آمد.

در حوزه مدیریت ارتباطات، برنامه‌ریزی مدیریت ارتباطات، کنترل ارتباطات و مدیریت ارتباطات اولویت‌بندی شد. در حوزه مدیریت ریسک، برنامه‌ریزی مدیریت ریسک، شناسایی ریسک‌ها، برنامه‌ریزی واکنش به ریسک، کنترل ریسک‌ها، تحلیل کیفی ریسک‌ها و تحلیل کمی ریسک‌ها به‌دست آمد. در حوزه مدیریت تدارکات اجرای تدارکات، برنامه‌ریزی مدیریت تدارکات، کنترل تدارکات و خاتمه تدارکات اولویت‌بندی شد.

و در حوزه مدیریت ذی‌نفعان برنامه‌ریزی، مدیریت ذی‌نفعان، کنترل مشارکت ذی‌نفعان، شناسایی ذی‌نفعان و مدیریت مشارکت ذی‌نفعان مهم‌ترین عوامل به‌ترتیب اند. با نگاهی به این اولویت‌بندی و نتایج به دست آمده، پیش‌نهاد می‌شود به منظور افزایش عمل‌کرد هدایت و مدیریت

کار پروژه و کاهش و یا حذف تأخیرات در پروژه‌های عمرانی شهری شهر هرات افغانستان، و اهمیتی که این پروژه‌ها دارند، تجدید نظری در عمل‌کرد مدیران این پروژه‌ها شود و با ارائه طرح و برنامه‌های مدیریت و ابلاغ آن به مدیران در شیوه عمل‌کرد این مدیران تغییر ایجاد شود و با افزایش سطح دانش مدیریت در این مدیران، مسیر را در افزایش عمل‌کرد هدایت و مدیریت کار پروژه هم‌وار نمایند.

سرچشمه‌ها

۱. آزادیکخواه قهستانی، فرهاد و محمدی زاده، محسن. (۱۳۹۹). «علل تأخیر در ساخت پروژه‌های عمرانی در شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر سیرجان». تهران: هشتمین کنفرانس ملی مهندسی عمران، معماری و توسعه شهری پایدار.
۲. اسکاره تهرانی، حسین؛ کاظمی، مهدی؛ رضازاده مهریزی، محمد حسین. (۱۳۸۶). «مدلی برای مستندسازی دانش پروژه براساس سطوح مختلف سازمان و استاندارد دانش مدیریت پروژه». ایران: سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت پروژه.
۳. انور، محمد عابد. (۱۳۹۹). «بررسی علل تأخیر پروژه‌های عمرانی (مطالعه موردی: پروژه اعمار سیستم فاضلاب شهری شهرداری هرات)». هرات: مجله علمی - پژوهشی دانش‌گاه غالب. سال نهم. سلسله ۳۱. شماره ۴.
۴. توکلان، مهدی و رضا سهرابی. (۱۳۹۵). «ارزیابی علل تأخیرات و مشکلات پروژه‌های عمرانی کشور با در نظر گرفتن اثر مدیریت پروژه در ریسک ناشی از زمان و هزینه اجرایی». کنگره بین‌المللی تحولات نوین پایداری در معماری، شهرسازی، عمران و مهندسی ساختمان، ترکیه، استانبول: مرکز صنعت و ساخت‌وساز YEM، کنسرسیوم آناافت شهر دانش‌گاه استانبول تکنیک ترکیه.
۵. عباس‌نژاد، رسول. (۱۳۹۹). «شناسایی عوامل تأخیر در پروژه‌های تحقیقات صنعتی و تعیین میزان تاثیرگذاری این عوامل». ایران، ساری: اولین کنفرانس بین‌المللی چالش‌ها و راه‌کارهای نوین در مهندسی صنایع و مدیریت و حساب‌داری.
۶. مزارعی، مهدی و علی پور، سیما و فیلی، اردلان. (۱۳۹۹). «ارائه تابع تشخیصی جهت پیش‌بینی تأخیرپذیری پروژه‌های تعمیر خط لوله (مورد مطالعه: شرکت نفت و گاز زاگرس جنوبی)». ایران، مشهد: ششمین کنفرانس بین‌المللی مهندسی صنایع و سیستم‌ها (ICISE). (۲۰۲۰).

۷. عیدی وندی، سعید و چاله کاهی، علیرضا. (۱۳۹۹). «شناسایی علل تأخیر در پروژه‌های بزرگ مهندسی استان مازندران». ایران: دومین کنفرانس محیط زیست، عمران، معماری و شهرسازی.

۸. نیلی پور طباطبایی، اکبر، حسینی، سید مختار. (۱۳۹۲). «مقایسه و تحلیل استاندارد ۲۰۱۳ دانش مدیریت پروژه و استاندارد جدید ISO 21500». ایران: دومین کنفرانس ملی مهندسی صنایع و سیستم‌ها.

۹. حافظانیا، محمدرضا. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. چاپ بیسم. تهران: انتشارات سمت.

۱۰. قدسی پور، سید حسن. (۱۳۸۹). فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات دانش‌گاه صنعتی امیرکبیر.

۱۱. خاکی، غلامرضا. (۱۳۹۱). روش تحقیق با روی‌کردی به پایان‌نامه‌نویسی. چاپ دهم. ایران: مرکز تحقیقات علمی کشور، کانون انتشاراتی درایت.

12. Ejaz, N., Ali, I., & Tahir, M. F. (2011). "Assessment of delays and cost overruns during construction projects in Pakistan". *International Journal of Project Management* 45(2), 11-20.
13. Gasik, S. (2011). "A model of project knowledge management". *Project Management Journal*, 42(3), 23-44.

بررسی تأثیر فرهنگ قبیله‌یی و آدهو کراسی بر فساد اداری*

(مطالعه موردی: سازمان‌های دولتی ولایت‌های هرات و فراه)

نگارنده: علی احمد امیری**

چکیده

فساد اداری، یکی از مهم‌ترین معضلات عدم رشد و توسعه کشورهای می‌باشد، که اکثریت سازمان‌های دولتی با این معضل دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این پدیده، دارای عوامل مختلفی می‌باشد، که یکی از آن عوامل، فرهنگ است. بناءً پژوهش حاضر با عنوان «بررسی تأثیر فرهنگ قبیله‌یی و آدهو کراسی بر فساد اداری در سازمان‌های دولتی ولایت‌های هرات و فراه» می‌باشد، که فرهنگ قبیله‌یی و آدهو کراسی به‌عنوان متغیرهای مستقل و فساد اداری به‌عنوان متغیر تابع است. هدف اصلی مورد بررسی در این پژوهش، بررسی تأثیر فرهنگ قبیله‌یی و آدهو کراسی بر فساد اداری در سازمان‌های دولتی هرات و فراه بوده است. سؤال اصلی این تحقیق این بوده‌است که: آیا فرهنگ قبیله‌یی و آدهو کراسی بر فساد اداری تأثیر معنادار دارد؟ چنان به نظر می‌رسد که: بین فرهنگ قبیله‌یی و آدهو کراسی بر فساد اداری رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. داده‌ها بعد از جمع‌آوری از طریق برنامه SmartPLS مورد آزمون قرار گرفته‌است. جامعه آماری این تحقیق، ۷۰ سازمان دولتی هرات و فراه بودند، که به روش تصادفی برای شان پرسش‌نامه توزیع گردید و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش پژوهش در این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و جمع‌آوری داده‌ها، کمی بوده است. نتایج حاکی از آن است، که فرهنگ قبیله‌یی و آدهو کراسی بر فساد اداری تأثیر مثبت دارد.

واژه‌گان کلیدی: فرهنگ قبیله‌یی، فرهنگ آدهو کراسی، فساد اداری و سازمان‌های

دولتی هرات و فراه.

* این مقاله بخشی از پایان‌نامه نگارنده در مقطع فوق‌لیسانس است، که در دانش‌گاه فردوسی مشهد دفاع گردیده است.

** کادر اداری پوهنتون غالب هرات (Aliahmadamiri10@gmail.com)

ISSN

Printed: 2788-4155

Online: 2788-6441

Received Date: 12 /05 / 2021

Accepted Date: 17 / 10 / 2021

Investigating the effect of Clan and Adhocracy Culture on Administrative Corruption

(Case study: Government offices in Herat and Farah)

Author: Ali Ahmad Amiri*

Abstract

Corruption is one of the most important problems of lack of growth and development of countries that most government organizations struggle with this problem. This phenomenon has various factors, which, one of them is culture. Therefore, the present study is entitled to study the effect of Clan culture and adhocracy on corruption in government organizations in Herat and Farah provinces, in which Clan culture and adhocracy as independent variables and corruption as a dependent variable. The main purpose of this study was to investigate the effect of Clan culture and adhocracy on corruption in government organizations in Herat and Farah. The main question of this research was: Do clan culture and adhocracy have a significant effect on corruption? It seems that: There is a significant and positive relationship between clan culture and adhocracy on corruption. Data were collected and tested using the Smart PLS program. The statistical population of this study was 70 government organizations of Herat and Farah, for which a questionnaire was randomly distributed and analyzed. The research method in this research was quantitative in terms of applied purpose and in terms of data collection. The results show that clan culture and adhocracy have a positive effect on corruption.

Key Words: Clan Culture, Adhocracy Culture, Administrative Corruption, Governmental Organization of Herat and Farah Province

* Administrative staff of Ghalib University – Herat (Aliahmadamiri10@gmail.com)

مقدمه

امروزه فساد اداری به یک معضل عمومی در کشورهای درحال توسعه و نیز در برخی از کشورهای توسعه‌یافته تبدیل شده است و بیش‌تر کشورها با این پدیده، دست‌وپنجه نرم می‌کند. ریشه‌کن کردن فساد، زمان‌بر بوده است و فساد را در یک حیطهٔ زمانی بلندمدت و با دردست‌داشتن برنامه‌های جامع و سالم، می‌توان کاهش داد و به‌مرور زمان از بین بُرد. فساد در سراسر جهان فراگیر است و بیش از دوسوم تمام کشورهای جهان از فساد بالایی رنج می‌برد. فساد اداری را در فعالیت‌های مختلفی از جمله رشوه‌خواری، اختلاس، تبانی با بخش خصوصی و قوم‌پرستی زمانی می‌توان دید، که کارمندان فاسد عموماً قواعد و قوانین دولتی را نقض می‌کنند؛ لذا لازم بود تا پیرامون این مسألهٔ مهم اجتماعی، پژوهش صورت گیرد تا در راستای یافته‌های آن‌ها، برنامه‌های منظمی جهت مقابله با این پدیده، طرح‌ریزی و اجرایی گردد.

در ارتباط به پیشینهٔ تحقیق، تحقیقی تحت عنوان: «بررسی تأثیر فرهنگ شرکتی و فساد اداری»، از داگ لاس کیمیا و هم‌کاران است، که در ژورنال پروکوئست در ایالات متحده آمریکا، در ۲۰۱۳ به چاپ رسیده است. در این تحقیق که در سازمان‌های غیردولتی کشور کنیا انجام شده، یافته‌ها نشان‌گر این هستند که اثر فرهنگ قبیله‌یی و ادھوکرآسی بر فساد اداری منفی و معنادار است (۱۰۳). تحقیق دیگری با عنوان «بررسی تأثیر فرهنگ و فرهنگ سازمانی بر فساد اداری» است، که الجوندی و هم‌کاران در سال ۲۰۱۹ در شهر بصره، کشور عراق انجام داده‌اند و در مجلهٔ بین‌المللی اقتصاد و تحقیقات بازرگانی، سلسلهٔ ۱۸، شمارهٔ چهارم، سال ۲۰۱۹ به نشر رسیده است. این تحقیق با استفاده از نظریات کارمندان، استادان، دانش‌آموزان و افراد جامعه در شهر بصرهٔ عراق انجام گردیده است، قسمی که یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند، فرهنگ فاسد ضعیف و فرهنگ سازمانی ضعیف، تأثیر مستقیم بر فساد اداری داشته و فرهنگ فاسد منجر به ضعف فرهنگ سازمانی می‌گردد.

هدف تحقیق حاضر این است تا به این پرسش پاسخ دهد که: آیا فرهنگ قبیله‌یی و ادھوکرآسی بر فساد اداری تأثیر دارد؟

با توجه به موارد یادشده، این تحقیق میدانی، با استفاده از ابزار کتاب‌خانه‌یی، سعی دارد داده‌های کمی را با شیوهٔ توصیفی - پیمایشی پیرامون تأثیر فرهنگ قبیله‌یی و ادھوکرآسی بر فساد اداری در اداره‌های دولتی هرات و فراه مشخص سازد.

یافته‌های نگارنده بیان‌گر این هستند که: فرهنگ قبیله‌یی و ادھوکرآسی بر فساد اداری تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ یعنی با افزایش این دو نوع فرهنگ در سازمان‌ها، فساد اداری افزایش می‌یابد و در کاهش آن‌ها فساد اداری، رو به کاهش می‌گذارد.

روش کار در این تحقیق، از لحاظ هدف کاربردی است؛ نظر به ماهیت تحقیق، روش توصیفی - پیمایشی می‌باشد. در این تحقیق از منابع دست‌اول و دست‌دوم استفاده شده است. منابع دست‌اول عبارت از پرسش‌نامه‌هایی است که به کارمندان توزیع گردیده است. منابع دست‌دوم کتاب‌های علمی، مقالات علمی و همچنین سایر مستندات معتبر علمی دیگر است، که در این تحقیق از آن‌ها در قسمت مبانی نظری استفاده به عمل آمده است. جهت گردآوری اطلاعات و داده‌ها و همچنین پاسخ به پرسش‌های تحقیق از ابزار پرسش‌نامه، که نوع پرسش‌نامه در این تحقیق پرسش‌نامه بسته (پرسش‌نامه با توجه به طیف لیکرت مشخص شده است، که هیچ پاسخی در اختیار پاسخ‌دهندگان وجود ندارد)، می‌باشد. پرسش‌نامه مذکور دارای دو بخش می‌باشد، که در بخش نخست مشخصات کلی پرسش‌شونده‌گان و در بخش دوم، پرسش‌ها مبتنی بر مؤلفه‌های تحقیق است، که در این بخش پرسش‌های تحقیق بر اساس متغیرهای مستقل (فرهنگ قبیله‌یی و ادهو کراسی) و متغیر تابع (فساد اداری) ترتیب یافته است. پرسش‌ها بین ۷۰ سازمان دولتی هرات و فراه، با حجم نمونه ۳۱۰ نفر توزیع گردیده؛ سپس به وسیله نرم‌افزار آموس، تجزیه و تحلیل شده است.

چیستی فساد اداری

واژه «فساد» از ریشه «فَسَدَ»، به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است. معادل انگلیسی آن، Corruption، برگرفته شده از ریشه لاتینی Corruptus، به معنای شکستن و نقص کردن است. چیزی که شکسته یا نقص می‌شود، می‌تواند قواعد و مقررات اداری باشد؛ بدین معنا، فساد، یعنی هر پدیده‌یی که مجموعه‌یی را از اهداف و فعالیت‌های خود باز دارد (شفیع‌پور؛ ۱۳۹۶: ۱۳)؛ اگرچه مسأله چه‌گونه‌گی به‌ترین تعریف فساد ممکن است توسط برخی از محققان به‌عنوان یک موضوع در گذشته در نظر گرفته شود، اما تا هنوز به دلیل نسبی بودن فرهنگ، مسأله‌یی پیچیده است (Anderson; 2008: 20 / seligson; 2006: 32 / collier; 2002: 20).

طبق گفته لانگست (۲۰۰۶)، هیچ تعریف واحد، جامع و پذیرفته‌شده جهانی از این موضوع وجود ندارد؛ زیرا سعی و تلاش در تعریف آن با مشکلاتی هم‌چون حقوقی، جرم‌شناسی و سیاسی روبه‌رو شده است؛ باین‌وجود، شفافیت بین‌الملل گزارشی در سال (۱۹۹۵) منتشر کرد، که در آن فساد استاندارد را سوءاستفاده از مناصب عمومی برای منافع شخصی تعریف کرده است. طبق گفته شفافیت بین‌الملل، هر عملی که موجب خسارت عمومی در سازمان‌های عمومی گردد، که هدفش مزایای فردی و یا مزایای بی‌مورد گروه باشد، فساد نامیده می‌شود؛ باین‌حال، این تعریف برای مشاهده فساد اداری به روشی محدود، که فقط در بخش دولتی می‌افتد، می‌باشد؛ درحالی‌که در بخش‌های دیگر نیز

فساد رخ می‌دهد، به شدت موردانتقاد قرار گرفته است (Mbaku; 2007: 155 / Klitgaard; 1998: 155). برای قراردادن فساد در یک متن مناسب، سوءاستفاده از قدرت می‌تواند به نفع حزب، قبیله، نژاد، خانواده، دوستان یا کشور در مقابل سود شخصی باشد (Mbaku; 2007: 155).

از آنجایی که فساد اداری، دارای تعاریف متعددی می‌باشد، بنا بر یکی از آن تعاریف، که توسط هالوین ارائه شده است، به جنبه‌های زیر اشاره داشته است و این جنبه‌های فساد را به رسمیت می‌شناسد:

الف: فساد یک انحراف از معیار است

فساد اداری، نقض سیاست‌های مدون و نانوشته توسط سازمان می‌باشد (Leo; 2005: 34). فساد اداری به اقداماتی گفته می‌شود که ناشی از به‌کارگیری قدرت و توان سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت برای کسب منافع مالی فردی یا گروهی است. فساد به‌طور کلی غیر اخلاقی تلقی می‌شود، اگرچه ممکن است مردم در مورد هنجارهایی که تعیین‌کننده شخص فاسد و یا سازمان فاسد است اختلاف نظر داشته و موافق نباشند (De Graaf; 2007: 34). برخی از اقدامات ممکن است مطابق با آداب و رسوم سازمان‌ها توجیه شود؛ درحالی‌که دیگران ممکن است به یک سازمان خاص وابسته نباشند.

ب: فساد، مبتنی بر زمینه است

فساد در هر فرهنگی متفاوت است؛ و در محیط‌های مختلف فرهنگی، به‌گونه‌یی متفاوت بروز می‌یابد (Collier; 2002: 32). در برخی فرهنگ‌ها، هیچ تمایزی بین زنده‌گی خصوصی و عمومی و خصوصی‌سازی وجود ندارد، و این اقدامات از نظر اخلاقی غلط یا ممنوع تلقی نمی‌شود (De Graaf; 2007: 34).

ج: فساد مبتنی بر قدرت

شخصی که دست به اقدامات فاسد می‌زند، باید در موقعیتی باشد که بتواند قوانین را دور بزند (Leo; 2005: 34 & Vian; 2008: 34). گیلمن و جیل من، در مطالعه خود در سال (۲۰۰۴) دریافتند، که همه آژانس‌ها (نماینده‌ها) اعطاکننده برخی از تجارب را در زمینه اقدامات فسادآمیز تجربه کرده‌اند و تعداد قابل توجهی از این فعالیت‌ها شامل مدیران ارشد می‌شود، که دسترسی به

قدرت و بودجه را داشته‌اند؛ باین حال، ممکن است کارکنانی که در موقعیت مطلق قدرت در سازمان نباشند، هنوز هم امکان دسترسی آن‌ها به نیرویی که گیرنده‌گان خدمت را مدیریت می‌کنند وجود دارد (Halloway; 2001: 34).

د: فساد مبتنی بر سود

انگیزه شخصی که درگیر اعمال فاسد است، می‌تواند در سطح شخصی و یا سطح سازمانی باشد (Halloway; 2001: 15). مطالعه‌ی توسط پینتو و هم‌کاران در سال (۲۰۰۸) دو نوع فساد را در سطح سازمان شناسایی کرد. اول، سازمان فاسد است؛ و دوم، افرادی در سازمان فاسد اند. پینتو و هم‌کاران (۲۰۰۸) توضیح می‌دهند که سازمان فاسد به‌عنوان یک گروه از پرسونل مدیریت عالی یا افرادی مسلطاند که در مجموع به شکل فاسدانه به نفع سازمان عمل کنند؛ از طرفی افرادی فاسد در سازمان، آن‌هایی‌اند که در آن سازمان بخش قابل توجهی از اعضای سازمان در درجه اول به شکل فاسدانه برای منافع شخصی خود عمل می‌کنند (Ashforth et al; 2008: 35). در هر دو مورد سازمان واحد اصلی و کانونی است، و فساد ناشی از منافع شخصی است (Beugre; 2010: 35)؛ به‌طور مثال، فساد اداری در ادارات پولیس توسط مأمورین منفرد می‌تواند چنان بومی شود که خود این اداره نیز فاسد تلقی شود؛ درحالی‌که همه سازمان‌ها در معرض ابتلا به فعالیت‌های جنایی هستند، این کار آن‌ها را مجرم نمی‌داند، تا زمانی‌که دست به چنین فعالیت‌هایی بزنند؛ هم‌چنین، عباس‌زاده‌گان (۱۳۸۳: ۶)، تعاریف فساد را در چهار دسته قابل تقسیم‌بندی می‌داند:

الف) تعریف قانونی فساد اداری: استفاده غیر قانونی از اختیارات اداری - دولتی برای نفع شخصی (همان‌جا)؛

ب) تعریف فساد بر مبنای افکار عمومی جامعه: برخی از پژوهش‌گران و اندیش‌مندان بر این باوراند که فساد اداری را باید با توجه به دیدگاه و نظریات عمومی مردم تعریف کرد. در این راستا اقدام در چهارچوب فعالیت‌های اداری - دولتی، مصداق فساد را می‌یابد، که از دید مردم یک جامعه غیر اخلاقی و مضر باشد (همان‌جا). مشکل این تعریف این است، که اغلب اوقات دیدگاه و نظریات همه مردم یک‌سان نیست؛

ج) تعریف فساد بر اساس منافع عمومی: برخی از پژوهش‌گران و اندیش‌مندان فساد اداری را عبارت از اقدامات کارمندان و مسؤولان دولت می‌دانند، که نخست به منافع عمومی لطمه بزنند و دوم، هدف از انجام آن رساندن فایده به کارمند یا به شخص سوم، که کارمند را برای انجام این اقدام امر کرده است، باشد (همان‌جا)؛

د) تعریف فساد اداری براساس نقش و وابسته‌گی‌های اجتماعی و خانواده‌گی در تصمیمات کارمندان: تانزی (۱۳۸۷) معتقد است، که یک کارمند زمانی مرتکب فساد اداری شده است، که در اتخاذ تصمیمات اداری تحت تأثیر منافع شخصی یا روابط و علایق خانواده‌گی و دوستی‌های اجتماعی قرار گرفته است (تانزی؛ ۱۳۸۷: ۶).
در این مطالعه، منظور از فساد اداری ادراک‌شده، سوءاستفاده از قدرت، فشار سوءاستفاده از قدرت، تبنای با بخش‌های خصوصی، چیره‌شدن روابط بر ضوابط می‌باشد، که این خود به نحوی توانسته شایسته‌سالاری را از بین ببرد و باعث به‌وجودآمدن پدیده شوم فساد گردد.

فرهنگ سازمانی

پیوند فرهنگ و سازمان، یک مفهوم چندبُعدی بوده، که به‌طور مستقل در چندین رشته، مانند جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، رفتار سازمانی و مردم‌شناسی توسعه یافته، که غالباً فرهنگ و ایدئولوژی را به‌عنوان اجزای جدایی‌ناپذیر عمل کرد جامعه ارائه داده‌اند (Schein; 1990: 65 / Keyton; 2003: 65). مطالعه سازمانی فرهنگ را می‌توان به دهه ۱۹۵۰ بازگرداند؛ اما پیش‌رفت قابل توجه در قلمرو دانش‌گاهی در دهه ۱۹۸۰ نمود (Fisher & Alford; 2000: 66). هافستد و هم‌کاران (۱۹۹۰) نشان می‌دهند که اصطلاح فرهنگ سازمانی در اواخر دهه (۱۹۷۰) وارد ادبیات دانش‌گاهی ایالات متحده با مقاله‌یی در فصل‌نامه علوم اداری شد. در اوایل دهه (۱۹۸۰)، کتابی در جست‌وجوی تعالی توسط پیترز و واترمن^۱ (۱۹۸۰) یک مورد قوی را ارائه داد، که کلید عمل کرد تجاری را باید در فرهنگ قوی یک سازمان جست‌وجو کرد. در طی این مدت برخی ادبیات در مورد زمینه‌های خاصی از فرهنگ شرکتی، مانند چه‌گونه‌گی ایجاد یا آموختن فرهنگ، ابعاد فرهنگ و انواع مختلف فرهنگ سازمانی ظهور کرد (Cameron & Quin; 1999: 65). مطالعه فرهنگ سازمانی از آن زمان به بعد، بلوغ یافته و فراتر از ایالات متحده به اروپا و سایر نقاط جهان گسترش یافت (Schein; 1990: 66 & Etal Hofstede; 2011: 66 / Keyton; 2004: 66). فرهنگ سازمانی امروزه مهم‌تر از دهه (۱۹۷۰) است، زمانی که دانش‌مندان تمرکز خود را روی اثربخشی یک سازمان معطوف داشته‌اند (Schein; 1992: 67). در دنیای کنونی، سازمان‌ها با افزایش رقابت، جهانی‌شدن، ادغام، تصرفات و اتحادیه‌هایی که مطالعه به‌موقع فرهنگ سازمانی را انجام می‌دهند روبه‌رو هستند.

¹ Peterz & Watermenz

تعریف فرهنگ سازمانی

در مورد چه گونه‌گی تعریف مفهوم فرهنگ سازمانی میان دانش‌مندان اتفاق نظر وجود ندارد. فیشر و آلفورد می‌گویند، که در یک زمان بیش از ۱۶۴ تعریف از فرهنگ وجود داشته، که این خود نشان‌گر عمق موضوع بوده است؛ اما در عین حال، نیاز به اجماع و اتفاق نظر وجود دارد؛ اگرچه تعاریف زیادی از فرهنگ سازمانی وجود دارد، ولی برخی از آن‌ها سزاوار ذکر شدن را دارد. طبق گفته هافستد (۱۹۹۰) فرهنگ‌های سازمانی، مجموعه‌یی از برنامه‌نویسی ذهن هستند که اعضای یک سازمان را از سازمان‌های دیگر متمایز می‌کنند. این به اعضای یک سازمان کمک می‌کند تا بدانند آن‌ها کی هستند، چه گونه به همان شکلی که هستند باشند، و چه گونه کارها را به صورت گروهی و یا سازمانی انجام می‌دهند، بدانند (Salanki; 2010: 65). این انتساب معنا را صرفاً ایجاد حس میان کارمندان در سازمان می‌داند (Keyton; 2011: 65). فرهنگ سازمانی، به سیستمی از ارزش‌ها و اعتقاداتی که توسط گروه خاصی از اعضا در همگن‌سازی مشترکات طولانی مدت مفاهیم در مورد چیزهای مختلف است، گفته می‌شود (Salanki; 2010: 66). طبق نظر شاین، فرهنگ سازمانی، الگویی از مفروضات اساسی است، که توسط یک گروه معین اختراع، کشف یا توسعه یافته، که می‌آموزد چه گونه با چالش‌های سازگاری خارجی و یک‌پارچه‌سازی داخلی کنار آید. به گفته شاین (۱۹۸۹) و سالانکی (۲۰۱۰)، طرح دو عمل کرد اساسی فرهنگ سازمانی عبارت‌اند از:

۱. عمل کرد یک‌پارچه‌سازی داخلی فرهنگ سازمانی؛

۲. عمل کرد سازگاری خارجی فرهنگ سازمانی؛

با گذشت زمان، به خصوص، اگر سازمان با موفقیت رقابت می‌کند، کارکنان آن می‌آموزند که چه گونه با تقاضاهای خارجی مشتریان و دیوان‌سالاران و حفظ ثبات داخلی برای انجام مأموریت‌های خود کنار بیایند (Schein; 1990: 66). عمل کرد یک‌پارچه‌سازی داخلی، روش‌های ارتباطی، معیارهای تناسب با جامعه، هنجارهای تنظیم‌کننده انتساب وضعیت به هر یک از اعضا، قوانینی که روابط اجتماعی رفتارهای مطلوب و نامطلوب را ساختار می‌بخشد، تعیین می‌کند. هدف اصلی عمل کرد سازگاری خارجی، ایجاد یک اجماع گسترده نسبت به موقعیت سازمان در محیط خارج و به‌طور کلی فضای عمومی می‌باشد (Salanki; 2010: 67). این شامل این موضوع است، که چه گونه سازمان می‌تواند چهره و رسالت خود را در دنیای خارج حفظ کند. فرهنگ شرکتی را می‌توان به‌عنوان جوهر زندگی سازمانی خلاصه کرد، که به کارکنان کمک می‌کند تا نحوه برخورد با چالش‌های روزمره را درک نمایند و کار و مأموریت سازمان خود را برآورده کنند. طبق ادبیات همه سازمان‌ها برای مدتی دارای فرهنگ می‌باشند، اما برخی از فرهنگ‌ها قوی هستند و بر نتایج بیش از

دیگران متمرکز شده‌اند (Chatman & Jehn; 1994: 67). فرهنگ سازمانی قوی، در سازمان‌های تأثیرگذار دیده می‌شود، که در آن آسان نیست، که نظارت بر کار را به دلیل فرکانس بالا در خارج از سایت کار، مثلاً در بخش ارائه خدمات انجام دهد (همان: ۶۸). سازمانی با فرهنگ قوی، که تأکید آن بر پای‌بندی به مجموعه‌یی منسجم از اعتقادات، هنجارها، روش‌ها، اصول اساسی و فرضیات باشد، مؤثرتر از زمانی است که نسبت به مواردی دارای ضعف، ناسازگاری و فرهنگ ناسازگار باشد (Yeun Seok Etal; 2010: 68). فرهنگی قوی و مهم است که پرورش‌دهنده انگیزه و یک‌نواختی بوده و می‌تواند به ادغام داخلی بینجامد (Schien; 1992: 69). متأسفانه یک فرهنگ قوی، می‌تواند به جابه‌جایی مأموریت سازمان کمک کند؛ از این رو، یک سازمان باید به اندازه کافی جهت‌سازگاری با محیط خارجی، بدون ازدست‌دادن ارزش‌های اساسی و بی‌نظمی مفروضات، که برای بقا و موفقیت آن مهم می‌باشند، انعطاف‌پذیر باشد (همان‌جا). با توجه به جهان در حال تغییر، هر سازمانی به فرهنگی نیاز دارد، که از نظر تجویز هنجارها و الگوهای رفتاری خاص، کم‌تر به ضرر سازگاری فراگیر است.

ویژه‌گی‌های فرهنگ سازمانی

طبق گفته کیتون، پنج ویژه‌گی مهم فرهنگ سازمانی به شرح زیر اند:

۱. فرهنگ سازمانی، با اعضای سازمان پیوند ناگسستنی دارد.

فرهنگ سازمانی، نمی‌تواند مستقل از اعضای گروهی که آن را ایجاد کرده‌اند وجود داشته باشد (Keyton; 2011: 48 & Schein; 1992: 45). طبق نظر شاین (۱۹۹۰) هر گروه قابل تعریف با یک تاریخچه و تجربیات مشترک، دارای یک فرهنگ، که می‌تواند به روش‌های مختلف مشاهده شود، تعیین می‌گردد. فرهنگ شرکتی باید توسط گروهی که از نظر اندازه متفاوت باشد، به اشتراک گذاشته شود. فرهنگی که غیر قابل لمس است، شامل رفتارهای انسانی اعضای سازمانی است، که همه با هم‌دیگر تعامل دارند؛ بنابراین، از طریق شیوه‌های سازمانی، ارزش‌ها، داستان‌ها، اهداف و فلسفه‌ها ارتباط برقرار می‌نمایند (Hofstede; 2001: 48).

۲. فرهنگ سازمانی پویاست.

تغییر فرهنگ سازمانی، بعد از ایجاد ثبات، آسان نیست؛ اما به همان اندازه پویاست و به هر دو شرایط داخلی و خارجی تکامل می‌یابد (Keyton; 2001: 23 & Hofstede; 2001: 48)؛ اما وقتی افراد جدیدی به سازمان می‌پیوندند و دیگران از آن خارج می‌شوند، تغییرات رخ می‌دهند.

کارمندان ورودی، چشم‌اندازهایی را به وجود می‌آورند که می‌توانند فرهنگ موجود را تحت تأثیر قرار دهند (Cooke & Rosseau; 1988: 23). فرهنگ سازمانی هم‌چنین می‌تواند زمانی تغییر نماید، که رهبری سازمان روی کردهای مختلفی را به دلیل فشار در تأمین نیازهای مشتریان خود و یا تکمیل مأموریت با موفقیت تصویب نمایند (Keyton; 2011: 48).

۳. فرهنگ سازمانی، دارای مفروضات و ارزش‌های رقابتی است.

فرهنگ سازمانی، یک موجود واحد نیست؛ بل که دارای ابعاد مختلف می‌باشد. یک سازمان، ممکن است شامل چندین بخش فرهنگی متفاوت باشد، که بخش‌ها ممکن است از گروه‌های کاری مختلف فرهنگی تشکیل شده باشند (Hofstede; 1990: 24). اعضای گروه، این فرصت را دارند، که بیش از یک سیستم اعتقادی یا خرده‌فرهنگ را، با هم‌پوشانی و تمایز عناصر، منجر به مقادیر متعدد و بالقوه رقابتی و فرضیات ایجاد نمایند (Keyton; 2011: 49)؛ باین‌حال، یک فرهنگ غالب یا یک خرده‌فرهنگ در داخل یک سازمان وجود خواهد داشت و داشتن یک فرهنگ مقابله (ضد) در یک سازمان خاص، غیر معمول نیست (Cooke & Rosseau; 1988: 25 / Schein; 1990: 25 / Cameron & Quinn; 1990: 49). مطابق به گفته کوک و روسو (۱۹۸۸)، خرده‌فرهنگ‌ها بازتاب عمل کردهای بی‌شمار و متنوع محیط‌های اجتماعی داخل یک سازمان می‌باشند؛ درحالی‌که فرهنگ‌های متقابل، شیوه‌های تفکر و اعتقادی‌اند، که با فرهنگ‌های غالب در تضاد هستند، می‌باشند. کاندرا و هرست (۲۰۰۹) اظهار داشتند، که اعضای خرده‌فرهنگ، به دلیل نفوذ داخلی از بخش خاص خود و تغییر در ساختار ذهن، تا حدودی درک متفاوت‌تری در مورد سازمان دارند.

۴. فرهنگ سازمانی، پیش‌زمینه و پیشینه‌ی دارد.

اعضای گروه اقدامات فعلی خود (پیش‌زمینه) را بر اساس درک خویش از فرهنگ سازمانی موجود (پیشینه) انجام می‌دهند؛ اگر اعضا، فرهنگ موجود را ایجاد، تقویت و یا متضاد می‌کنند، این امر منجر به ایجاد زمینه جدید در برابر پاسخ‌های آینده تفسیر می‌شوند (Keyton; 2011: 50).

۵. فرهنگ سازمانی به ایجاد حس کمک می‌کند.

سطوح مختلف فرهنگ سازمانی (به‌عنوان مثال مصنوعات، ارزش‌ها و مفروضات اساسی)، در ایجاد حس، که در آن فرایند اعضای گروه به اعمال خود معنا بخشیده، هم‌چنین احساساتی را که در

کار و محیط کار تجربه می‌کنند، منتقل و کمک می‌کند (Keyton; 2011: 19). فرهنگ سازمانی از طریق فرایند تولید حس، به اعضای آن کمک می‌کند تا با فشار از طرف کار و از منابع خارج از کار، درحالی‌که سازمان با رسالت خود ادامه دارد، مقابله نمایند (Schein; 1990: 50).

فرهنگ قومی / قبیله‌یی

طبق نظر کامرون و کوین (۱۹۹۹) فرهنگ قبیله‌یی مشابه سازمان‌های خانواده‌گی است، که حاوی ارزش‌های مشترک، انسجام، اهداف مشترک، کار تیمی و دخالت کارکنان در تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد. چنین سازمانی متعهد به رفاه کارکنانش می‌باشد؛ چرا که آن‌ها را به‌عنوان یک خانواده وسیع می‌بیند، نه یک واحد اقتصادی (Cameron & Quinn; 1999: 62). منظور از فرهنگ قبیله‌یی در این مطالعه، میزانی است که سازمان شبیه خانواده است، تعهد و وفاداری در سازمان بالاست و روحیه افراد در سازمان خوب می‌باشد.

فرهنگ آدهوکرآسی

یکی از عمل‌کردهای فرهنگ شرکتی، سازگاری با محیط همیشه در حال تغییر توسط خلاق بودن و قادر به تغییر شکل سریع خود در صورت بروز شرایط جدید می‌باشد. سازمانی که تحت سلطه فرهنگ آدهوکرآسی است، بر حضور در لبه برتر دانش، به محصولات و خدمات جدید تأکید دارد (Cameron & Quinn; 1999: 62). منظور از فرهنگ آدهوکرآسی در این مطالعه، پویابودن و نوآورانه‌بودن فعالیت سازمان، تعهد سازمان به نوآوری و توسعه بالا و تأکید سازمان بر رشد از طریق کسب منابع جدید می‌باشد.

بررسی اعتبار داده‌ها

شاخص روایی

قبل از برآورد مدل آزمون فرضیه، لازم است معناداری بارهای عاملی نشان‌گرهای پرسش‌نامه مورد بررسی قرار گیرد، تا از معنادار بودن آن‌ها اطمینان حاصل شود. بررسی معناداری بارهای عاملی سؤالات پرسش‌نامه، با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی در نرم‌افزار پی‌ال‌اس به انجام رسید. برای این منظور، پارامترهای مدل عاملی برآوردشده برای سازه‌های مفهومی تحقیق بررسی شدند. براساس شاخص‌های الگوریتم پی‌ال‌اس، که در بخش «بررسی اعتبار مدل ساختاری» گزارش شده است، مدل عاملی از برانده‌گی قابل قبولی به داده‌ها برخوردار می‌باشد. نتایج بررسی روایی داده‌ها در

قالب تحلیل عاملی تأییدی مرحله اول در جدول شماره (۱) ارائه شده است. در این بررسی‌ها مشخص شد، که تمام سؤال‌های پرسش‌نامه معنادار استند و باید در تحلیل‌های بعدی به‌منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق لحاظ شوند؛ بنابراین، در نهایت هر ۱۰ سؤال پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مبنای معناداری سؤال‌ها این بود که سطح معناداری برای آن‌ها زیر ۰/۰۵ و یا عدد معناداری بزرگ‌تر از ۱/۹۶ باشد؛ همچنین، از آن‌جا که معیار میان‌گین واریانس استخراج‌شده برای همه متغیرهای تحقیق از ۰/۵۰ بزرگ‌تر بود، روایی هم‌گرایی داده‌ها نیز مورد تأیید قرار گرفت.

جدول (۱): بررسی اعتبار داده‌ها با شاخص روایی

سؤال	متغیر	بار عاملی	عدد معناداری	سطح معناداری	میان‌گین واریانس استخراج‌شده (AVE)
q1	فرهنگ قبیله‌یی	۰/۷۵۱	۸/۷۶	۰/۰۰۰	۰/۷۰۱
q2		۰/۹۲۴	۵۹/۳۷	۰/۰۰۰	
q3		۰/۸۲۹	۱۴/۴۹	۰/۰۰۰	
q4	فرهنگ اُدھو کراسی	۰/۹۴۶	۱۰۰/۰۳	۰/۰۰۰	۰/۷۱۴
q5		۰/۹۳۲	۶۱/۶۸	۰/۰۰۰	
q6		۰/۸۳۸	۱۶/۷۶	۰/۰۰۰	
q7	فساد اداری	۰/۸۸۶	۷/۳۷	۰/۰۰۰	۰/۷۳۶
Q8		۰/۹۱۷	۷/۶۸	۰/۰۰۰	
Q9		۰/۷۸۷	۶/۲۲	۰/۰۰۰	
Q10		۰/۸۳۵	۶/۳۰	۰/۰۰۰	

بررسی پایایی داده‌ها

پایایی داده‌های جمع‌آوری‌شده، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. در این قسمت، مقدار ضرایب به‌دست آمده برای متغیرهای تحقیق به تفکیک و به شرح جدول شماره (۲) ارائه شده است؛ همان‌طور که مشاهده می‌شود، برای تمام متغیرهای تحقیق، مقدار ضریب پایایی بزرگ‌تر از ۰/۷۰ می‌باشد، که نشان از پایایی مطلوب داده‌های جمع‌آوری‌شده دارد.

جدول (۲): بررسی اعتبار داده‌ها با شاخص پایایی

متغیر	تعداد سؤال	آلفای کرونباخ
فرهنگ قبیله‌یی	۳	۰/۷۸۷
فرهنگ ادھو کراسی	۳	۰/۸۰۰
فساد اداری	۴	۰/۸۸۷

پرسش‌نامه تحقیق

این پرسش‌نامه حاوی سه متغیر بوده، که برای متغیرهای مستقل هرکدام سه سؤال و برای متغیر تابع، چهار سؤال مطرح شده است، که مجموع سؤالات پرسش‌نامه به ۱۰ سؤال می‌رسد؛ هم‌چنان باید گفت که این پرسش‌نامه را محقق ترتیب نکرده است، بل که پرسش‌نامه معتبر و برگرفته شده از مقالات علمی معتبر جهانی می‌باشد.

جدول (۳): پرسش‌نامه تحقیق

مؤلفه	سؤالات	کاملاً مخالفم	مخالفم	نه موافق نه مخالف	موافقم	کاملاً موافقم
فرهنگ قبیله‌یی	سازمانی که من در آن کار می‌کنم، شبیه یک خانواده است، که به نظر می‌رسد افراد خودشان را در آن سهیم می‌دانند.					
	تعهد و وفاداری در سازمانی که من در آن کار می‌کنم بالاست.					
	در سازمانی که من در آن کار می‌کنم روحیه بالای افراد امر مهمی است.					
فرهنگ ادموکراسی	سازمانی که من در آن کار می‌کنم، محیطی بسیار پویا و نوآورانه دارد.					
	در سازمانی که من در آن کار می‌کنم، تعهد به نوآوری و توسعه بالا است.					
	سازمانی که من در آن کار می‌کنم بر رشد از طریق کسب منابع جدید تأکید دارد.					
فساد اداری	رشوه‌خواری به یکی از مظاهر کارهای روزمره در سازمان‌های عمومی مثل سازمان من مبدل شده است.					
	اختلاس یک پدیده گسترده در بین کارمندان دولت، من جمله سازمان من است.					
	بین ادارات دولتی و شرکت‌های ساختمانی در اجرای پروژه‌های دولتی تبانی وجود دارد.					
	در سازمان من هم پدیده خویش و قوم‌پرستی وجود دارد و روابط بر ضوابط می‌چربد.					

برگرفته‌شده از: دیشپانده و فارلی (۲۰۰۴) و الجوندی و هم‌کاران (۲۰۱۹)

تحلیل داده‌ها

با توجه به مسأله پژوهش، این تحقیق در سازمان‌های دولتی هرات و فراه انجام شده است، قسمی که شامل دو متغیر مستقل (فرهنگ قبیله‌یی و ادھوکراسی) و یک متغیر تابع (فساد اداری) می‌باشد. هر متغیر حاوی سؤال‌هایی بوده که سه سؤال مربوط به فرهنگ قبیله‌یی، سه سؤال مربوط به فرهنگ ادھوکراسی و چهار سؤال مربوط به فساد اداری مطرح شده است. از آنجایی که سطح تحلیل در این تحقیق سطح سازمان بوده است. بناءً به تعداد ۳۱۰ پرسش‌نامه بین ۷۰ سازمان دولتی شهر هرات و فراه توزیع گردید، که داده‌ها بعد از جمع‌آوری با استفاده از معادلات ساختاری توسط برنامه آموس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از رابطه مثبت بین فرهنگ قبیله‌یی و ادھوکراسی بر فساد اداری می‌باشد، که این نشان‌دهنده رابطه مستقیم است؛ یعنی اگر سازمان‌ها با این نوع فرهنگ‌ها آراسته شوند، فساد اداری افزایش یافته و اگر در سازمان‌ها این نوع فرهنگ‌ها موجود نباشد فساد اداری کاهش می‌یابد.

تحلیل فرضیه‌ها

۱. فرهنگ قبیله‌یی بر فساد اداری تأثیر معنادار دارد.
با توجه به نتیجه تحلیل‌ها، متغیر فرهنگ قبیله‌یی با ضریب ۰/۴۸ فساد اداری ادراک شده را افزایش داده است؛ از آنجا که سطح معناداری برآوردشده برای این ضریب ۰/۰۰۲ بوده و از ۰/۰۵ کوچک‌تر است، می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه اول تحقیق نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد مثبت و معنادار می‌باشد.

نتیجه	t-value	ضریب	رابطه	فرضیه
تأیید فرضیه	۰/۰۰۲	۰/۴۸۰	فرهنگ قبیله‌یی ← فساد اداری ادراک شده	۱

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق

۲. فرهنگ ادھوکراسی بر فساد اداری تأثیر معنادار دارد.
برای اثر فرهنگ ادھوکراسی بر فساد اداری، ضریب اثر ۰/۱۴ برآورد شده است. با توجه به سطح معناداری محاسبه شده، که برابر با ۰/۰۱۶ بوده و از ۰/۰۵ کوچک‌تر است، نتیجه می‌شود، که این ضریب در سطح اطمینان ۰/۹۵ مثبت و معنادار است؛ به عبارتی، اثر افزایش فرهنگ ادھوکراسی بر فساد اداری از نظر آماری تأیید می‌شود.

نتیجه	p-value	ضریب	رابطه	فرضیه
تأیید فرضیه	۰/۰۱۶	۰/۱۴۷	فرهنگ ادھوکرآسی ← فساد اداری ادراک‌شده	۲

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق

نتیجه‌گیری

با توجه به نتیجه تحلیل‌ها، متغیر فرهنگ قبیله‌یی با ضریب ۰/۴۸ فساد اداری را افزایش داده است؛ از آن‌جا که سطح معناداری برآوردشده، برای این ضریب ۰/۰۰۲ بوده و از ۰/۰۵ کوچک‌تر است، که دلالت بر تأیید فرضیه می‌نماید؛ پس نتیجه می‌شود، که فرهنگ قبیله‌یی بر فساد اداری تأثیرگذار است؛ هم‌چنان اثر فرهنگ ادھوکرآسی بر فساد اداری، ضریب اثر ۰/۱۴ برآورد شده است. با توجه به سطح معناداری محاسبه‌شده، که برابر با ۰/۰۱۶ بوده و از ۰/۰۵ کوچک‌تر است، نتیجه می‌شود که اثر افزایش فرهنگ ادھوکرآسی بر فساد اداری از نظر آماری تأیید می‌شود.

متغیر مستقل	متغیر تابع	ضریب هم‌بستگی	سطح معناداری	حجم نمونه
فرهنگ قبیله‌یی	فساد اداری	۰/۴۸۰	۰/۰۰۲	۷۰
فرهنگ ادھوکرآسی		۰/۱۴۷	۰/۰۱۶	

همان‌طوری که در جدول فوق مشاهده می‌گردد، فرهنگ قبیله‌یی و ادھوکرآسی بر فساد اداری تأثیر مثبت دارد؛ یعنی با افزایش فرهنگ قبیله‌یی و ادھوکرآسی، فساد اداری افزایش و با کاهش آن فساد اداری کاهش می‌یابد.

سرچشمه‌ها

۱. تانزی، ویتو. (۱۳۸۷). «مسأله فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد». ترجمه بهمن آقایی. چاپ سوم. تهران: مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی. ۱۳۸۹، کتاب دوستان.
۲. سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و الهه حجازی. (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: کتاب‌دوستان.
۳. سید صالحی، سیدامیرحسین. (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی (مدل هافستد) بر کاهش فساد اداری» (مطالعه موردی: اداره کل امور مالیاتی مرکز تهران). تهران: دانش‌کده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی. پایان‌نامه برای دریافت مقطع کارشناسی ارشد.

۴. شفیع پور، سیده. (۱۳۹۶). «نقش حکمرانی نوین و فرهنگ سازمانی در کاهش فساد اداری». تهران: پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال دوم، شماره ۵ پیاپی ۷.
۵. عباس زاده گان، سیدمحمد. (۱۳۸۳). **فساد اداری**. تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۶. قاسمی، وحید. (۱۳۸۹). **مدل سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics**. چاپ اول. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۷. گیدنز، آتونی. (۱۳۸۴). **پیامدهای مدرنیت**، ترجمه محسن ثلاثی. چاپ سوم. تهران: کتاب دوستان.

8. Al-Jundi, S. A. Shuhaiber, A. & Al-Emara, S. S. (2019). **"The effect of culture and organizational culture on administrative corruption"**. *International Journal of Economics and Business Research*, 18(4), 436-451.

9. Ashforth, B. E. Gioia, D. A. Robinson, S. L. & Trevino, L. K. (2008). **"Re-viewing organizational corruption"**. *Academy of Management review*, 33(3), 670-684.

10. Beugré, C. D. (2010). **"Resistance to socialization into organizational corruption: A model of deontic justice"**. *Journal of Business and Psychology*, 25(3), 533-541.

11. Cameron, K. S., & Quinn, R. E. (2000). **"Diagnosing and changing organizational culture, based on the competing values framework"**. 1999. *Reading, Massachusettes: Addison Wesley*

12. Chen, T. Y., Chen, Y. M., & Chu, H. C. (2008). **(Developing a trust evaluation method between co-workers in virtual project team for enabling resource sharing and collaboration)**. *Computers in Industry*, 59(6), 565-579

13. Choi, Y. S., Seo, M., Scott, D., & Martin, J. (2010). **"Validation of the organizational culture assessment instrument: An application of the Korean version"**. *Journal of sport management*, 24(2), 169-189.

14. Collier, M. W. (2002). **"Explaining corruption: An institutional choice approach"**. *Crime, Law and Social Change*, 38(1), 1-32.

15. De Graaf, G. (2007). **"Causes of corruption: Towards a contextual theory of corruption"**. *Public Administration Quarterly*, 39-86.

16. Fisher, C. J., & Alford, R. J. (2000). **"Consulting on culture: A new bottom line"**. *Consulting Psychology Journal: Practice and Research*, 52(3), 206.

17. Holloway, R. (2001). **"Corruption and civil society organizations in Indonesia"**. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 36, 676.

18. Keyton, J. (2010). **"Communication and organizational culture: A key to understanding work experiences"**. Sage Publications.

19. Klitgaard, R. (1988). **"Controlling corruption"**. University of California press.
 20. Luo, Y. (2005). **"An organizational perspective of corruption"**. *Management and Organization Review*, 1(1), 119-154.
 21. Mbaku, J. M. (2007). **'Bureaucratic Corruption in Africa: Causes, Consequences and Clean-ups'**. Lanham, MD.
 22. SALÁNKI, V. (2010). **"Organizational Culture and Communication in the Library: A Study on Organizational Culture in the Lucian Blaga Central University Library Cluj"**. *Philobiblon: Transylvanian journal of multidisciplinary research in humanities*, 15.
 23. Schein, E. H. (2004). **Organizational culture and leadership San Francisco**. San Francisco: Jossey-Bass.
 24. Vian, T. (2008). **"Review of corruption in the health sector: theory, methods and interventions"**. *Health policy and planning*, 23(2), 83-94.
-
-